

ماهواره

در ترازوی عقل و دین





تألیف: محمد حامدی
ترجمه: مهدی عبداللهی
به‌کوشش سیروان رحیمی

ماهواره

در ترازوی عقل و دین

تألیف: محمد حامدی

ترجمه: مهدی عبداللهی

به کوشش: سیروان رحیمی

سرشناسه	:	۱۳۴۲ - حامدی، محمد،
عنوان و نام پدیدآور	:	ماهواره/ تالیف محمد حامدی.
مشخصات نشر	:	سنندج: آراس، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهری	:	۲۷۵ص.
شابک	:	۰-۷۱-۶۸۴۰-۶۰۰-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی	:	فیپا
یادداشت	:	کتابنامه:ص.۲۶۷.
موضوع	:	ماهواره‌ها
موضوع	:	ماهواره‌ها-- ایران -- جنبه‌های مذهبی
رده بندی کنگره	:	۱۳۹۲ ۲م۲ح/TL۷۹۶
رده بندی دیویی	:	۶۲۹/۴۶
شماره کتابشناسی ملی	:	۳۳۷۵۵۷۵



انتشارات آراس

ماهواره
در ترازوی عقل و دین

مؤلف: محمد حامدی
مترجم: مهدی عبداالهی
ویراستار: سیروان رحیمی
ناشر: آراس
طراح جلد: شعیب مکتب‌داری
نوبت چاپ: اول، بهار ۱۳۹۴
تیراژ: ۱۰۰۰
قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان
شابک: ۰-۷۱-۶۸۴۰-۶۰۰-۹۷۸

مرکز پخش:
سنندج پاساژ عزتی انتشارات آراس
تلفن: ۰۸۷-۳۳۱۲۸۳۴۱
ایمیل: arasbooks۷۲@gmail.com
ایمیل: arasku.blogfa.com

فهرست مطالب

فهرست مطالب...... ۳
پیشگفتار مترجم...... ۷
مقدمه‌ی مؤلف...... ۱۱
مخاطبان این کتاب...... ۱۵
توشه‌ای برای پذیرش حق...... ۱۷
چند قاعده‌ی قرآنی برای تشخیص وضعیت ایمانی افراد و تعامل درست با ماهواره و سایر و رسانه های جمعی...... ۲۱
اصل اوّل: هدف از زندگی انسان...... ۲۱
اصل دوم: اتخاذ راه اعتدال در رابطه با تقابل سنّت و مُدرنیسم...... ۲۴
اصل سوم: چه زمانی می‌توان از ماهواره استفاده کرد؟...... ۲۹
اصل چهارم: تقدُّم دفع مضرّت بر جلب منفعت...... ۳۳
اصل پنجم: تعارض‌خواهش‌های نفسانی با سعادت و خوشبختی انسان...... ۳۷
اصل ششم: لزوم و نقش بسترسازی‌ها در اصلاح و افساد انسان...... ۴۴
اصل هفتم: حرام بودن مقدمات افعال حرام...... ۵۰
اصل هشتم: مبنای قانون گذاری در اسلام نیاز و مصلحت انسان است نه خواهش‌های نفسانی...... ۵۳
اصل نهم: راه‌های استفاده از نعمات...... ۵۸
اصل دهم: تفاوت قائل شدن میان مقام حقیقت ومقام واقعیت...... ۶۳
اصل یازدهم: پرهیز از کوچک انکاشتن گناهان...... ۶۹

اصل دوازدهم: انجام گناهان صغیره پیش زمینه‌ای برای گناهان کبیره........... ۷۳
اصل سیزدهم: تداوم بر انجام گناهان کوچک و کم اهمیت، عامل بدبختی و شقاوت اخروی... ۷۷
اصل چهاردهم: توجه به اصل خطاپذیری انسان........................... ۷۹
اصل پانزدهم: تداوم و اصرار بر گناهان موجب نابودی واحباط اعمال صالح می‌شود و بالعکس تداوم برانجام اعمال صالح موجب حذف گناهان کمی می‌شود ۸۴
ارتباط گناهان و اعمال صالح و پوشانندههای آن و نابودکنندگان اعمال صالح ۸۷
بیان آیات مربوط به ارتباط اعمال صالح و گناهان ۹۲
آیات مربوط به انواع گناهان در قرآن.. ۱۰۵
آیات مربوط به مسئله‌ی جاودانگی مجرمین در جهنم و عدم اخراج آنها بعد از ورود به آن ۱۱۳
اصل شانزدهم: در اثرتداوم بر انجام گناه -کوچک یا بزرگ -آثارمخرب گناه دامنگیر زندگی انسان می‌شود. ۱۲۰
اصل هفدهم: غفلت و سرگرمی فراتر از حد مجاز، هلاک‌کننده است......... ۱۳۰
اصل هجدهم: انجام گناهان مصرانه، اندک منفعتی راکه در آن است ازبین می‌برد وبرعکس... ۱۳۳
اصل نوزدهم: در اجرای دینداری نباید از سرزنش وطعنه‌ی مخالفان ترسید ۱۳۷
اصل بیستم: تکیه‌ی صرف بر فلسفه‌ی احکام وکارکردگرایی موجب تعطیل برنامه‌ی خدا می‌شود... ۱۴۲
اصل بیست و یکم: ماباید اهل دلیل و منطق و برهان باشیم؛ نه ادعا.......... ۱۴۷
اصل بیست و دوم: غریزه‌ی جنسی، قویترین نوع غریزها......................... ۱۵۰
اصل بیست و سوم: بدبینی نسبت به نقشه‌های اهل کتاب ازجمله یهودیان و مسیحیان منحرف ۱۵۴

اصل بیست و چهارم: حس کنجکاوی، عامل سوق دهنده انسان به برنامه‌های نامناسب ماهواره ای ۱۵۷
اصل بیست و پنجم: از بین رفتن زشتی و قباحت گناه براثرتداوم برآن ۱۶۰
اصل بیست و ششم: محاسبه و بازخواست بسیار دقیق قیامت ۱۶۳
اصل بیست و هفتم: خود را مخاطب قرآن قرار دادن ۱۶۷
اصل بیست و هشتم: منع ورود به جدل‌های ناصواب ۱۷۳
اصل بیست و نهم: علاج واقعه را قبل از وقوع بایدکرد ۱۷۶
اصل سی‌ام: داشتن شهامت در بیان حقایق ۱۷۸
اصل سی و یکم: تقدم شناخت وتحلیل در تعامل با نعمات، صنایع نوظهور و رسانه‌های گروهی ۱۸۲
اصل سی و دوم: قایل شدن به منافع و مضرات موجود در ماهواره ۱۸۴
اصل سی و سوم: شمولیت قواعد مذکور برای همه‌ی وسایل ارتباط جمعی ۱۸۸
مزایای ماهواره ۱۹۱
معایب ماهواره ۱۹۷
اهداف سازندگان برنامه‌های ماهواره‌ای ۲۰۳
انواع برنامه‌های ماهواره ای از جهت حلال یا حرام بودن ۲۰۸
انگیزه‌های صالحان برای تهیه‌ی ماهواره ۲۱۱
توجیهات نادرست برای تهیه‌ی ماهواره ۲۱۵
توجیه اول ۲۱۵
توجیه دوم: ۲۱۷
توجیه سوم: ۲۲۰
توجیه چهارم: ۲۲۱
توجیه پنجم: ۲۲۴
توجیه ششم: ۲۲۷

توجیه هفتم: ۲۳۰
توجیه هشتم: ۲۴۰
توجیه نهم: ۲۴۶
شیوه‌ی استفاده‌ی کشورهای غربی از ماهواره ۲۴۷
راهکارهای برخورد با ماهواره ۲۵۱
راه‌حل نهایی در تعامل با ماهواره ۲۵۵
فهرست منابع و مآخذ ۲۶۳

پیشگفتار مترجم

اللَّهُمَّ إِنَّا نَعُوذُ بِكَ مِنْ أَنْ نَأمُرَ النَّاسَ بِالبِرِّ و التَّقْوَی و نَنْسَی أَنفُسَنا.

در عصر حاضر ابزارهای متعددی برای خدمت بیشتر به جامعه‌ی بشری به وجود آمده‌اند که از آن میان ابزارهایی نظیر موبایل، اینترنت و ماهواره در زندگی انسان‌ها محوریت و نقش بارزتری دارند. این ابزارها به‌دلیل ویژگی‌های خاص خود، فاصله‌ی بین دنیای قدیم و جدید را افزایش داده‌اند و باعث ایجاد تحولات بزرگ مثبت یا منفی در زندگی انسان‌ها ـبه ویژه در کشورهای در حال توسعه شده‌اند.

ماهواره به دلیل تأثیرگذاری و تحول بیشتر در رأس این ابزارها قرار دارد، که به واسطه قدرت بیشتر، کیفیت برترو قیمت ارزان‌ترخود عملا توانسته است متنوع‌تر و پرجاذبه‌تر در دسترس همگان قرار گرفته و کاربران بسیاری را به سوی خود جلب نماید.

در حقیقت می‌توان ماهواره را به جنگلی تشبیه‌کرد که انسان با وارد شدن در آن ممکن است به هر چیز مثبت یا منفی برخورد کند و این امر باعث نیاز شدید و فوری انسان به شناخت مسیر صحیح و در دست داشتن نقشه‌ی راهنمای مناسب در پیمودن این راه پرخطر شده است.

با توجه به حجم زیاد استفاده کنندگان از این وسیله و جوان بودن غالب این کاربران، ضرورت آموزش و راهنمایی در این زمینه بیش از پیش احساس می‌گردد تا بتوان در برابر برخی از سودجویان و افرادی که دارای مقاصد سوء در تهیه‌ی برنامه‌های ماهواره‌ای هستند، قرار گرفت. همچنین با توجه به هجوم گسترده‌ی ماهواره و برنامه‌های آن به زندگی انسان‌ها و نیز ناکارآمدی طرح‌های انجام‌شده برای جلوگیری از استفاده‌های سهل‌انگارانه، بایسته است دولت‌ها و ممالک به جای پافشاری و اصرار بر مواضع خود، نحوه‌ی صحیح استفاده از چنین ابزارهایی را به مردم آموزش دهند. زیرا برای چنین امری تنها وضع قانون و مقررات و ارایه‌ی سیاست کفایت نمی‌کند، بلکه باید در جهت بیداری وجدان و اخلاق افراد جامعه تلاش‌هایی صورت پذیرد تا مردم شخصاً به درستی یا نادرستی مسئله پی ببرند و برخوردی آگاهانه و مدبّرانه با آن داشته باشند. با توجه به کمبود موجود در این زمینه، در این مقطع زمانی افرادی فداکارانه و دلسوزانه در تدارک جبران این نقص برآمده‌اند و برای آگاه ساختن جامعه‌ی انسانی از آسیب‌های موجود در غالب برنامه‌های ماهواره‌ای که عموماً به وسیله‌ی افراد و گروه‌های شهوت‌ران و گرفتار مسائل جنسی تهیه می‌گردند، با ارائه‌ی سخنرانی‌ها و کتاب‌هایی تلاش کرده‌اند جامعه را در حد توان به مسیر اصلی خود بازگردانند؛ که از آن جمله، مؤلف متعهد و محققِ این کتاب است که با کمک جستن از آیات نجات‌بخش قرآن کریم تا حد زیادی در روشن نمودن این مسئله و معضل تلاش کرده و

کتاب حاضـر را چراغی ساخته فرا روی کسانی که قصد وارد شدن آگاهانه و محقّقانه در وادی تاریک و گسترده‌ی ماهواره را دارند.

شـــایان ذکر اســـت که مطالب کتاب به عنوان درس‌گفتارهایی با زبان کُردی ارائه گردیده و با این قلم به زبان فارسی برگردانده شده است. امید است با بهره‌گیری از این رهنمودها بتوانیم خود، خانواده و جامعه را از آفاتی که در پشـــت پرده‌ی برخی از قضایا نهان است آگاه و متوجه سازیم و موجب رضایت خداوند مهربان شویم.

ان شاء الله

تشنگان گر آب جویند از جهان

آب هم جوید به عالم تشنگان

مهدی عبداللهی ۱۳۹۰/۵/۱

مقدمه‌ی مؤلف

الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على خير خلقه محمد و على آله و صحبه اجمعينَ الي يوم الدين.

﴿ قَالَ رَبِّ ٱشْرَحْ لِي صَدْرِي ﴿٢٥﴾ وَيَسِّرْ لِيٓ أَمْرِي ﴿٢٦﴾ وَٱحْلُلْ عُقْدَةً مِّن لِّسَانِي ﴿٢٧﴾ يَفْقَهُوا۟ قَوْلِي ﴿٢٨﴾ ﴾

﴿ رَبَّنَآ ءَاتِنَا مِن لَّدُنكَ رَحْمَةً وَهَيِّئْ لَنَا مِنْ أَمْرِنَا رَشَدًا ﴿١٠﴾ ﴾

در آغاز خداوند را حمد و سپاس می‌گوییم به خاطر نعمت‌هایی که بر ما ارزانی داشته؛ به‌ویژه نعمت ایمان که سعادت و خوشبختی دنیا و قیامت در گرو این نعمت بزرگ است. و نیز خواستار فروفرستادن درود و رحمت الهی بر رهبر و محبوبمان، حضرت محمد مصطفی (ص)، و یاران و پیروان او تا روز قیامت هستیم. همچنین برای شما خوانندگان گرامی که رنج خواندن این کتاب را بر خود هموار کرده‌اید، رحمت فراگیر خداوند را مسئلت مینماییم.

خوانندگان بزرگوار! کتاب پیش رو برگرفته از درس‌گفتارهایی با زبان کُردی است که در سال ۱۳۷۸در رابطه با نحوه‌ی تعامل صحیح با ماهواره ارائه گردیده و از جانب برادر فرزانه و گرامی ام جناب

آقای مهدی عبداللهی به زبان فارسی برگردانده شده است. امید است خداوند منان به ایشان و خانواده‌ی گرامیشان اجر بی پایان عنایت فرماید. همچنین از برادر بسیارگرامی ام جناب آقای سیروان رحیمی به خاطر ویراستاری و تطبیق متن با نوارهای ارائه شده بی نهایت سپاس‌گزارم و از خداوند متعال برای ایشان و خانواده‌ی محترمشان پاداش شایسته خواهانم.

ماهواره؛ پدیده‌ی جدیدی است که به سرعت وارد منازل اغلب مسلمانان شد. به گونه‌ای که حتی مسلمانان مبلّغ و عالمان دینی هم از آن تأثیر پذیرفته و با کم‌دقتی و بدون تحلیل قوی و همه جانبه، از این وسیله به شیوه‌ی نادرست استفاده کرده و می‌کنند.

با توجه به وظیفه‌ی دینی، همانند یک دعوتگر و مبلّغ، خود را مسئول دانستیم در حد توان و آگاهی خود، محصول و ثمره‌ی تفکرات خویش را درباره‌ی این بیماری و راه علاج آن، که حد اعتدال و میانه‌روی است، در خدمت شما خوانندگان گرامی بیان کنیم.

امیدواریم شما بزرگواران نیز در این راستا تحمل فرموده و تا پایان، مطالب کتاب را همراهی فرمایید.

در ابتدا لازم است اشاره‌ای به سوره‌ی «عصر» نمایيم تا بر پایه‌ی فهمی حاصل از این سوره مطالب را دنبال کنیم. خداوند در این سوره می‌فرماید:

﴿وَٱلۡعَصۡرِ ① إِنَّ ٱلۡإِنسَٰنَ لَفِي خُسۡرٍ ② إِلَّا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ

وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ وَتَوَاصَوۡاْ بِٱلۡحَقِّ وَتَوَاصَوۡاْ بِٱلصَّبۡرِ ٣﴾

سوگند به زمان (که سرمایه زندگی انسان، و فرصت تلاش او برای نیل به سعادت دو جهان است)! انسان‌ها همه زیانمندند. مگر کسانی که ایمان می‌آورند، و کارهای شایسته و بایسته می‌کنند، و همدیگر را به تمسک به حق (در عقیده و قول و عمل) سفارش می‌کنند، و یکدیگر را به شکیبائی (در تحمّل سختیها و دشواریها و دردها و رنجهائی) توصیه می‌نمایند (که موجب رضای خدا می‌گردد).

مباحثی که عرضه می‌گردد مباحثی است لازم در جهت کسب سود دنیا و آخرت؛ و پیدا است که محوریت سوره‌ی عصر هم بر پایه‌ی جلب سود و منفعت هر دو سرا است. بنابراین به خاطر اینکه خسران‌زده نشویم و سرمایه و سود یا هر دو از کف ما بیرون نرود، با نیرو گرفتن از این سوره روی خود را به سوی برنامه‌های خداوند آورده تا روش صحیح زندگی کردن را به ما بیاموزند.

مطالب و موضوعات این کتاب در ۹ بخش به شرح ذیل ارائه می‌گردد:

بخش اول به این مطلب می‌پردازد که مخاطب ما در این کتاب کیست؟ و می‌خواهیم با چه گروهی ارتباط برقرار کنیم؟ روشن است که با هرکسی سخن نمی‌گوییم چون ما انتظارات و توقعاتی بر پایه‌ی قوانین قرآنی -که در ادامه بیان خواهد شد -داریم که فهم این مطالب را برای هر کسی مقدور نخواهد کرد.

بخش دوم بیان قواعدی قرآنی است تا به وسیله‌ی معیار و سنجش قرآن، وضعیت ایمانی و نحوه‌ی استفاده‌ی ما از ماهواره

نمودار گردد و امیـدوارایم بـا پندپذیری از قرآن خوشـــبختی دنیا و آخرت را برای خود و جامعه‌ی انسانی فراهم سازیم.

بخش سوم به تشریح مزایا و معایب ماهواره می پردازد.

بخش چهـارم در بر دارنـــده مطـالبی پیرامون برخی از اهـداف ســازندگان برنامه‌های ماهواره‌ای و نیز انواع این برنامه‌ها اســت، که در حقیقت می‌توان این بخش را محور و قلب این کتاب دانست.

بخش پنجم بـــه تبیین انگیزه‌هـای خریـد مـاهواره در جـامعـه می‌پردازد.

بخش شـشم این نکته را مورد بررسی قرار خواهد داد که ما در حـالی کـه از برنامه‌های زیان‌آور ماهواره ای اطلاع داریم؛ اما با چه توجیهاتی اقدام به خرید ماهواره می‌کنیم !؟

بخش هفتم شـیوه‌ی استفاده‌ی اروپاییان و چینی ها از ماهواره و تفاوت آن با نحوه‌ی استفاده‌ی ما را بیان می کند.

بخش هشتم راهکارهای برخورد با ماهواره را توضیح می دهد.

بخش نهم و آخرین فصل ، راه‌حل نهایی در زمینه‌ی تعامل با این پدیده بیان خواهد گردید.

امیدواریم خداوند متعال الطاف خود را نسبت به ما روا دارد و ما را توفیق دهد چنان که خود راضـــی اســـت حق مطلب را ادا کنیم و این توفیق را بر زبان و قلب ما جاری ســـازد و از هر گونه افراط و تفریط ما را مصون دارد. ان شاء الله

محمدحامدی ۱۳۹۱/۱/۷

مخاطبان این کتاب

پیدا است که مسئله‌ی ماهواره، مدت زمان زیادی نیست که گریبانگیر کشور ما شده است. اما با ورود آن، افراد بسیاری بدون تفکر و تحلیل دقیق، از این وسیله استفاده کرده‌اند و ما ضمن احساس خطر نسبت به این موضوع و معاشرت با خانواده‌های پیرامون خود -بویژه خانواده‌هایی که نقش یک دعوتگر دینی را هم برعهده داشته‌اند- مشاهده نموده ایم که به گونه‌ی شایسته و قابل قبول از این وسیله استفاده نکرده و روشی پرهیزکارانه را برای بهره‌گیری از آن انتخاب نکرده‌اند؛ در نتیجه وظیفه‌ی خود دانستیم که اندک تأملی در این موضوع داشته باشیم که در نهایت محصول آن، کتابی است که در دسترس خوانندگان گرامی قرار گرفته است.

بر این اساس اولین گروه از مخاطبان ما عالمان دینی هستند؛ چه آن کسانی که سالیان مدیدی از عمرشان را سپری کرده‌اند و چه آنهایی که جوان و نوظهورند و بیشتر تلاش خود را بر دعوتگری و اصلاح جوانان مسلمان اختصاص داده‌اند.

دیگر گروه مخاطب ما، مردم مسلمان هستند، یعنی آن مردم عامه‌ای که اگرچه جزو دعوتگران اصلی دین نیستند؛ اما خود را مسلمان می‌دانند و نسبت به مسائل حلال و حرام حساس و متعهد

هستند، که این گروه، هم سرپرستان خانواده -یعنی کسانی که مدیریت خانواده را برعهده دارند - و هم افراد تحت تکفّل آنان - یعنی همسر و فرزندان و... را شامل می‌شود.

به عبارت دیگر ما می‌خواهیم این موضوع را بیان کنیم و صادقانه به این مسئله بیندیشیم و آن را در مقابل دیدگان خود مجسّم سازیم که آیا عالمان دینی، سرپرستان خانواده و افراد خانواده واقعاً آنگونه که خداوند از مسلمانان راضی و خشنود است از این وسیله استفاده می‌کنندیا خیر؟

اگر پناه بر خدا آنگونه که خداوند خشنود می‌گردد و به شیوه‌ای پسندیده از ماهواره استفاده نکرده ایم شایسته است که از این مطالب کمک بگیریم و در جهت رضایت پروردگار از سود و ثمره‌ی این وسیله بهره جوییم و خود راaز مضرات آن مصون و محفوظ بداریم.

بدین ترتیب روی سخن ما با کسانی نیست که صادقانه و متعهدانه در حالات آشکار و نهان آنگونه که خداوند راضی است از این وسیله استفاده می‌کنند. چون این گونه افراد مسیر صحیح استفاده از ماهواره را یافته‌اند که خداوند ایشان را بر چنین استفاده و بهره جستنی از ماهواره و سایر رسانه های جمعی یاری دهد و آنان را بر این راه ثابت قدم سازد.

توشه‌ای برای پذیرش حق

به خاطر اینکه به شیوه‌ی پرهیزکارانه این مباحث را دنبال کنیم و در شروع کار نوعی مقاومت و مقابله‌ی نادرست را در خود ایجاد نسازیم لازم است که در این ارتباط از آیات قرآن نیرو و توشه ای برگیریم، چون انسان مسلمان به محض شنیدن و دریافت آیات قرآن باید «سمعنا و اطعنا» گویان تسلیم گردد و با آن زندگی کند. خداوند در آیات ۱ و ۲ سوره‌ی حج می‌فرماید:

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ ٱتَّقُواْ رَبَّكُمْۚ إِنَّ زَلْزَلَةَ ٱلسَّاعَةِ شَيْءٌ عَظِيمٞ ۝١ يَوْمَ تَرَوْنَهَا تَذْهَلُ كُلُّ مُرْضِعَةٍ عَمَّآ أَرْضَعَتْ وَتَضَعُ كُلُّ ذَاتِ حَمْلٍ حَمْلَهَا وَتَرَى ٱلنَّاسَ سُكَٰرَىٰ وَمَا هُم بِسُكَٰرَىٰ وَلَٰكِنَّ عَذَابَ ٱللَّهِ شَدِيدٞ ۝٢﴾

ای مردم! از (عقاب و عذاب) پروردگارتان بترسید (و به یاد روز قیامت باشید). واقعاً زلزله (انفجار جهان و فرو تپیدن ارکان آن، در آستانه) هنگامه رستاخیز، چیز بزرگی (و حادثه هراس‌انگیزی) است. روزی که زلزله رستاخیز را می‌بینید (آن‌چنان هول و هراس سرتا پای مردمان را فرا می‌گیرد که حتی) همه زنان شیردهی که پستان به دهان طفل شیرخوار خود نهاده‌اند، کودک خود را رها و فراموش می‌کنند. و جملگی زنان باردار (از خوف این صحنه بیمناک) سقط جنین می‌نمایند، و (تو ای بیننده!) مردمان را مست می‌بینی، ولی مست نیستند و بلکه عذاب خدا سخت (وحشتناک و هراس‌انگیز) است (و توازن ایشان را به هم زده است و لذا آنان را آشفته و خراب، با چشمان از حدقه به در آمده و با گامهای افتان و خیزان، و با

وضع بی‌سر و سامان و حال پریشان می‌بینی).

خداوند مسئله‌ی قیامت را در این آیات بیان کرده و ما را برای آگاهی از آن روز پرخطر مورد خطاب قرار داده است. زیرا خداوند در این دنیا در مقایسه با آخرت، مجازات سنگینی را برای انسان‌ها قائل نشده، بلکه مسئله‌ی اصلی و اساسی روز قیامت است، آن روزی که هیچ نوع توجیه و عذر نادرستی مورد قبول واقع نمی‌گردد. لذا باید از امروز خود را برای ملاقات آن روز سخت و شدید آماده سازیم.

همچنین خداوند در سوره‌ی تحریم مسئولیت بزرگ سرپرستان خانواده را یادآور می‌شود که سرپرستان خانواده -که در حقیقت تهیه کنندگان ماهواره هستند-در روز قیامت غیر از بازخواست اعمال خود، باید پاسخگوی وضعیت خانواده‌ی خود و نحوه‌ی تربیت آنان نیز باشند. اما پناه بر خدا اگر سرپرستان خانواده با وجود مصون نگه‌داشتن خود از آفات ماهواره درجهت سالم‌سازی خانواده‌ی خود اقدام نکنند در روز قیامت و در دادگاه الهی باید در مقابل این انحراف پاسخگو باشند. بر همین اساس خداوند در آیه‌ی ٦ سوره‌ی تحریم این گونه ما را مورد خاطب قرار می‌دهد و می‌فرماید:

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ قُوٓاْ أَنفُسَكُمۡ وَأَهۡلِيكُمۡ نَارٗا وَقُودُهَا ٱلنَّاسُ وَٱلۡحِجَارَةُ عَلَيۡهَا مَلَٰٓئِكَةٌ غِلَاظٞ شِدَادٞ لَّا يَعۡصُونَ ٱللَّهَ مَآ أَمَرَهُمۡ وَيَفۡعَلُونَ مَا يُؤۡمَرُونَ ۝٦﴾

> ای مؤمنـان! خود و خـانواده خویش را از آتش دوزخی بر کنـار دارید که افروزینه آن انسـان‌ها و سـنگها است. فرشتگانی بر آن گمارده شده‌اند که خشن و سختگیر، و زورمند و توانا هستند. از خدا در آنچه بدیشـان دسـتور داده اسـت نافرمانی نمی‌کنند، و همان چیزی را انجام می‌دهند که بدان مأمور شده‌اند.

از این رو با توجه به آیه فوق ما مسـلمانان نمی‌توانیم نسـبت به وضعیت خانواده‌ی خود بی‌توجه باشیم و عاقلانه نیست که امکانات و وسایلی را که تاکنون آمادگی استفاده‌ی درست از آن فراهم نشده، برای خانواده‌ی خود مهیا کنیم، که در این صـورت نه تنها به تربیت دینی آنان کمکی نکرده‌ایم؛ بلکه فراهم کننده‌ی زمینه‌ای ناپسـند و نامناسـب برای آنان بوده‌ایم و با این کار، حتی ممکن اسـت اندک ایمانی را که پیشـتر در نتیجه تربیت دینی به دسـت آورده بودند، به تدریج از دست بدهند.

چند قاعده‌ی قرآنی براي تشخيص وضعيت ايماني افراد و تعامل درست با ماهواره و ساير و رسانه هاي جمعي

در این فصـــل، از بندهایی صـــحبت خواهیم کرد که خداوند متعـال در قرآن به وســـیله‌ی آنها ما را اندرز و آموزش می‌دهد تااز حیات دنیوی به گونه‌ای اســـتفاده کنیم که صـــلاح و نیکی عاید ما گردد و از این نصـــایح قرآنی چنـان درس بگیریم کـه تک‌تک این بندها –که ارائه می‌گردد–در اصـــلاح نواقص زندگی ایمانی ما مؤثر باشد و رخنه‌ای از راه‌های نفوذ شیطان را در ما بربندد تا به خواست خداوند به بهترین شیوه‌ی ممکن از نعمت‌های او استفاده کنیم و در آخرت نیز به بهشـــت پر از نعمتش نایل گردیم و چنین ســـعادت بزرگی را به دست آوریم.

اصل اوّل: هدف از زندگی انسان

خداوند توجه ما را به این مسئله مهم جلب می‌کند که باید بدانیم هدف از حیات و زندگی ما در این دوره‌ی کوتاه عمر چیســـت؟ این موضـــوع مهم متأســـفانه بســـیار کم مورد توجه قرار گرفته اســـت و می‌توان آن را به عنوان مادر همه‌ی دردها و مشـــکلات و معضـــلات مســـلمانان معرفی کرد، که اگر آنان نســـبت به این موضوع آگاهی و

اطلاع کافی می‌داشتند، سالیان درازی بود که با شور و نشاط، به وادی دینداری گام نهاده بودند و با تبعیّت از رفتار اصحاب پیامبر (ص) به سرعت رشد می‌کردند و اکنون تمام قلّه‌های پیشرفت و تمدن بشریت را در اختیار می‌داشتند و دیگر آرزومند و مشتاق زندگی مردم در کشورهای غربی نمی‌شدند.

ما بر اساس فهم قرآنی و بر خلاف رأی و نظر غیرمسلمانان چنین معتقد نیستیم که به این دلیل قدم در این دنیا نهاده‌ایم که تا آنگونه که دوست می‌داریم زندگی کنیم و به هر قیمتی به هر چیزی که می‌خواهیم برسیم! خیر، این گونه نیست! بلکه فهم قرآنی این نکته را به ما گوشزد می‌کند که ما فقط بدین خاطر پا در عرصه‌ی وجود نهاده‌ایم تا آزمون‌هایی را که برعهده داریم پس دهیم و سرانجام و آینده‌ی خود را به اختیار خویش تعیین نماییم و در نتیجه‌ی برخورد صحیح و شایسته با آزمون‌های خداوند، از نعمت‌های این دنیا به بهترین شیوه برخوردار گردیم و خوشبختی و سعادت دنیوی و اخروی را به دست آوریم.

بنابراین ما در حقیقت برای خوشگذرانی نامشروع و ناپسند – آنگونه که نزد افراد غیرمسلمان مرسوم است –و زندگی به خاطر زندگی، به این دنیا وارد نشده‌ایم.

بر این اساس برنامه‌ی اسلام را مخالف حیات دنیوی دانستن، کاملاً اشتباه است و این پندار، نظریه‌ای ناصحیح و مطرح شده از سوی دشمنان اسلام می باشد. چون خداوند هیچ نعمتی را بر انسان

حرام نساخته؛ مگر آنکه ضرر و زیانی در آن موجود باشد. به علاوه، در زمینه‌ی تعامل با نعمت‌ها اصل بر مباح بودن است. اما این نکته را نیز نباید فراموش کرد که تمام جزئیات زندگی و تک‌تک نعمت‌های آن؛ چه آنهایی که برای نفس انسان لذت‌بخش و چه آنهایی که برای نفس ناخوشایند است؛ برای امتحان و ابتلای بشر بوده و جز این هیچ چیز دیگری مطرح نیست و زندگی تنها با این رویکرد معنا می یابد؛ زیرا زندگی بر اساس این تفکر بر مبنای فرمان خداوند بی‌نهایت علیم، رحیم و حکیمی است که بهترین مصالح را برای انسان‌ها در نظر گرفته است. همچنین اندیشه‌ی مذکور این نکته‌ی مهم را به ما یادآوری می‌کند که در هر زمان و موقعیتی، در برابر هرنعمت و موضوعی که قرار گرفتیم، باید تنها پاسخ صحیح آزمون و ابتلا را در نظر داشته باشیم و نه چیزی دیگر.

اکنون با ورود قضیه‌ای به نام ماهواره در زندگی، بر اساس فهم قرآنی، می بایست مسلمانان قبل از هر چیز به علما رجوع کنند و از آنان یاری جویند و در مقابل، علمای دینی نباید بدون تحقیق و تفکر به تبیین این مسئله بپردازند، بلکه باید تمام جوانب قضیه را مورد تحلیل و بررسی قرار دهند و بدون تعصب و افراط و همچنین بدون اباحه‌گری و تفریط، بلکه به شیوه‌ی موردپسند و هماهنگ با قرآن آن را تحلیل کنند و سرانجام پاسخی منطقی و مستدل را در اختیار مسلمانان قرار دهند و مسلمانان هم در مقابل، تسلیم شدن در برابر آراء و نظرات علمای متعهد و دانا را از وظایف خود بدانند و به شیوه‌ای رفتار کنند که در این امتحان و آزمون با سرافرازی خارج

گردند و بر اساس مشیّت الهی از این وسیله به صورت مشروع استفاده کنندو آنچه را که مایه‌ی خیر دنیا و آخرت است، کسب کنند. خداوند در این رابطه در آیه‌ی دوم سوره‌ی ملک می‌فرماید:

﴿ ٱلَّذِی خَلَقَ ٱلْمَوْتَ وَٱلْحَیَوٰةَ لِیَبْلُوَكُمْ أَیُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا ۚ وَهُوَ ٱلْعَزِیزُ ٱلْغَفُورُ ﴿٢﴾ ﴾

همان کسی که مرگ و زندگی را پدید آورده است تا شما را بیازماید کدامتان کارتان بهتر و نیکوتر خواهد بود. او چیره و توانا، و آمرزگار و بخشاینده است.

* * *

اصل دوم: اتخاذ راه اعتدال در رابطه با تقابل سنّت و مُدرنیسم

اندرزی دیگر از فرموده‌های قرآنی این است که ما مسلمانان شایسته است در برخورد و تقابل سنت و مدرنیسم، حد وسط و راه اعتدال را رعایت کنیم. چون سالیانی است که با گرمی و شور خاصی در میان روشنفکران دینی و غیردینی بحثی به نام سنت و مدرنیسم مطرح است و ما مسلمانان باید به این نکته واقف باشیم که می‌توان نسبت به هر مسئله‌ای که در گذشته بوده و هر آنچه در دوران تازه روی می‌دهد، به شیوه‌های مختلف تعامل نمود:

۱- اول اینکه نسبت به دوران پیشین یا زندگی گذشته‌ی انسانها که به آن سنت می‌گویند، افرادی به صورت متعصبانه هر آنچه را که در گذشته و دوران پیشین بوده مقدس می دانند

و در مقابل هر نوع تغییر یا دگرگونی مقاومت نشان می‌دهند و حاضر به هیچ گونه اصلاحات و تحولی در فرهنگِ زندگیِ مردم نیستند. در واقع این گروه، از رشد و پیشرفت روزگار و جریان تکاملی حیات انسانی خود را محروم ساخته‌اند.

۲-در برابر این گروه، افرادی قرار دارند که معتقدند بایدبر هر آنچه که در دوران گذشته بوده خط بطلان کشید و آن را، به عنوان خرافات و عقب‌افتادگی، دور انداخت و بدین ترتیب عملاخود را از محاسن پیشینیان محروم می‌نمایند.

متأسفانه این دو گروه در همه‌ی دوران‌ها فعال بوده و در مقابل هم قرار گرفته‌اند. البته در واقع هیچ یک از آنها بر راه صواب نیستند و به خواست خدا ما از هیچ یک از این گروه‌ها پیروی نخواهیم نمود. بلکه در این زمینه نظر ما این است که به نسبت سنت و دوران گذشته -همچون گروه اول- هر آنچه را که در گذشته اتفاق افتاده تنها به این دلیل که قدیم است، بی‌عیب و بدون نقد نمی‌دانیم؛ زیرا انتخاب نحوه‌ی زندگی گذشته و آینده در دست انسان است و انسان در کنار جنبه‌های مثبت خود، جنبه‌های منفی‌ای چون خطاپذیری، ستمکاری، علم محدود و... را نیز با خود دارد و نه تنها از غرایز خویش متأثر می‌گردد؛ بلکه گاهی اوقات هوی و آرزو نیز بر او تسلط می‌یابد. لذا باید عدم صحت آنها را با دلیل و برهان اثبات نمود و به مردم روش درست زندگی را آموخت تا امور اشتباه گذشته در دوران زندگی جدید حذف گردد. همچنین باید آن دسته

از امور مفید و مورد پسندی که در دوران حیات پیشین انسان‌ها – نظیر شیوه‌های صحیح زندگی و مسائل علمی و اخلاقی نیک و پسندیده– موجود بوده، که اکنون هم مفید و مثمرثمر هستند از مسائل ناصواب و اشتباه جدا گردند و آنها را به مردم آموزش داد؛ به گونه‌ای که آنان را به ادامه‌ی این راه ترغیب نماید ومسیر پیشرفت را برای آنها هموار کند و این همان برخورد درستی است که نسبت به دوران سنّت باید پیش گرفت.

اما نسبت به دوران جدید یا مدرنیسم نیز متأسفانه دو نوع برخورد نادرست انجام می‌گیرد:

۱- گروهی از آنان راه افراط و زیاده‌روی را پیش گرفته‌اند و معتقدند که هر مسئله‌ی جدیدی که وارد زندگی بشر می‌شود لازم‌الاجرا است و بدون تحلیل باید از آن اطاعت کرد و نباید کسی در مقابل آن بایستد، این گروه بدون تحقیق و سنجش امور خوب و بد، دچار شیفتگی تمدن جدید شده و تسلیم دوران تازه می‌گردند و دوران گذشته را به شدت رد می‌کنند.

۲ –در مقابل این گروه، افرادی بوده اند که حمایت شدید و متعصبانه‌ای از دوران سنت و پیشین می‌کردند و آنها هم بدون تحلیل و سنجش خوبی‌ها و بدی‌ها، در مقابل هر نوع تجدد و زندگی نو قرار می‌گرفتند و معتقد به بی‌فایده بودن این وضعیت برای حالات انسان‌ها در این دوره هستند.

پرواضح است که این دو گروه نمی‌توانند چنان که شایسته است از منافع تجدد و پیشـــرفت اســـتفاده کنند؛ اما برای پیدا کردن راه اعتدال و میانه‌روی نسبت به دوران جدید، باید چنین تحلیلی انجام گیرد که نباید همچون کسـانی باشیم که هر امر تازه و نوظهوری را می‌پذیرند و برای انتشـار آن به تبلیغ می‌پردازند، چون این وضعیت قوه‌ی سـنجش و تشخیص را از انسان سلب می‌کند. از سوی دیگر نبـاید همچون افرادی عمل کردکه امور جدید را نســبت به دوران گذشـته بی‌ارزش و بی‌فایده نشـان می‌دهند؛ بلکه باید به بررســی و تحلیل قضـایا پرداخت و از هر پدیده‌ی جدیدی که مفید و سودمند بوده و برای زنـدگی انســان‌هـا زیـانی در پی ندارد حمایت کرد و شـایسته است که مسلمانان آن را در زندگی خود به کار گیرند. پس ما -مسلمانان -باید در برابر سنت و مدرنیسم چنین برخورد معتدل قرآن پســندی را داشته باشیم، به گونه‌ای که از منافع و فواید هر دو دوران استفاده کنیم و آن را در زندگی خویش به کار گیریم و بعد از تحلیل کافی، مضرات هر دو دوره را از زندگی خود پاکسازی کنیم.

خداوند در این رابطه در آیات ۱۷ و ۱۸ سوره‌ی زمر می‌فرماید:

﴿وَٱلَّذِينَ ٱجْتَنَبُوا۟ ٱلطَّٰغُوتَ أَن يَعْبُدُوهَا وَأَنَابُوٓا۟ إِلَى ٱللَّهِ لَهُمُ ٱلْبُشْرَىٰ ۚ فَبَشِّرْ عِبَادِ ﴿١٧﴾ ٱلَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ ٱلْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُۥٓ ۚ أُو۟لَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ هَدَىٰهُمُ ٱللَّهُ ۖ وَأُو۟لَٰٓئِكَ هُمْ أُو۟لُوا۟ ٱلْأَلْبَٰبِ ﴿١٨﴾﴾

کســـانی کـه از عبـادت طـاغوت دوری می‌گزینند، و (با توبه و استغفار) به سوی خدا باز می‌گردند، ایشان را بشارت باد (به اجر

> و پاداش عظیم خداوندی). مژده بده به بندگانم. آن کسانی که به همه سخنان گوش فرا می‌دهند و از نیکوترین و زیباترین آنها پیروی می‌کنند. آنان کسانیند که خدا هدایتشان بخشیده است، و ایشان واقعاً خردمندند.

در حقیقت این یکی از آیه‌های غریب و فراموش شده است که مسلمانان در امور زندگی خود کمتر به این رهنمود رجوع می‌کنند و بیشتر اوقات کارهایی بدون دقت و با سهل‌انگاری انجام می‌گیرد که بعد از انجام آن متوجه ضرر و خسارت زیادی بر خود و خانواده‌ی خویش می‌شویم. ماهواره هم از جمله لوازم دوران مدرن است که امروزه به زندگی انسان‌ها به‌ویژه مسلمانان روی آورده است. پس با توجه به رهنمود قرآنی مزبور، لازم می‌نماید شناخت کاملی نسبت به این وسیله انجام گیرد و به اندازه‌ی توان معایب و مزایای آن را تشخیص داد و به شیوه‌ای با آن برخورد نمود که نه همچون افرادی باشیم که به طور مطلق و بدون تحلیل در برابر ماهواره موضع‌گیری می‌کنند و حتی برنامه‌های مفید آن را هم رد می‌کنند و نه همچون کسانی که چشم‌بسته و بدون بررسی و با بی‌احتیاطی کامل از آن استفاده می‌کنند. به گونه‌ای که از برنامه‌های زیان‌آور آن نیز استفاده نموده و متأثر می‌شوند. بنابراین راه وسط ومعتدل این است که تعاملی صحیح در مقابل این پدیده داشته باشیم و به خواست خدا فواید آن را تشخیص داده و برای خود و خانواده خویش به کار گیریم و از آنچه که برای ایمان ما زیان‌آور است و انسان را از کمال دور می‌سازد، مصون داریم.

اصل سوم: چه زمانی می‌توان از ماهواره استفاده کرد؟

از دیگر نصایح قرآنی این است که برای تشخیص زمان انجام کارها یا به عبارتی دیگر برای اینکه بدانیم چه زمانی نوبت انجام کاری فرارسیده است، سه نوع محک وجود دارد که با وجود آنها می‌توان زمان مناسب برای انجام کارها را تشخیص داد و علما بیان کرده‌اند که هر گاه در کاری این سه شرط مهیا گشت، نیاز به انتخاب و انجام کار مورد نظر پیدا می‌شود:

شرط اوّل: داشتن آمادگی لازم وکافی برای انجام آن کار؛

شرط دوم: وجود ضرورت و احتیاج به آن کار؛

شرط سوم: نبودن جایگزینی بهتر برای آن کار.

این موضوع را می‌توان به عنوان مثال با قضیه‌ی ازدواج جوانان که تا حدی هم با قضیه‌ی ماهواره ارتباط دارد، توضیح داد، مثلاً اینکه چه زمانی تشخیص می‌دهیم که هنگام تشکیل زندگی زناشویی برای فرزندانمان و ازدواج آنها فرارسیده است، بر اساس این سه شرط به این صورت می‌توان به این مسئله بنگریم: اولین شرط این است که فرزندانمان –پسر یا دختر– از نظر سنی به حدی رسیده باشند که آمادگی و توانایی اداره‌ی زندگی خانوادگی را داشته باشند و همچنین بتوانند از جهت مسائل مادی، زندگی خانوادگی را مدیریت کنند و نیز از جنبه‌ی عقلی هم بتوانند اداره‌ی زندگی خانوادگی را بر عهده گیرند؛ چون در آینده باید فرزندانی را سرپرستی و تربیت کنند و هرگاه یکی از این موارد که آمادگی

ازدواج را تأمین می‌کنند موجود نباشد، چنین حکم می‌کنیم که هنوز آمادگی تشکیل زندگی زناشویی برای فرزندانمان مهیا نشده است. همچنین باید بعد از تحقق شرط اول به بررسی این امر بپردازیم که بعد از وجود آمادگی برای ازدواج، فرزندانمان نسبت به تحقق این امر احساس نیاز نمایند و به آن علاقه‌مند گردند. به گونه‌ای که ضمن دنبال کردن آن نیاز، کمبود و نقص لازم در این مورد را در زندگی خود احساس کنند. در آن موقع می توان تشخیص داد که شرط دوم یعنی ضرورت و نیاز به ازدواج به‌وجود آمده است.

شرط سوم این است که از توانایی ایجاد بدیل و جایگزینی برای ازدواج درمانده شویم. یعنی چیز دیگری نباشد که ما آن را در جایگاه ازدواج قرار دهیم و نتوانیم مواردی که ازدواج نیاز انسان را برآورده می‌سازند در عواملی دیگر جستجو کنیم. پس در چنین شرایطی باید ازدواج را انتخاب کرد.

بدین ترتیب در هر کاری اگر این سه مرحله آماده شود میتوان گفت که زمان انجام آن کار فرا رسیده است. اما اگر یکی از این شروط به طور کامل انجام نگرفت، باید نسبت به ایجاد بسترسازی های لازم همت گمارد تا آن شرایط کاملاً در جای خود قرار گیرند، آنگاه با قضیه‌ی مورد نظر برخورد شود.

به نسبت ماهواره نیز باید چنین تحلیلی با شناخت و دقت کافی صورت گیرد. چون ما مسلمانان؛ اعم از سرپرستان و سایر اعضای خانواده -که شامل همسر و فرزندانمان می‌شود-؛ تاکنون آمادگی

رویارویی با چنین وسیله‌ی با دایره وسیعی که اکثر برنامه‌های آن برای انسان‌های مسلمان و متعهد زیان‌آور است و انسان را از کمال دور نموده و مرتکب گناه می‌سازد پیدا نکرده‌ایم و برخوردی قرآنی -آن گونه که خداوند راضی است -نسبت به آن نداشته‌ایم. با این حال شرط اول، برای قریب به اتفاق ما محقق نشده است. به گونه‌ای که اینجانب شخصاً در تعامل باخانواده‌های مسلمان مشاهده نکرده‌ام که افراد آنگونه که خداوند می‌پسندد با ورع و پارسایی کامل بتوانند در تمام حالات نهان و آشکار زندگی خود از این وسیله به درستی بهره ببرند و به این امر اعتراف کنند که آنگونه که خداوند راضی است با این قضیه برخورد نموده‌اند.

بنابراین شرط اول تاکنون انجام نگرفته و باید برای فراهم کردن آن اقدام نمود و تا زمانی که این آمادگی را به دست نیاورده‌ایم، نباید به صورت چشم‌بسته و ناآگاهانه به دنبال تهیه‌ی آن روان شویم. همچنین در ارتباط با اصل دوم نیز باید بیان داشت که ضرورت و احتیاج به ماهواره تاکنون در ما ایجاد نگردیده است؛ زیرا چنین نیست که موارد سودمند ماهواره را نتوان از سایر طرق به دست آورد. به عنوان مثال وسایل ارتباطی دیگر همچون رادیو، تلویزیون، اینترنت، CD، روزنامه، هفته‌نامه و... می‌توانند این خلل را پر کنند و تاکنون برای ما نیاز شدیدی نسبت به اموری خاص ایجاد نشده که جز از راه ماهواره نتوان آن را به دست آورد. همان گونه که بیان شد شرط سوم عبارت از این بود که جایگزینی برای برنامه‌های ماهواره وجود نداشته باشد. در حالی که برای این مقطع که ما آمادگی لازم

برای اســـتفاده‌ی از ماهواره را نداریم وســـایلی همچون تلویزیون، رادیو، ضـبط صـوت، CD و محصولات مفید اینترنتی و... می‌توانند جایگزین مناسبی برای ماهواره باشند.

از این رو می توان از ســـه محـک فوق چنین نتیجه گرفت که هنوز آمادگی لازم برای استفاده‌ی از ماهواره را به دست نیاورده ایم و تنها زمانی می‌توان از آن اسـتفاده نمود که این شـروط سه‌گانه به طور کامل مهیا شــود. یعنی باید از آمادگی روحی و جســـمی کافی برخوردار شـویم، بدان احتیاج و نیاز داشـــته باشـیم و در عین حال نتوانیم جایگزین و بدیل مناسبتری را برای آن بیابیم.

اما دریغا که ما نسبت به ماهواره چنین برخوردی را نداشته‌ایم و چشم بسته و بدون آگاهی، از محیط خود متأثر شده‌ایم و با کم‌دقتی همانند مردم عادی به این وسیله روی آورده‌ایم و با کمال تأسف در اغلب منازل مسـلمانان از این وسـیله به شـیوه‌ی نادرسـت استفاده می‌شـود و از آن متضـرّر می‌گردند. چون بدون کسـب آمادگی‌های لازم بدان روی آورده‌اند که در فرهنگ مســـلمانی به این امر تقلید ناآگاهانه گفته می‌شـــود و این امر هرگز برای اســـلام و مســـلمانی شـایســته نیســت. خداوند در این رابطه در آیه‌ی ٦٠ سـوره‌ی انفال می‌فرماید:

﴿وَأَعِدُّواْ لَهُم مَّا ٱسۡتَطَعۡتُم مِّن قُوَّةٖ وَمِن رِّبَاطِ ٱلۡخَيۡلِ تُرۡهِبُونَ بِهِۦ عَدُوَّ ٱللَّهِ وَعَدُوَّكُمۡ وَءَاخَرِينَ مِن دُونِهِمۡ لَا تَعۡلَمُونَهُمُ ٱللَّهُ يَعۡلَمُهُمۡۚ وَمَا تُنفِقُواْ مِن شَيۡءٖ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ

يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنتُمْ لَا تُظْلَمُونَ ﴿٦٠﴾

برای (مبارزه با) آنان تا آنجا که می‌توانید نیروی (مادی و معنوی) و (از جمله) اسبهای ورزیده آماده سازید، تا بدان (آمادگی و ساز و برگ جنگی) دشمنِ خدا و دشمن خویش را بترسانید، و کسان دیگری جز آنان را نیز به هراس اندازید که ایشان را نمی‌شناسید و خدا آنان را می‌شناسد. هر آنچه را در راه خدا (از جمله تجهیزات جنگی و تقویت بنیه دفاعی و نظامی اسلامی) صرف کنید، پاداش آن به تمام و کمال به شما داده می‌شود و هیچ گونه ستمی نمی‌بینید.

همچنین خداوند در آیه‌ی ۳۵ سوره‌ی مائده می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿٣٥﴾﴾

ای مؤمنان! از خدا بترسید (و از اوامر او اطاعت کنید و از نواهی او اجتناب ورزید) و برای تقرّب به خدا وسیله بجوئید (که عبارت از طاعت و عبادت و اعمال شایسته و بایسته است)، و در راه او جهاد کنید تا این که رستگار شوید.

* * *

اصل چهارم: تقدُّم دفع مضرَّت بر جلب منفعت

دیگر پند قرآنی این است که باید بر اساس فهم وحیانی این نکته را متوجه شویم که، دفع مضرَّت بر جلب منفعت مقدّم است. یعنی اگر در هر کاری مقدار اندکی سود و منفعت یافت شود اما در همان

حالت، فساد و مضرات زیادی را به همراه داشته باشد، باید از آن سود اندک چشم‌پوشی کنیم. چون با انتخاب آن اندک منفعت، فساد زیادی را متوجه خود می‌سازیم. مثلاً اگر به ما پیشنهاد کنند که در ازای خوردن یک لیوان آب زیان‌آور، به شما صد هزار تومان تعلق می‌گیرد، باید در این هنگام چینن قضیه را تحلیل کنیم که اگر ما یک لیوان آب زیان‌آور را نخوریم صدهزار تومان را به دست نمی‌آوریم. اما بدون آنکه آن پول را به دست آوریم می‌توانیم زندگی را ادامه دهیم. در حالی که با خوردن آن مایع در بدن ما مفاسدی ایجاد می شود و امراض و هزینه‌های مادی بسیاری برای درمان بر ما تحمیل می‌گردد. پس عقل سلیم به ما حکم می‌کند که از آن منفعت قلیل، صرف‌نظر کنیم و آن مفسده را انتخاب نکنیم. در ارتباط با مسئله‌ی ماهواره هم ما نهایتاً می‌گوییم که وسیله‌ای با آن همه گستردگی -نزدیک به سه هزار کانال، آن گونه که ازسوی دارندگان آن گفته شده -برای مسلمانان دارای برنامه‌های مضری می‌باشد. در حالی که برنامه‌های مفیدی هم در آن موجود است. اما این گونه برنامه‌ها نسبت به برنامه‌های مضرّ آن، بسیار اندک بوده و برنامه‌های مفیدآن را هم می‌توان از جاهای دیگر به دست آورد. بنابراین باید بر پایه‌ی این قاعده این گونه بیندیشیم که اگر در استفاده از ماهواره و با توجه به وضعیت ایمانی خود، این امر بر ما ثابت گردید که دچار فساد و انحراف شده‌ایم، اگرچه مقداری مصلحت را هم از آن طرف به دست آورده باشیم، اما با این حال، ما در مقایسه با مفاسد حاصل از آن و با توجه به قاعده‌ی تغلیب قرآنی

مفسده بر مصلحت که موجب تحریم می‌شود (علت تحریم شراب و قمار در قرآن بر این اساس بوده است) سود قابل ملاحظه‌ای را به دست نیاورده‌ایم. چون این مقدار از فساد به تدریج در درون انسان ریشه می‌دواند و رشد می‌کند و آن مقدار سودی را که در استفاده از ماهواره به دست آورده بودیم، از ما باز پس می‌گیرد. بر این اساس ما در چنین مواقعی مفسده و مضرّت را به بهای مصلحتی اندک وارد زندگی خود نمی‌کنیم.

در ارتباط با این قضیه این نکته هم فراموش نشود که در زمان نیاز به انجام کاری در شرایطی که هیچ چاره‌ای نباشد و انسان مجبور به انجام آن کار شود، چند حالت پدید می‌آید:

۱–اینکه اگر در زمانی مسائل خوب ومفید و بدومضربه صورت همزمان مطرح شد بر انسان لازم است که مسائل خوب را انتخاب کند و از انتخاب مسائل بد و مضر پرهیز نماید.

۲–اگر در زمانی در مقابل دو مسئله‌ی خوب و خوب‌تر قرار گرفت بر انسان لازم است که امور خوب‌تر را انتخاب نماید و از امور خوب بگذرد و آن را به کار گیرد.

۳–اما اگر پناه بر خدا وضعیتی پیش بیاید که انسان در برابر دو مسئله‌ی بد و مضر قرار گیرد و ناگزیر از انتخاب یکی از آنها باشد، در این حالت باید آن را که فسادش کمتر است برگزیند و به کار بگیرد.

اما باید برای حاکم شدن خوبی‌ها و حذف بدی‌ها مجدانه تلاش

نمود. در این روزگار هم در رابطه با قضیه‌ی ماهواره، مسئله‌ی خوب و بد مطرح است؛ یعنی برنامه‌های خوب ماهواره در برابر برنامه‌های بد آن قرارمی گیرد. همچنان که گفته شد نیاز به ماهواره و ضرورت آن تاکنون در ما پدید نیامده و ما فعلاً محتاج و نیازمند به ماهواره نیستیم. با این حال بر پایه‌ی احکامی که بیان شد ما موظف به دفع مفسده و زیان هستیم؛ اگرچه در کنار آن مفسده، مقداری منفعت و بهره را هم به دست آوریم، باز این مسئله نباید ما را فریب دهد چون مضرّات موجود در آن به مرور زمان رشد می‌کند و آن مصلحت اندک را به تدریج حذف می‌کند.

خداوند در آیه‌ی ۲۱۹ سوره‌ی بقره، می‌فرماید:

﴿يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا وَيَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلِ الْعَفْوَ كَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ ۝٢١٩﴾

درباره باده و قمار از تو سؤال می‌کنند. بگو: در آنها گناه بزرگی است و منافعی هم برای مردم دربر دارند، ولی گناه آنها بیش از نفع آنها است. و از تو می‌پرسند: چه چیز را صدقه و انفاق کنند؟ بگو: مازاد (نیازمندی خود). این چنین خداوند آیات (و احکام) را برای شما روشن می‌سازد، شاید (درباره مصالح دنیا و آخرت خود) بیندیشید.

خداوند در این جا مشروب و قمار را با این قاعده حرام می‌کند.

زیرا موضـوع سود و زیان در هر دو موجود است اما مضرّات آن‌ها بر منافعشان غلبه دارد. در نتیجه ما باید این قانون تحلیل‌گر را از یاد نبریم. چون به طور قطع برنامه‌های ماهواره‌ای هم این گونه هسـتند و بر پایه‌ی معیارهای دینی، بیشتر برنامه‌های آن در جوانب مختلف مضـرّات را ایجاد می‌کنند و ما اگر از برنامه‌های مفید و برنامه‌های مضـرّ آن به طور همزمان اسـتفاده کنیم به تدریج مفسده‌ها بر منافع غالب می‌گردند و مصلحت‌ها ازبین می‌روند.

اصل پنجم: تعارض‌خواهش‌های نفسانی با سعادت و خوشبختی انسان

القائات شـیطانی (شـیاطین انس وجن) و آرزوها و خواهش‌های نفسانی انسان، با سعادت و خوشبختی انسان‌ها در تضاد هستند و با رشـد و کمال انسـانی خصومت دارند و موانع بزرگی را در زندگی بشر ایجاد می‌کنند و هرگز اجازه نمی‌دهند که آن گونه که سزاوار و شـایسـته است انسان‌ها به فرامین خداوند گوش فرا دهند و به آنها عمل نمایند که خداوند با نام «هوی و شیطان» از آن یاد می‌کند.

بر اساس گفته‌ی عالمان هواپرستان دو دسته‌اند:

۱–هواپرستی به اصطلاح عالمانه

۲–هواپرستی عوامانه

در اینجا شـایسـته اسـت با شـناسایی این دو نوع از هواپرستی، زنـدگی خود را بر اســـاس آن محـک بزنیم تـا در هیچ یک از این

حالات قرار نگیریم و به مشیت الهی آن گونه که خداوند رضایت دارد زندگیِ مؤمنانه‌ای داشته باشیم.

بر اساس سخن عالمان، هواپرستی عوامانه نوعی از هواپرستی است که مبتلایان بدان، نسبت به رهبری و تبلیغ مسائل دینی ادعایی ندارند و اگر هم مرتکب کار بد یا گناهی بشوند، آن را به عنوان کار نیک معرفی نمی‌کنند؛ بلکه آشکارا عیب خود را بازگو کرده و به گناه خود اعتراف می‌کنند. این نوع افراد زودتر و آسان‌تر قابل شناسایی هستند و بهتر می‌توان با آن‌ها تعامل نمود. چون موضع آنها روشن است و اعمال زشت خود را توجیه نمی‌کنند. اکثریت افراد جوامع غیردینی را این گونه افراد تشکیل می‌دهند. دین خدا برای آنان چنین پیامی دارد که، این گونه افراد باید بدانند که در پیروی کردن از هوا و خواهش‌های نفسانی در کارهایشان سودی حقیقی را نمی‌برند. چون آرزوهای شیطانی و نفسانی قادر به تشخیص مصالح دنیا و قیامت انسان‌ها نیستند و چشم مصلت‌بین آن‌ها کور است. بلکه انسان‌ها باید با خدای خود تعامل درست و عابدانه‌ای را برقرار کنند و صادقانه برنامه‌های او را در زندگی خود عملی سازند تا این حقیقت بر آنها هویدا گردد که خداوند نه تنها مانع آرزوهای انسان‌ها نمی‌شود بلکه به آرزوهای آنان نیز جوابی صحیح و معتدلانه می‌دهد. به گونه‌ای که نه دچار افراط و زیاده‌روی گردند و نه راه تفریط را در پیش گیرند و غرایض خود را سرکوب کنند.

نوع دیگر، هواپرستی به اصطلاح عالمانه است که خطرناک‌ترین

نوع هواپرستی است که کار دینی در برابر چنین هواپرستی‌ای بسیار دشوار است. به گونه‌ای که در طول تاریخ، عالمان و دعوتگران دین، در برابر این گروه بزرگ‌ترین مشکل را داشته‌اند. در هواپرستی به اصطلاح عالمانه، انسان به گونه‌ای رفتار می‌کند که با وجود اینکه از هواپرستی خود آگاه است، به توجیه اعمال خود می‌پردازد و کارهای خود را به عنوان کارهایی خوب و درست معرفی می‌نماید و بدین ترتیب می‌خواهد هم شخصیت اجتماعیش لکّه‌دار نگردد و هم مانند مردم عادی مشغول هواپرستی خود شود و کسی در این راه مانع او نگردد.

خداوند در دو جای قرآن خطاب برای انسان‌های مسلمان واضح می‌سازد که کارهای نادرست خود را توجیه نکنند و هواپرستی، اعم از عوامانه و بدون توجیه و چه عالمانه و بر پایه‌ی توجیهات شیطان‌پسند، یعنی اینکه انسان کارهای ناشایست خود را خوب معرفی کند و به وضعیت گناه‌آلود زندگی خویش اعتراف نکند، هواپرستی است و مورد خشم خداونداست.

خداوند در آیه‌ی ۱۱ سوره‌ی بقره این وضعیت را این گونه بیان می‌فرماید:

﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا تُفْسِدُوا۟ فِي ٱلْأَرْضِ قَالُوٓا۟ إِنَّمَا نَحْنُ مُصْلِحُونَ



هنگامی که بدیشان گفته شود: در زمین فساد و تباهی نکنید. گویند: ما اصلاحگرانی بیش نیستیم.

ما باید نسبت به این قضیه واقف باشیم که در حالی که بر احوال خود آگاهی داریم و کارهای ناشایست را انجام می‌دهیم و پی به اشتباه و گناه خود برده‌ایم، اگر نصیحتی نسبت به ما انجام و یا تذکری به ما داده شد به دفاع از خود نپردازیم. چون در این حالت، ما دچار بیماری هواپرستی عالمانه می‌شویم که پناه بر خدا اگر بر آن مداومت کنیم قلب ما تیره می‌گردد و دیگر پذیرای حق و حقیقت نمی‌شود.

همچنین خداوند در آیه‌ی ٤٣ سوره‌ی فرقان می‌فرماید:

﴿ أَرَءَيْتَ مَنِ ٱتَّخَذَ إِلَٰهَهُۥ هَوَىٰهُ أَفَأَنتَ تَكُونُ عَلَيْهِ وَكِيلًا ﴿٤٣﴾﴾

به من بگو ببینم، آیا کسی که هوی و هوس خود را معبود خویش می‌کند (و آرزوپرستی را جایگزین خداپرستی می‌سازد، تا آنجا که سنگهای بی‌جانی را برمی‌گزینند و به دلخواه می‌پرستند) آیا تو وکیل او خواهی بود؟ (و می‌توانی او را از هواپرستی به خداپرستی برگردانی، و از ضلالت به هدایت بکشانی؟!).

ضمناً خداوند در آیات ١٤و١٥ سوره‌ی قیامه می‌فرماید:

﴿بَلِ ٱلْإِنسَٰنُ عَلَىٰ نَفْسِهِۦ بَصِيرَةٌ ﴿١٤﴾ وَلَوْ أَلْقَىٰ مَعَاذِيرَهُۥ ﴿١٥﴾﴾

اصلاً انسان خودش از وضع خود آگاه است (و وجودش شاهد و دلیل بر خویشتن است). در حالی که (به زبان) عذرهائی برای (دفاع از) خود می‌آورد.

و در آیه‌ی ۵ همین سوره می‌فرماید:

﴿بَلۡ يُرِيدُ ٱلۡإِنسَٰنُ لِيَفۡجُرَ أَمَامَهُۥ ۝٥﴾

(انسان در قدرت خداوند بر گردآوردن استخوانها و زنده کردن مردگان تردیدی ندارد) بلکه هدف انسان (از انکار) این است که می‌خواهد در مدّت زمانی که در پیش دارد (تا زنده است) گناه کند.

پس مخاطب دیگر ما در این کتاب این دو گروهند و این دو بیماری می‌تواند میان ما مسلمانان نیز وجود داشته باشد. لذا ما باید با زیرکی خاصی آنها را پیدا کنیم و به فکر معالجه‌ی آنها باشیم و بر اساس محک‌ها و معیارهای دینی آن را مداوا کنیم.

همه‌ی ما بر نفس خویش آگاه هستیم که چه کارهایی را انجام می‌دهیم و چه کارهایی را انجام نمی‌دهیم، در این راستا برای اینکه بدانیم که آیا خدا و رسولش از ما راضی هستند یا نه، باید به اعمال فردی و اجتماعی خود بیندیشیم: اگر به گونه‌ای عمل کردیم که حقیقتاً موجب رضایت خدا و رسول(ص) از ما شد و ما در این حالت از کارنامه‌ی زندگی خویش مسرور و شادمان شدیم و در ادامه‌ی آن هر زمان ما را به کار پسندیده و نیکی دعوت کردند فوراً «سمعنا و اطعنا» گفتیم و در حق کسی که ما را پند می‌دهد سپاسگزاری نمودیم، معلوم می‌شودکه ما از گروه هواپرستان مذکور نیستیم. اما هنگامی که مردم به خاطر وجود تکبر و عصبانیت در ما نتوانستند با ما در زمینه‌ی نقد و نصیحت صحبت کنند و برای صحبت با ما مجبور به زمینه‌سازی شدند و با کنایه و غیرمستقیم با

ما سخن راندند، دیگر باید نسبت به وجود ایمان به قیامت در خویش مشکوک باشیم! البته این حالت از وجود بدبختی بزرگی در ما حکایت می‌کند و می‌توان گفت که آن دو بیماری بر ما فائق آمده‌اند و پناه بر خدا اگر بر این راه اصرار داشته باشیم و با این حالت زندگی را به پایان ببریم و وارد عرصه‌ی قیامت شویم به عنوان افرادی در قیامت معرفی می‌شویم که اله و فرمانروا و فریادرس آنها، نفس آنها بوده است؛ که البته شرک است و در زمره‌ی مشرکین محشور می‌شوند و خداوند هرگز از آنها نمی‌گذرد.

در مورد ماهواره هم باید گفت که همه‌ی برنامه‌های ماهواره خوب و مفید نیستند. همه‌ی برنامه‌های آن نیز بد و مضر نیستند. بلکه با تحلیلی اندک این مسئله را بیان می‌نماییم و به صورت معتدلانه نسبت به آن قضاوت می‌کنیم. حال اگر در برخورد با ماهواره به شیوه‌ای رفتار کردیم که خدا و رسول (ص) از ما خشنود نگردند و در درون خویش به گناه خود معترف شدیم و با این وجود به شیوه‌ی عوامانه و عالمانه به توجیه کارهای خود پرداختیم باید بدانیم که دچار این نوع بیماری شده‌ایم و باید هرچه سریع‌تر آن را معالجه کنیم.

علاج و درمان آن نیز بدین گونه است که پرهیزکارانه به سوی خدا برگردیم و به گناهانی که ناآگاهانه و یا با توجیهات شیطان‌پسند در برخورد با ماهواره انجام گرفته، اعتراف کنیم و بعد از آن از عالمان دینی کمک بگیریم و به نصایح و اندرزهای آنان عمل کنیم تا با این کار از هواپرستی نجات یابیم و به سعادت مطلوب خویش برسیم.

متأسفانه امروزه تعدادکثیری از مسلمانان دچار چنین وضعیتی شده‌اند. به گونه‌ای که کسی از ناصحین توانایی تذکّر در رابطه با بیماری هواپرستی را به فرد دیگر ندارد. چون فوراً در مقابل فرد تذکّردهنده موضع‌گیری می‌شود و او را به تندروی و مخالفت با علم و پیشرفت متّهم می‌کنند و بدین ترتیب با حالتی توجیه‌گرایانه، پیروی کردن ازخواهش‌های درونی خویش را ادامه خواهند داد و با وجود اینکه خداوند از آنها خشنود نیست؛ باز هم بدون احتیاط لازم از برنامه‌های نامناسب ماهواره‌ای استفاده می‌کنند و سعادت دنیا و قیامت خود را بر باد می‌دهند.

پس بر مسلمانان لازم است که از این آفت ویرانگر خود را محفوظ دارند و با گرمی و شوق از کسانی که آنان را به صورت نیکو موعظه می‌کنند استقبال کنند. چون هدف اصلی آنها تنها این است که برادر دینی خود را موعظه نمایند و او را در هر دو جهان سعادتمند نمایند و ما را از دشمن آشکاری به نام «هوی» که هزاران ترفند و نقشه و توجیه دارد، برحذر نمایند. لذا شایسته نیست در رویارویی با آنها با حالت عصبانی برخورد شود.

در نزد بسیاری از عالمان، نفس انسان همچون شریکی خائن است، همان گونه که دو شریک در بسیاری از حالات نمی‌توانند از یکدیگر جدا گردند و به هم نیاز دارند و در عین حال همدیگر را به شدت مراقبت می‌کنند و متوجه خیانت یکدیگر هستند، تعامل نفس ما با ما نیز این گونه است. لذا باید انسان نسبت به توجیهات نفس خود بی‌اعتماد شود و همواره قرآن و سنت پیامبر (ص) را محک اعمال و رفتار خود سازد، بدین گونه که هر کاری با این دو محک

توافق و همخوانی داشت آن را ادامه دهیم و از آن خشنود باشیم و آنچه که مخالف آنها بود، صادقانه با خود و نزد دوستان مسلمان به آن اعتراف کنیم و ضمن یاری گرفتن از آنها، در جهت اصلاح نفس خود بکوشیم؛ قبل ازوقوع آن روز که، خداوند نیت‌های پلید ما را در دفاع از هوی و آرزوهای نفسانی -که در حقیقت دفاع از شیطان است -آشکار سازد و ما را نزد پیامبر (ص) و انسان‌ها رسوا کند.



اصل ششم: لزوم و نقش بسترسازی‌ها در اصلاح و افساد انسان

ما باید نسبت به این نکته آگاه باشیم که زمینه‌ها و بسترسازی‌ها در اصلاح یا اِفساد انسان نقش اساسی را دارند. منظور از زمینه و بستر این است که قبل از آنکه برای انجام کاری آماده‌سازی شود، قضاوت‌هایی غیرواقعی قبل ازوقوع آن انجام گیرد. مثلاً افراد زیادی را درزندگی بشر داشته‌ایم که قبل از آنکه بر اریکه‌ی قدرت قرارگیرندهمواره ادعای عدالت، صلح، خدمت و... را داشته‌انداما درعمل این گونه نبوده‌اند. بدین خاطر که قبلاً زمینه‌ی قدرت هنوز برای آنها فراهم نشده بود و درعالم خیال خود را در رسیدن به قدرت و پایدار ماندن در آن زمینه‌هاووعده‌ها توانا می‌پنداشتند؛ اما با ورود در میدان قدرت به خاطر خطرناک بودن زمینه‌ها و دعوت انسان‌ها به سوی زشتیها، نفس بر انسان غلبه پیدا می‌کند و او را به همان فرد ظالمی تبدیل می‌کند که قبلاً او را نکوهش می‌کرده است. و این بدان علت است که تنها در زمان پدیدآمدن زمینه‌هامعلوم می‌شودکه چه کسی صادق است وچه کسی دروغ گواست. بنابراین

ما باید زیرکانه قبل از ورود در میدان عمل، دوران آماده‌سازی را بر خود هموار کنیم و به خوداجازه ندهیم که درآینده به انسان دیگری تبدیل شویم.

چه‌بسیار افرادی بوده‌اند که آرزوی داشتن ثروت فراوان را برای کمک به فقیران و نیازمندان در ذهن می‌پرورانده‌اند اما با ورود در این عرصه همه‌ی آن ادعاها را فراموش کرده‌اند.

وقتی انسان بدون آمادگی روحی وارد عرصه‌ی تاخت وتاز زمینه‌ها شود، بسترها انسان را جذب خود کرده و او را تسلیم می‌سازند. پیامبر اکرم (ص) با وجود آنکه در تربیت اصحاب(رض)، مربّی موفقی بودند اما همواره این را به ایشان می‌فرمودند: هرگز تقاضای مقابله و جنگ با دشمنان درونی وبیرونی را نکنید چون اکنون که شماباآنهادر حالت جنگ نیستیددرعالم خیال و در درون آسان جلوه می‌کنداماعالم خیال باعالم واقع تفاوت زیادی دارد و احتمال دارد که شما در این امتحان و آزمون موفق نشوید و نجات پیدا نکیند.

بنابراین با توجه به اینکه ماهواره هم یکی از آن زمینه‌ها است، اگر از انسان قبل از آنکه آن را تهیه نمایدو وارد زندگی خود کند علت خرید آن را بپرسند، در جواب خواهد گفت به شیوه‌ی درستی از آن استفاده خواهم نمودو تأثیرات بد آن را بر خودو خانواده‌ی خویش به شدت رد می‌کند و ایمان خود را بالاتر از تأثیرمنفی ماهواره می‌داند و ادعای ایستادگی در برابروسوسه‌های شیطان و نفس خود را دارد. اما بعد از تهیه‌ی ماهواره و استفاده‌ی از آن،

ممکن اســت تنها تا مدت زمان اندکی این ادعا را همچنان داشــته باشـدو به مرور زمان زمینه‌های نادرست بر وی غالب می‌گردد و او را دنبـال خود می‌کشــاند و فرد را از آنچه که تا حال به آن اعتقاد داشته پشیمان می‌سازد.

برای اثبات این گونه تأثیرات و زمینه‌ها، می‌توان مثالهای فراوانی را بیان کرد. به‌ویژه این امر در ارتباط با مسـائل جنســی بسـیاررایج اســت، به این صـورت که انسـان‌ها تا زمانی که زمینه‌ای در مســائل جنســی برای آنهـا فراهم نیـامـده چنین معتقـدند که در این زمینه نیرومند و مقاوم هسـتند اما وقتی پا در میدان عمل نهادند و فضـای انجام کار زشت را مهیا دیدند آن زمان انسان ضعف خود را مشاهده می‌کند و تأثیر زمینه‌ها در تحریک و ترغیب انســان به سوی گناه بر او روشن می‌گردد. از این رو لازم است نسبت به این موضوع بسیار هوشمندانه عمل کنیم، به گونه‌ای که وقتی کاری برای ما مهیا گردید و مـا در موضــع انجام آن کار قرار گرفتیم اگر خدای ناخواســته آمادگی قبلی برای انجام آن رانداشــته باشــیم قطعاً آن زمینه ما را به ســوی خود متمایل می‌سازد و ما دیگر آن فرد گذشته نخواهیم بود. بدین خاطر علما معتقد به وجود دو نوع زمینه‌سازی هستند.

۱-زمینه‌ســازی خود ســاخته: یعنی این که زمینه را خودمان با دســت خود فراهم می‌کنیم و جامعه و دیگران نقشــی در ایجاد آن ندارند. همچون مســئله‌ی ماهواره، که زمینه‌ای را که تاکنون آمادگی لازم برای آن به دست نیاورده‌ایم، شخصاً وارد زندگی خود می‌کنیم و آن زمینه به مرور زمان ما را به ســوی خود می‌کشاند و آنچه را از

محصـولات عبادی که در سـالهای گذشـته فراهم کرده بودیم از ما می‌گیرد.

۲-زمینه‌سازی غیر خود ساخته: یعنی اینکه فرد نقشی در ایجاد آن نداردبلکه جامعه آن راسـاخته اسـت. همچون قوانین حاکم بر بازار، مجالس مختلف، زندگی اجتماعی افراد و... که فرد نقشـی در ایجاد آن نداردوبراو تحمیل می‌شـودبه نحوی که اگر امور نامطلوب و ناخوشـایندی در آن وجود داشـته باشـد که فرد نسـبت به آن ناخرسند باشداین امر چیزی است که مردم در جامعه آن را انتخاب کرده‌اند و فرد نمی‌تواند در تغییر آن نقشـی داشـته باشد و وظیفه‌ی انسان در این نوع از زمینه‌ها این است که، چون این حالت از زمینه می‌تواندبرزندگی خصوصی ما تسلط پیدا کند و بر ما غلبه یابد و به تـدریج محصـولات عبـادی را از ما بگیرد؛ بایسـتی تا حدامکان ازحضوریافتن در این نوع از زمینه‌ها خودداری شود.

برمالازم است که از هر دو زمینه خود را مصون و محفوظ داریم. چون انسان موجودی است که تحت تأثیر محیط قرار می‌گیرد و در این ارتبـاط علمـا این رافرموده‌انـد کـه اگر انسـان وارد زمینـه‌ای مانندعطاری گرددو در آن زمینه باکسـی رفاقت کندکه شغل عطّاری دارد، اگر در این رفاقت چیزخاصـی را کسـب نکند قطعاً شمّه‌ای از بوی خوش عطرهـا را بـه دسـت می‌آورد و از آن رایحـه‌هـا متأثر می‌گردد و اگر در زمینه‌ای دیگر رفاقتش با انسـان آهنگری باشداگر چیزی از وی نگیرد، حداقل ممکن اسـت شـراره‌های آتش با وی برخورد کند و باعث سوختگی بدن یا لباس وی گردد.

بنابراین زمینه‌ها تا این حد خطرناک و تأثیرگذار هستند. از این رو باید نسبت به آن مراقبت و توجه کامل صورت گیرد.

درباره‌ی ماهواره هم باید گفت که بسیاری از افراد تاکنون آمادگی این زمینه را پیدا نکرده‌اند و اگر بهانه‌ی آنها این است که این وسیله در جامعه رواج پیدا کرده و ما در ایجاد زمینه‌هایی که در جامعه وجود دارد نقشی نداریم و این زمینه‌ها غیر خودساخته هستند؛ با این وجود بازهم بایدبا پرهیزکاری خاصی باآن تعامل نماییم وتا زمانی که آمادگی استفاده‌ی صحیح از ماهواره را نداریم نباید نسبت به آن زمینه بی‌تفاوت باشیم: چون همان گونه که گفته شد انسان از زمینه‌هابشدت متأثر می‌گردد.

نمونه‌ی دیگر در رابطه با تأثیر زمینه‌ها بر انسان، داستان برسیسای عابد است، این فرد راهب و صالح که در زمان حضرت موسی زندگی می‌کرد، دوران خودسازی خود را برای سالیان درازی در غاری سپری می‌کرده است. به گونه‌ای که به حدی از قرب الهی رسیده بود که برای شفای بیماران دعا می‌کرد و دعای او هم از سوی خداوند مستجاب می‌گردید. در این میان شیطان که دشمنی دیرینه‌ای با بندگان صالح و مخلص خداوند دارد مدت زمانی طولانی قصد داشت این مرد بزرگ را گمراه سازد، اما با ترفندهای گوناگون خود موفق به آن کار نشد، تا اینکه در یکی از آخرین تیرهای خود، زمینه‌ی جنسی را برای برسیسا مهیا می‌کند، به گونه‌ای که دختر پادشاهی را برای مداوا نزد وی می‌برند و برای انجام برنامه‌های پزشکی بر روی او، مدتی دختر، تنها، نزد برسیسا می‌ماند

و شیطان هم از این مدت زمان بهره می‌برد و ضمن آنکه او را فردی عابد و توانا معرفی می‌کند وی را به یکبار نگریستن به دختر تحریک و ترغیب می‌نماید و همین نگاه اول و زمینه، کافی بود که باعث استمرار و تکرار نگاه‌ها در برسیسا شود و سرانجام هم مرتکب عمل نامشروع زنا گردید و شیطان برسیسا را به کشتن دختر راهنمایی کرد و برسیسا هم او را به قتل رساند و عاقبت مردم از کارهای برسیسا مطّلع گشتند وسرانجام حکم اعدام وی را صادر کردند.

فارغ از درستی یا نادرستی این داستان، برای انسان ممکن است چنین وضعیتی پیش بیابد و این، اهمیت و خطرناک بودن زمینه‌ها را برای ما روشن می‌سازد و ما اگر با این وضعیت ایمانی خود، وارد زمینه‌ای خطرناک وتاثیرگذار مثل ماهواره شویم، توان مقاومت در چنین زمینه‌ای رانخواهیم داشت و در نتیجه قطعاً شکست خواهیم خورد. در حالی که ما در زندگی خود به دنبال پیروزی و موفقیت برشیطان و نفس هستیم. بدین خاطربرمالازم است که خطر زمینه‌ها هرگز فراموش نگردد.

خداوند در آیه‌ی ۳۲ سوره‌ی اسراء در این مورد می‌فرماید: ﴿ وَلَا تَقْرَبُوا۟ ٱلزِّنَىٰٓ ۖ إِنَّهُۥ كَانَ فَـٰحِشَةً وَسَآءَ سَبِيلًا ﴿٣٢﴾ ﴾ و (با انجام عوامل و انگیزه‌های زنا) به زنا نزدیک نشوید که زنا گناه بسیار زشت و بدترین راه و شیوه است.

خداوند در این آیه می‌فرماید «نزدیک» زنا نشوید چون زمانی که مقدمه و زمینه‌ها فراهم شدند دیگر افراد معدودی وجود دارند که

یوســـف آســـا توانایی نجات از این زمینه‌ها را داشـــته باشـــند و واضح‌است که یکی از قوی ترین زمینه‌ها برای اینکه انسان در آینده دچار مسائل زشت جنسی شود، استفاده‌ی نامناسب از ماهواره است و باید همچون زمینه‌ای بســیار خطرناک با این قضیه برخورد کرد و هرگزنســبت به تواناییهای خود باورواعتماد نکنیم مبنی بر این که با وجود برنامه‌های مفید و مضــرّ ماهواره، از برنامه‌های مضرّ آن متأثر نخواهیم گردید؛ زیراتفکرو سیری در طول تاریخ ما را به این مسئله واقف می‌گرداند.



اصل هفتم: حرام بودن مقدمات افعال حرام

در قواعد اصـــولی چنین گفته شـــده که آنچه که حرام اســـت، مقدّمات آن نیز حرام می‌باشد. برای مثال، عمل دزدی حرام است در نتیجـه مقـدمات انجام دزدی همچون خریداری ابزارهای مربوط به دزدی مـانـنـدکلید، ارّه و وســـایلی از این قبیل که با عمل دزدی در ارتباط باشـــند نیز حرام اســـت؛ و اگر فردی که می‌خواهد این کار را انجام دهد معترض گردد و بگوید تاکنون کاری انجام نگرفته اســـت اما از آنجا که این امور در راســـتای عمل دزدی و با آن نیت انجام می‌گیرند، درکل حرام می‌گردند. بنابراین قضــیه‌ی ماهواره هم بدین گونه اســـت. وقتی که ما آمادگی لازم برای اســتفاده‌ی مناسب از این وســیله را نداریم؛ اما با توجیهاتی بخواهیم به دیگران اعلام کنیم که ما در زمینه‌ی اســتفاده‌ی از ماهواره درست تعامل می‌کنیم و مرتکب

کار زشتی نمی‌شویم و عصر، عصر علم و پیشرفت است و این وسیله توسط دانشمندان اختراع گردیده، چگونه می‌توان از وسیله‌ای که از لوازم رشد انسان است استفاده ننمود تامورد سرزنش دیگران قرار بگیریم!؟ و چطور صرف مال برای رفاه اعضای خانواده حرام است؟! و مواردی از این قبیل را به عنوان دلایلی موجه برای استفاده از ماهواره معرفی کنیم، تنها خود را فریب داده ایم و با این توجیه خواسته ایم در آینده از ماهواره به شیوه‌ی نادرست استفاده کنیم و در عین حال مورد سرزنش دیگران قرار نگیریم.

بنابراین اصل این است که هرگاه بر ما معلوم شد از آنجاکه همه برنامه‌های ماهواره ای قابل دستیابی است و حتی رمزهای آن نیز قابل گشایش و عملا توانایی حذف تمام برنامه‌های نامناسب آن را نداریم و نمی‌توانیم از برنامه‌های مضرّ آن که برای تربیت انسان زیان‌آور هستند، متأثر نگردیم و ما را به سوی گناه سوق می‌دهند، باید تکلیف خود رابا این وسیله روشن کنیم، حتی اگر برای خرید آن از پول حلال نیز صرف گردد و آن را همچون یک سرگرمی با برنامه‌های متنوع تصوّر نماییم و برای آن زمان خاصی را اختصاص داده و برنامه‌ریزی کنیم، مشکل همچنان باقی است و این موارد، تنهابه ظاهر مقدماتی موجه برای خرید ماهواره هستند و اگر با وجود اینها به صورت صحیح از ماهواره استفاده نکنیم (و در حقیقت و درعالم واقع نیز چنین بوده)، چون ما در این مجال بشدت آسیب پذیر هستیم؛ حکم استفاده از آن برای ما حرام است. لذا باید خود را از این مقدمات ویرانگر دور سازیم.

خداوند در این رابطه در آیه‌ی ۱٤ سوره‌ی نساء می‌فرماید:

﴿وَمَن يَعۡصِ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ وَيَتَعَدَّ حُدُودَهُۥ يُدۡخِلۡهُ نَارًا خَٰلِدٗا فِيهَا وَلَهُۥ عَذَابٞ مُّهِينٞ ١٤﴾

و آن کس که از خدا و پیغمبرش نافرمانی کند و از مرزهای (قوانین) خدا درگذرد، خداوند او را به آتش (عظیم دوزخ) وارد می‌گرداند که جاودانه در آن می‌ماند و (علاوه از آن) او را عذاب خوارکننده‌ای است.

بنابراین هر گناه کوچک یا بزرگ، اگر جزو مقدمات و یا اصل کار باشد شامل این تهدید می‌گردد. همچنین در آیه‌ی ۷ و ۸ سوره‌ی زلزال می‌فرماید:

﴿فَمَن يَعۡمَلۡ مِثۡقَالَ ذَرَّةٍ خَيۡرٗا يَرَهُۥ ٧ وَمَن يَعۡمَلۡ مِثۡقَالَ ذَرَّةٖ شَرّٗا يَرَهُۥ ٨﴾

پس هرکس به اندازه ذرّه غباری کار نیکو کرده باشد، آن را خواهد دید (و پاداشش را خواهد گرفت). و هرکس به اندازه ذرّه غباری کار بد کرده باشد، آن را خواهد دید (و سزایش را خواهد چشید).

پس ما در برابر چنین محاسبه‌ی دقیق و ریزی باید بسیار آگاهانه و زیرکانه عمل کنیم و اگردراین راستا این امر بر ما هویدا گشت که کاری برای ما جایز نیست و عالمان آن را توصیه نمی‌کنند باید در رابطه با مقدماتی که برای انجام آن کار لازم است نیز دقت کرد و برای آن کار ناروا آماده‌سازی صورت نگیرد؛ چرا که آن مقدمات نیز حرام هستند.

اصل هشتم: مبنای قانون گذاری در اسلام نیاز و مصلحت انسان است نه خواهش‌های نفسانی

از دیگر نصایح قرآنی که از اهمیت خاصی برخوردار است اینکه: مبنای قانونگذاری در اسلام با مبنای قانونگذاری در مکاتب بشری تفاوت اساسی دارد. اسلام مبنای قانونگذاری را بر پایه‌ی نیاز و مصلحت انسان بنا می‌کند. پس خوشایند یا ناخوشایند بودن کارها در برای انسان مهم نیست. به عبارت دیگر اصل قضیه این است که تنها خداوند می تواند تشخیص می‌دهد، که اولاً انسان به چه چیزی نیازمند است و ثانیاً این نیاز از چه روشی به بهترین شیوه تأمین می‌گردد. پس اگر نیاز انسان از طریق امری نامطلوب و ناخوشایند حاصل شود، در این حالت آن امر ناخوشایند توصیه می‌گردد؛ اگرچه انسان نسبت به انجام آن ناخرسند باشد. چون این کار مصلحت انسان را تأمین می‌کند.

انسان غالباً در زندگی خود در ارتباط با متخصصان چنین رفتاری دارد. یعنی اگر درباره‌ی انجام کاری از متخصصی سؤال گردد گاهی پاسخ آنها برای ما دلپذیر و خوشایند است و گاهی هم اموری را برای ما تجویز می‌کنند که برای ما ناخوشایند می باشد. اما چون ما به توصیه‌هایی که متخصصان برای ما تجویز می‌کنند، ایمان داریم و معتقدیم که آنان منفعت و صلاح ما را در نظر دارند و از تجویز امور نابجا و زیان‌آور پرهیز می‌کنند؛ در نتیجه نسبت به سخنان آنان «سمعنا و اطعنا» می‌گوییم. اما متأسفانه ما در برخورد با برترین و بزرگترین متخصص عالم که خداوند حکیم است چنین

تعاملی را نداریم و با زبان حال چنین تصور می‌کنیم که تشخیص هوی و آرزوهای نفسانی ما به نسبت رفع نیازهایمان بهتر از راهکارهای خدایی است و از این رو در این زمینه به مقابله بابرنامه‌ی خدا می‌پردازیم. اما در مکاتب بشری مبنای قانونگذاری بر اساس خواهش‌های نفسانی، لذت خواهی و امور دوست داشتنیِ انسان است؛ یعنی انسان برای تأمین و رفع نیازهایی که داردبراین مبنا اقدام می‌کند. به‌عبارت دیگر اگر برای تأمین نیازهای انسان دو راه پیشنهاد گردد که یک راه آن خوشایند و مطلوب و راه دیگر ناخوشایند و نامطلوب باشد، انسان در این حالت، راهی را که مطلوب و خوشایند است انتخاب می‌کند که قرآن این نوع انتخاب را با تعبیر «هوی» معرفی می‌کند؛ هر چند برای آن توجیهات علمی و عقلی نیز بیاورند.

در این مکاتب وجود لذت و خوشایندی ملاک و معیار کارها است و هدف، تأمین مصلحت حقیقی انسان نیست؛ اگر چه ادعا شود که مصلحت انسان در این امور است اما این گونه نیست و چنین کاری غیرمتخصصانه است. چون مکاتب بشری در این زمینه از متخصصان، خصوصاًخداوند اطاعت نمی‌کنند.

قوانینی که خداوند- خالق انسان و جهان هستی و صاحب علم و حکمت بی‌نهایت -برای انسان ارائه داده دو گونه است: یک بخش آن قوانین خوشایند و مطلوب برای انسان است و بخش دیگر قوانین ناخوشایند و نامطلوب است که انسان معمولاً از این بخش سرپیچی می‌کند و قوانینی را که برای او دلپذیر نیست حذف و

آنهایی را که با هوای او سازگار است انتخاب می‌کند و قطعاً در این گونه مواقع انسان مصلحت حقیقی خود را تشخیص نمی‌دهد و متضرر می‌شود؛ اگر چه در اوایل کار مقداری لذت نیز کسب می‌کند.

بنابراین ما باید نسبت به این مسئله آگاه باشیم که هرگاه چیزی از احکام اسلامی درباره‌ی اموری که نسبت به ما ناخوشایند بود، بیان گردید؛ اما بر مبنای قرآن و حدیث نسبت به صحت موضوع پی بردیم؛ در این حالت نباید به خاطر ناخوشایندی و نامطلوب بودن در برابر آن مقاومت کنیم، بلکه هدف ومطلوب ما در اینجا این است که تشخیص دهیم خداوند متخصص، علیم، حکیم و رحیم چه چیزی را برای رفع نیازهای ما در نظر دارد تا ما آن را به عنوان برنامه‌ی زندگی خود مقرر نماییم و فرامینش را اجرا کنیم.

اگر این گونه رفتار نکنیم فهمی نادرست از مبنای قانونگذاری در دین خدا داشته‌ایم و در این حالت رفتاری همچون رفتار مکاتب بشری و گمراهان از خود بروز داده ایم. به گونه‌ای که هوی و آرزوهای نفسانی جانشین خداوند می‌گردد، حال آنکه هوی نه توانایی خلق چیزی را دارد و نه می‌تواند مصلحت کاری را تشخیص دهد؛ بلکه انسان را به سوی سقوط و بیچارگی در دنیا و آخرت سوق می‌دهد.

در مورد مسئله‌ی ماهواره نیز اگر بر پایه‌ی تحلیل فوق، در نهایت به این نتیجه رسیدیم که هنوز آمادگی تعامل با چنین وسیله‌ای -

اگرچه برای نفس بسیار خوشایند است -را نداریم، می‌بایست به طور موقت و تا زمان فراگیری شیوه‌ی صحیح استفاده‌از آن، خود را از آن منع کنیم. در نتیجه نباید به مقابله و توجیهات بی‌اساس دست زد. زیرا این کار سنخیّتی با مبنای قانونگذاری دراساس اسلام ندارد. درغیراین صورت بر پایه‌ی مکاتب بشری عمل نموده ایم و پناه بر خدا هوی و تمایلات نفسانی را در جایگاه خدایی نهاده ایم و دیگر از آن پس نمی‌توان ادعای مسلمانی را داشت. به عبارت دیگر می‌توان گفت: دین، نقش پزشک را در جامعه‌ی بشری برعهده دارد، اما مکاتب بشری عیّاشی و خوش‌گذرانی نامشروع را به انسان پیشنهاد می‌کنند و آشکاراست که این کار مصلحت حقیقی انسان را محقق نخواهد کرد.

بنابراین واضح است که اغلب برنامه‌های ماهواره‌ای برای نفس انسان بسیار مطلوب و خوشایند است و در مقابل، عالمان و دین‌شناسان در رابطه با این مسئله تحلیلهایی را انجام می‌دهند که با نفس آدمی سازگار و موافق نیست و متأسفانه انسان در تقابل با این تحلیل‌ها قرار می‌گیرد و آنها را نمی پذیرد و براستفاده‌ی نادرست از ماهواره مقاومت و لجاجت می‌کند. چون به حقیقت تاکنون مبنای قانونگذاری اش بر اساس مصلحت انسان تنظیم نشده است تا بدین خاطر از خداوند طلب حکم کند، بلکه تحت یک سری توجیه ناروا خود را پنهان ساخته و حاضر به ترک لذتهایی نخواهد شد که در طول شبانه‌روز به وسیله‌ی ماهواره به دست می‌آورد.

خداوند در آیه‌ی ۲۱٦ سوره‌ی بقره در این زمینه می‌فرماید:

﴿كُتِبَ عَلَيْكُمُ ٱلْقِتَالُ وَهُوَ كُرْهٌ لَّكُمْ ۖ وَعَسَىٰٓ أَن تَكْرَهُوا۟ شَيْـًٔا وَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ ۖ وَعَسَىٰٓ أَن تُحِبُّوا۟ شَيْـًٔا وَهُوَ شَرٌّ لَّكُمْ ۗ وَٱللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ﴿٢١٦﴾﴾

جنگ بر شما واجب (کفائی) گشته است، و حال آن که (بنابه سرشت انسانی) از آن بیزارید، لیکن چه بسا چیزی را دوست نمی‌دارید و آن چیز برای شما نیک باشد، و چه بسا چیزی را دوست داشته باشید و آن چیز برای شما بد باشد، و خدا (به رموز کارها آشنا است و از جمله مصلحت شما را) می‌داند و شما (از اسرار امور بی‌خبرید و مصلحت خود را چنان که شاید و باید) نمی‌دانید.

این آیه به وضوح مبنای قانونگذاری در اسلام را به این صورت توضیح می‌دهد که هر زمان حکم دینی چیزی بر ما ثابت گردید باید از دوست داشتنی‌ها و لذت‌خواهی‌های نفس خود دست برداریم و به توجیه کارهای خود نپردازیم. چون خداوند بر اسرار و رازهای ما آگاه است. همچنان که خداوند در آیه‌ی ۱۶سوره‌ی ق می‌فرماید:﴿وَلَقَدْ خَلَقْنَا ٱلْإِنسَٰنَ وَنَعْلَمُ مَا تُوَسْوِسُ بِهِۦ نَفْسُهُۥ ۖ وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ ٱلْوَرِيدِ ﴿١٦﴾﴾ (ما انسان را آفریده‌ایم و می‌دانیم که به خاطرش چه می‌گذرد و چه اندیشه‌ای در سر دارد، و ما از شاهرگ گردن بدو نزدیکتریم.)

پس ما چگونه خواهیم توانست در برابر خداوندی که آگاه بر اسرار ما است فریبکاری کنیم و ترفندهای نادرست را به‌کار بندیم؟!

در نتیجه وقتی ما به این نکته باور داشته باشیم که خداوند منفعت و مصلحت حقیقی انسان‌ها را در نظر دارد، دیگر باید تسلیم اوامر او شویم و قانونگذاری رابر مبنای لذتهای نفس خویش قرار ندهیم. چون این کار در مقام و شأن یک مسلمان نیست.



اصل نهم: راه‌های استفاده از نعمات

در انجام هر کاری سه حالت برای انسان پیش می‌آید که با یکی از آنها، انسان وضعیت خود را روشن می‌سازد:

۱-زیاده‌روی و افراط؛

۲-کم‌روی و تفریط؛

۳-میانه‌روی و اعتدال.

بدیهی است که به انسان غرایزی عطا شده که زندگی وی تنها به وسیله‌ی آنها ادامه می یابد. این غرایز همواره به یکی از سه روش مذکور توسط انسان مورد استفاده قرار می‌گیرد. برای فهم بهتر مطلب با مثالی درباره‌ی غریزه‌ی جنسی، موضوع مذکور بیان خواهد شد؛ در دورانهای پیشین افرادی بوده‌اند که به نام خودسازی، غریزه‌ی جنسی را سرکوب کرده‌اند و نتوانسته‌اند آن گونه که خداوند خشنود می‌شود از این غریزه بهره جویند و با زبان حال معتقد به ناحکیمانه و نابجا بودن این غریزه بوده‌اند و در حقیقت تفریط و کم‌روی را پیشه‌ساخته‌اند. این افراد به تدریج دچار

بیماری‌های جسمی و روانی شده‌اند و نتوانسته‌اند با چنین تفکّری تبلیغ خوبی از دین انجام دهند، به گونه‌ای که به دلیل منع غرایز، مردم از آنها وحشت می‌کردند و از گذشته تا کنون افراط‌گرایانی از متصوّفه تبلیغ این روش را که مورد پسند نیز نمی‌باشد برعهده داشته‌اند.

در برابر این گروه، افرادی همچون پیروان مکاتب بشری بوده اند که به صورت زیاده‌روانه و بدون کنترل مناسب، اجازه‌ی استفاده‌از این غریزه را به انسان‌ها داده‌اند که منجر به فساد و تباهی بسیاری در زندگی بشر شده است.

اما در حالت سوم، نه مانندگروه اول سرکوب غرایز انجام می‌گیرد و نه همچون گروه دوم زیاده‌روانه از این غریزه بهره‌برداری می‌شود، بلکه به شیوه‌ی متخصانه و حکیمانه و در حدی مناسب و لازم برای بشر که ضرر کم‌روی و زیاده‌روی در آن نباشد، اجازه‌ی استفاده‌ی از این غریزه داده شده است، که این برنامه‌ی خداوند و روش اسلام است که به آن دین وسط و معتدل گفته می‌شود و پیدا است که در اسلام غریزه‌ی جنسی نه سرکوب می شود و نه رها؛ بلکه در حد مجاز -که ازدواج است -به آن اجازه‌ی استفاده داده شده است.

بنابراین در ارتباط با مسئله‌ی ماهواره هم ما می‌توانیم یکی از این سه حالت را داشته باشیم: حالتی زیاده‌روانه و بدون مهار و کنترل، همچون امروزه که مردم بدون هیچ‌گونه ورع و احتیاطی از ماهواره

استفاده می‌کنند و اغلب آن را گناه نمی‌دانند و هیچ احساسی نسبت به اینکه چه چیزی در نامه‌ی اعمال آنها مندرج خواهد شد ندارند. حالتی دیگرمتعلق به افرادی است که بر استفاده‌ی از ماهواره مُهر ابطال می‌زنند که این نیز روشی تفریط گونه است؛ امّا حد وسط، آن است که اسلام پیشنهاد می‌کند و اینکه انسان از برنامه‌های مفید ماهواره استفاده کند و خود را از برنامه‌های مضرّ آن محفوظ دارد و به شیوه‌ای آنها را حذف کند و اجازه‌ی استفاده‌ی خود و خانواده را از آن‌ها ندهد، که این روش، روشی معتدل و موردپسند خداوند است.

خدوند در آیه‌ی ۱۲۷ سوره‌ی طه ما را راهنمایی می‌کند و می‌فرماید:

﴿وَكَذَٰلِكَ نَجْزِي مَنْ أَسْرَفَ وَلَمْ يُؤْمِنْ بِآيَاتِ رَبِّهِ وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَشَدُّ وَأَبْقَىٰ ﴿١٢٧﴾﴾

ما این گونه سزا می‌دهیم کسی را که افراط (در عصیان) و تفریط (در پرستش و عبادت) پیش می‌گیرد و به آیات پروردگارش ایمان نمی‌آورد. مسلّماً عذاب آخرت بسیار سخت‌تر و ماندگارتر (از عذاب این جهان) است.

همچنین خداوند در آیه‌ی ۱۴۳ سوره‌ی بقره می‌فرماید:

﴿وَكَذَٰلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا ۗ وَمَا جَعَلْنَا الْقِبْلَةَ

ٱلَّتِي كُنتَ عَلَيۡهَآ إِلَّا لِنَعۡلَمَ مَن يَتَّبِعُ ٱلرَّسُولَ مِمَّن يَنقَلِبُ عَلَىٰ عَقِبَيۡهِۚ وَإِن كَانَتۡ لَكَبِيرَةً إِلَّا عَلَى ٱلَّذِينَ هَدَى ٱللَّهُۗ وَمَا كَانَ ٱللَّهُ لِيُضِيعَ إِيمَٰنَكُمۡۚ إِنَّ ٱللَّهَ بِٱلنَّاسِ لَرَءُوفٞ رَّحِيمٞ ﴿١٤٣﴾

و بی‌گمان شـــما را ملّت میانه‌روی کرده‌ایم (نه در دین افراط و غلوی می‌ورزید، و نه در آن تفریط و تعطیلی می‌شـناسـید. حق روح و حق جســـم را مراعـات می‌داریـد و آمیزه‌ای از حیوان و فرشـــته‌اید) تا گواهانی بر مردم باشـــید (و بر تفریط مادیگرایانِ لذائذ جســمانی طلب و روحانیّت باخته، و بر افراط تارکانِ دنیا و تركِ لذائذ جسـمانی کرده، ناظر بوده و خروج هر دو دسته را از جاده اعتدال مشـاهده نمائید) و پیغمبر (نیز) بر شـما گواه باشد (تا چنانچه دســته‌ای از شـما راه او گیرد، و یا گروهی از شـما از جاده سـیرت و شریعت او بیرون رود، با آئین و کردار خویش بر ایشان حجّت و گواه باشد). و ما قبله‌ای را که بر آن بوده‌ای (و تا کنون به سـوی آن نماز خوانده‌ای و هم اینک فرمان روکردن به جهت کعبه صـادره شـده اسـت) قبله ننموده بودیم مگر این که بـدانیم چه کســـی از پیغمبر پیروی می‌نماید و چه کســـی بر پـاشــنـه‌هـای خود می‌چرخد (و به عقب بر می‌گردد تا صـــف ثابت‌قدمان بر ایمان، و فرصت‌طلبان بی‌ایمان از هم روشن و جدا شــود). و اگرچه (تغییر قبله برای کســی که الفت گرفته اسـت بدان رو کند) بس بزرگ و دشـوار اسـت مگر بر کسانی که خدا ایشـان را رهنمون کرده باشد (به احکام دین و راز قانونگذاری و بداند که هدف از روکردن به این ســو یا آن ســو اطاعت فرمان خدا اســت نه به خاطر تقدّس خود جهات) و خدا ایمان شــما را (که انگیزه پیروی از پیغمبر اســـت) ضــایع نمی‌گرداند (و اجر و پـاداش عبادات قبلی شـــما را هدر نمی‌دهد، چه) بی‌گمان خدا نسبت به مردم بس رؤوف و مهربان است.

ضمناً خداوند در آیه‌ی ۳۱ تا ۳۳ سوره‌ی اعراف می‌فرماید:

﴿۞ يَٰبَنِيٓ ءَادَمَ خُذُواْ زِينَتَكُمۡ عِندَ كُلِّ مَسۡجِدٖ وَكُلُواْ وَٱشۡرَبُواْ وَلَا تُسۡرِفُوٓاْۚ إِنَّهُۥ لَا يُحِبُّ ٱلۡمُسۡرِفِينَ ٣١ قُلۡ مَنۡ حَرَّمَ زِينَةَ ٱللَّهِ ٱلَّتِيٓ أَخۡرَجَ لِعِبَادِهِۦ وَٱلطَّيِّبَٰتِ مِنَ ٱلرِّزۡقِۚ قُلۡ هِيَ لِلَّذِينَ ءَامَنُواْ فِي ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا خَالِصَةٗ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِۗ كَذَٰلِكَ نُفَصِّلُ ٱلۡأٓيَٰتِ لِقَوۡمٖ يَعۡلَمُونَ ٣٢ قُلۡ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّيَ ٱلۡفَوَٰحِشَ مَا ظَهَرَ مِنۡهَا وَمَا بَطَنَ وَٱلۡإِثۡمَ وَٱلۡبَغۡيَ بِغَيۡرِ ٱلۡحَقِّ وَأَن تُشۡرِكُواْ بِٱللَّهِ مَا لَمۡ يُنَزِّلۡ بِهِۦ سُلۡطَٰنٗا وَأَن تَقُولُواْ عَلَى ٱللَّهِ مَا لَا تَعۡلَمُونَ ٣٣﴾

ای آدمیزادگان! در هر نماز گاه و عبادتگاهی، خود را (با لباس مادی که عورت شما را بپوشاند، و با لباس معنوی که تقوا نام دارد) بیارائید، و بخورید و بنوشید ولی اسراف و زیاده‌روی مکنید که خداوند مسرفان و زیاده‌روی کنندگان را دوست نمی‌دارد. (ای محمّد! زشتی کارِ افتراء تحلیل و تحریم را بدیشان خاطرنشان ساز و به آنان) بگو: چه کسی زینتهای الهی را که برای بندگانش آفریده است و همچنین مواهب و روزیهای پاکیزه را تحریم کرده است؟ بگو: این (نعمت‌ها و موهبتهای حلال و) چیزهای پاکیزه، برای افراد باایمان در این جهان آفریده شده است (و دیگران نمی‌بایست از آن استفاده کنند. ولی در این دنیا بر این خوان یغما چه دشمن چه دوست، و این هم از رحمت واسعه خدا و لطف او است. امّا) در روز قیامت اینها همه در اختیار مؤمنان قرار می‌گیرد (و دیگران به کلّی از آن محروم می‌گردند). این چنین آیات (خود را درباره احکام حلال و حرام) برای کسانی توضیح و تشریح می‌کنیم که آگاهند و می‌فهمند.

بگو: خداوند حرام کرده است کارهای نابهنجار (چون زنا) را، خواه آن چیزی که آشکارا انجام پذیرد و ظاهر گردد، و خواه آن چیزی که پوشیده انجام گیرد و پنهان ماند، و (هر نوع) بزهکاری را و ستمگری (بر مردم) را که به هیچ وجه درست نیست، و این که چیزی را شریک خدا کنید بدون دلیل و برهانی که از سوی خدا مبنی بر حقّانیّت آن خبر در دست باشد، و این که به دروغ از زبان خدا چیزی را (درباره تحلیل و تحریم و غیره) بیان دارید که (صحّت و سقم آن را) نمی‌دانید.

بدین ترتیب مشخص می‌گردد که در ارتباط با هر قضیه‌ای، بهترین روش، روش معتدلانه است و اگر مسلمانان در تمام کارهای خود به‌خوبی این حد اعتدال را نمایان سازند و در کنار آن حد افراط و تفریط را هم روشن کنند، از آن پس دیگر کسی نخواهد توانست اسلام را به سنتی بودن و تحجُّر متّهم نماید.



اصل دهم: تفاوت قائل شدن میان مقام حقیقت ومقام واقعیت

از دیگر آموزه‌های قرآنی این است که ما تشخیص دهیم در هر کاری دو مقام وجود دارد، که این دو برای قضاوت ما درباره‌ی هر کاری نقش اساسی دارند. وبرای تشخیص اینکه زمان انجام کاری فرارسیده است یا خیر؛ همواره باید این دو موقعیت را تشخیص دهیم که عبارتند از:

۱-مقام بایدها یا حقیقت؛

۲-مقام هست‌ها یا واقعیت.

مقام «باید» یا به‌عبارتی دیگر «حقیقت» یعنی اینکه چه کاری باید انجام گیرد و چه چیزی بهتر است و یا چه کاری شایسته و سزاوار است صورت پذیرد. این مقام در حقیقت، مقامِ آرزو و آمال است و در اینجا خبری از عمل نیست و فعلاً برای ما تنها این نکته را روشن می‌سازد که چه چیزی را می‌خواهیم انجام دهیم؛ در حالی که در این حالت هیچ‌گونه قضاوت عملی صورت نمی‌گیرد.

اما مقام «هست» یا مقام واقعیت یعنی اینکه ما مسلمانان اکنون و در حال حاضرعملاً در چه وضعیت ایمانی‌ای به سر می‌بریم. در این مقام ما توجهی به این نکته نداریم که باید چه کارهایی را انجام دهیم وچه کارهایی رانباید انجام دهیم، و اگر چه ما باید اموری را رعایت کنیم و آنها را به کار ببندیم اما این مسئله فعلاً در حیطه‌ی مقام حقیقت است و مقام واقعیت چیز دیگری است.

در مقام حقیقت ما با حجم زیادی از «بایدهاونبایدها» روبه‌رو می‌گردیم. البته این «بایدهاونبایدها» نباید ما را از شناخت خود محروم سازد، به‌گونه‌ای که با تکیه بر مقام حقیقت، واقعیت خود را تشخیص ندهیم و از وضعیت ایمانی خود غافل بمانیم. به‌عبارت دیگر باید گفت: دین چیزی است و پیروان دین چیزی دیگر و این دو را نمی‌توان در یکدیگر ادغام کرد. چون دین در ذات خود کمال مطلق و بی‌عیب و نقص است؛ اما مسلمانان در ارتباط با دین به گروه‌ها و فرقه‌های بسیاری تقسیم شده‌اند که در این روزگار بیشتر مسلمانان در مقام واقعیت آنگونه که خداوند خشنود است بر پایه‌ی فرمان خداوند زندگی نمی کنند.

در این رابطه چنانچه از مسلمانان پیرامون نحوه استفاده از ماهواره سؤال شود، قاعدتاً پاسخ آنها چنین است که به بهترین نحو ممکن از آن استفاده خواهد شد، به گونه‌ای که از برنامه‌های مفید آن بهره‌مند می‌گردند و برنامه‌های مضرّ آن را کنار می‌گذارند. اما این پاسخ‌ها در مقام حقیقت و باید داده می‌شود و البته حقیقت هم همین است، اما اگر فرد سوال کننده زیرک باشد و سوال خود را ادامه دهد، که شما در مقام واقعیت چگونه‌اید؟ و آیا خود به آن «بایدها» یی که بیان کردید عمل کرده‌اید؟ در اینجاست که هر فردی وضعیت ایمانی خود را تشخیص داده و طبیعتاً پاسخ این سوال، منفی خواهد بود؛ چون در حقیقت تاکنون نتوانسته‌ایم «بایدها» ی خود را عملی سازیم.

پس سخن ما در ارتباط با مقام واقعیت است، که نباید زیر سایه‌ی مقام حقیقت و «بایدها»، خود را فریب دهیم وواقعیت زندگی خویش رافراموش نماییم، بلکه ما خود را به خوبی می‌شناسیم و درجه‌ی ایمانی خویش و میزان آسیب‌پذیری از برنامه های ماهواره ای را با این روش تشخیص می‌دهیم.

وضعیت ایمانی مردم این روزگار –حتی آنهایی که مدعی تبلیغ دین در میان مردم هستند –چنان نشان داده که هنوز ما در رویارویی با مسئله‌ی ماهواره بسیار آسیب‌پذیر هستیم وهرگز نباید با مقام حقیقت و باید و نبایدها خود را فریب دهیم، چون هنوز به آن مرحله نرسیده‌ایم که آمادگی استفاده از ماهواره را داشته باشیم. پس باید متوجه این موضوع باشیم که این دو مقام با هم تفاوت اساسی

دارند ونباید هیچ وقت آنها را با یکدیگر اشتباه گرفت.

خداوند در آیه‌ی ۱۳٦ سوره‌ی نساء در این زمینه می‌فرماید:

﴿يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ ءَامِنُواْ بِٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦ وَٱلْكِتَـٰبِ ٱلَّذِى نَزَّلَ عَلَىٰ رَسُولِهِۦ وَٱلْكِتَـٰبِ ٱلَّذِىٓ أَنزَلَ مِن قَبْلُ ۚ وَمَن يَكْفُرْ بِٱللَّهِ وَمَلَـٰٓئِكَتِهِۦ وَكُتُبِهِۦ وَرُسُلِهِۦ وَٱلْيَوْمِ ٱلْـَٔاخِرِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَـٰلًۢا بَعِيدًا ﴿١٣٦﴾﴾

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! به خدا و پیغمبرش (محمّد) و کتابی که بر پیغمبر نازل کرده است (و قرآن نام دارد) و به کتابهائی که پیش‌تر (از قرآن) نازل نموده است (و هنوز تحریف و نسیان در آنها صورت نگرفته است) ایمان بیاورید. هرکس که به خدا و فرشتگان و کتابهای خداوندی وپیغمبرانش و روز رستاخیز کافر شود (و یکی از اینها را نپذیرد) واقعاً در گمراهی دور و درازی افتاده است.

همچنین خداوند در آیه‌ی ۲ تا ۳ سوره‌ی صف می‌فرماید:

﴿يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ ﴿٢﴾ كَبُرَ مَقْتًا عِندَ ٱللَّهِ أَن تَقُولُواْ مَا لَا تَفْعَلُونَ ﴿٣﴾﴾

ای مؤمنان! چرا سخنی (به دیگران) می‌گوئید که خودتان برابر آن عمل نمی‌کنید؟ اگر سخنی را بگوئید و خودتان برابر آن عمل نکنید، موجب کینه و خشم عظیم خدا می‌گردد.

ضمناً خداوند در آیه‌ی ۲ تا ٤ سوره‌ی عنکبوت می‌فرماید:

﴿أَحَسِبَ ٱلنَّاسُ أَن يُتْرَكُوٓاْ أَن يَقُولُوٓاْ ءَامَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ ۝٢ وَلَقَدْ فَتَنَّا ٱلَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ صَدَقُواْ وَلَيَعْلَمَنَّ ٱلْكَٰذِبِينَ ۝٣ أَمْ حَسِبَ ٱلَّذِينَ يَعْمَلُونَ ٱلسَّيِّـَٔاتِ أَن يَسْبِقُونَاۚ سَآءَ مَا يَحْكُمُونَ ۝٤﴾

آیا مردمان گمان برده‌اند همین که بگویند ایمان آورده‌ایم (و به یگانگی خدا و رسالت پیغمبر اقرار کرده‌ایم) به حال خود رها می‌شوند و ایشان (با تکالیف و وظائف و رنجها و سختیهائی که باید در راه آئین آسمانی تحمّل کرد) آزمایش نمی‌گردند؟! ما کسانی را که قبل از ایشان بوده‌اند (با انواع تکالیف و مشقّات و با اقسام نعمت‌ها و محنتها) آزمایش کرده‌ایم، آخر باید خدا بداند چه کسانی راست می‌گویند، و چه کسانی دروغ می‌گویند. آیا کسانی که بدیها را انجام می‌دهند گمان می‌برند که بر ما پیشی می‌گیرند (و از حوزه قدرت ما می‌گریزند و از چنگال کیفر ما رهائی می‌یابند؟!). چه بد داوری می‌کنند!

و نیز خداوند در آیه‌ی ١٤ سوره‌ی حجرات می‌فرماید:

﴿۞ قَالَتِ ٱلْأَعْرَابُ ءَامَنَّاۖ قُل لَّمْ تُؤْمِنُواْ وَلَٰكِن قُولُوٓاْ أَسْلَمْنَا وَلَمَّا يَدْخُلِ ٱلْإِيمَٰنُ فِي قُلُوبِكُمْۖ وَإِن تُطِيعُواْ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ لَا يَلِتْكُم مِّنْ أَعْمَٰلِكُمْ شَيْـًٔاۚ إِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ۝١٤﴾

عربهای بادیه‌نشین می‌گویند: ایمان آورده‌ایم. بگو: شما ایمان نیاورده‌اید، بلکه بگوئید: تسلیم (ظاهری رسالت تو) شده‌ایم. چرا که ایمان هنوز به دلهایتان راه نیافته است (و نور ایمان سراچه قلوبتان را روشن نکرده است). اگر از خدا و پیغمبرش

فرمـانبرداری کنید، خدا از (پاداش) کارهایتان چیزی نمی‌کاهد.
بی‌گمان خداوند آمرزگار و مهربان است.

پس باید آگاه باشـیم که با وجود اینکه بر پایه‌ی وضعیت ایمانی خود، چنان بیان می‌داریم که باید مسـلمان باشیم، خوب رفتار کنیم، الگو و نمونه برای دیگران باشیم و... اما بیان این مسائل هرگز نباید باعث گردد که وضـعیت واقعی ایمانی خود را نشناسیم و مسلمانان نباید این دو مقام را با همدیگر اشتباه بگیرند، چون این مسئله یکی از آن مشـــکلاتی اســـت که در موضـــوع ماهواره هم با آن روبه‌رو می‌شویم، به گونه‌ای که وقتی از فردی پرسیده می‌شود که چرا بدون تحلیل و شـناسایی اقدام به خرید و استفاده‌ی از ماهواره کرده‌اید و اکنون هم از وقوع لطمه و ضـــربه‌ی ماهواره بر خود اعتراف می‌کنید در مقابل باز هم با «بایدها» پی کار خود را توجیه می‌کنید؟ درپاسخ خواهندگفت هرگزنمی دانسـتیم باادعای صـــرف نمی توان به جنگ نفس وشیطان رفت!

از این رو مـا هشـــدار می‌دهیم کـه نبـاید فریب مقام «باید» یا حقیقت را خورد و مهم آن اســـت که آیا اکنون شـــما درعالم واقع آمادگی استفاده از ماهواره را دارید یا خیر؟ اگرچه این نکته صحیح اســـت که ما باید بر اســاس مقام حقیقت برخورد مناسبی با ماهواره داشـــته باشـیم، اما اکنون عملاً درعالم واقع بر ما ثابت شده است که اینگونه نیســـتیم، در نتیجه ما هنوز آمادگی اســـتفاده از این ابزار را نداریم.

***

اصل یازدهم: پرهیز از کوچک انگاشتن گناهان

نکته‌ای دیگر که مسلمانان باید نسبت به آن حساس و هوشیار باشند این است که باید گناهان را بزرگ بدانند، به نحوی که حتی کوچک‌ترین آنها را هم زیرنظر گرفته و نسبت به انجام آنها وحشت داشته باشند.

همچنان که می‌دانیم گناه عبارت است از اینکه انسان ازحد توازن و اعتدال در رابطه با چیزی یاکاری خارج شود. یعنی اگر موازین خدایی را که جهان هستی بر پایه‌ی آن قرار گرفته و عالمان به آن توازن و اعتدال می‌گویند، در کارهای کوچک وبزرگ خود رعایت کردیم، بر راه صلاح و منفعت قرارگرفته ایم. اما اگر از آن منحرف شدیم -هرچند میزان انحراف هم اندک باشد -در طول زمان این انحراف بیشتر می‌شود و به عبارتی دیگر: قطره قطره جمع گردد وانگهی دریا شود. که در این صورت زیان و مضرّت در زمینه‌های مختلف دامنگیر انسان می‌گردد.

در این زمینه روایتی مشهور از پیامبر (ص) نقل شده است که آن حضرت در راه بازگشت از یکی از غزوات همراه با یاران و اصحاب خود، در سرزمینی خشک و بی‌آب و علف فرود آمدند و برای تهیه و تدارک غذا نیاز به هیزم داشتند. پیامبر (ص) رو به یاران کردند و فرمودند: بروید هیزم بیاورید. اصحاب در جواب گفتند: یا رسول‌الله (ص)! در این بیابان بی‌آب و علف هیزمی یافت نمی‌شود. حضرت فرمودند: برویدو هر اندازه هیزم یافتید، با خود بیاورید. هر کدام از اصحاب بعد ازمدتی اندکی هیزم جمع کردند و در جایی انباشتند،

پس از مـدتی هیزم زیـادی جمع شـــد و پیامبر (ص) از این اتفاق محســوس، اسـتفاده می‌کند و می‌فرماید: گناهان کوچک نیز اینگونه در اثر مـداومـت بر انجـام آنهـا بزرگ می‌گردنـد و به گناهان کبیره تبدیل می‌شـــوند. پس باید هوشـــیار باشـــید که گناهان کوچک را کوچک نشـمارید، زیرا سـرانجام در اثر تکرار به دریایی ازمعصیت تبـدیـل می‌گردنـد و شـــما در برابر آنها دیگر توان مقابله نخواهید داشت.

اگر ما در زمینه‌ی استفاده از ماهواره حتی به مقداری جزئی دچار آســیب و زیان شـــویم، در طول زمان و در اثر تکرار، این گناهان کوچک بر روی هم انباشـــته می‌گردند و به دریایی از گناهان تبدیل شده و همانند گناهان کبیره به ما ضرر می‌رسانند و حیات ایمانی ما را به مخاطره می‌اندازند.

در رابطه با اهمیت این موضوع که نباید گناه - حتی کوچک‌ترین آنها -را کوچک بشماریم، روایتی از پیامبر اکرم (ص) نقل است که می‌فرماید: انســـان مؤمن، گناه را اگرچه کوچک هم باشـــد همچون کوهی می‌داند که در حال فرو ریختن بر او است و همان گونه که از کوه در حـال ریزش فرار می‌کنـد، از گنـاهـان کوچـک هم اینگونه می‌ترسـدو فرار می‌کند و خود را از آن مصـون می‌دارد و در مقابل، انسان منافق به گناهان بزرگ یا کوچک همچون پشّه‌ای می‌نگرد که از کنار او عبور می‌کند و آن را این چنین ناچیز می‌پندارد.

در رابطه باقضیه‌ی ماهواره هم لازم است داستان برسیسای عابد و یا مثالهای فراوان دیگری از این دست را در ذهن خود مرور کنیم

که چگونه بعضی اوقات تنها یک گناه کوچک، دریچه‌ای را بر روی انسان می‌گشاید که او را به بیچارگی در دنیا و قیامت دچار می‌سازد. در اینجا هم درست است که در اوایل امکان دارد کمتر متأثر گردیم و تنها دچار گناهانی به ظاهر کوچک شویم، اما اگر نسبت به این گناهان کوچک حساس نباشیم و بی‌تفاوت با آنها برخورد کنیم، قطعاً خداوند با جدیت تمام ما را محاسبه می‌کند و همان گونه که در آیات آخر سوره‌ی زلزال آموختیم؛ با «مثقال ذرة» حسابرسی ما انجام می‌گیرد. در نتیجه باید بدانیم که سعادت و شقاوت دنیا و قیامت ما در دست اوست و خدای ناکرده اگر بر این راه مداومت کنیم بدبختی هر دو سرا دامنگیر ما می‌گردد و کسی توان مقاومت در برابر این مصیبت بزرگ را ندارد.

متأسفانه این مسئله یکی از بیماریهای رایج روزگار حاضر است که ما در برابر گناهان بسیاری بی‌توجه و بی‌تفاوت شده ایم؛ به‌ویژه در مسئله‌ی نگاه کردن به نامحرمان بسیار بی مبالات هستیم و آن را به عنوان کار بزرگی در نظر نمی‌گیریم و در حالی که در کنار انجام آنها عبادات دینی را هم به جا می‌آوریم، با این وصف کسب بهشت را هم شایسته‌ی خود می‌دانیم. اماهرگز چنین نیست!

با کمال تأسف ما نسبت به انجام گناهان آن گونه که خداوند راضی است، حساسیت نداریم و با وجود حساسیت در برخی موارد زندگی، اما هنوز این حساسیت در تمام جنبه‌ها ایجاد نشده است. خداوند در این رابطه درسوره‌ی بقره آیه‌ی ۸۵ و ۸۶ می‌فرماید:

﴿ثُمَّ أَنتُمْ هَٰؤُلَاءِ تَقْتُلُونَ أَنفُسَكُمْ وَتُخْرِجُونَ فَرِيقًا مِّنكُم مِّن دِيَارِهِمْ تَظَاهَرُونَ عَلَيْهِم بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَإِن يَأْتُوكُمْ أُسَارَىٰ تُفَادُوهُمْ وَهُوَ مُحَرَّمٌ عَلَيْكُمْ إِخْرَاجُهُمْ ۚ أَفَتُؤْمِنُونَ بِبَعْضِ الْكِتَابِ وَتَكْفُرُونَ بِبَعْضٍ ۚ فَمَا جَزَاءُ مَن يَفْعَلُ ذَٰلِكَ مِنكُمْ إِلَّا خِزْيٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ۖ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يُرَدُّونَ إِلَىٰ أَشَدِّ الْعَذَابِ ۗ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ (۸۵) أُولَٰئِكَ الَّذِينَ اشْتَرَوُا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ ۖ فَلَا يُخَفَّفُ عَنْهُمُ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ (۸۶)﴾

پس از آن، این شما هستید که یکدیگر را می‌کشید و گروهی از خودتان را از خانه‌ها و سرزمینتان بیرون می‌رانید، (و دیگران را بر ضدّ آنان برمی‌شورانید و یاری می‌دهید و ایشان را علیه آنان) از راه گناه و دشمنانگی، همپشتی و پشتیبانی می‌کنید. ولی اگر (بعضی از آنان به صورت) اسیران نزد شما (و هم‌پیمانانتان) بیایند (برای نجاتشان می‌کوشید و) فدیه می‌دهید (و ایشان را آزاد می‌سازید. اگر از شما پرسیده شود، چه چیز شما را وامی‌دارد که فدیه آنان را بپردازید و آزادشان سازید؟ می‌گوئید که کتابهای آسمانیمان به ما دستور می‌دهد که فدیه اسیران بنی‌اسرائیل را بپردازیم و ایشان را آزاد سازیم. مگر کتابهای آسمانی به شما دستور نمی‌دهند که خون آنان را نریزید و ایشان را از خانه و کاشانه آواره نسازید؟) و حال آن که بیرون راندن ایشان (و کشتن آنان) بر شما حرام است. آیا به بخشی از (دستورات) کتاب (آسمانی) ایمان می‌آورید و به بخش دیگر

(دستورات آن) کفر می‌ورزید؟ برای کسی که از شما چنین کند، جز خواری و رسوائی در این جهان نیست و در روز رستاخیز (چنین کسانی) به سخت‌ترین شکنجه‌ها برگشت داده می‌شوند، و خداوند از آنچه می‌کنید بی‌خبر نیست. اینان همان کسانیند که آخرت را به زندگی دنیا فروخته‌اند. لذا شکنجه آنان تخفیف داده نمی‌شود و ایشان یاری نخواهند شد (و یاوران و کمک‌کنندگانی نخواهند یافت تا برای نجاتشان بکوشند).



اصل دوازدهم: انجام گناهان صغیره پیش زمینه‌ای برای گناهان کبیره

همچنان که هنگام زراعت جویهایی برای وارد شدن آب به باغ‌ها و تک‌تک درختان ساخته می‌شود؛ گناهان بزرگی که ما خود را از آنها دور می‌کنیم نیز از کانال‌ها و شعبه‌های متعدّدی به‌وجود آمده‌اند. در واقع برای اینکه گناه بزرگی اتفاق بیفتد گناهان کوچک بسیاری دست به دست هم می‌دهند تا آن گناه بزرگ انجام گیرد. بنابراین اگر از چنین منظری به گناهان بزرگ نگریسته شود؛ می‌بایست قبل از هر چیز از گناهان کوچک پرهیز کرد و در گناهان کوچک هم پرهیزکاری و تقوای خداوند را مد نظر قرار داد. چون اگر انسان در برابر گناهان کوچک اینگونه حساس باشد قطعاً نسبت به گناهان بزرگ حساس‌تر می‌گردد و اجازه نمی‌دهد که به سادگی درونش به گونه‌ای آلوده گردد که روزی فرا رسد که دیگر حق را نبیند. یکی از عالمان در این باره فرموده‌است:

[الصَّغَائِرُ مِنَ الذُّنُوبِ طُرُقٌ إلَـی الْکَبَائِرِ وَ مَن لَـمیَخَفِ اللهَ فِي القليلِ لَـمْ يَـخَفْهُ في الكبير]

«گناهان کوچک روش‌ها و کانال‌هایی برای گناهان بزرگند و هر کس در گناهان کوچک از خداوند نترســد در گناهان بزرگ هم از خدا نمی‌ترسد».

این یک قاعده‌ی قرآنی اســت و باید در برابر همه‌ی رفتارهایی که انجام می‌دهیم آن را به خاطر بســپاریم. به‌ویژه درقضــیه‌ی نگاه کردن بـه نـامحرم –چه در محیط بیرون یا مجالس و چه درتعامل با تلویزیون و ماهواره– باید آن را در نظر بگیریم. گرچه ممکن اســت چنین بپنداریم که این امر، کار کوچکی است اما در حقیقت استمرار در انجـام چنین کاری حتی اگر آن را هم کوچک بپنداریم روزی ما را به‌ســوی تولید گناهان بزرگی همچون زنا می‌کشــاند و به مرور زمان حیا و آبرو را از ما می‌رباید و در آن حالت دیگر در برابر چنین گناهانی نمی‌توانیم مقاومتی از خود نشان دهیم.

در این زمینه افراد بسـیاری بوده‌اند که در اوایل نسبت به گناهان فوق‌العـاده حســاس بوده‌اند اما به خاطر اینکه از گناهان کوچک و مقـدماتی –یعنی آن گناهانی که شــیطان بتدریج آنها را بر انســان تحمیل می‌کند –پرهیز نکرده اند در نتیجه مرحله به مرحله شــیطان بر آنها مســلّط‌تر گشــته و آنها را بر انجام گناهان بزرگ ترغیب و راهنمایی نموده است.

شـیطان برای به نتیجه رساندن کار خود، موجودی بسیار مجرّب

است، به این صورت که دراوایل، هرگز انسان را بر انجام گناهان بزرگ که نسبت به آن حساسیت دارد فرانمی‌خواند؛ بلکه کم‌کم و به تدریج انسان را ازطریق کانال‌های گناهان کوچک برای انجام گناهان بزرگ آماده می‌کند. مثلاً در مسئله‌ی اعتیاد و رفاقت با فردی معتاد ممکن است در آغاز به امید آنکه بتوان نقشی در ترک اعتیاد آن فرد داشت، دوستی انجام گیرد؛ اما اگر پس از مدتی همچنان مشاهده شود که فرد معتاد بر راه خود پافشاری می‌کند در این صورت تداوم آن رفاقت و دوستی –بعد از اینکه انسان اطمینان پیدا کرد که تأثیری در هدایت فرد معتاد ندارد – و لحظاتی که با آن فرد سپری می‌کند گناه محسوب می‌گردد. چون دیگر امید اصلاح باقی نمانده است. لذااین کارهای به ظاهر کوچک باعث می‌گردد که مسئله‌ی اعتیاد به مرور زمان برای فرد امری ساده و طبیعی جلوه کند و حتی زمانی فرا رسد که در مجالس افراد معتاد حاضر شود و او را برای یکبار استفاده کردن از ماده‌ی مخدر تشویق و ترغیب کنند و به تدریج زمینه‌ی اعتیاد را برای وی فراهم سازند، که اغلب افرادی که دامنگیر اعتیاد گشته‌اند با چنین کارهای به ظاهر کوچکی گام در این وادی نهاده اند.

خداوند در آیات ۱۳۵ و ۱۳۶ سوره‌ی آل‌عمران در این زمینه می‌فرماید:

﴿وَٱلَّذِينَ إِذَا فَعَلُواْ فَٰحِشَةً أَوۡ ظَلَمُوٓاْ أَنفُسَهُمۡ ذَكَرُواْ ٱللَّهَ فَٱسۡتَغۡفَرُواْ لِذُنُوبِهِمۡ وَمَن يَغۡفِرُ ٱلذُّنُوبَ إِلَّا ٱللَّهُ وَلَمۡ

يُصِرُّواْ عَلَىٰ مَا فَعَلُواْ وَهُمْ يَعْلَمُونَ ﴿١٣٥﴾ أُوْلَٰٓئِكَ جَزَآؤُهُم مَّغْفِرَةٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَجَنَّٰتٌ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا ٱلْأَنْهَٰرُ خَٰلِدِينَ فِيهَاۚ وَنِعْمَ أَجْرُ ٱلْعَٰمِلِينَ ﴿١٣٦﴾﴾

و کسانی که چون دچار گناه (کبیره‌ای) شدند، یا (با انجام گناه صغیره‌ای) بر خویشتن ستم کردند، به یاد خدا می‌افتند (و وعده و وعید و عقاب و ثواب و جلالت و عظمت او را پیش چشم می‌دارند و پشیمان می‌گردند) و آمرزش گناهانشان را خواستار می‌شوند - و بجز خدا کیست که گناهان را بیامرزد؟ - و با علم و آگاهی بر (زشتی کار و نهی و وعید خدا از آن) چیزی که انجام داده‌اند پافشاری نمی‌کنند (و به تکرار گناه دست نمی‌یازند). آن چنان پرهیزگارانی پاداششان آمرزش خدایشان و باغهای (بهشتی) است که در زیر (درختان) آنها جویبارها روان است و جاودانه در آنجاها ماندگارند، و این چه پاداش نیکی است که بهره کسانی می‌گردد که اهل عملند (و برابر فرمان خدا کار می‌کنند).

همچنین خداوند در آیه‌ی ۱٦۸ سوره‌ی بقره می‌فرماید:

﴿ يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ كُلُواْ مِمَّا فِي ٱلْأَرْضِ حَلَٰلٗا طَيِّبٗا وَلَا تَتَّبِعُواْ خُطُوَٰتِ ٱلشَّيْطَٰنِۚ إِنَّهُۥ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ ﴿١٦٨﴾﴾

ای مردم! از آنچه در زمین است و حلال و پاکیزه است (و خدا آن را تحریم نکرده و نفس انسان گوارا و خوشایندش می‌داند) بخورید، و پا به پای اهریمن راه نیفتید (و به دنبال شیطان روان نشوید). بی‌گمان او دشمن آشکار شما است.

بنابراین همه‌ی گناهان با همدیگر ارتباط دارند؛ به‌خصوص اینکه

گناهان کوچک، زمینه‌ساز و تولید کننده‌ی گناهان بزرگ هستند.

* * *

اصل سیزدهم: تداوم بر انجام گناهان کوچک و کم اهمیت، عامل بدبختی و شقاوت اخروی

نکته‌ای که در نتیجه‌ی دو اصل قبلی می‌توان به دست آورد این است که ادامه‌ی گناهان کوچک به انجام گناهان بزرگ و کبیره منجر می‌گردد و مداومت در انجام گناهان بزرگ هم به گناهان کبیره‌ی مصرّانه تبدیل می‌شود که دیگر در این حالت، معصیت و خارج شدن از فرمان خداوند به عنوان گناه زودگذر و لَمَمی به‌حساب نمی‌آید؛ بلکه، نفس انسان به عنوان معبود و فرمانروا قرار می‌گیرد و انسان بدون چون و چرا از آن اطاعت می‌کند.

همچنانکه در قرآن اشاره شده است گناهان یک‌گونه و یک رنگ نیستند؛ بلکه گناهانی هستند که انسان از انجام آنها شرم دارد و از آن متنفر است و به تدریج اقدام به ترک آنها می‌کند و بر آنها غلبه می‌یابد. این دسته از گناهان به گناهان لَمَمی مشهور هستند که سرانجام مشمول غفران و بخشش خداوند می‌گردند. اما گناهان دیگری هستند که انسان بر انجام آنها اصرار می‌ورزد و نه تنها برای کم‌کردن و ترک آنها اقدام نمی‌کند بلکه فرد از انجام چنین گناهانی، پشیمان نمی شود و تا زمان فرا رسیدن مرگ آن را ادامه می‌دهد که پناه بر خدا اگر اینگونه باشد انسان در مسیر شرک قرار می‌گیرد و اگر کسی بدین حالت بمیرد خداوند از گناهان او نمی گذرد و

ماندگاری و استمرار و بی‌توجهی نسبت به گناه، دیگر تنها به عنوان گناه محسوب نمی‌گردد بلکه انسان را از عقیده و باور اسلامی خارج می‌سازد و انسان به‌جای خداوند، اله دیگری را برای خود برمی‌گزیند و این گونه جهنم را برای خود تضمین می‌کند. (به کتاب آسیب شناسی مفاهیم دینی نوشته‌ی مولف مراجعه شود)

در آیات بسیاری از قرآن به این موضوع اشاره شده که اصرار و مداومت در انجام گناه، انسان را از دایره‌ی دین خارج می‌سازد و اگر شخصی تا زمان مرگ در این مسیر گام بردارد و اتمام حجت بر او صورت‌گرفته باشد، در این صورت جایگاهش جهنم خواهد بود.

همچون آیه‌ی ۸۱ سوره‌ی بقره‌که خداوند می‌فرماید:

﴿بَلَىٰ مَن كَسَبَ سَيِّئَةً وَأَحَٰطَتْ بِهِۦ خَطِيٓـَٔتُهُۥ فَأُوْلَٰٓئِكَ أَصْحَٰبُ ٱلنَّارِ ۖ هُمْ فِيهَا خَٰلِدُونَ ۝٨١﴾

آری! هر کس مرتکب گناه شود، و گناه (احساس و وجدان و سراسر وجود) او را احاطه کند، این چنین افرادی یاران آتش بوده و جاودانه در آن خواهند ماند.

در ارتباط با چند اصل مذکور، می توان گفت: در رابطه با مسئله‌ی ماهواره نیز اگر با موازین و معیارهای دینی و با دقت و ظرافت مورد بررسی قرار نگیرد و بحث «مثقال ذرة» در محاسبه گناهان مطرح نگردد و همچنین نصوص‌شرعی به ویژه در رابطه با مسائل جنسی و خطرات انتخاب حیات دنیا به عنوان هدف نادیده گرفته شود، گناه استفاده‌ی نادرست از ماهواره برای کسانی که با

وجود عدم شناخت لازم اما بازهم برآن مداومت می‌کنند، گناه و معصیتی مدوام است و اگر خدای ناخواسته بر استفاده‌ی نادرست و بدون تحلیل از آن ماندگار شوند مشمول قاعده‌ی اصرار بر انجام گناهان می‌گردندو با گناهان بزرگی روبه‌رو می‌شوند که به مرور زمان آنها را از برنامه‌ی خداوند خارج می‌سازد. اگر چه در این حالت تصور می‌شود که در مدار دین قرار گرفته اند اما این نوعی خودفریبی است و در روز جزا و پاداش متوجه می‌شوند که بدون توشه و با دست خالی پا در این عرصه‌ی سهمناک نهاده‌اند و بدون توجه به ادعاهایشان، با آنهامحاسبه صورت می‌گیرد.



اصل چهاردهم: توجه به اصل خطاپذیری انسان

از موضوعات دیگری که برای اصلاح فرد مهم است توجه به این نکته است که ما در ضمن اینکه انسان هستیم؛ هم دچار اشتباه می‌شویم و هم مرتکب گناه؛ و به‌عبارتی دیگر هم ممکن الخطا هستیم و هم ممکن الگناه؛ و ما نمی‌توانیم چنین تصور کنیم که در قضاوتها و در برخورد با غرایز و نعمت‌ها معصوم و بدون خطا عمل می‌کنیم. پس با این وجود تنها فردی می‌تواند در تربیت خود موفق باشد و خوشبختی و سعادت دنیا و آخرت را به دست آورد که آزادانه و با شهامت به اشتباه خود اعتراف کند و در مسیر اشتباهات و خطاها ماندگار نگردد و به اصلاح خود بپردازد.

این قاعده نسبت به گناه هم، این چنین است و انسان باید به

گناه خود نزدخداوند و مربیان دینی دلسوز، اعتراف کند؛ به گونه‌ای که برای ترک گناه خود از خداوند طلب توفیق و رحمت نماید و از کارشـناسـان تربیتی مسـلمانان هم به عنوان اسـباب این کار، برای خارج شدن از این مصیبت یاری جوید.

به حقیقت مسـلمانان قبل از ما و افراد متقی و متعهد این دوران این گونه رفتار نموده اند و ما نیز بایدآنان را سـرمشـق خویش قرار دهیم، نه آنکه به توجیه گناهان خود بپردازیم.

در ارتباط با مسـئله‌ی ماهواره نیز باید چنین موضـعی را اتخاذ کرد؛ اگر مـا قبلاً درعالم خیال چنین تصـور کرده‌ایم که علی رغم استفاده از ماهواره؛ توانایی غلبه بر نفس خود را داریم؛ اما اکنون که خلاف این ادعا بر ما ثابت شـده اسـت باید به اشتباه خود در چنین قضاوت پیش ساخته‌ای اعتراف کنیم. همچنین اگر متوجه شدیم که با اسـتفاده از ماهواره دچار گناه و نافرمانی خداوند شـده‌ایم باید به‌وسـیله‌ی معیارهای دینی به گناه خود اقرار کرده و این بار سنگین گنـاه را از دوش خود برداریم و تـا زمـانی که توانایی اسـتفاده از ماهواره را بدون انجام گناه در خود تقویت می‌کنیم، از استفاده از آن خوداری کنیم.

همچنین در این زمینه توجه به این نکته الزامی است که شهامت در اعلام اشـتباه، اعتراف به گناه و به تدریج در پی اصـلاح خود برآمدن از منجیات بشری است و باعث نجات انسان از آتش جهنم می‌گردد و سـربلندی و سـعادت دو جهان را برای انسـان به ارمغان

می‌آورد. اما خطرناکترین چیز در برابر اقرار و اعتراف به خطا و گناه این است که بدین خاطر که غرور ما اجازه‌ی اقرار به اشتباه را به ما نمی‌دهد به توجیه گناهان خود بپردازیم، که این راه اگر ادامه یابد ما را به‌سوی هلاکت و نابودی می کشاند و این از مهلکات است؛ به گونه‌ای که بسیاری از افراد جامعه، آگاهانه یا ناآگاهانه به توجیه اعمال خود مبادرت می‌ورزند که این کار در حقیقت نوعی بیماری مهلک به شمار می‌رود.

مسلمانان باید به این نکته واقف گردند که خداوند بهتر از هر کس دیگری و حتی خودمان، ما را می‌شناسد و بر طبق آیات قرآنی از رگ گردن هم به ما نزدیکتر است و ما اگرچه ممکن است بتوانیم مردم را فریب دهیم، اما قادر به فریب خود وخداوند نخواهیم بود و حتی اعضای بدن و روح خود را هم نمی‌توانیم فریب دهیم بلکه همه‌ی اینها شاهدانی برعلیه ما برای روز قیامت هستند.

تمام جزئیات زندگی ما در اختیارخداونداست و او بر پنهان و آشکار ما آگاه و بینا است.

در این رابطه، خداوند متعال در آیات ۱٤ و ۱٥ سوره قیامت می‌فرماید: ﴿بَلِ ٱلۡإِنسَٰنُ عَلَىٰ نَفۡسِهِۦ بَصِيرَةٞ ﴿١٤﴾ وَلَوۡ أَلۡقَىٰ مَعَاذِيرَهُۥ ﴿١٥﴾﴾ : اصلاً انسان خودش از وضع خود آگاه است (و وجودش شاهد و دلیل بر خویشتن است). در حالی که (به زبان) عذرهائی برای (دفاع از) خود می‌آورد.

همچنین خداوند در آیه‌ی ۱۳ و ۱٤ سوره‌ی اسراء می‌فرماید:

﴿وَكُلَّ إِنسَٰنٍ أَلۡزَمۡنَٰهُ طَٰٓئِرَهُۥ فِي عُنُقِهِۦۖ وَنُخۡرِجُ لَهُۥ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ

كِتَٰبًا يَلْقَىٰهُ مَنشُورًا ﴿١٣﴾ ٱقْرَأْ كِتَٰبَكَ كَفَىٰ بِنَفْسِكَ ٱلْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا ﴿١٤﴾﴾

ما اعمال هرکسی را (همچون گردن‌بند) به گردنش آویخته‌ایم (و او را گروگان کردار و عهده‌دار رفتارش ساخته‌ایم) و در روز قیامت کتابی را (که کارنامه اعمال او است) برای وی بیرون می‌آوریم که گشوده به (دست) او می‌رسد. (در آن روز بدو گفته می‌شود:) کتاب (اعمال) خود را بخوان (و سعادت یا شقاوت خویش را بدان). کافی است که خودت امروز حسابگر خویشتن باشی. (چه مسائل روشن‌است و نیازی به شاهد و حسابرس دیگری نیست).

در اینجا خداوندبه انسان فرمان می‌دهد که محاسبه‌ی اعمالتان را خودتان انجام دهید و منصفانه به قضاوت بپردازید. در حالی که فیلم زندگی، نیت‌ها و اعمال پنهان و آشکار انسان دراختیارش قرار داده می‌شود تا خود به داوری نفس خود بپردازد.

نسبت به مسئله‌ی ماهواره هم بسیاری از افراد به این نکته به خوبی آگاهی دارند و حتی در مواردی به گناه و اشتباه خود نیز اعتراف می‌کنند؛ اما متأسفانه باز به توجیه کار خود می‌پردازند و استفاده از ماهواره را ادامه می‌دهند و با این کار عملاً می خواهند خدا و رسول را بفریبند، در حالی که خلاف این قضیه اتفاق می‌افتد و در واقع خود را فریب می‌دهند.

خداوند در آیه‌ی ۱۱۸ سوره‌ی توبه می‌فرماید:

﴿وَعَلَى ٱلثَّلَٰثَةِ ٱلَّذِينَ خُلِّفُواْ حَتَّىٰٓ إِذَا ضَاقَتْ عَلَيْهِمُ ٱلْأَرْضُ

بِمَا رَحُبَتْ وَضَاقَتْ عَلَيْهِمْ أَنفُسُهُمْ وَظَنُّوٓاْ أَن لَّا مَلْجَأَ مِنَ ٱللَّهِ إِلَّآ إِلَيْهِ ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ لِيَتُوبُوٓاْ إِنَّ ٱللَّهَ هُوَ ٱلتَّوَّابُ ٱلرَّحِيمُ ﴿١١٨﴾

خداوند توبه آن سه نفری را هم می‌پذیرد که (بی‌هیچ حکمی به آینده) واگذار شدند (و پیغمبر و مؤمنان و خانواده خودشان با ایشان سخن نگفتند و از آنان دوری جستند) تا بدانجا که (ناراحتی ایشان به حدی رسید که) زمین با همه فراخی، بر آنان تنگ شد، و دلشان به هم آمد و (جانشان به لب رسید. هم مردم از آنان بیزار و هم خودشان از خود بیزار شدند. بالاخره) دانستند که هیچ پناهگاهی از (دست خشم) خدا جز برگشت به خدا (با استغفار از او و پناه‌بردن بدو) وجود ندارد (چرا که پناه بی‌پناهان او است و بس). آن گاه خدا (به نظر مرحمت در ایشان نگریست و) بدیشان پیغام توبه داد تا توبه کنند (و آنان هم توبه کردند و خدا هم توبه ایشان را پذیرفت). بیگمان خدا بسیار توبه‌پذیر و مهربان است.

قضیه‌ی این سه نفر که در آیه فوق به آن اشاره شده این است که پیامبر (ص) برای انجام یکی از غزوات مردم را فراخواند و آنها را به آماده شدن برای جهاد دعوت کرد؛ اما کعب پسر مالک و دو نفر از دوستانش که هیچ زمانی بدان اندازه برای جهاد و جنگ آماده نبودند ازشرکت در آن روی گرداندند و با لشکر مسلمانان حرکت نکردند. بعد از بازگشت لشکر اسلام از جنگ و به دست آوردن فتح و پیروزی پیغمبر خدا (ص) یکایک آنهایی را که از جنگ خودداری کرده بودند فراخواند و علت را از آنها پرسید که منافقان و

دروغگویان با بیان توجیهاتی دروغین خود را تبرئه کردند، اما کعب و دوستانش صادقانه نزد پیامبر رفتند وپیروی از شیطان و نفس را علت نرفتن به جنگ معرفی کردند و بدون بیان هیچ‌گونه عذر دروغینی به گناه خود اعتراف کردند و پیامبر نیز ازآنجاکه از میزان صبر و تحمل پرورش یافتگان مکتب خود آگاه بود؛ لذا به اصحاب خود و همسران و اقوام آنها دستور داد که هیچ‌گونه صحبت و معامله‌ای را با آنها نداشته باشند تا جایی که سرگردان و آشفته به کوه‌ها پناه بردند و به مدت ۵۰ شبانه‌روز این وضعیت را تحمل کردند تا اینکه خداوند صداقت آنها را در بازگشت به مسیر اصلی خود نمایان کرد و توبه‌ی آنان راپذیرفت و از گناهشان چشم‌پوشی کرد. خداوند به همه‌ی ما این چنین توبه‌ی صادقانه ونصوحانه‌ای را عطا فرماید. ان شاءالله.

اصل پانزدهم: تداوم و اصرار بر گناهان موجب نابودی واحباط اعمال صالح می‌شود و بالعکس تداوم برانجام اعمال صالح موجب حذف گناهان کمی می‌شود

مداومت و اصرار بر گناهان باعث هدر دادن و احباط اعمال صالح گذشته می‌گردد که در نتیجه‌ی آن توانایی اصلاح خود و دیگران را از دست می‌دهیم.

این مسئله یکی از غریبترین سنتهای قرآنی است که می‌توان گفت در نزد بسیاری از عالمان دینی هم غریب واقع شده است و آنگونه که باید، حق مطلب و حرکت قابل توجهی در این مسیر

انجام نگرفته است و بدین خاطر است که مردم چنین تصور می‌کنند که گناه جای خود را دارد و عمل صالح هم جای خود؛ اما در فرهنگ قرآنی هرگز چنین نیست، بلکه اگر به آیاتی مراجعه شود که در مورد احباط و هدر رفتن اعمال صالح اشاره دارد، متوجه می‌شویم که گناه و عمل صالح هیچ‌گاه هم زمان در قلب فردی جمع نمی‌گردند بلکه وجود یکی از آنها باعث ازبین رفتن دیگری می‌شود. به عبارت دیگر هر گاه گناه مصرّانه‌ای توسط فرد انجام گیرد قطعاً آن گناه، اعمال نیک گذشته‌ی وی را نیز با خود از بین می‌برد و خود در جای آن می‌نشیند. اما برعکس، اگر فردی به صورت مداوم اعمال صالح را انجام دهد، آن اعمان صالح، اعمال ناصالحِ غیرمصرّانه‌ی آن فرد را می زدایند.

قواعد قرآنی از این قاعده حمایت می‌کنند تا متوجه این حقیقت شویم که محصول اعمال گذشته –بعد از رسیدن به سن تکلیف –که آن را پیوسته انجام می‌دهیم و نسبت به آن دلخوش هستیم و چنین تصور می‌کنیم که در نامه‌ی اعمالمان ماندگار و بدون تغییرمانده است، این تصورنباید ما را فریب دهد؛ چون قرآن کریم چنین چیزی را تأیید نمی‌کند، بلکه بر اساس آیات قرآن، در نتیجه‌ی انجام اعمال ناصالح و ناشایست مداوم، آن اعمال صالح درمعرض نابودی قرار می‌گیرند و نفس و شیطان همواره به این اعمال حمله می‌برند و آن را در جایگاه تغییر و نابودی قرار می‌دهند.

در رابطه با موضوع ماهواره هم ممکن است ما مدتی از ماهواره استفاده کرده باشیم اما متوجه این نکته نشده باشیم و حتی

شکایت‌هایی را هم نزد خداوند برده باشیم که چرا این گونه شده‌ایم و لذّتی از عبادت نمی‌بریم؟! چرا کسی از نصایح ما متأثر نمی‌گردد و کسی از معاشرت و مجالست با ما خوشحال نمی‌شود؟! چرا اعضای خانواده نسبت به ما بی‌تفاوت گشته و به سخنان ما بی‌توجهند؟! چرا منزلت اجتماعی خود را از دست داده‌ایم؟! چرا با وجود نعمت‌هایی که در اختیار داریم دلتنگ هستیم و از زندگی لذت نمی‌بریم؟! و... که در حقیقت این موارد همه دردهایی هستند که در اثر مداومت بر انجام گناه و نگاه کردن نامشروع به ماهواره و در نتیجه، احباط اعمال صالح به وجود آمده است و درنتیجه‌ی آن عملاً هیچگونه نیرو و قدرت معنوی برای ما باقی نمانده است که بتوانیم در برابر این نوع از گناهان مقاومت کنیم. این نکته را اصحاب گرانقدر پیامبر (ص) به‌خوبی متوجه شده بودند به همین خاطر بود که توانستند به سرعت رشد کنند و به مدارج عالی کمال دست یابند ولی ما شاهد آن هستیم که پس از سالیان دراز اشتغال به امور دینی اما شاهد هیچگونه رشد خداپسندانه ای در خود نیستیم که علت آن عدم تفکیک جایگاه گناه و عملِ صالح از همدیگر است و بدین خاطر نه تنها راه پیشرفت را گم کرده‌ایم؛ بلکه از جایگاه واقعی خود هم تنزّل یافته‌ایم.

خداوند در آیه‌ی ۳۳ سوره‌ی محمد می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَلَا تُبْطِلُوا أَعْمَالَكُمْ ۝٣٣﴾

ای مؤمنـان! از خدا و پیغمبر اطاعت کنید، و کارهای خود را (با انجام معاصی) باطل مگردانید.

بنابراین هر نوع خارج شـدن از فرمان خدا و رسول اگر لَممی و گذرا نباشـد و بر ارتکاب آن اصـرار بورزیم؛ قطعاً به‌اندازه‌ی مقدار گناهی که انجام می‌گیرد از اعمال صـالحمان کاسته می‌شود و دیگر نباید به آن اعمال صالح دلخوش وشادمان باشیم.

از این رو باید با جدیّت تمام این قاعده را فهم کنیم و آن را فرا روی برای زندگی خود قرار دهیم تا نقشـه‌های شیطان نتواند رنج‌ها و زحمت‌هایی را که در طول سـالیان دراز برای جمع‌آوری اعمال صـالح داشته‌ایم ضایع کند و اعمالمان را هدر دهد. به خاطر اهمیت این قاعده و تاثیر بنیادین آن بر رفتار مسـلمانان برآن شـدیم که عیناً این بحث را از کتاب آسـیب شـناسـی مفاهیم دینی نوشته‌ی مؤلف نقل کنیم تا عظمت موضوع بیشتر روشن شود.

ارتباط گناهان و اعمال صالح و پوشانندههای آن و نابودکنندگان اعمال صالح

بسـیاری از مردم در ارتباط با موضوع فوق اظهار می‌دارند که در حساب خدایی گناه جای خود را دارد و عمل صالح هم جای خود. و اینها هیچگونه ارتباطی با هم ندارند و بر اسـاس پندار ایشـان می توان همچنان مسـلمان باقی‌ماند و در کنار اعمال صالح، بی‌باکانه به گناهان مشغول شد و هراسی نیز نداشت. چون در ارتباط با معاصی، چنین‌گمان دارند که در قیامت، به اندازه‌ی گناهانشان در آتش جهنم

سوزانده شده و بعد از آن به بهشت خدا وارد خواهند شد. ریشه‌ی خطا در این موضوع، به دو مطلب برمی گردد.

۱-نحوه‌ی ارتباط اعمال صالح و سیئات.

۲-دخول در جهنم و حقیقت آن از نظر علما.

قضیه‌ی ارتباط اعمال صالح و سیئات، در قرآن بدینگونه بیان شده که گناهان، اعمال صالح (و آثار آنها را) را ضایع و نابود (حبط) نموده و اعمال صالح، نیز گناهان و آثار آنها را می‌زدایند. اما کلید فهم این مطلب بیان انواع گناهان در قرآن است.

در بیان قرآن، گناهان انسان، از نظرنیّت انجام آن، دو گونه‌اند:

۱-گناهان لممی و غیر مصرانه، که انسان طالب انجام آنها نبوده و علت انجام آن لغزش و عدم توان است که این گونه گناهان توسط اعمال صالح و توبه زدوده خواهند شد.

۲-گناهان مصرانه، که انسان قصد ترک آنها را نداشته و خواستار انجام همیشگی آنها بوده که اینگونه گناهان از نظر قرآن شرک است و اعمال صالح، توان زدودن آنها را نداشته، بلکه خود باعث حبط و نابودی اعمال صالح می‌گردند، و صاحبان آنها طبق آیه‌ی ۸۱ سوره‌ی بقره اهل جهنم بوده و برای همیشه در آن خواهند ماند. چون در این حالت، نفس و اطاعت از آن، به عنوان اله قرار داده شده است (زیرا از نفس اطاعت بی‌چون و چرا نموده که اله، غیر از معبود مطاع بی‌چون و چرا نیست) حتی اگر صاحب آن دارای حسنات نیز بوده و تنها یک گناه از این نوع داشته باشد به شرطی

که تا مرگ بر این حالت بماند و بر او اتمام حجت شده باشد شامل این حکم می‌شود.

با این توضیح باید دانست که هدف خداوند از درخواست انجام اعمال صالح از انسان حذف گناهان و اتصاف به فضایل بوده‌که البته عمل صالحی که فاقد این امر مهم باشد، در فرهنگ قرآنی، عملی ضایع و غیر مقبول است و خداوند نیز پاک و مبرا است از اینکه به انجام عبادت ما نیاز داشته باشد (سبحانه).

در اینجا برای تبیین بیشتر مطلب، لازم است فهرست‌وار به شرایط عبادت مقبول در قرآن اشاره نماییم. عبادت مقبول دارای پنج شرط به شرح ذیل می‌باشد.

۱- لله بوده یعنی انگیزه‌ی انجام آن فقط رضایت خداوند باشد نه برای ترس از مذمت مردم و حب مدح آنهاو کسب آبرو و ...

۲- باالله باشد یعنی از بایدها و نبایدهای خدا و رسول خدا بدون کم و زیاد پیروی شود.

۳- قالب و شکل ظاهری عبادت دقیقاً مطابق دستور وی باشد (بعضی از مسلمانان برای قالب عبادات ارزشی قائل نیستند و در این امر منحرف گشته‌اند که ما برای هشدار بدانها، این اصل را از (باالله)جدا نموده‌ایم.)

٤- هدف خداوند از درخواست آن عبادت تأمین شود یعنی هر عبادتی قرار است در انسان حالتی مطلوب ایجاد نماید که باید بدان همت گماشت. مثلاً هدف از اقامه‌ی نماز تأمین

یاد خدا و دوری از فحشا و منکر است و ... .

۵- بر اثر تکرار (همراه با فهم حقیقت عبادت). ملکه‌ی آن عبادت، در انسان ایجاد شود. یعنی هدف عبادت ملکه گردد.

البته عبادتی که شرایط پنجگانه‌ی مذکور را نداشته باشد در اصل عبادت نبوده و باید برای صاحب آن روشن نمود که ایشان در واقع، قالبی بی‌روح، را انجام داده و در حقیقت عبادتی را انجام نداده است (هر چند دهها سال به تکرار این قالبهای بی‌روح ادامه دهد) زیرا این کار، عبث و بیهوده است که خدا، نه کار بیهوده مقرر می‌نماید و نه به کار بی‌خاصیت و بیهوده، پاداش می‌دهد.

پس نباید هیچگاه چنین پنداشت که اعمال صالح و گناهان، در ارتباط با هم نیستند و باید دانست که آن دو همدیگر را دفع نموده و غیر قابل جمع هستند لذا انسان نباید غافلانه، گناهان و اعمال صالح را در کنار هم انجام دهد و آنگاه با تصور پاک شدن از گناهان، منتظر ورود در بهشت خدا باشد.

خلاصه، بایستی مجدانه اعمال صالح را از لحظه‌ی وقوع، تا لحظه‌ی مرگ از آفات (گناهان)محفوظ داشت چون هم انجام عبادت و هم حفظ آن از آفات (شیطان و نفس) از انسان خواسته شده که تنها این مایه‌ی اصلاح انسان خواهدشد و گناهان غیر مصرانه (گناهان لممی) را نیز از لحظه‌ی وقوع، تا لحظه‌ی مرگ، از طریق اعمال صالح مقبول (شرایط پنجگانه در آن‌ها رعایت شده باشد) حذف نمود. که این سنتی تخلف‌ناپذیر بوده و باید مردم از

این خواب خطرناک بیدار شوند و به اصلاح خویش همت گمارند. در غیر اینصورت، از خسارتمندان دنیا و آخرت خواهند شد.

و اما درباره‌ی قضیه‌ی دخول مسلمانان گناهکار در جهنم باید گفت این مسئله در بین علمای اسلامی از موارد اختلافی است.

گروهی با استناد به روایات منتسب به پیامبر خدا (ص) معتقدند مسلمانان گناهکار وارد جهنم می‌شوند و به اندازه‌ی گناهانشان تعذیب شده و پس از پاک شدن از جهنم خارج گردیده و به بهشت خواهند رفت.

اما گروهی دیگر معتقدند گناهان مسلمان، بر اساس انواع گناهان (که قبلاً گذشت)، یا جزو گناهان لممی هستند که در این صورت، مشمول غفران الهی و حذف آن از طریق اعمال صالح شده و صاحبان آنها در جهنم داخل نخواهند شد و یا جزو گناهان مصرانه (شرک) است که در اصل، صاحب آن مشرک بوده و اگر تا مرگ بر آنها دوام داشته باشد جزو مؤمنین نیست (هر چند دارای اعمال صالح دیگری باشد) و در صورت اتمام حجت و دانستن این تقسیم دوگانه، برای همیشه وارد جهنم شده و برای همیشه از ورود به بهشت محروم خواهد گردید.

مطلب مشترک در بین این دو دسته از نظرات علما این است که انسان گناهکار، به اندازه‌ی گناهانش مجازات می‌شود و مطلب مورد اختلاف میان آنها در رابطه با انواع گناهان است که دسته‌ی اول همه‌ی گناهان را از یک سنخ می‌دانند (یعنی گناهکاران را در هیچ

حالتی مشــرک نمی‌دانند و به ارتباط نزدیک اعمال صــالح و گناهان توجه کافی نداشــته‌اند) اما دسته‌ی دوم، گناهان را دو نوع دانسته‌اند (هم چنانکه قبلاً گذشــت) بر این اساس، برای مؤمن (دارای گناهان لممی)دخول به جهنم را محال دانســـته‌اند و برای گناهکار مصــرّ، دخول در بهشت را محال می‌دانند.

با توجه به آثار این دو نظریه بر زندگی انســـان، برتری نظریه‌ی دوم از منظر قرآن، اثبات شــده اســت و برای نظریه‌ی اول در قرآن، نصی وارد نشده است و الله اعلم.

بیان آیات مربوط به ارتباط اعمال صالح و گناهان

أ: خــداونــد اعمــال بظاهر نیک مجرمین را نابود می‌کند چون از ایمان واقعی صــادر نشــده است یعنی بر اساس فرمایش پیامبر خدا (ص) ایمان عبارتست از:

لیس الایمــان باالتمني ولا باالتحي و لکن ما قرفي القلب و صدقه العمل.

ایمان به آرزوو ظاهرســازی نیست بلکه شناختی یقینی است که در قلب جاگرفته و اعمال صالح هم وجود آن را تایید می‌نماید.

ما در بسیاری از کارهایمان فقط مدعی ایمان هستیم چون اعمال صــالح آن را تأیید نمی‌نماید پس باید در کیفیت ایمان خود تجدید نظر نماییم تا خداوند اعمال ما را نابودننماید.

﴿ يَوْمَ يَرَوْنَ ٱلْمَلَٰٓئِكَةَ لَا بُشْرَىٰ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُجْرِمِينَ وَيَقُولُونَ

حِجۡرٗا مَّحۡجُورٗا ﴿٢٢﴾ وَقَدِمۡنَآ إِلَىٰ مَا عَمِلُواْ مِنۡ عَمَلٖ فَجَعَلۡنَٰهُ هَبَآءٗ مَّنثُورًا ﴿٢٣﴾﴾[1]

«روزی فرشتگان را می‌بینند و در آن روز مژده و نویدی برای بزهکاران در میان نخواهد بود (و بلکه روزی است که از ترس فریاد بر می‌آورند و) می‌گویند پناه، امان، ما به سراغ اتمام اعمالی که (به ظاهر نیک بوده و در دنیا) آنان انجام داده‌اند می‌رویم و همه را همچون ذرات غبار پراکنده در هوا می‌سازیم (و ایشان را از اجر و پاداش آن محروم می‌کنیم چرا که نداشتن ایمان موجب محو و نابودی احسان و بی‌اعتبار شدن اعمال خوب انسان می‌گردد.

ب: هر کس بعد از روشن شدن حق، مخالف آن عمل نماید کافر است و اعمال صالح دیگرش بر اثر این کفر نابود می‌گردد. (اگر بر آن حالت تا مرگ مداومت کند).

﴿ٱلۡيَوۡمَ أُحِلَّ لَكُمُ ٱلطَّيِّبَٰتُۖ وَطَعَامُ ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡكِتَٰبَ حِلّٞ لَّكُمۡ وَطَعَامُكُمۡ حِلّٞ لَّهُمۡۖ وَٱلۡمُحۡصَنَٰتُ مِنَ ٱلۡمُؤۡمِنَٰتِ وَٱلۡمُحۡصَنَٰتُ مِنَ ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡكِتَٰبَ مِن قَبۡلِكُمۡ إِذَآ ءَاتَيۡتُمُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ مُحۡصِنِينَ غَيۡرَ مُسَٰفِحِينَ وَلَا مُتَّخِذِيٓ أَخۡدَانٖۗ وَمَن يَكۡفُرۡ بِٱلۡإِيمَٰنِ فَقَدۡ حَبِطَ عَمَلُهُۥ وَهُوَ فِي ٱلۡأٓخِرَةِ مِنَ ٱلۡخَٰسِرِينَ ﴿٥﴾﴾[2]

---

[1]. فرقان – ۲۲و۲۳

[2]. (مائده – ۵)

هر کس که (بعد از روشـــن شــدن حق و اتمام حجت)انکار کند آنچه را که باید بدان ایمان داشته باشد (از جمله ایمان به احکام حـلال و حرام برخی از خوراکیهـا و ازدواجهـای مـذکور در اینجـا)اعمـال او باطل و بی‌فایده می‌گردد و در آخرت از زمره‌ی زیانکاران خواهد بود.

ج: اعمال دنیاداران گناهکار (در صورتی که اعمال صالحی داشته باشند)، به خاطر استفاده‌ی نادرست از نعم خدایی، نابود می‌گردد.

﴿ مَن كَانَ يُرِيدُ ٱلْحَيَوٰةَ ٱلدُّنْيَا وَزِينَتَهَا نُوَفِّ إِلَيْهِمْ أَعْمَٰلَهُمْ فِيهَا وَهُمْ فِيهَا لَا يُبْخَسُونَ ﴿١٥﴾ أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ لَيْسَ لَهُمْ فِى ٱلْءَاخِرَةِ إِلَّا ٱلنَّارُ وَحَبِطَ مَا صَنَعُواْ فِيهَا وَبَٰطِلٌ مَّا كَانُواْ يَعْمَلُونَ ﴿١٦﴾ ﴾[1]

«کسـانی که (تنها)خواستار زندگی دنیا و زینت آن باشند (و جز خوردن و نوشـیدن و اموال و اولاد را طالب نبوده و چشم‌داشتی به آخرت نداشـته باشـند برابر سـنت موجود در پیکره‌ی هستی پاداش دسترنج و)اعمال‌شان را در این جهان بدون کم و کاستی به تمام کمال می‌دهیم. (چرا که مدار این جهان بر اعمال استوار اســت نه بر نّیات و مقاصـد و بر این خوان یغما چه دشـمن چه دوسـت بهره‌مند می‌شـوند)آنان کسانیند که در آخرت جز آتش دوزخ بهره و سـهمی ندارند و آنچه در دنیا انجام می‌دهند ضایع و هدر می‌رود (و بی‌اجر و پاداش می‌شـوند) و کارهایشان پوچ و

---

[1]. (هود – ۱۵و۱۶)

بی‌سود می‌گردد (هر چند که اعمالشان به ظاهر انسانی و مردمی و عبادی باشد. »

د: این قرآن، هدایت خداوند است پس‌هر کس مصرانه آن را نافرمانی نماید (نه لممی) مشرک بوده که حتی اگر دارای اعمال صالح دینی نیز باشد، طبق سنت قرآنی احباط اعمال، نابود می‌گردد.

﴿ذَٰلِكَ هُدَى ٱللَّهِ يَهۡدِي بِهِۦ مَن يَشَآءُ مِنۡ عِبَادِهِۦۚ وَلَوۡ أَشۡرَكُواْ لَحَبِطَ عَنۡهُم مَّا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ ﴿٨٨﴾﴾[1]

«این (توفیق بزرگی که چنین شایستگان و برگزیدگانی بدان نایل آمدند) توفیق خداست و خداوند هر کس از بندگانش را بخواهد بدان نایل می‌گرداند. اگر (این چنین شایستگی چه رسد به دیگران) شرک ورزیدند هر آنچه می‌کردند هدر می‌رفت (و اعمال خیرشان ضائع می‌شد و خرمن اطاعتشان به آتش شرک می‌سوخت.)

هـ: هر کس بعد از ایمان آگاهانه، عمداً از دین اسلام برگردد و مرتد شود، اعمالش نابود می‌گردد.

لازم به توضیح است که ارتداد دو گونه است

برگشت از تمام دین.

ایمان به قسمتی از دین و ارتداد و بازگشت نسبت به بعضی دیگر از احکام دین که با تاسف(گناهان مصرانه گرچه در کنارشان اعمال صالح وجود داشته باشند) این حالت، در حیات مسلمانان به

---

[1]. (انعام – ۸۸)

وضـوح مشـاهده می‌گردد و بایسـتی در این مورد هشـداری بسیار جدی به مسلمانان داده شده و از آنها خواسته شود از گناهان مصرانه خودداری نمایند. در غیر این صورت خداوند با سنت حبط اعمال با عبادات آنها برخورد می‌نماید و آنها را باطل می‌کند.

﴿يَسْـَٔلُونَكَ عَنِ ٱلشَّهْرِ ٱلْحَرَامِ قِتَالٍ فِيهِ ۖ قُلْ قِتَالٌ فِيهِ كَبِيرٌ ۖ وَصَدٌّ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ وَكُفْرٌۢ بِهِۦ وَٱلْمَسْجِدِ ٱلْحَرَامِ وَإِخْرَاجُ أَهْلِهِۦ مِنْهُ أَكْبَرُ عِندَ ٱللَّهِ ۚ وَٱلْفِتْنَةُ أَكْبَرُ مِنَ ٱلْقَتْلِ ۗ وَلَا يَزَالُونَ يُقَـٰتِلُونَكُمْ حَتَّىٰ يَرُدُّوكُمْ عَن دِينِكُمْ إِنِ ٱسْتَطَـٰعُوا۟ ۚ وَمَن يَرْتَدِدْ مِنكُمْ عَن دِينِهِۦ فَيَمُتْ وَهُوَ كَافِرٌ فَأُو۟لَـٰٓئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَـٰلُهُمْ فِى ٱلدُّنْيَا وَٱلْـَٔاخِرَةِ ۖ وَأُو۟لَـٰٓئِكَ أَصْحَـٰبُ ٱلنَّارِ ۖ هُمْ فِيهَا خَـٰلِدُونَ ﴿٢١٧﴾﴾ [1]

«سـوال می کنند از تو از در بارۀ جنگ کردن در ماه حرام می پرسـند. بگو: جنگ در آن (گناه) بزرگ اسـت. ولی جلوگیری از راه خدا(که اسـلام اسـت) و بازداشـتن مردم از مسـجدالحرام و اخراج سـاکنانش از آن و کفر ورزیدن نسبت به خدا، در پیشگاه خداوند مهمتر از آن اسـت، و برگرداندن مردم از دین(با ایجاد شـبه‌ها در دلهای مسـلمانان و شـکنجه ایشـان و غیره)بدتر از کشـتن اسـت (مشرکان) پیوسـته با شما خواهند جنگیدتا اگر بتوانند شـما را از آئین‌تان برگردانند ولی کسی که از شما که از آیین خود برگردد و در حال کفر (برابر شــناخت از احکام دین عمل ننماید) بمیرد چنین کسـانی اعمالشان در دنیا و آخرت بر

---

[1]. (بقره – ۲۱۷)

باد می‌رود و ایشان یاران آتش (دوزخ) می‌باشند و در آن جاویدان می‌مانند. »

و: اعمال صالح قاتلان پیامبران و آمران به عدالت و کافران به آیات الهی، نابود می‌گردد.

﴿ إِنَّ ٱلَّذِينَ يَكۡفُرُونَ بِـَٔايَٰتِ ٱللَّهِ وَيَقۡتُلُونَ ٱلنَّبِيِّـۧنَ بِغَيۡرِ حَقّٖ وَيَقۡتُلُونَ ٱلَّذِينَ يَأۡمُرُونَ بِٱلۡقِسۡطِ مِنَ ٱلنَّاسِ فَبَشِّرۡهُم بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ٢١ أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ حَبِطَتۡ أَعۡمَٰلُهُمۡ فِي ٱلدُّنۡيَا وَٱلۡأٓخِرَةِ وَمَا لَهُم مِّن نَّٰصِرِينَ ٢٢ ﴾[1]

«کسانی که به آیات (دیدنی و خواندنی) خدا کفر می‌ورزند و پیغمبران را به ناحق به قتل می‌رسانند و کسانی از مردمان را می‌کشند که به عدالت و دادگری فرمان می‌دهند (و ایشان را بسوی خدا می‌خوانند) پس آنان را به عذاب دردناکی بشارت بده. آنان کسانی هستند که اعمالشان در دنیا و آخرت تباه شده (و اگر کردار نیکی هم داشته باشند باطل و بی‌ثمر خواهد بود) و ایشان را یاور و مددکاری نیست (تا آنان را از زیان دنیوی و عذاب اخروی نجات دهد.)»

ز: گفتار دروغ‌آمیز منافقان خطاب به مؤمنان مبنی بر اینکه (ما با شماییم)باعث نابودی اعمالشان می‌گردد.

﴿ وَيَقُولُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ أَهَٰٓؤُلَآءِ ٱلَّذِينَ أَقۡسَمُواْ بِٱللَّهِ جَهۡدَ أَيۡمَٰنِهِمۡ

---

[1]. (آل عمران – ۲۱و۲۲)

إِنَّهُمْ لَمَعَكُمْ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فَأَصْبَحُوا خَاسِرِينَ ﴿٥٣﴾ [1]

«(بدانگاه که فتح و پیروزی فرارسد) مؤمنان می‌گویند (خطاب به منافقان) آیا اینان همان کسانی هستند که با شدت و حدت به خدا سوگند می خورند و می‌گفتند ما (برآیین شماییم و همچون شما مسلمانیم) و با شما هستیم (دروغ گفتند) و گردارشان بیهوده تباه گشت (و رنجشان بر باد رفت و تلاششان هدر گردید) و زیانکار شدند (و هم ایمان و هم یاری مؤمنان را از دست دادند.)»

ح: کسانی که آیات خدا و روز جزا را عملاً تکذیب نمایند، اعمالشان نابود می‌گردد.

بر اساس سوره‌ی ماعون، مکذبان روز جزا (قهرکنندگان با یتیمان –منع‌کنندگان مردم در انفاق به مساکین و تشویق نکردن مردم به اطعام مساکین –نمازگذاران بی‌عمل و بی‌خاصیت –ریاکاران –و منع‌کنندگان اموال مورد نیاز مردم که از میان مسلمانان نیز می‌باشند) هستند در اینجا تنها تکذیب زبانی مطرح نیست بلکه آنچه مهم است تکذیب عملی دین خداست که اغلب مردم ما به این درد مبتلا هستند و از احباط اعمال خبر ندارند.

﴿ وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَلِقَاءِ الْآخِرَةِ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ هَلْ يُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١٤٧﴾ ﴾ [2]

«کسانی که آیات(کتاب خواندنی آسمانی و دیدنی جهانی) ما را

---

[1]. (مائده – ۵۳)

[2]. (اعراف – ۱۴۷)

تکذیب نمایند(با دل -با زبان -با عمل) و به ملاقات (خدا در قیامت و به زنده شدن بعد از مرگ و حساب و کتاب) آخرت (عملاً) ایمان نیاورند. اعمال نیکی که انجام داده‌اند بر باد می‌رود و باطل و بیهوده می‌شود مگر چنین کسانی جز در برابر کارهایی که کرده‌اند (و معاصی و کفری که ورزیده‌اند) پاداش داده می‌شوند)»؟

ط: تعمیرگران مساجد و نیکوکارانی که در فرمانروایی و فریادرسی خداوند شرک می‌ورزند (فرمان غیر خدا را اطاعت و از غیر خدا طلب حاجت می‌نمایند) اعمالشان (به خاطر وجود شرک) مقبول خداوند نشده و کارهای نیکویی که انجام داده‌اند نابود می‌گردد.

﴿مَا كَانَ لِلْمُشْرِكِينَ أَن يَعْمُرُوا مَسَاجِدَ اللَّهِ شَاهِدِينَ عَلَىٰٓ أَنفُسِهِم بِالْكُفْرِ أُولَٰٓئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ وَفِي النَّارِ هُمْ خَالِدُونَ ﴿١٧﴾﴾[1]

«مشرکانی که به کفر خویش گواهی می‌دهند (لازم به توضیح است که کفر تنها کلمه‌ای نیست که بر زبان کسی جاری گردد بلکه مهمترین حالت کفر اعمال و کردار مخالف دینی است که بعد از آگاهی مداوم انجام داده می‌شود و حقیقتاً کفر موجودی خیالی نیست که بعضی از ما می‌پندارد پس مورد نظر بسیاری از آیات مشخص‌کننده‌ی کفر و شرک کردارهای غیر دینی ماست نه چیز دیگر) حق ندارند مساجد خدا را (با عبادت یا تعمیر و تنظیف و خدمت) آباد کنند. آنان اعمالشان هدر و تباه است (و اجر و مزدی به کارهایشان تعلق نمی‌گیرد) و جاودانه

---

[1]. (توبه – ۱۷)

در آتش دوزخ ماندگار می‌مانند. »

ی: زیانبارترین اعمال، اعمال کسی است که آن را به دین خدا عرضه ننموده و با خیالات و عقل خود، کارها را بنام عبادت انجام دهد وچنین فکر کند که بهترین عبادت را انجام داده است، در حالی که عملاً برنامه‌ی خدا و فرمان پیامبر را جدی نگرفته و شوخی پنداشته است و با این حالات، نسبت به آیات خدا و روز جزا کفر نموده در نتیجه خداوند طبق سنت احباط اعمال با آنها برخورد می‌نماید و اعمالشان را نابود می‌کند.

﴿قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُم بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا ﴿١٠٣﴾ الَّذِينَ ضَلَّ سَعْيُهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا ﴿١٠٤﴾ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ وَلِقَائِهِ فَحَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فَلَا نُقِيمُ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَزْنًا ﴿١٠٥﴾ ذَٰلِكَ جَزَاؤُهُمْ جَهَنَّمُ بِمَا كَفَرُوا وَاتَّخَذُوا آيَاتِي وَرُسُلِي هُزُوًا ﴿١٠٦﴾﴾[1]

(«ای پیغمبر به کافران) بگو: آیا شما را از زیانکارترین مردم آگاه سازم. آنان کسانیند که تلاش و تکاپویشان (به سبب تباهی عقیده و باورشان) در زندگی دنیا هدر می‌رود (و بی‌سود می‌شود) و خود گمان می‌برند که به بهترین وجه کار نیک می‌کنند (و طاعت و عبادت شرک‌آلودشان موجب رستگاریشان می‌شود)، آنان کسانیند که به آیات (قرآنی و دلایل قدرت) پروردگارشان و ملاقات او (در جهان دیگر برای حساب و کتاب) بی‌باور و کافرند و در نتیجه اعمالشان باطل و هدر می‌رود و در روز رستاخیز ارزشی برای ایشان قایل نمی‌شویم (و قدر و

---

[1]. (کهف – ۱۰۳تا۱۰۶)

منزلتی در پیشگاه ما نخواهند داشت)، (حال و احوال ایشان) همان گونه است (که بیان کردیم) و به سبب کفرورزیدنشان و به خاطر مسخره‌کردن آیاتم و پیغمبرانم توسط ایشان سزای آنان دوزخ است. »

ک: فرمان مورد پسند خدا، در مورد برخورد مسلمانان با پیامبر، از حیث گفتار با ایشان این است که نباید در زمان حیات ایشان صدای یارانش از صدای ایشان بلندتر باشد، و در زمان بعد از حیاتش در برابر احادیث صحیح ایشان، بسیار نرم و مودبانه رفتار نمایند. هم چنین جانشینان بر حقش، در هر زمانی، شامل حکم فوق می‌گردند (رهبران راستین مسلمانان) و باید مسلمانان با آنان مودبانه رفتار نموده و مطیع فرامین دینی آنها باشند.

کسانی که این چنین رفتاری را با پیامبر و جانشینان راستینش نداشته و بی‌ادبی نمایند، اعمال صالحشان نابود می‌گردد.

با کمال تأسف این حالت در میان مسلمانان بسیار رایج است یعنی مردم عملاً خود را از پیامبر داناتر می‌پندارند و از آداب و رسوم و مدهای غلط بجای فرامین ایشان اطاعت می‌نمایند، در حالی که اهل نماز و ... نیز هستند، که این چنین کاری از اسلام و مسلمانی بسیار دور است.

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تَرۡفَعُوٓاْ أَصۡوَٰتَكُمۡ فَوۡقَ صَوۡتِ ٱلنَّبِيِّ وَلَا تَجۡهَرُواْ لَهُۥ بِٱلۡقَوۡلِ كَجَهۡرِ بَعۡضِكُمۡ لِبَعۡضٍ أَن تَحۡبَطَ أَعۡمَٰلُكُمۡ وَأَنتُمۡ لَا تَشۡعُرُونَ ۝٢﴾[1]

[1]. (حجرات – ۲)

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید صدای خود را از صدای پیغمبر بلندتر مکنید و هم چنانکه با یکدیگر سخن می‌گویید با او به آوازبلند سخن مگویید تا نادانسته اعمالتان بی‌اجر و ضایع نشود.»

﴿قُلۡ أَفَغَيۡرَ ٱللَّهِ تَأۡمُرُوٓنِّيٓ أَعۡبُدُ أَيُّهَا ٱلۡجَٰهِلُونَ ٦٤ وَلَقَدۡ أُوحِيَ إِلَيۡكَ وَإِلَى ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِكَ لَئِنۡ أَشۡرَكۡتَ لَيَحۡبَطَنَّ عَمَلُكَ وَلَتَكُونَنَّ مِنَ ٱلۡخَٰسِرِينَ ٦٥ بَلِ ٱللَّهَ فَٱعۡبُدۡ وَكُن مِّنَ ٱلشَّٰكِرِينَ ٦٦﴾[1]

«بگو ای نادانان آیا به من دستور می‌دهید که غیر خدا را پرستش کنم. به تو و یکایک پیامبران پیش از تو وحی شده است که اگر شرک‌ورزی کردارت (باطل و بی‌پاداش می‌گردد) وهیچ و نابود می‌شود. و از زیانکاران خواهی بود. پس در این صورت تنها خدا را بپرست و از زمره‌ی سپاسگزاران باش. »

ل: سنت قاطع خداوند این است که اگر انسان به خداوند شرک ورزد (در فرمانروایی و فریادرسی، کسی دیگر را با خدا شریک سازد، یعنی از فرامین غیر خدا در برابر فرامین خدا به صورت مداوم پیروی نماید، که همان گناهان مصرانه هستند، و در ایجاد نتیجه‌ی امور از غیر خدا طلب یاری نماید. که این خصوصیت بسیاری از مسلمانان زمان ما است) اعمال صالحش نابود و از زیانکاران خواهد گردید.

---

[1]. (زمر – ۶۴تا۶۶)

م: کسانی که به لحاظ فکری و عملی فرامین خدا را نمی‌پسندند و از آنها کراهت دارند، از کافران بوده و خداوند اعمال صالحشان را نابود می‌سازد یعنی باید تمام فرامین خدا را عملاً و قلباً پسندید و نباید بعضی را بپسندیم و بعضی را انکار کنیم و از فرامین هوی پیروی نماییم، که این کار کفر به آیات خدا است. همچنانکه در آیه‌ی ۸۵ سوره ی بقره بدان اشاره شده است.

﴿ وَٱلَّذِينَ كَفَرُواْ فَتَعۡسٗا لَّهُمۡ وَأَضَلَّ أَعۡمَٰلَهُمۡ ۞ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمۡ كَرِهُواْ مَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ فَأَحۡبَطَ أَعۡمَٰلَهُمۡ ۞ ﴾[1]

(«کافران، مرگ برآنان باد و خداوند اعمال (نیک) ایشان را باطل و بی‌سود گرداند. این بدان خاطر است که چیزی را که خداوند فرو فرستاده است دوست نمی‌دارند. و لذا خدا کارهای (نیک) ایشان را هم باطل و بی‌سود می‌گرداند. »

﴿ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمُ ٱتَّبَعُواْ مَآ أَسۡخَطَ ٱللَّهَ وَكَرِهُواْ رِضۡوَٰنَهُۥ فَأَحۡبَطَ أَعۡمَٰلَهُمۡ ۞ ﴾[2]

«این گونه (جان برگرفتن ایشان) بدان خاطر است که آنان بدنبال چیزی می‌روند که خدای را بر سر خشم می‌آورد و از چیزی که موجب خشنودی او است بدشان می‌آید، و لذا خداوند کارهای (نیک) ایشان را باطل و بی‌سود می‌گرداند. »

ن)؛کسانی که در هنگام سختی‌ها اسلام و مسلمانان را (به خاطر

---

[1]. (محمد – ۸و۹)

[2]. (محمد – ۲۸)

ترس شـدید)رها نموده و در هنگام خوشـی‌ها حاضـر بوده و سهم خودشـان را از غنائم در جنگها خواستارند، در واقع مؤمن نیستند و خدا اعمال ایشان را نابود می‌گرداند.

﴿أَشِحَّةً عَلَيْكُمْ ۚ فَإِذَا جَاءَ الْخَوْفُ رَأَيْتَهُمْ يَنظُرُونَ إِلَيْكَ تَدُورُ أَعْيُنُهُمْ كَالَّذِي يُغْشَىٰ عَلَيْهِ مِنَ الْمَوْتِ ۖ فَإِذَا ذَهَبَ الْخَوْفُ سَلَقُوكُم بِأَلْسِنَةٍ حِدَادٍ أَشِحَّةً عَلَى الْخَيْرِ ۚ أُولَٰئِكَ لَمْ يُؤْمِنُوا فَأَحْبَطَ اللَّهُ أَعْمَالَهُمْ ۚ وَكَانَ ذَٰلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا ﴿١٩﴾﴾[1]

«آنان نسبت به شما بخیلند (و برای تهیه‌ی ادوات و ابزار جنگی کمترین کمکی نمی‌کنند)و هنگامی که لحضات بیم و هراس فرا می‌رسـد (و جنگجویـان بسـوی همدیگر می‌روند و چکاچاک اسـلحه‌ی همدیگر را می‌شـنوند، آن چنان ترسـو هسـتند که) می‌بینی به تو نگاه می‌کنند در حالی که چشـمانشـان بی‌اختیار در حدقه به گردش در آمده اسـت همسـان کسـی که دچار سـکرات موت بوده و می‌خواهد قالب تهی کند. اما هنگامی که خوف و هراس نماند (و جنگ به پایان رسـید و زمان امن و امان فرارسـید) زبانهای تند و تیز خود را بی‌ادبانه بر شـما می‌گشایند (و مقامات شـجاعت و یاری خویشـتن را می‌سـتایند و پررویانه سهم هر چه بیشتر غنائم را ادّعا می‌نمایند!)و برای گرفتن غنائم سـخت حریص و آزمندند. آنان هرگز ایمان نیاورده‌اند، و لذا خدا اعمال ایشان را باطل و بی‌مزد می‌کند و این کار برای خدا آسان است. »

س: کسـانی که حقانیت دین، برایشـان روشـن شـده امّا با این وصـف، مانع راه خدا می‌شـوند و زندگی عملی خود را مخالف

---

[1]. (احزاب – ۱۹)

برنامه‌ی پیامبر تنظیم می‌نمایند اعمالشان (اگر عمل صالحی داشته باشند)قبول نشده و نابود می‌گردد.

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ وَصَدُّواْ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ وَشَآقُّواْ ٱلرَّسُولَ مِنۢ بَعۡدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ ٱلۡهُدَىٰ لَن يَضُرُّواْ ٱللَّهَ شَيۡـًٔا وَسَيُحۡبِطُ أَعۡمَٰلَهُمۡ ۝٣٢﴾[1]

«کسانی که کافر می‌شوند، و مردمان را از راه خدا باز می‌دارند، و بدنبال آنکه هدایت برایشان شناخته و روشن می‌گردد با پیغمبر به مخالفت و دشمنی می‌پردازند، هرگز کمترین زیانی به خدا نمی‌رسانند، و بلکه خدا کارهای (نیک) ایشان را هم باطل و بی‌سود می‌گرداند. »

﴿۞يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ أَطِيعُواْ ٱللَّهَ وَأَطِيعُواْ ٱلرَّسُولَ وَلَا تُبۡطِلُوٓاْ أَعۡمَٰلَكُمۡ ۝٣٣﴾[2]

ای کسانی که ایمان آورده اید از خدا و پیغمبر اطاعت کنید وکارهای خود را (با انجام معاصی) باطل مگردانید.

آیات مربوط به انواع گناهان در قرآن

أ: کسانی که موفق به توبه از گناهان می‌شوند یعنی از گناه نمودن خجل گردیده و وحشت داشته باشند (که این خود مایه‌ی بازگشت به خدا می‌شود) این گونه گناهکاران صاحبان گناهان لممی و غیر مصرّانه هستند که خداوند آنها را می‌بخشد و اما کسانی که در گناه

---

[1]. (محمد – ۳۲)

[2]. (محمد – ۳۳)

کردن خجل نگردند و وحشـتی نداشته و بر انجام آنها تا زمان مرگ اسـتمرار نمـایند (چه چیزی می‌تواندآنها را به توبه وادار نماید که البتـه هرگز موفق به توبه نخواهند گردید که) این چنین گناهکارانی صـاحبان گناهان مصرّانه هستند و حقیقت کار آنها به دور از ایمان اسـت و وارد شرک گردیده‌اند که اگر بر این حالت بمیرند خداوند هرگز آنها را نخواهد بخشید (البته بعد از اتمام حجت)

﴿إِنَّمَا ٱلتَّوۡبَةُ عَلَى ٱللَّهِ لِلَّذِينَ يَعۡمَلُونَ ٱلسُّوٓءَ بِجَهَٰلَةٖ ثُمَّ يَتُوبُونَ مِن قَرِيبٖ فَأُوْلَٰٓئِكَ يَتُوبُ ٱللَّهُ عَلَيۡهِمۡۗ وَكَانَ ٱللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمٗا ١٧ وَلَيۡسَتِ ٱلتَّوۡبَةُ لِلَّذِينَ يَعۡمَلُونَ ٱلسَّيِّـَٔاتِ حَتَّىٰٓ إِذَا حَضَرَ أَحَدَهُمُ ٱلۡمَوۡتُ قَالَ إِنِّي تُبۡتُ ٱلۡـَٰٔنَ وَلَا ٱلَّذِينَ يَمُوتُونَ وَهُمۡ كُفَّارٌۚ أُوْلَٰٓئِكَ أَعۡتَدۡنَا لَهُمۡ عَذَابًا أَلِيمٗا ١٨﴾[1]

«بی‌گمـان خداوند تنها توبه‌ی کسـانی را می‌پذیرد که از روی نادانی (و سـفاهت و حماقت ناشـی از شـدّت خشـم و غلبه‌ی شـهوت بر نفس) به کار زشـت دسـت می‌یازند، سـپس هر چه زودتر (پیش از مرگ، بسوی خدا)بر می‌گردند (و از کرده‌ی خود پشـیمان می‌گردند)، خداوند توبه و برگشـت آنان را می‌پذیرد. و خداوند آگاه (از مصـالح بندگان و صدق نیت توبه‌کنندگان است و) حکیم اسـت (و از روی حکمـت درگـاه توبـه را بر روی توبه‌کنندگان باز گذاشـته است.) توبه کسانی پذیرفته نیست که مرتکـب گناهان می‌گردند (و به دنبال انجام آنها مبادرت به توبه نمی‌نمایند و بر کرده‌ی خویش پشـیمان نمی‌گردند) تا آنگاه که

---

[1]. (نساء – ۱۷و۱۸)

مرگ یکی از آنان فرا می‌رسد و می‌گوید: هم اینک توبه می‌کنم (و پشیمانی خویش را اعلام می‌دارم) همچنین توبه‌ی کسانی پذیرفته نیست که بر کفر می‌میرند (و جهان را کافرانه ترک می‌گویند) هم برای اینان و هم آنان عذاب دردناکی را تهیه دیده‌ایم. »

﴿ إِلَّا مَن تَابَ وَءَامَنَ وَعَمِلَ عَمَلًا صَٰلِحًا فَأُوْلَٰٓئِكَ يُبَدِّلُ ٱللَّهُ سَيِّـَٔاتِهِمْ حَسَنَٰتٍ وَكَانَ ٱللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا ﴿٧٠﴾ وَمَن تَابَ وَعَمِلَ صَٰلِحًا فَإِنَّهُۥ يَتُوبُ إِلَى ٱللَّهِ مَتَابًا ﴿٧١﴾ ﴾[1]

«مگر کسی که توبه کند و ایمان آورد و عمل صالح انجام دهد، که خداوند(گناهان چنین کسانی را می‌بخشد و) بدیها و گناهان (گذشته‌ی)ایشان را به خوبیها و نیکی‌ها تبدیل می‌کند، و خداوند آمرزنده و مهربان است (و نه تنها که سیئات را می‌بخشد، بلکه آنها را تبدیل به حسنات می‌نماید). (آخر)کسی که توبه کند و کار شایسته انجام دهد، کاملاً بسوی خدا باز می‌گردد (و تبدیل سیئات به حسنات تعجبی ندارد. چون کار خدا بی‌مثال و پاداش خدا بی‌حساب و دریای مهرش بی‌کران است.)»

ب: اطاعت مصرّانه از هوای نفس، باعث اله شدن نفس می‌شود یعنی نفس بجای اله قرار داده می‌شود. که این کار، خروج از دین و شرک بوده و صاحب آن اگر با این وضع بمیرد بخشیده نخواهد شد.

[1]. (فرقان – ۷۰و۷۱)

﴿أَرَءَيْتَ مَنِ ٱتَّخَذَ إِلَٰهَهُۥ هَوَىٰهُ أَفَأَنتَ تَكُونُ عَلَيْهِ وَكِيلًا ﴿٤٣﴾﴾[1]

«به من بگو ببینم، آیا کسی که هوی و هوس خود را معبود خویش می‌کند (و آرزوپرستی را جایگزین خداپرستی می‌سازد تا آنجا که سنگهای بی‌جانی را بر می‌گزینند و به دلخواه می‌پرستند) آیا تو وکیل او خواهی بود؟ (و می‌توانی او را از هوی‌پرستی به خداپرستی برگردانی، و از ضلالت به هدایت بکشانی؟!)

ج: خداوند گناهان لممی و غیر مصرانه را می‌بخشد اما گناهان مصرّانه (که این کار شرک است)را نمی‌بخشد مادام که صاحب آن تا زمان مرگ بر آنها دوام نموده و توبه ننماید.

﴿إِنَّ ٱللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَن يُشْرَكَ بِهِۦ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَٰلِكَ لِمَن يَشَآءُ ۚ وَمَن يُشْرِكْ بِٱللَّهِ فَقَدِ ٱفْتَرَىٰٓ إِثْمًا عَظِيمًا ﴿٤٨﴾﴾[2]

«بی‌گمان خداوند (هرگز)شرک به خود را نمی‌بخشد، ولی گناهان جز آن را از هر کس که خود بخواهد می‌بخشد. و هر یک برای خدا شریکی قائل گردد، گناه بزرگی را مرتکب شده است. »

د: اگر انسان در برابر دعوتگران دین، طوری رفتار نماید که از گوش فرا دادن به دعوت آنها تنفّر داشته و در برابر آن تکبّر نماید و این حالت را با اصرار انجام دهد (که این از خصوصیات قوم نوح بوده) برای همیشه در آتش جهنّم داخل می‌گردد.

﴿وَإِنِّي كُلَّمَا دَعَوْتُهُمْ لِتَغْفِرَ لَهُمْ جَعَلُوٓا۟ أَصَٰبِعَهُمْ فِىٓ ءَاذَانِهِمْ

---

[1]. (فرقان – ۴۳)

[2]. (نساء – ۴۸)

وَٱسۡتَغۡشَوۡاْ ثِيَابَهُمۡ وَأَصَرُّواْ وَٱسۡتَكۡبَرُواْ ٱسۡتِكۡبَارٗا ۝٧ ﴾[1]

«من هر زمان که ایشان را دعوت کرده‌ام تا (ایمان بیاورند و) تو آنان را بیامرزی، انگشت‌های خود را به گوشهایشان فرو کرده‌اند (تا ندای حق را نشنوند) و جامه‌هایشان را برسرکشیده‌اند (تا قیافه‌ی مرا نبینند)و (در فسق و فجور و ظلم و زور بیشتر فرو رفته‌اند و بر کفر) پافشاری کرده‌اند و سخت سرکشی نموده و در بزرگی فرو رفته‌اند.»

هـ: کسانی که ادّعای مسلمانی می‌نمایند، در حالی که آیات خداوند را بوضوح شنیده اما بعد از آن، بر اثر تکبّر، برگناهان قبلی و زندگی غیر مؤمنانه اصرار می ورزند، به شیوه‌ای که انگار آیات خدا را نشنیده‌اند (که متأسفانه این خصوصیّت بسیار ناپسند از امراض مسری جامعه‌ی به ظاهر اسلامی ما است) وارد عذاب جهنم می‌شوند.

﴿ يَسۡمَعُ ءَايَٰتِ ٱللَّهِ تُتۡلَىٰ عَلَيۡهِ ثُمَّ يُصِرُّ مُسۡتَكۡبِرٗا كَأَن لَّمۡ يَسۡمَعۡهَاۖ فَبَشِّرۡهُ بِعَذَابٍ أَلِيمٖ ۝٨ ﴾[2]

«آن کسی که پیوسته آیات خدا را می‌شنود که بر او خوانده می‌شود (و از وعده و وعید، بیم دادن و مژده دادن، امر و نهی. و پند و اندرز، صحبت می‌دارد، امّا او) پس از آن از روی تکبّر (بر کفر و مخالفت با حق و انجام گناه)اصرار می‌ورزد، انگار آیه‌های خدا را نشنیده است! (حال که چنین است)پس او را به عذاب بس دردناکی مژده بده. »

و: کسانی که در هنگام گناه، یا بعد از آن خدا را یاد می‌کنند و از

---

[1]. (نوح – ۷)

[2]. (جاثیه – ۸)

گناه دست‌بردار شده و بر گناه اصرار نمی‌ورزند (گناهانشان از نوع لممی بوده) و از خدا خواستار بخشش گناهانشان می‌شوند، برابر سنت غفران الهی (بخشش گناهان لممی و عدم بخشش گناهان مصرانه)این نوع از گناهان بخشیده شده و صاحبان آنها در بهشت داخل می گردند.

﴿وَٱلَّذِينَ إِذَا فَعَلُواْ فَٰحِشَةً أَوۡ ظَلَمُوٓاْ أَنفُسَهُمۡ ذَكَرُواْ ٱللَّهَ فَٱسۡتَغۡفَرُواْ لِذُنُوبِهِمۡ وَمَن يَغۡفِرُ ٱلذُّنُوبَ إِلَّا ٱللَّهُ وَلَمۡ يُصِرُّواْ عَلَىٰ مَا فَعَلُواْ وَهُمۡ يَعۡلَمُونَ ﴿١٣٥﴾ أُوْلَٰٓئِكَ جَزَآؤُهُم مَّغۡفِرَةٞ مِّن رَّبِّهِمۡ وَجَنَّٰتٞ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُ خَٰلِدِينَ فِيهَاۚ وَنِعۡمَ أَجۡرُ ٱلۡعَٰمِلِينَ ﴿١٣٦﴾﴾[1]

«و کسانی که چون دچار گناه شدند یا بر خویشتن ستم کردند به یاد خدا می‌افتند (و وعده و وعید وعقاب و ثواب و جلالت و عظمت او را پیش چشم می‌دارند و پشیمان می‌گردند) و آمرزش گناهانشان را خواستار می‌شوند، و غیر خدا کیست که گناهان را بیامرزد و با علم و آگاهی بر (زشتی کار ونهی و وعید خدا از آن) چیزی که انجام داده‌اند پافشاری نمی‌کنند (و به تکرار گناه دست نمی‌یازند.) آن چنان پرهیزگارانی پاداششان آمرزش خدایشان و باغهای (بهشتی) است که در زیر (درختان) آنها جویبارها روان است و جاودانه در آنجا ماندگارند و این چه پاداش نیکی است که بهره‌ی کسانی می‌گردد که اهل عملند (و برابر فرمان خدا کار می‌کنند.)

ز: اصحاب شمال یا مترفین (خوشگذرانان از طریق نامشروع)، همان اصرارکنندگان بر گناهان (از جمله گناه شرک) هستند که در

---

[1]. (آل عمران – ۱۳۵و۱۳۶)

جهنم سوزان داخل می‌گردند.

﴿وَأَصْحَابُ الشِّمَالِ مَا أَصْحَابُ الشِّمَالِ (٤١) فِي سَمُومٍ وَحَمِيمٍ (٤٢) وَظِلٍّ مِنْ يَحْمُومٍ (٤٣) لَا بَارِدٍ وَلَا كَرِيمٍ (٤٤) إِنَّهُمْ كَانُوا قَبْلَ ذَٰلِكَ مُتْرَفِينَ (٤٥) وَكَانُوا يُصِرُّونَ عَلَى الْحِنْثِ الْعَظِيمِ (٤٦)﴾[1]

«سمت چپیها، چه سمت چپیهایی! (بدا به حالشان)آنان در میان شعله‌های آتش و آب جوشان بسر خواهند برد. و در سایه دودهای بسیار سیاه و گرم قرار خواهند گرفت. نه خنک است و نه مفید فایده‌ای چرا که آنان پیش از این (در دنیا مست و مغرور نعمت و) خوشگذران (نامشروع) بوده‌اند و پیوسته بر انجام گناهان بزرگ پافشاری داشته‌اند. »

ح: هر کس گناهی را کسب نماید و بر آن اصرار ورزد به شیوه‌ای که تمام زندگی‌اش را تا هنگام مرگ فرا گیرد، اهل آتش جهنم بوده و برای همیشه در آن خواهد ماند.

﴿بَلَىٰ مَنْ كَسَبَ سَيِّئَةً وَأَحَاطَتْ بِهِ خَطِيئَتُهُ فَأُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ ۖ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (٨١)﴾[2]

«آری هر کس مرتکب گناه شود و گناه (احساس ووجدان و سراسر وجود) او را احاطه کند این چنین کسانی یاران آتش بوده و جاودانه در آن خواهند ماند. »

ط: کسانی که به بعضی از آیات خدا ایمان داشته (آنها را عملی نموده) و به بعضی دیگر کافر گشته(آنها را عملی ننموده) و حیات

---

[1]. (واقعه – ۴۱تا۴۶)

[2]. (بقره – ۸۱)

دنیا را بر آخرت ترجیح داده‌اند، در شـــدیدترین عذاب جهنم وارد شده و در دنیا نیز ذلیل ظالمان خواهند گردید.

البته این آیه از واقعیت بیشـتر مسلمانان امروزی خبر می‌دهد که اگر در زندگی آنها دقت شـود بوضوح، حضور این رفتار ناشایست را خواهند دید. لذا اگر ذره‌ای ایمان در وجودشـــان باقی مانده باید سریعاً توبه نمایند و نگذارند نفس و شیطان آنها را بفریبد.

﴿ثُمَّ أَنتُمْ هَٰؤُلَاءِ تَقْتُلُونَ أَنفُسَكُمْ وَتُخْرِجُونَ فَرِيقًا مِّنكُم مِّن دِيَارِهِمْ تَظَاهَرُونَ عَلَيْهِم بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَإِن يَأْتُوكُمْ أُسَارَىٰ تُفَادُوهُمْ وَهُوَ مُحَرَّمٌ عَلَيْكُمْ إِخْرَاجُهُمْ ۚ أَفَتُؤْمِنُونَ بِبَعْضِ الْكِتَابِ وَتَكْفُرُونَ بِبَعْضٍ ۚ فَمَا جَزَاءُ مَن يَفْعَلُ ذَٰلِكَ مِنكُمْ إِلَّا خِزْيٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ۖ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يُرَدُّونَ إِلَىٰ أَشَدِّ الْعَذَابِ ۗ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ ﴿۸۵﴾ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ اشْتَرَوُا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ ۖ فَلَا يُخَفَّفُ عَنْهُمُ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ ﴿۸۶﴾﴾[1]

«آیا به بخشی از (دستورات)کتاب (آسمانی) ایمان می‌آورید و به بخش دیگر از (دســتورات آن) کفر می‌ورزید برای کســی که از شما این چنین کند جز خواری و رسوائی در این جهان نیست و در روز رســتاخیز (چنین کســانی)به ســخت‌ترین شــکنجه‌ها برگشـــت داده می‌شــوند و خـداونـد از آنچه می‌کنید بی‌خبر نیست.»

***

[1]. (بقره – ۸۵و۸۶)

آیات مربوط به مسئله‌ی جاودانگی مجرمین در جهنم و عدم اخراج آنها بعد از ورود به آن

أ: کسانی که در زندگی عملی خود همراه با خداوند، آلهه‌ی دیگری (در فرمانروایی و در فریادرسی) قرار داده و مدام در کشتن نفس انسان‌ها و زناکاری می‌کوشند، در جهنم وارد می‌شوند و عذابشان دو چندان می‌گردد و برای همیشه در آن خواهند ماند.

﴿وَٱلَّذِينَ لَا يَدْعُونَ مَعَ ٱللَّهِ إِلَٰهًا ءَاخَرَ وَلَا يَقْتُلُونَ ٱلنَّفْسَ ٱلَّتِي حَرَّمَ ٱللَّهُ إِلَّا بِٱلْحَقِّ وَلَا يَزْنُونَ ۚ وَمَن يَفْعَلْ ذَٰلِكَ يَلْقَ أَثَامًا ﴿٦٨﴾ يُضَٰعَفْ لَهُ ٱلْعَذَابُ يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ وَيَخْلُدْ فِيهِۦ مُهَانًا ﴿٦٩﴾﴾[1]

«و کسانیند که با الله، معبود دیگری را به فریاد نمی‌خوانند و پرستش نمی‌نمایند و انسانی که خداوند خونش را حرام کرده است، به قتل نمی‌رسانند مگر به حق و زنا نمی‌کنند. چرا که هر کس (یکی از) این (کارهای ناشایست شرک و قتل و زنا)را انجام دهد، کیفر آن را می‌بینند. (کسی که مرتکب یکی از کارهای زشت و پلشت شرک و قتل و زنا شود) عذاب او در قیامت مضاعف می‌گردد، و خوار و ذلیل، جاودانه در عذاب می‌ماند.»

ب: کسانی که زندگیشان بر اساس ظلم (اجرای برنامه‌ی غیر خدایی) تنظیم گردیده و بر آن تا هنگام مرگ دوام نمایند در عذاب جاویدان داخل می‌شوند که اگر اعتراضی بر این کار بنمایند در جوابشان گفته می‌شود آیا بغیر از کردارتان به چیزی دیگر جزا داده می‌شوید؟!

---

[1]. (فرقان – ۶۸و۶۹)

﴿ثُمَّ قِيلَ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا ذُوقُوا عَذَابَ الْخُلْدِ هَلْ تُجْزَوْنَ إِلَّا بِمَا كُنتُمْ تَكْسِبُونَ ﴿٥٢﴾﴾[1]

«سپس به ستمکاران می‌گویند: عذاب جاوید و همیشگی را بچشید، آیا جز در برابر چیزهایی که کرده‌اید، کیفر داده می‌شوید؟»

ج: کسانی که در زندگی عملی، برنامه‌ی خدا را فراموش نموده‌و پیوسته بر کردارهای ناروا اصرار می‌ورزند و روز قیامت را فراموش می نمایند، خداوند نیز آنها را فراموش نموده و در جهنّم جاویدان واردمی‌گرداند که هرگز از آن خارج نخواهند شد.

﴿فَذُوقُوا بِمَا نَسِيتُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَٰذَا إِنَّا نَسِينَاكُمْ وَذُوقُوا عَذَابَ الْخُلْدِ بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿١٤﴾﴾[2]

«بچشید (عذاب جهنم) را به خاطر اینکه ملاقات امروز خود را (با پروردگارتان برای حساب و کتاب) فراموش کرده‌اید. و ما نیز شما را (در میان عذاب رها و)به دست فراموشی می‌سپاریم، و بچشید عذاب همیشگی را به سبب اعمالی (که در دنیا)انجام می‌داده‌اید. »

د: یکی از سنن تخلف‌ناپذیر خداوند در زندگی انسان‌ها این است که هر کس خداوند و رسولش را در زندگی عملی نافرمانی نموده (یعنی از برنامه‌اش تجاوز نماید) و بر این کار، تا هنگام مرگ

---

[1]. (یونس – ۵۲)

[2]. (سجده – ۱۴)

دوام نماید، در آتشی جاویدان (که عذاب پست‌کننده‌ای در آن وجود دارد) داخل می‌گردد.

﴿وَمَن يَعۡصِ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ وَيَتَعَدَّ حُدُودَهُۥ يُدۡخِلۡهُ نَارًا خَٰلِدٗا فِيهَا وَلَهُۥ عَذَابٞ مُّهِينٞ ١٤﴾[1]

«وآن کس کـه از خـدا و پیغمبرش نـافرمـانی کند و از مرزهای (قوانین) خـدا در گذرد، خداوند او را به آتش (عظیم دوزخ) وارد می‌گرداند که جاودانه در آن می‌ماند و (علاوه بر آن) او را عذاب خوارکننده‌ای است.»

هـ: کسانی که شخص مؤمنی را به خاطر ایمانش بکشند و بر این کار تا هنگام مرگ راضـی بوده و از آن توبه ننمایند برای همیشه در جهنّم داخل می‌گردند.

﴿وَمَن يَقۡتُلۡ مُؤۡمِنٗا مُّتَعَمِّدٗا فَجَزَآؤُهُۥ جَهَنَّمُ خَٰلِدٗا فِيهَا وَغَضِبَ ٱللَّهُ عَلَيۡهِ وَلَعَنَهُۥ وَأَعَدَّ لَهُۥ عَذَابًا عَظِيمٗا ٩٣﴾[2]

«و کسـی که مؤمنی را از روی عمد بکشـد (و از ایمان او باخبر بوده و تجـاوزکارانه او را به قتل برســاند و چنین قتلی را حلال بداند، کافر بشـمار می‌آید و) کیفر او دوزخ اسـت و جاودانه در آنجا می‌ماند و خداوند بر او خشم می‌گیرد و او را از رحمت خود محروم می‌سازد و عذاب عظیمی برای او تهیه می‌بیند. »

---

[1]. (نساء – ۱۴)

[2]. (نساء – ۹۳)

و: کسانی که با قلب و گفتار و عمل، برنامه‌ی خدا و رسولش را مخالفت نمایند، برای همیشه در آتش دوزخ وارد خواهد شد.

هـ:

﴿أَلَمْ يَعْلَمُوٓاْ أَنَّهُۥ مَن يُحَادِدِ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ فَأَنَّ لَهُۥ نَارَ جَهَنَّمَ خَٰلِدًا فِيهَاۚ ذَٰلِكَ ٱلْخِزْيُ ٱلْعَظِيمُ ﴿٦٣﴾﴾[1]

«آیا ندانسته‌اند که هر کس با خدا و پیغمبرش دشمنی و مخالفت کند، سزای او آتش دوزخ است و جاودانه در آن می‌ماند؟ این (گرفتار آمدن به دوزخ) رسوائی و خواری بزرگی است. »

ز: بیشتر مردم بر اثر حبّ مظاهر دنیا، همراهی با کافران را دوست دارند، و بر آن تا زمان مرگ (بعد از اتمام حجت) استمرار می‌نمایند. که خداوند چنین کسانی را در آتش جاویدان داخل می‌گرداند.

﴿تَرَىٰ كَثِيرًا مِّنْهُمْ يَتَوَلَّوْنَ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْۚ لَبِئْسَ مَا قَدَّمَتْ لَهُمْ أَنفُسُهُمْ أَن سَخِطَ ٱللَّهُ عَلَيْهِمْ وَفِى ٱلْعَذَابِ هُمْ خَٰلِدُونَ ﴿٨٠﴾﴾[2]

«بسیاری از آنان را می‌بینی که کافران را به دوستی می‌پذیرند (و با مشرکان برای نبرد با اسلام همدست می‌شوند با این کار زشت)چه توشه‌ی بدی برای خود پیشاپیش (به آخرت)

[1]. (توبه – ۶۳)

[2]. (مائده ـ ۸۰)

می‌فرستند! توشه‌ای که موجب خشم خدا و جاودانه در عذاب (دوزخ) ماندن است. »

ح: مجرمینی که بر جرمشان تا هنگام مرگ (بعد از اتمام حجت) دوام می‌نمایند، در عذاب جاویدان جهنم داخل می‌گردند.

﴿إِنَّ ٱلۡمُجۡرِمِينَ فِي عَذَابِ جَهَنَّمَ خَٰلِدُونَ ۝٧٤﴾[1]

«بزهکاران، جاودانه در عذاب دوزخ می‌مانند. »

ط: هرکس به صورت مستمر و تا زمان مرگ از برنامه‌ی خدا اعراض نماید (بعد از اتمام حجت)، در آتش جاویدان داخل می‌گردد.

﴿مَّنۡ أَعۡرَضَ عَنۡهُ فَإِنَّهُۥ يَحۡمِلُ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ وِزۡرًا ۝١٠٠ خَٰلِدِينَ فِيهِۖ وَسَآءَ لَهُمۡ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ حِمۡلٗا ۝١٠١﴾[2]

«هر کس از قرآن روی‌گردان شود (و از تصدیق و عمل بدان دوری گزینند، در دنیا گمراه خواهد بود، و)در روز قیامت بار سنگینی (از عذاب مسؤلیت و گناه) بر دوش خواهد داشت (این چنین کسانی) جاودانه در آن (عذاب) خواهند ماند، و چه بار بدی که در روز قیامت دارند. »

ی: کسانی که به بعضی از فرامین خدا مؤمن هستند و بدانها عمل نموده و به بعضی دیگر از آنها کافر شده و بدانها عمل نمی نمایند و از اهوای خود و دیگران پیروی کرده و حیات دنیا را بر

---

[1]. (زخرف – ۷۴)

[2]. (طه – ۱۰۰و۱۰۱)

آخرت ترجیح می‌دهند؛ در دنیا دچار ذلّت می‌شـــوند، و در آخرت نیز وارد عذابی همیشـــگی خواهند گردید که نه عذابشـــان تخفیفی خواهد داشت و نه از جانب کسی یاری داده می‌شوند تا از آن خارج گردند. »

﴿ثُمَّ أَنتُمْ هَٰؤُلَاءِ تَقْتُلُونَ أَنفُسَكُمْ وَتُخْرِجُونَ فَرِيقًا مِّنكُم مِّن دِيَارِهِمْ تَظَاهَرُونَ عَلَيْهِم بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَإِن يَأْتُوكُمْ أُسَارَىٰ تُفَادُوهُمْ وَهُوَ مُحَرَّمٌ عَلَيْكُمْ إِخْرَاجُهُمْ ۚ أَفَتُؤْمِنُونَ بِبَعْضِ الْكِتَابِ وَتَكْفُرُونَ بِبَعْضٍ ۚ فَمَا جَزَاءُ مَن يَفْعَلُ ذَٰلِكَ مِنكُمْ إِلَّا خِزْيٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ۖ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يُرَدُّونَ إِلَىٰ أَشَدِّ الْعَذَابِ ۗ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ ﴿٨٥﴾ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ اشْتَرَوُا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ ۖ فَلَا يُخَفَّفُ عَنْهُمُ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ ﴿٨٦﴾﴾[1]

پس ازآن، این شـما هستید که یکدیگر را می‌کشید و گروهی از خودتان را ازخانه‌ها و سـرزمینتان بیرون میرانید، (ودیگران را بر ضد آنان بر می شو رانید ویاری می دهیدو ایشان را علیه آنان)از راه گناه ودشـــمنانگی، همپشـــتی وپشـــتیبانی می کنید. ولی اگر(بعضـــی از آنـان بـه صـــورت) اســـیران نزد شـــمـــا(وهم پیمانانتان)بیایند(برای نجاتشان می کوشید و) فدیه می‌دهید (و ایشـان را آزاد می سازید. اگر از شما پرسیده شود، چه چیز شما را وامی‌دارد که فدیه آنان را بپردازید و ازادشان سازید؟ می‌گوئید

[1]. (بقره – ۸۵و۸۶)

که کتاب‌های آسمانیمان به ما دستور می‌دهد که فدیهٔ اسیران بنی‌اسرائیل را بپردازیم وایشان را آزاد سازیم. مگر کتابهای آسمانی به شما دستور نمی دهند که خون آنان را نریزید و ایشان را از خانه و کاشانه آواره نسازید؟)و حال آنکه بیرون راندن ایشان(و کشتن آنان) بر شما حرام است. آیا به بخشی از (دستورات) کتاب (آسمانی) ایمان میآورید و به بخشی دیگر (دستورات آن) کفر می ورزید؟ برای کسی از شما چنین کند، جز خواری و رسوائی در این جهان نیست، و در روز رستاخیز (چنین کسانی) به سخت ترین شکنجه‌ها برگشت داده می شوند، و خداوند ازآنچه می کنید بی خبر نیست. اینان همان کسانیند که آ خرت را به دنیا فروخته‌اند. لذا شکنجه‌ی آنان تخفیف داده نمی شود و ایشان یاری نخواهند شد (و یاوران و کمک کنندگانی نخواهند یافت تا برای نجاتشان بکوشند).

برادران و خواهران گرامی! در سایه‌ی آیات آرام‌بخش خداوند لحظاتی بسر بردیم وتا حدودی از هدایت خدایی آگاه شدیم، امید است همگی مطابق با آن زندگی خویش را تنظیم نماییم و از اُمنیّه وخیالات غیر قرآنی پرهیز نماییم، و متوجه باشیم که:

اولاً: اعمال صالح و آثارشان برای همیشه در نامه‌ی اعمال ما ماندگار نخواهند شد، زیرا سنت قاطع خداوند در این مورد این است که اگر گناهان و آثارشان از نوع مصّرانه باشند ضایع‌کننده‌ی اعمال صالح خواهند بود که این قضیه هشداری بسیار جدّی است.

ثانیاً: عکس آن نیز ثابت گردید و آن اینکه، کسانی که ایمان و عمل صالح دارند و بر آن دوام می‌کنند و گناهانشان از نوع لممی و غیر مصـّرانه است نباید ناامید گردند. چون خداوند درباره‌ی ایشان

چنین مقرّر فرموده است که حسنات مستمرّشان گناهان لممی آنها را حذف نماید و آنها را مشمول مغفرت خویش گرداند.

ثالثاً: در سایه‌ی آیات خداوند این موضوع نیز روشن گردید که انسان بر اساس اعمالش در نهایت یا بر گناهان مصّر بوده است و در آتش جهنّم برای همیشه داخل می‌گردد و هرگز از آن خارج نخواهد شد یا گناهان انسان از نوع لممی بوده که بر اساس غفران الهی و حذف آنها از طریق حسنات پاک می‌شود و هرگز به جهنّم نخواهد رفت و وارد بهشت خدا خواهد گردید که امیدواریم ما از این دسته باشیم.

اصل شانزدهم: در اثرتداوم بر انجام گناه -کوچک یا بزرگ - آثارمخرب گناه دامنگیر زندگی انسان می‌شود.

به گفته‌ی برخی از علما، هفتاد یا صد اثر مادی و معنوی، در اثر انجام مصرّانه‌ی گناه در دنیا و آخرت، زندگی انسان را دربر می‌گیرد ومنجر به تنگ و دشوار شدن زندگی بر انسان می‌شود. بسیاری از ناگواریها و ناملایماتی که در زندگی بشری به وجود می‌آید، در نتیجه‌ی آثار و عواقب گناه می‌باشد که خداوند به عنوان سنت قاطع قرآنی آن را بر انسان‌ها حاکم کرده است.

خداوند در این مورد در آیه‌ی ۳۰ سوره‌ی شوری می‌فرماید:

﴿وَمَآ أَصَٰبَكُم مِّن مُّصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتۡ أَيۡدِيكُمۡ وَيَعۡفُواْ عَن كَثِيرٖ ۝٣٠﴾

آنچه از مصائب و بلا به شما می‌رسد، به خاطر کارهائی است که خود کرده‌اید. تازه خداوند از بسیاری (از کارهای شما) گذشت می‌کند (که شما از آنها توبه نموده‌اید و یا با کارهای نیک آنها را از نامه اعمال زدوده و پاک کرده‌اید).

البته از منظر قرآن قسمتی دیگر ازمصایب، به خاطر امتحان انسان با ناملایمات زندگی است که این خود حساب جداگانه‌ای دارد. البته برای تشخیص اینکه مصایبی که بر ما واقع می‌شود از کدام دسته از موارد گفته شده است، باید اوضاع زندگی خود را بررسی کنیم، که اگر دچار گناه شده بودیم آن را نتیجه خطاکاری خود بدانیم و در غیر این صورت آن ر ابه عنوان امتحان الهی قلمداد کنیم. خداوند در این مورددر آیه‌ی ۱۵۵و۱۵٦سوره‌ی بقره می‌فرماید:

﴿ وَلَنَبْلُوَنَّكُم بِشَيْءٍ مِّنَ ٱلْخَوْفِ وَٱلْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ ٱلْأَمْوَٰلِ وَٱلْأَنفُسِ وَٱلثَّمَرَٰتِ ۗ وَبَشِّرِ ٱلصَّٰبِرِينَ ﴿١٥٥﴾ ٱلَّذِينَ إِذَآ أَصَٰبَتْهُم مُّصِيبَةٌ قَالُوٓا۟ إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّآ إِلَيْهِ رَٰجِعُونَ ﴿١٥٦﴾ ﴾

و قطعاً شما را با برخی از (امور همچون) ترس و گرسنگی و زیان مالی و جانی و کمبود میوه‌ها، آزمایش می‌کنیم، و مژده بده به بردباران. آن کسانی که هنگامی که بلائی بدانان می‌رسد، می‌گویند: ما از آنِ خدائیم و به سوی او بازمی‌گردیم.

در این قسمت به صورت فهرست‌وار و به اختصار آثار گناه را – که از سوی عالمان دین بیان گردیده و نزدیک به ٤٤ مورد است – برمی‌شماریم که به‌نظر می‌رسد هر کدام از ما پس از ارتکاب گناه، در زندگی خود این اثرات را تجربه کرده باشیم:

۱–علم و تفکر انســان را کـاهش می‌دهد و به مرور زمان آن را زایل می‌گرداند.

۲–برکـت را از مـال و ثروت می زدایـد؛ به‌گونه‌ای که آن ثروت دیگر به انسان فایده‌ای نمی‌بخشد.

۳–غربت و وحشــت بســیاری را بین ما و خدا و مردم به‌خاطر انتظار عقوبت گناه ایجاد می‌کند.

٤–اعضــای خانواده را نســبت به انســان نافرمان و بی‌تفاوت می‌سازد.

۵–کارها بر انسان سخت و ناگوار و ناراحت‌کننده می‌شود.

٦–دل انســان تاریک و کم‌سو می‌گردد و به تدریج قلب حقیقت طلب وی می‌میرد.

۷–برکت و فایده‌ی عمر را ازبین می‌برد.

۸–باعث ایجاد گناهان دیگر می‌شود.

۹–عواقب گروه‌های بدکار گذشــته را همچون شــیاطین و اقوام عاد و ثمود و... به‌دنبال دارد.

۱۰–انســان در برابر خـداونـد خوار و ذلیل می‌گردد و خداوند انسان را با خواری و ذلّت به مردم معرفی می‌کند.

۱۱–عقـلِ انســان را تباه می‌کند. چون ســرانجام گناه، جهنم و عواقب بد است و گناه مانع تفکر در این عواقب می‌گردد.

۱۲–در اثر مداومت و اصرار بر گناه، نفرین پیامبر (ص) را شامل می‌گردد.

۱۳–حیوانات هم نفرین انسان گناهکار را از خداوند می‌طلبند.

۱٤–ثمره‌ی زندگی را که یگانه سرمایه برای انجام کار نیک و دوری از بدی است، از انسان می‌گیرد.

۱۵–از دعای فرشتگان محروم می‌گردد.

۱٦–خداوند انسان گناهکار را فراموش می‌کند و از او یاد نمی‌کند.

۱۷–هیبت و احترام را از انسان سلب می‌کند.

۱۸–میان فرد با خانواده و جامعه کشمکش و اختلاف ایجاد می‌کند و غم و ناراحتی بر او تسلط می‌یابد.

۱۹–حسن خیرخواهی در انسان ضعیف می‌گردد و به تدریج ازبین می‌رود.

۲۰–هدایت و کمک خداوند به او قطع می‌گردد.

۲۱–از لذت طاعت و عبادت محروم می‌شود.

۲۲–شیرینی گناه را بر شیرینی ایمان ترجیح می‌دهد و از گناه کاملا لذت می‌برد و بر این حالت تا زمان مرگ مداومت می‌کند.

۲۳–از مجالس وعظ و مباحث مربوط به خدا و قیامت بیزار و دلتنگ می‌گردد.

۲٤–بر اثر مداومت، گناه بخشی از زندگی وی می‌شود و انجام گناهان در نظر فرد کوچک می‌گردد.

۲۵–انسان گناهکار حق را ناحق و ناحق را حق می‌بیند و خود را مصلح می‌داند نه مفسد.

۲۶–حس توبه به مرور در انسان از بین می‌رود.

۲۷–فرد گناهکار سرانجام در برابر خدا و شریعت او اعلام جنگ می‌کند، چون دین با آرزوهای او سازگار نیست.

۲۸–تسلط گناه بر جامعه و عادی شدن آن، امراض مُسری و غیرقابل علاج و مرگ و میر و بلایای اجتماعی را گسترش می‌دهد.

۲۹–گناه باعث صرف هزینه‌های بسیاری در زندگی می‌شود که آن هزینه‌ها در جاهای دیگری می‌توانست به بهترین شیوه صرف گردد.

۳۰–در اثر مداومت بر انجام گناه، رحمت خداوند قطع می‌گردد.

۳۱–وقت و زمان ضایع می‌گردد.

۳۲–دعاها مورد استجابت قرار نمی‌گیرند.

۳۳–تنبلی و کسالت در یاد و ذکر خدا ایجاد می‌شود.

۳۴–قساوت قلب به‌وجود می‌آید.

۳۵–دلتنگی زیاد می‌گردد و تحمل و صبر کم می‌شود.

۳۶–عبادت و آثار عبادت ازبین می‌رود.

۳۷–بدعت‌گذاری در دین شایع می‌گردد.

۳۸–در نصیحت و ارشاد مردم، جدیّت ازبین می‌رود.

۳۹–فرد گناهکار به عنوان الگو باعث گمراه شدن دیگران می‌شود.

۴۰-یاران دینی پراکنده می‌گردند و توانایی جذب آنها مشکل می‌شود.

۴۱-تفرقه جایگزین اتحاد مسلمانان می‌گردد.

۴۲-احساس بیگانگی با مردم به‌وجود می‌آید.

۴۳-در جسم و روح انسان سستی و ضعف ایجاد می‌گردد.

۴۴-از فرد گناهکار صفت رحمت للعالمین برداشته می‌شود و برای خود، دیگران و جهان هستی مضرّ می‌گردد.

مواردی که به اختصار بیان گردید، آثار و عواقب گناه بر اثر مداومت در انجام آن است، که پناه بر خدا اگر ما در ارتباط با ماهواره بدون احتیاط و پرهیزگاری از این وسیله استفاده کنیم خداوند این آثار -که هر کدام از آنها به تنهایی برای تلخی زندگی انسان و از بین بردن آن کافی است - را متوجه ما نیز خواهد کرد و باعث می‌شود که انسان دیگر احساس خوشبختی و سعادت را در دنیا نداشته باشد.

آیاتی از قرآن که در این رابطه نازل شده است بسیار تکان دهنده می‌باشند، به گونه‌ای که اگر ما مسلمانان قلبی سالم می‌داشتیم تنها یکی از این آیات برای ما کافی می‌بود.

مردم این روزگار از دو بیماری بزرگ رنج می‌برند: فقر و ترس. با وجود اینکه امکانات زندگی در قرن بیست و یکم افزایش چشمگیری داشته و اغلب فقیران این دوره در مقایسه با ثروتمندان گذشته دارایی و امکانات بیشتری دارند، اما احساس فقر و کمبود

در زندگی مردم رخنه کرده و هیچ زمانی از دارایی و اموال خود راضی نمی‌گردند و در واقع این مسئله، بیماری و سنتی الهی است که بر آنها چیره گشته است و در کنار این احساس فقر، ترس هم به طور مداوم بر آنها غلبه یافته به گونه‌ای که آرامش را در زندگی خود احساس نمی‌کنند. به عنوان نمونه‌می‌توان به امراض و بیماریهایی همچون آنفولانزای گاوی، ایدز، سرطان،ایبولا و...اشاره کرد که در طول این سالیان بر مردم جهان سایه افکنده و زندگی اکثر مردم از ترس دچار شدن خود و خانوادشان به این بیماریها به‌هم ریخته است و در کنار این بیماریها نیز اتفاقات سیاسی همچون جنگهاو تحریم‌ها بر میزان این ترس‌ها افزوده؛ به‌گونه‌ای که در مسئله‌ی انرژی اتمی ایران که آمریکا و کشورهای اروپایی مانع دستیابی ایران به این انرژی هستند و به شیوه ای ظالمانه تحریمها را بر مردم ایران شدت می‌بخشند، این ترس در زندگی بسیاری از مردم مشهود است و اینگونه مسائل، زندگی را بر انسان‌های امروزی تلخ و ناگوار کرده است و مانع دستیابی مردم به آرامش می‌شود. به‌نظر می‌رسد علی رغم وجود اینگونه مسائل -که امروزه وجود دارند -اگر انسان‌ها ارتباط و تعامل خوبی با خداوند می‌داشتند هرگز این احساس فقر و ترس درمیان آنها به وجود نمی‌آمد و از زندگی آرامی برخوردار می‌بودند. همانگونه که در این روزگار، کسانی وجود دارند که در زندگی خود احساس فقر نمی‌کنند و ترسی هم در آنها راه نمی‌یابد.

خداوند در آیه‌ی ۱۱۲ سوره‌ی نحل به این سنت قاطع اشاره می‌کند و می‌فرماید:

﴿وَضَرَبَ ٱللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ ءَامِنَةً مُّطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِّن كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعُمِ ٱللَّهِ فَأَذَٰقَهَا ٱللَّهُ لِبَاسَ ٱلْجُوعِ وَٱلْخَوْفِ بِمَا كَانُوا۟ يَصْنَعُونَ ﴿١١٢﴾﴾

خداوند (برای آنان که کفران نعمت می‌کنند، داستان) مردمان شهری را مثل می‌زند که در امن و امان بسر می‌بردند و از هر طرف روزیشان به گونه فراوان به سویشان سرازیر می‌شد، امّا آنان کفران نعمت خدا کردند، و خداوند به خاطر کاری که انجام دادند، گرسنگی و هراس را بدیشان چشانید (و نعمت‌ها را از ایشان سلب گردانید و بلاها بدانان رسانید).

در مقابل خداوند در آیات ۱۰تا۱۲سوره‌ی نوح در رابطه باترک گناهان می‌فرماید:

﴿فَقُلْتُ ٱسْتَغْفِرُوا۟ رَبَّكُمْ إِنَّهُۥ كَانَ غَفَّارًا ﴿١٠﴾ يُرْسِلِ ٱلسَّمَآءَ عَلَيْكُم مِّدْرَارًا ﴿١١﴾ وَيُمْدِدْكُم بِأَمْوَٰلٍ وَبَنِينَ وَيَجْعَل لَّكُمْ جَنَّٰتٍ وَيَجْعَل لَّكُمْ أَنْهَٰرًا ﴿١٢﴾﴾

و بدیشان گفته‌ام: از پروردگار خویش طلب آمرزش کنید که او بسیار آمرزنده است (و شما را می‌بخشاید). (اگر چنین کنید) خدا از آسمان بارانهای پر خیر و برکت را پیاپی می‌باراند. و با اعطاء دارائی و فرزندان، شما را کمک می‌کند و یاری می‌دهد، و باغهای سرسبز و فراوان بهره شما می‌سازد، و رودبارهای پر آب در اختیارتان می‌گذارد.

پناه بر خدا امروزه مردم ما به این مسئله گرفتار شده‌اند و با

اطمینان می‌توان گفت که یکی از مهمترین گناهان مردم این روزگار روابط نامشروع میان زنان و مردان است که می‌توان آن را حاصل تأثیرپذیری از برنامه های ماهواره ای دانست، به گونه‌ای که در این زمینه به شدت از میزان تقوا کاسته شده و در بعضی جاها نه تنها دیگر اثری از آن یافت نمی‌شود بلکه حتی نمی‌توان سخنی از آن هم به میان آورد و همچنانکه گفته شد ماهواره یکی از خطرناکترین وسایل انجام چنین گناهانی است و مسلمانان -که خواهان خوشبختی دنیا و قیامت هستند -باید بسیار آگاه باشند و این توصیه را جدی بگیرند، که اگر می‌خواهند از زندگی لذت ببرند و احساس گرسنگی و ترس را در زندگی خود نداشته باشند و خوشبختی را در سایه‌ی آرامش به چنگ آورند، باید از گناه و معصیت خداوند دوری کنند، به شیوه‌ای که با این وسیله‌ی خطرساز -که فعلاً آمادگی بهره‌مندی از آن را ندارند -برخوردی خداپسندانه داشته باشند که یا بتوانند با درستترین شیوه از آن استفاده کنند و یا اگر چنین توانایی را در خود نمی‌یابند، از ترس اینگونه سنتهای الهی که به عنوان عذاب از همین دنیا شروع می‌گردد، از استفاده‌ی از ماهواره خودداری کنند و به توجیه کار خود تحت عناوین گوناگون نپردازند. همچنین خداوند در آیات ۱۲٤ تا ۱۲۷ سوره‌ی طه در این باره می‌فرماید:

﴿ وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى ﴿١٢٤﴾ قَالَ رَبِّ لِمَ حَشَرْتَنِي أَعْمَى وَقَدْ

كُنتُ بَصِيرًا ﴿١٢٥﴾ قَالَ كَذَٰلِكَ أَتَتْكَ ءَايَٰتُنَا فَنَسِيتَهَا ۖ وَكَذَٰلِكَ ٱلْيَوْمَ تُنسَىٰ ﴿١٢٦﴾ وَكَذَٰلِكَ نَجْزِى مَنْ أَسْرَفَ وَلَمْ يُؤْمِنۢ بِـَٔايَٰتِ رَبِّهِۦ ۚ وَلَعَذَابُ ٱلْـَٔاخِرَةِ أَشَدُّ وَأَبْقَىٰٓ ﴿١٢٧﴾ ﴾

و هر که از یاد من روی بگرداند (و از احکام کتابهای آسمانی دوری گزینند)، زندگی تنگ (و سخت و گرفته‌ای) خواهد داشت؛ (چون نه به قسمت و نصیب خدادادی قانع خواهد شد، و نه تسلیم قضا و قدر الهی خواهد گشت) و روز رستاخیز او را نابینا (به عرصه قیامت گسیل و با دیگران در آنجا) گرد می‌آوریم. خواهد گفت: پروردگارا! چرا مرا نابینا (برانگیخته‌ای و به عرصه قیامت گسیل داشته و در آنجا) جمع آورده‌ای؟ من که قبلاً (در دنیا) بینا بوده‌ام. (خدا) می‌گوید: همین است (که هست و بچش نتیجه نافرمانی را). آیات (کتابهای آسمانی، و دلائل هدایتِ جهانیِ) من به تو رسید و تو آنها را نادیده گرفتی؛ همان گونه هم تو امروز نادیده گرفته می‌شوی (و بی‌نام و نشان در آتش رها می‌کردی). ما این گونه سزا می‌دهیم کسی را که افراط (در عصیان) و تفریط (در پرستش و عبادت) پیش می‌گیرد و به آیات پروردگارش ایمان نمی‌آورد. مسلّماً عذاب آخرت بسیار سخت‌تر و ماندگارتر (از عذاب این جهان) است.

پس ما مسلمانان باید به خواست خدا با جدیّت تمام متوجه خطر و عظمت این آیات باشیم و فریفته‌ی نفس و شیطان نگردیم تا مشمول این تهدیدهای قرآنی نشویم.

* * *

اصل هفدهم: غفلت و سرگرمی فراتر از حد مجاز، هلاک‌کننده است

در این اصل، خداوند این نکته را به ما یادآور می‌شود که غفلت و سرگرمی فراتر ازحد مجاز، هلاک کننده می باشد و پیدا است که غفلت هم اخلاق‌سوز است و هم تفکرسوزو همچنین محاسبه و سنجش را نیز از انسان سلب می‌کند. چون زمان و عمری که به انسان‌ها داده شده برابر است با تعداد سوالهایی که خداوند برای انسان‌ها در نظر گرفته تا فرصت کافی برای پاسخ‌گویی به آنها را داشته باشد. برای مثال در یک آزمون سراسری، کارشناسی که سؤالات را انتخاب کرده به این نکته آگاه است که مدت زمان پاسخگویی به هر سوال برای یک فرد متوسط چقدر است بنابراین اگر فردی در این آزمون شرکت می‌کند دیگر فرصت ندارد که به سرگرمی و لهو و لعب بپردازد، چون در این صورت سؤالات زیادی بی‌پاسخ می‌مانند. نمایان است که زندگی آدمی نیز با تمام خوشایندی و ناخوشایندی آن، عرصه‌ی سوال و جواب است و در حقیقت ما فقط برای این آزمون، از نیستی پا به میدان وجود و هستی نهاده‌ایم و اگر بیش از اندازه مشغولیت داشته باشیم طبیعی است که زمان لازم برای پاسخگویی به سؤالات را نخواهیم داشت و در نتیجه از آزمون زندگی نمره‌ی قبولی را به دست نمی‌آوریم و مردود می‌شویم.

البته پرداختن به سرگرمی به اندازه‌ای که خداوند آن را بپسندد و به دور از گناه باشد لازم و ضروری است. اما اگر سرگرمی از دو

عیب عمده ذیل برخوردار باشد باید از آن دوری جست:

یکی اینکه با گناه و نافرمانی خداوند انجام گیرد و دیگر آنکه بیش از اندازه باشد؛ همچون ضرری که امروزه انسان‌ها از سرگرمیِ ماهواره متوجه می‌شوند، که نمی‌توان به سادگی از کنار آن عبور کرد و زیان‌هایی را که از مشغولیت به آن حاصل می‌گردد نادیده گرفت، چون این امر باعث عقب افتادن از قافله‌ی تمدن و غافل ماندن از رشد و کمال و تزکیه‌ی نفس می شود و همانگونه که واضح است تزکیه‌ی نفس نیاز به زمینه‌سازی، زحمت و دقت کافی دارد و اگر واقعاً خود را دوست داشته و خواهان کسب خوشبختی باشیم باید خود را از جهات مادی و معنوی رشد و تزکیه دهیم که همچنان که نمودار است امروزه ماهواره به خاطر تنوع در برنامه‌های خود بسیاری از وقت ما را به خود اختصاص داده و فرصت دنبال کردن کارهای جدی و اصلی خود را از دست داده‌ایم و بدین دلیل این سرگرمی برای انسان هلاکت‌آور می باشد.

به گفته‌ی برخی از دانشمندان وظایف ما بیشتر از وقتی است که در اختیار داریم. به بیان دیگر زندگی، عرصه ای جدی و حق است و ما برای عبادت و بندگی خداوند در این وادی گام نهاده‌ایم و خداوند هر اندازه میزان جدیّت یا سرگرمی را برای ما تعیین کند ما نباید بیشتر از آن را به کار گیریم و پا را ازگلیم خود فراتر نهیم. همچنین در این زمینه نباید کسانی را سرمشق و معیار خود قرار داد که در دینداری خود جدّی نیستند و به زندگی دنیا به عنوان هدف می‌نگرند؛ چون آنها در حقیقت مشکلات روحی خود را با سرگرمی

از یـاد می‌برند، در حالی که همه‌ی کارها برای ما تبیین و روشـــن گشـــته و خداوند هم به روشـــنی زندگی را برای ما تعریف کرده و لازم نیســـت بیش از حد برای غفلت و ســـرگرمی تلاش کنیم. چون عاقل کســـی است که بتواند به بهترین شیوه از عمر خود بهره جوید و اگر ما مســـلمانان، مؤمن و متعهد به برنامه‌ی خداوند هســـتیم باید اینگونه عمل نماییم.

خداوند این حقیقت را در آیه‌ی ۲۰ ســـوره‌ی حدید اینگونه بیان می‌کند:

﴿ٱعۡلَمُوٓاْ أَنَّمَا ٱلۡحَيَوٰةُ ٱلدُّنۡيَا لَعِبٞ وَلَهۡوٞ وَزِينَةٞ وَتَفَاخُرُۢ بَيۡنَكُمۡ وَتَكَاثُرٞ فِي ٱلۡأَمۡوَٰلِ وَٱلۡأَوۡلَٰدِۖ كَمَثَلِ غَيۡثٍ أَعۡجَبَ ٱلۡكُفَّارَ نَبَاتُهُۥ ثُمَّ يَهِيجُ فَتَرَىٰهُ مُصۡفَرّٗا ثُمَّ يَكُونُ حُطَٰمٗاۖ وَفِي ٱلۡأٓخِرَةِ عَذَابٞ شَدِيدٞ وَمَغۡفِرَةٞ مِّنَ ٱللَّهِ وَرِضۡوَٰنٞۚ وَمَا ٱلۡحَيَوٰةُ ٱلدُّنۡيَآ إِلَّا مَتَٰعُ ٱلۡغُرُورِ ۝٢٠﴾

بـدانید که زندگی دنیا تنها بازی، ســـرگرمی، آرایش و پیرایش، نازش در میان همدیگر، و مسابقه در افزایش اموال و اولاد است و بس. دنیا همچو باران اســـت که گیاهان آن، کشـــاورزان را به شـــگفت می‌آورد، ســـپس گیاهان رشـــد و نمو می‌کنند، و بعد گیـاهـان را زرد و پژمرده خواهی دیـد، و آنگـاه خرد و پرپر می‌گردند. در آخرت عذاب شدیدی (برای دنیاپرستان) و آمرزش و خوشـنودی خدا (برای خداپرســـتان) اســـت. اصـلاً زندگی دنیا چیزی جز کالای فریب نیست.

پس مشخص می‌شود که انسان مسلمان زندگی دنیا را به عنوان وسیله‌ی امتحان می‌نگرد و این بدان معنا نیست که خود را از نعمت‌های دنیا محروم می‌سازد، بلکه حتی بیشتر از دیگران هم از این نعمت‌ها برخوردار می‌گردد و از آنها بهره می‌جوید؛ چون سوال‌های خداوند در زمینه‌ی چگونگی استفاده از این امکانات و نعمت‌ها است و در نتیجه‌ی این نوع برخورد با نعمت‌ها، انسان به سعادت و یا شقاوت دنیا و آخرت می‌رسد.

ارزش کار مؤمن در این است که، دنیا و نعمت‌های موجود در آن را طبق امیال نفسانی خود به کار نمی‌گیرد؛ بلکه از این نعمت‌ها به فرمان خداوند متخصص و علیم و حکیم بهره می‌جوید و بدین ترتیب دنیا را پلی برای رسیدن به خوشبختی در دنیا و آخرت می‌سازد.



اصل هجدهم: انجام گناهان مصرانه، اندک منفعتی راکه در آن است ازبین می‌برد وبرعکس

در این بند این نکته را فرامی‌گیریم که انجام گناهی مصرّانه، آن اندک منفعتی را نیز که در آن است ازبین می‌برد و برعکس؛ زیاد بودن منفعتی بادوام، اندک ضرری را که در گناهان غیرمصرّانه است محو می‌سازد. در نتیجه نباید به آن اندک منفعتی که در گناهان موجود است دلخوش و امیدوار بود.

این قـاعـده در رابطـه بـا ماهواره این نکته را به ما می‌آموزد که بیشتر برنامه‌های ماهواره‌ای نه تنها آن گونه نیستند که بتوان رضایت خداوند را با آن جلب کرد، بلکه مضـرّت و صـدمات بسیاری برای ایمان انسان‌ها نیز در پی دارند؛ در نتیجه نمی‌توان نسبت به آن مقدار منفعـت کمی کـه در برخی برنـامـه‌های ماهواره‌ای موجود اسـت دلخوش بود.

با این وجود اگر از هر دو نوع برنامه‌های -مضـر و سـودمند- ماهواره‌ای اسـتفاده کنیم، به مرور زمان متوجه خواهیم شـد که آن گناهان مصـرّانه‌ی بزرگی که در بیشتر برنامه‌های ماهواره‌ای موجود است، اندک منافعی را که در برخی برنامه‌های معدود ماهواره وجود دارد، ازبین می‌برد و مـا در این معـالمـه عملاً زیان می‌کنیم. -همان گونه که در بحث احباط اعمال هم بدان اشـاره شد -برای مثال اگر یـک لیوان آب را دراختیـار ما قرار دهند و تنها یک قطره سـم که بتواند آن لیوان آب را مسموم کند در آن بریزند و ما معتقد باشیم که هنوز مقداری از آب آن لیوان مسـموم نشده و با این توجیه آن آب را بنوشـیم؛ بدیهی اسـت چون آن مقدار سـم بر آب لیوان چیره گشـته؛ اگر مقدار اندکی از آن آب هم سـالم باشـد باز هم مانع مسمومیت ما نمی‌شود.

در ارتباط با ماهواره هم چنین قاعده‌ای صـدق می‌کند و ما باید متذکر باشیم که اگر اندک منفعتی در برخی از برنامه‌های آن موجود است این اندک منفعت در اختلاط و همراهی با برنامه‌های مضرّ آن، ازبین می‌رود. همچنین اگر در حـال دیـدن برنـامه‌ای دینی مقداری

اندک از ضرر متوجه ما گردد چون ما به صورت همیشگی و مداوم در حال اجرای فرامین خداوند هستیم در نتیجه اگر گاهی اوقات دچار لغزش و گناهان کوچکی گردیم، این اندک گناهان که ما در انجام آن مصرّ نیستیم باعث ازبین رفتن کارهای نیک و مداوم ما نمی‌گردد و به تدریج در کارهای صالح و خیر انسان محو می‌شود و ازبین می‌رود که این امر موجب مسرّت و دلخوشی برای آن عدّه از افرادی است که بندگی خداوند را به جای می‌آورند.

در ارتباط با ماهواره هم اگر آن اندازه که در توان داریم از برنامه‌های مفید ماهواره به صورت مدوام استفاده کنیم و گاهی بطورناخواسته در معرض برنامه‌های مضر آن باشیم؛ به‌شرطی که بر آن اصرار نورزیم و به فکر علاج و درمان آن باشیم؛ آثار اینگونه برنامه‌ها از بین می رود و به تدریج به مرتبه‌ای می‌رسیم که قادر خواهیم بود به شیوه‌ای کاملا خداپسندانه از ماهواره استفاده کنیم و برنامه‌های مضر را به طور کلی حذف نماییم.

این قاعده در تجارت هم حاکم است و انسان همیشه در این فکر است که آیا در معامله‌ای که انجام می‌دهد، سودمند می‌گردد یا متضرر. بر پایه‌ی این قاعده باید در تجارت دینداری هم اینگونه عمل کرد.

از این رو در استفاده از ماهواره باید توجه داشت که آیا ما اغلب به سوی رشد و کمال و تقوا گام نهاده‌ایم و یا به طرف بی‌تقوایی، سقوط و از بین رفتن عبادتها در حرکت بوده‌ایم، که اگر دلسوزانه به

محاکمه و محاسبه‌ی نفس خود بپردازیم به این نتیجه خواهیم رسید که در این روزگار کمتر کسانی هستند که توانسته باشند اینگونه پرهیزکارانه از ماهواره استفاده کرده و ضرری متوجه آنها نشده باشد.

خداوند برای تأیید این مطلب در آیه‌ی ۲۱۹ سوره‌ی بقره چنین می‌فرماید:

﴿يَسْـَٔلُونَكَ عَنِ ٱلْخَمْرِ وَٱلْمَيْسِرِ ۖ قُلْ فِيهِمَآ إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَٰفِعُ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَآ أَكْبَرُ مِن نَّفْعِهِمَا ۗ وَيَسْـَٔلُونَكَ مَاذَا يُنفِقُونَ قُلِ ٱلْعَفْوَ ۗ كَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ ٱللَّهُ لَكُمُ ٱلْءَايَٰتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ ﴿٢١٩﴾﴾

درباره باده و قمار از تو سؤال می‌کنند. بگو: در آنها گناه بزرگی است و منافعی هم برای مردم دربر دارند، ولی گناه آنها بیش از نفع آنها است. و از تو می‌پرسند: چه چیز را صدقه و انفاق کنند؟ بگو: مازاد (نیازمندی خود). این چنین خداوند آیات (و احکام) را برای شما روشن می‌سازد، شاید (درباره مصالح دنیا و آخرت خود) بیندیشید.

این قاعده‌ای قرآنی است که بر اساس آن مشروبات الکلی و قمار حرام شدند و دلیل اینگونه تحریم غلبه‌ی مضرّت بر منفعت می باشد. قاعده فوق قاعده ای عام است و در همه امور باید لحاظ گردد.

* * *

اصـــل نوزدهم: در اجرای دینداری نباید از ســـرزنش وطعنه‌ی مخالفان ترسید

نکته‌ای که در این بند توضـیح داده می‌شـود، معضــلی اســت که بیشـــتر مؤمنان در طول تاریخ از آن متأثر شـــده‌اند و در نتیجه‌ی آن نتوانسته اند آنگونه که مورد رضایت خداوند بوده، دینداری شایان و قابل توجهی داشــته باشــند. و آن این حقیقت اســت که انســان در اجرای دینـداری؛ بـه‌ویژه دینـداری صـــحیح و کامل؛ نباید از اتهام دیگران، ترس و هراســـی در خود راه دهـد؛ اگرچـه مردم او را به تحجّر و مخـالفت با علم و پیشـــرفت متهم کنند؛ چون در غیر این صـــورت فرد را به انجام گناه وادار می‌کنند، تا به این ترتیب بتواند خود را اهـل علم معرفی نموده و از تحجّر و عقـب مـانـدگی دور بداند!

اینگونه جوّ ســـازیها بســـیاری از ما را واردار می‌کند که نه تنها دچار گناه شویم، بلکه اصولا این کار خود را نیز گناه ندانیم و تصوّر کنیم که با این کار به دین خدمت می‌کنیم و آن را از تحجّر و عقب ماندگی نجات می‌دهیم!

این طرز تفکر یکی از آن بلاهای بزرگی اســـت که متأســـفانه بســـیـاری از دعوتگران این روزگـار را در مقابل تمدن غرب دچار هزیمت و شـکســت روحی کرده اسـت، به گونه‌ای که بسـیاری از داعیان دین می‌خواهند چنان وانمود کنند که تمدن اسلامی نه تنها از غرب عقـب نیفتاده اســـت؛ بلکه با لوازم مدرنیزم -که ماهواره هم

یکی از آنهاست –نیز همراه و موافق می‌باشد و استفاده‌ی مسلمانان از ماهواره و وسایل دیگر را دلیلی برای عدم مخالفت خود با علم و تکنولوژی می دانند.

بی‌باوران و مدعیان تمدن غرب، همواره در طول تاریخ از این شیوه بهره جسته‌اند و به تدریج توانسته‌اند از رغبت مسلمانان به دینداری صحیح و کامل –به خاطر ترس از به خطر افتادن شخصیت و آبرویشان و همچنین مورد هجوم و طعن قرار نگرفتن –بکاهند و آنان را به سمت بی‌دینی سوق دهند و به فرموده‌ی قرآن از این کار دست برنمی‌دارند تا اینکه ما را به طور کامل از اسلام پشیمان و رویگردان سازند و البته هیچ فردی به دینداری مطلوب نمی‌رسد مگر اینکه خود را برای روبرو شدن با اتهام و طعن و دشنام دیگران آماده کرده و از این سد محکم بگذرد. این مسئله یک سنت عام است که ما مسلمانان در عصر حاضر از آن مستثنا نیستیم. در نتیجه یا باید دینداری کنیم و در برابر این برخوردها تاب بیاوریم و یا عرصه دینداری را به کلی رها نماییم.

بنابراین در زمینه‌ی اجرای دینداری صحیح نباید از اتهامات دیگران ترسی داشته باشیم و مادام که در مسیر بندگی خداوند قرار داریم نباید اجازه دهیم هیچ چیزی ما را از راه خدا منحرف سازد؛ چون این سنتی است که در دوران گذشته‌ی حیات بشری نیز وجود داشته و در آینده نیز وجود خواهد داشت و قطعاً هر فردی با هر عقیده و باوری، مورد مخالفت گروهی دیگر قرار خواهد گرفت. ببنابراین مادامی که این سنت برای هر کسی تکرارپذیر و تحقق‌پذیر

است، پس چه بهتر که انسان راه خدایی را سرلوحه‌ی کار خویش قرار دهد تا منکران خداوند هرگونه که می‌خواهند به اتهام پراکنی و دشنام گویی خود بپردازند و ما نباید در برابر آنها هیچ گاه برنامه‌های الهی را تعطیل کنیم؛ که این کار نوعی بیماری بزرگ است و به نظر می‌رسد اغلب مردم بدین خاطر، دینداری را آنگونه که شایسته است انجام نمی‌دهند و یا آن را کاملاً رها کرده‌اند تا بدین وسیله خود را انسانی دیگر معرفی نمایند و با عناوینی؛ همچون اهل علم و پیشرفت بودن و به دور از عقب‌ماندگی؛ خود را به دیگران بشناسانند و از این طریق به کسب آبرو برای خود بپردازند.

در رابطه با قضیه ماهواره هم زمانی که از بعضی استفاده‌کنندگان از این وسیله دلیل انجام چنین کاری پرسیده می‌شود، ترس از سخنان مردم و فشار و جوّ حاکم بر جامعه را دلیل استفاده‌ی خود از ماهواره می‌دانند؛ اما این رویکرد در واقع دینداری محسوب نمی‌شود و اصرار ورزیدن بر آن نشانه‌ی ترس از مردم است، در حالی که باید همه‌ی ترس‌ها و امیدها برای خداوند یگانه باشد و اگر انسان پس از کسب چنین شناختی بر این کار خود ادامه دهد و با همین وضعیت از دنیا برود قطعا مرتکب شرک شده است، که مسلمانان باید خود را از این حالت وحشتناک محفوظ دارند.

از این رو می‌بایست افرادی که چنین آگاهی و شناختی دارند حکم استفاده از ماهواره را با تمام تقسیمات آن -که بعداً به آن اشاره خواهد شد -به مردم ابلاغ کنند؛ اگرچه این کار برای مردم ناخوشایند باشد و از سوی آنان مورد اتهام قرار گیرند؛ اما این کار

حق اســـت و حق نیز نباید پنهان گردد، که پوشـــاندن حق یکی از گناهان بزرگ اســت که باید نسـبت به آن آگاه و هوشمند باشیم. به عبـارت دیگر اگر ما مســـلمانان مورد طعن و دشـــنام بی‌باوران و بیگانگان قرار نگیریم؛ قطعاً باید در ایمان خود شک کنیم؛ زیرا چنین چیزی بدان معنا است که رفتار ما به گونه‌ای بوده که همه‌ی مردم را نسـبت به خود راضـی کرده‌ایم و قطعا راضـی ساختن همه‌ی مردم جزو اهداف و مقاصد دین نیست. زیرا همه‌ی افراد در مسیر هدایت قرار نگرفته‌اند و گذشتگان و بزرگان ما نیز ازجمله پیامبر خدا (ص) و اصـــحاب گرانقدر ایشـــان اینگونه رفتار نکرده‌اند و دشـــنام‌ها و اتهـامـات جامعه‌ی خویش را با جان و دل پذیرفته اند تا با این کار دین خدا را حفظ کنند و در این راســتا هرگز با جوســازی و رفتار دیگران، میـدان دینـداری را حتی در ســـختترین زمـانهـا نیز خالی نگذاشـته‌اند. اما متأسـفانه بسـیاری از مسلمانان عصر حاضر در این زمینه شـکســت خورده‌اند و معتقدند که سعادت و پیشرفت تنها از راه ارتباط با مردم فراهم می گردد و بدین خاطر از مردم می‌ترسند و ترس از خـدا را از یـاد برده‌انـد و مرحلـه بـه مرحله از دینداری صـحیح و کامل فاصـله گرفته‌اند و عملاً در بسـیاری از عرصه‌های زنـدگی بـا تقلید و پیروی کورکورانه، قافله‌ی گمراهان را همراهی کرده‌انـد و از شـــاهراه هـدایـت و برنامه‌ی نجاتبخش پروردگار به انحراف رفته‌اند و آنگاه زمانی که علت این کار از آنها پرسیده شود متوجه می‌گردیم که به خاطر مصون ماندن از سرزنش مردم این کار را انجام داده‌اند! چنین رویه ای واقعاً آفت و مرضـی کشـنده است

که با اسلام و مسلمانی هیچ گونه تناسبی ندارد.

خداوند متعال در دو آیه از آیات قرآن، این بیماری را جلوی چشم انسان‌ها به تصویر می‌کشد و در آیه‌ی ٥٤ سوره‌ی مائده می‌فرماید:

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ مَن يَرۡتَدَّ مِنكُمۡ عَن دِينِهِۦ فَسَوۡفَ يَأۡتِي ٱللَّهُ بِقَوۡمٖ يُحِبُّهُمۡ وَيُحِبُّونَهُۥٓ أَذِلَّةٍ عَلَى ٱلۡمُؤۡمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى ٱلۡكَٰفِرِينَ يُجَٰهِدُونَ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوۡمَةَ لَآئِمٖۚ ذَٰلِكَ فَضۡلُ ٱللَّهِ يُؤۡتِيهِ مَن يَشَآءُۚ وَٱللَّهُ وَٰسِعٌ عَلِيمٌ ٥٤﴾

ای مؤمنان! هرکس از شما از آئین خود بازگردد (و از ایمان به کفر گراید، کوچک‌ترین زیانی به خدا نمی‌رساند و در آینده) خداوند جمعیّتی را (به جای ایشان بر روی زمین) خواهد آورد که خداوند دوستشان می‌دارد و آنان هم خدا را دوست می‌دارند. نسبت به مؤمنان نرم و فروتن بوده و در برابر کافران سخت و نیرومندند. در راه خدا جهاد می‌کنند و به تلاش می‌ایستند و از سرزنش هیچ سرزنش‌کننده‌ای (در اطاعت از فرمان یزدان) هراسی به خود راه نمی‌دهند. این هم فضل خدا است (که کسی دارای چنین اوصافی باشد)؛ خداوند آن را به هرکس که بخواهد (به خیر و خوبی نائل شود) عطاء می‌کند. و خداوند دارای فضل فراوان و (انعام بیشمار است، و از مستحقّان آن) آگاه است.

همچنین در آیه‌ی ۱۵۹ سوره‌ی بقره می‌فرماید:

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ يَكۡتُمُونَ مَآ أَنزَلۡنَا مِنَ ٱلۡبَيِّنَٰتِ وَٱلۡهُدَىٰ مِنۢ

بَعۡدِ مَا بَيَّنَّٰهُ لِلنَّاسِ فِي ٱلۡكِتَٰبِ أُوْلَٰٓئِكَ يَلۡعَنُهُمُ ٱللَّهُ وَيَلۡعَنُهُمُ ٱللَّٰعِنُونَ ﴿١٥٩﴾

بی‌گمان کسانی که پنهان می‌دارند آنچه را که از دلائل روشن و هدایت فرو فرستاده‌ایم، بعد از آن که آن را برای مردم در کتاب (تورات و انجیل) بیان و روشن نموده‌ایم، خدا و نفرین‌کنندگان (چه از میان فرشتگان و چه از میان مؤمنان انس و جان)، ایشان را نفرین می‌کنند (و خواستار طرد آنان از رحمت خدا خواهند شد).

از این رو در رابطه با مسئله‌ی ماهواره، بر افرادی که آگاهی و علم دینی دارند واجب است به تبیین این موضوع به همراه فواید و مضرّات آن پرداخته و مردم را از گمراهی و سرگشتگی نجات دهند تا نحوه تعامل و رفتار صحیح با این پدیده و پدیده‌های مشابه را در یابند؛ به گونه‌ای که نه تنها از خیر و منافع آن بی‌بهره نمانند بلکه از مضرّات آن نیز محفوظ و ایمن گردند.

* * *

اصل بیستم: تکیه‌ی صرف بر فلسفه‌ی احکام وکارکردگرایی موجب تعطیل برنامه‌ی خدا می‌شود

از دیگر نصایح قرآنی توجه به این نکته است که تکیه‌ی ویژه و محض بر کارکردگرایی یا فلسفه‌ی احکام باعث تعطیلی احکام خداوند می‌شود. در توضیح این مسئله باید گفت یکی از مسائلی که مردم به آن رغبت دارند فلسفه‌ی احکام است، مثلاً اینکه فلسفه‌ی

نماز، روزه، نگاه نکردن به نامحرم و موارد بسیار دیگر از این دست چیســـت؟ کـه البته خداوند برای تأمین این نیاز انســـان، برخی از میلیون‌ها فلســفه و حکمتی را که در ورای هر حکمی موجود است در قرآن و ســنت پیامبر (ص) بیان و معرفی می‌کند اما اشتباه بزرگ بسیاری از مردم در این است که می‌پندارند برای هر حکمی فقط آن کارکرد و فلســفه‌ای که وحی الهی بیان نموده است، صدق می‌کند و جز آن چیز دیگری موجود نیســت ! مثلاً اگر قرار باشــد فلســفه‌ی نماز، بازگشــت از خطا و منکرات، یاد خدا و صــبر و شــکیبایی در مصــائب باشــد، نباید افرادی که از دین آگاهی ناقصــی دارند چنین تصــوّر کنند که جز این ســه فلسفه، دیگر حکمت و منفعتی در نماز وجود ندارد. چون ما با خدایی در تعامل و ارتباط هستیم که قوانین را برای تمام مجموعه جهان هستی که یک دستگاه واحد است وضع می‌کنـد و حکمی کـه از طرف مـا انجـام می‌گیرد بـاید با خود آن موجود و با تمام جهان آفرینش هماهنگ باشـــد. پس با این وجود، فلسفه و منفعت این حکم مربوط به تمام اجزای نظام آفرینش است و به تعداد تمام موجودات مادی و معنوی جهان هســـتی حکمت و فلســـفـه در هر حکمی وجود دارد، مثلاً درمورد حرام کردن یـک مسئله، این نکته در نظر گرفته می‌شود که آن عمل برای تمام جهان آفرینش زیـان‌آور اســـت؛ اما از آنجا که انســـان و عمر محدود او ظرفیت درک و کشف همه این فلسفه‌ها و حکمت‌های وسیع را ندارد؛ در نتیجه خداوند حکیم به عنوان نمونه از میان میلیون‌هـا فلســـفـه و حکمت نهفته در یک امر، تنها به بیان چند مورد اکتفا می‌کند.

پرواضح است که اگر حکمت‌ها و فلسفه‌های موجود در آیات و روایات در ارتباط با هر کدام از احکام فقط محدود به آن چند مورد بیان شده باشد، انسان‌ها به سهولت می‌توانستند اجرای آن حکم را تعطیل کنند. چون مثلاً در ارتباط با فلسفه‌ی نماز چنین می‌پندارند که اگر بتوانند از فحشا و منکر دوری جویند و یاد و ذکر خدا را نیز انجام دهند و در هنگام سختی صبر و شکیبایی خود را از دست ندهند، دیگر نیازی به ادای نماز ندارند و اگر فلسفه و حکمت نماز فقط در این چند مورد خلاصه گردد، بدون نماز هم می‌توان این موارد را در زندگی انجام داد؛ زیرا هستند افرادی که در رابطه با فلسفه‌ی احکام چنین ادعاهای واهی و بی‌اساسی را مطرح می‌کنند. در نتیجه این امکان وجود دارد که در سایه‌ی کارکردگرایی حکمت‌های موجود در احکام مختلف را به چند مورد محدود کرد و چنین تصور شود که فلسفه‌ی این احکام فقط این موارد هستند و بدین خاطر دینداری تعطیل می‌گردد.

این مسئله یکی از آن بن بست‌هایی است که برخی از مسلمانان آن را بر خود تحمیل نموده‌اند و دشمنان هم در این زمینه توانسته‌اند افراد را در زمینه‌ی دینداری سست و تضعیف کنند. اما حقیقت این است که ما با خدایی در ارتباط هستیم که از علم و حکمتی بی نهایت برخورداراست و هر کدام از احکام خود را متناسب با تمام موجودات جهان هستی صادر می‌کند. پس اگر حکمی برای ما بیان گردید اما ما فقط از تعدادی از مصلحت‌های آن آگاه بودیم، در این حالت نباید چنین تصور کنیم که بدون اجرای آن حکم هم می‌توانیم

آن مصلحت‌ها را به دست آوریم چون در این صورت مرتکب عملی حرام و گناهی بزرگ شده‌ایم. مثلاً در رابطه با نظر به نامحرم، افرادی چنین ادعا دارند که بعد از نگاه به نامحرم از آن متأثر نمی‌گردند و به سوی عمل زشت و منکر تمایل پیدا نمی‌کنند، از این رو بر این باوراند که مرتکب گناهی نشده‌اند و این کار آنها فقط نگاه‌کردنی عادی بوده است؛ اما این افراد سخت در اشتباه‌اند! زیرا پیامبر (ص) نظر و نگاه به نامحرم را تیری زهر آلود از تیرهای شیطان می‌داند؛اما به تبیین فلسفه‌ی تیر و یا فلسفه‌ی سم نپرداخته است.خداوند متعال نیزدر قرآن به صورت اختصار و موجز؛ بدون اشاره به حکمت‌های این کار؛ نگاه کردن به نامحرم را منع می‌کند و ما را از این کار بر حذر می‌دارد.

از این رو انسان نباید فلسفه‌ی احکام را در کارکردهایی که مشخص شده و بیان گردیده خلاصه کند؛ بلکه می‌بایست در برابر اوامر الهی، فقط «سَمِعْنَا وَ أَطَعْنَا» گویان به اجرای احکام صادره مبادرت بورزد و هرگز هیچ حکمی را بدون هیچ بهانه‌ای تعطیل نکند.

در ارتباط با مسئله‌ی ماهواره هم یکی از بیماری‌ها،ذکر چنین بهانه‌ای است که می‌گویند اگرچه ما نتوانسته‌ایم برنامه‌های مضرّ ماهواره‌ای را حذف کنیم و گاهی اوقات به برنامه‌های نامشروعی هم برخورد می‌کنیم اما ما در نگاه کردن به این گونه برنامه‌ها نظر بدی نداریم یعنی اینکه بعد از آن دچار امور زشت و منکر نمی‌شویم، در حالی که این مسئله تنها یکی از میلیون‌ها مصلحتی

است که در قضیه‌ی نظر به نامحرم مطرح شده است و ما باید آگاه باشیم در سایه‌ی چنین عذرهایی -که در حقیقت خداپسندانه نیز نیستند -گناه و معصیت را پیشه‌ی خود نسازیم؛ زیرا خداوند هرگز این نوع برخوردها را تأیید نمی‌کند. به گونه‌ای که در آیه‌ی ۲۱۶ سوره‌ی بقره می‌فرماید:

﴿كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَهُوَ كُرْهٌ لَّكُمْ وَعَسَىٰ أَن تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَعَسَىٰ أَن تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَّكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ۝٢١٦﴾

جنگ بر شما واجب (کفائی) گشته است، و حال آن که (بنابه سرشت انسانی) از آن بیزارید، لیکن چه بسا چیزی را دوست نمی‌دارید و آن چیز برای شما نیک باشد، و چه بسا چیزی را دوست داشته باشید و آن چیز برای شما بد باشد، و خدا (به رموز کارها آشنا است و از جمله مصلحت شما را) می‌داند و شما (از اسرار امور بی‌خبرید و مصلحت خود را چنان که شاید و باید) نمی‌دانید.

در ارتباط با احکام اسلامی باید به مفاهیم موجود در آیه فوق عمل گردد و از اینکه گفته شود فلان کار را به خاطر فلان مصلحت انجام داده و دیگری را به خاطر فلان مضرت انجام نداده‌ام مطرح نگردد؛ بلکه همچنان که اشاره شد، کار مؤمن «سمعنا و اطعنا» گفتن و اجرای عملی فرمانهای خداوند است و مصلحت آن، هر چیزی که باشد، باید از آن عبور کند و همواره باید به یاد داشته باشد که در وجوب هر حکمی می‌تواند میلیون‌ها مصلحت و منفعت و در

حرام کردن هر حکمی نیز میلیون‌ها مفسده موجود باشد که امکان دارد ما فقط از چند مورد این مصلحت و مفسده‌ها آگاه باشیم.

* * *

اصل بیست و یکم: ماباید اهل دلیل و منطق و برهان باشیم؛نه ادعا

نکته و نصیحت دیگر قرآنی این است که ما در زندگی عملی خود باید اهل دلیل و منطق و برهان باشیم؛ نه اهل فلسفه و توجیه کردن و باید همواره برای کارهای خود دلایل و مستندات قرآن‌پسند و سنت‌پسند داشته باشیم که تنها در این حالت خواهیم توانست آنگونه که مورد رضایت خداوند است در مسیر دینداری حرکت کنیم. اما اگر اینگونه عمل نکنیم و برحسب آرزوهای خود و بدون دلیل رفتار نماییم، در این حالت چنین اعمالی از ما مورد پذیرش واقع نمی‌گردد و باعث هدایت ما نمی‌شود که متأسفانه امروزه بسیاری از ما مسلمانان بدون هیچ دلیل و استناد قرآنی و حدیثی به پذیرش یا رد سخن کسی اقدام می‌کنیم، بدون توجه به این نکته که امروزه عرصه، عرصه‌ی دلیل و برهان است و هر کسی که ادعای زکاوت و دانایی دارد باید بتواند سخنان خود را با آیات قرآن و احادیث پیامبر (ص) مجهز کند.

نزد علمای اسلامی نیز تنها دلایل عقلی و قواعد فقهی اعتبار دارند و هر کس که ادعا و یا سخنی برای گفتن داشته باشد باید بتواند سخنان خود را با دلایل عقلی و نقلی ارائه دهد و رنج تحقیق

و تفحص را بر خود هموار سازد و کسی نمی‌تواند به سهولت و به راحتی به رد سخنان پرمایه‌ی دیگران بپردازد.

مطالب پیش روی شما نیز جزو آن دسته از مطالبی نیست که بدون استناد به آیات و روایات ارائه شده باشند، بلکه تک‌تک مطالب، متکی بر آیات قرآن هستند که تنها به عنوان نمونه به برخی از آنها اشاره شده است و اگر فردی سخنی بر خلاف مطالب بیان شده دارد، باید بتواند برای گفته‌های خود، دلایلی از قرآن و سنت بیاورد که موردپسند خدا و رسول او واقع گردد؛ نه اینکه هواپرستانه و از روی تعصب و تنبلی در برابر چنین مسائلی موضع بگیرد.

متأسفانه اغلب مسلمانان امروزی بدون تحلیل و تحقیق اقدام به انجام کارهای خود می‌کنند و خود را به تفکر عمیق قبل از انجام کارها عادت نداده‌اند. بدین خاطر در ابتدا کارهای مورد پسند خود را انجام می‌دهیم سپس از خوب یا بد بودن آن‌از دیگران پرس‌وجو می‌کنیم و یا اگر ما را از انجام کاری نهی کنند در برابر آن مقاومت می‌کنیم. این موضع‌گیری بیانگر این واقعیت است که رفتار ما بر مبنای موازین دینی -که عبارت است از مصلحتهای قرآنی -استوار نبوده، بلکه هوی و آرزوهای نفسانی را بر خود غالب ساخته‌ایم.

چنین به نظر می‌رسدکه در مسئله‌ی ماهواره نیز بسیاری از مردم و حتی برخی از عالمان دینی نیز به چنین وضعیتی دچار شده‌اند؛ امّا آن را تاکنون احساس نکرده‌اند و هرگاه تذکری در این رابطه به آنها داده شود، با ذکر توجیهاتی عوامانه از زیر این بار سنگین شانه

خالی می‌کنند و دیگران را هم به تندروی و ضربه‌زدن به اسلام متهم می‌کنند و می خواهند با این سخنان -که درواقع هیچ گونه حمایتی از قرآن هم ندارند -کارهای ناپسند خود را توجیه نمایند، که البته قطعاً از آن سودی نخواهند برد و خطرناک بودن این کار در روز قیامت بر آنها معلوم و آشکار می‌گردد.

همچنانکه خداوند در آیات ۱۷ و ۱۸ سوره‌ی زمر بدان اشاره نموده است:

﴿وَٱلَّذِينَ ٱجۡتَنَبُواْ ٱلطَّٰغُوتَ أَن يَعۡبُدُوهَا وَأَنَابُوٓاْ إِلَى ٱللَّهِ لَهُمُ ٱلۡبُشۡرَىٰۚ فَبَشِّرۡ عِبَادِ ۝١٧ ٱلَّذِينَ يَسۡتَمِعُونَ ٱلۡقَوۡلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحۡسَنَهُۥٓۚ أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ هَدَىٰهُمُ ٱللَّهُۖ وَأُوْلَٰٓئِكَ هُمۡ أُوْلُواْ ٱلۡأَلۡبَٰبِ ۝١٨﴾

کسانی که از عبادت طاغوت دوری می‌گزینند، و (با توبه و استغفار) به سوی خدا باز می‌گردند، ایشان را بشارت باد (به اجر و پاداش عظیم خداوندی). مژده بده به بندگانم. آن کسانی که به همه سخنان گوش فرا می‌دهند و از نیکوترین و زیباترین آنها پیروی می‌کنند. آنان کسانیند که خدا هدایتشان بخشیده است، و ایشان واقعاً خردمندند.

قرآن دراینجا به مؤمنان دستور می‌دهد که در هرکاری به تحقیق بپردازند و به همه‌ی آرا و نظرات گوش فرا دهند و از میان آنها آنچه را که مستندتر و معتبرتر است فهم کنند و در زندگی خود به کار گیرند. از این رو می‌بایست دلایل قرآن و سنت را بر زندگی خویش حکمفرما سازیم و از هوی و آرزو دوری جوییم تا در آن روز که

فقط کسانی رستگارند که دلایل قرآن‌پسند را با خود به همراه دارند، ما نیز رستگار شویم.



اصل بیست و دوم: غریزه‌ی جنسی، قویترین نوع غریزها

در این بند این نکته‌ی مهم را یادآور می‌شویم که غریزه‌ی جنسی و متعلقات آن، قویترین نوع از غرایز بشری است و برای ایستادگی در برابر چنین غریزه‌ای نیاز به قویترین ایمان‌ها است، که در حقیقت انسان‌ها از این غریزه به نسبت سایر غرایز بیشترین ضررها را متحمّل شده‌اند و بیشترین قربانیان از سوء استفاده از این غریزه بوده است و در زندگی هر کدام از ما انسان‌ها، هیچ مسئله‌ای بدین اندازه تأثیرگذار نبوده و نیست.

اگر به عنوان نمونه به نگاه‌هایی که در میان زنان و مردان که در محیط بیرون انجام می‌گیرد توجه کنیم به اتفاق و بدون یک لحظه درنگ درمی‌یابیم که همه‌ی مردم مشغول انجام این گناه مداوم هستند و بدون هیچ دلیلی وارد کوچه و بازارها می‌شوند، در مجالس و مراسمها به صورت مختلط ظاهر می‌شوند، بدون هیچگونه احتیاط و پرهیزی به برنامه‌های تلویزیونی می‌نگرند و متأسفانه هیچ یک از این کارها را گناه به‌حساب نمی‌آورند؛ اما پیدا است که از میان این موارد، پدیده ماهواره از همه خطرناکتر است. زیرا نه تنها افراد زیادی را قربانی خود ساخته؛ بلکه در طول شبانه‌روز، ایمان بسیاری از افراد را نیز به یغما می برد و به نظر می‌رسد وسیعترین گناهی که

فرشتگان رقیب و عتید ثبت می‌کنند همین نگاه‌های حرام باشد که از غریزه‌ی جنسی انسان ناشی می‌شود و این یکی از مضرّات بسیار بزرگ ماهواره است که افراد را بدون آنکه هیچ‌گونه احساس گناه و ندامتی در آنها بوجود بیاید، در زمانهای مدیدی به سوی خود جذب می‌کند.

همچنانکه قبلاً اشاره شد افراد بزرگی بوده‌اند که در اثر تنها یک نگاه به نامحرم که از غریزه‌ی جنسی متأثر گشته باعث نابودی خویش و ایمان خود شده‌اند.

در ماجرای حضرت یوسف (ع)، برخی از علما چنین معتقدند که اگر مسئله‌ی نبوت آن حضرت و زحمت‌ها و رنج‌هایی که تا قبل از آن ماجرا برای او پیش آمده بود، مطرح نبود احتمال گناه و لغزش ایشان در ارتباط با زلیخا بسیار بود. پس اکنون که ما در مقام آن حضرت و جایگاه نبوت و رسالتش قرار نداریم و خداوند هم هیچ وعده‌ای مبنی بر اینکه ما را از این آفات حفظ کند به ما نداده است؛ بر ما لازم می نماید که به نفس خود اطمینان نداشته باشیم و از این غریزه به شدت پرهیز کنیم، چون انسان‌های برجسته و بزرگ در طول تاریخ از آن وحشت داشته‌اند. از این رو بدیهی است که ما باید بیشتر از آنان از این غریزه در هراس باشیم.

پس همانگونه که آشکار است و می‌دانیم، دشمنان اسلام با تمام توان در بیشتر برنامه‌های ماهواره‌ای از این غریزه استفاده کرده‌اند و کار و نقشه‌ی آنان معمولاً همین است که از این جهت بر مسلمانان ضربه بزنند و متأسفانه در این کار خود نیز موفق بوده‌اند و این ضرر

را بر مســـلمـــانـــان وارد کرده‌انـــد و مســـــلمانان هم پیش از آنکه به شـــناســـایی و تفکیک دوســـت و دشـــمن خود بپردازند؛ زیر لوای توجیهات نامشـــروع؛ مشـــغول متضـــرر شـــدن از این غریزه هســـتند. خداوند متعال در آیات ٢٤ تا٢٨ سوره‌ی یوسف می‌فرماید:

﴿وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهِۦ وَهَمَّ بِهَا لَوْلَآ أَن رَّءَا بُرْهَٰنَ رَبِّهِۦ كَذَٰلِكَ لِنَصْرِفَ عَنْهُ ٱلسُّوٓءَ وَٱلْفَحْشَآءَ إِنَّهُۥ مِنْ عِبَادِنَا ٱلْمُخْلَصِينَ ﴿٢٤﴾ وَٱسْتَبَقَا ٱلْبَابَ وَقَدَّتْ قَمِيصَهُۥ مِن دُبُرٍ وَأَلْفَيَا سَيِّدَهَا لَدَا ٱلْبَابِ قَالَتْ مَا جَزَآءُ مَنْ أَرَادَ بِأَهْلِكَ سُوٓءًا إِلَّآ أَن يُسْجَنَ أَوْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٢٥﴾ قَالَ هِىَ رَٰوَدَتْنِى عَن نَّفْسِى وَشَهِدَ شَاهِدٌ مِّنْ أَهْلِهَآ إِن كَانَ قَمِيصُهُۥ قُدَّ مِن قُبُلٍ فَصَدَقَتْ وَهُوَ مِنَ ٱلْكَٰذِبِينَ ﴿٢٦﴾ وَإِن كَانَ قَمِيصُهُۥ قُدَّ مِن دُبُرٍ فَكَذَبَتْ وَهُوَ مِنَ ٱلصَّٰدِقِينَ ﴿٢٧﴾ فَلَمَّا رَءَا قَمِيصَهُۥ قُدَّ مِن دُبُرٍ قَالَ إِنَّهُۥ مِن كَيْدِكُنَّ إِنَّ كَيْدَكُنَّ عَظِيمٌ ﴿٢٨﴾﴾

زن (کـه چنین دید به پرخاشـــگری پرداخت و برای تنبیه عبد خود) قصد (زدن) یوسف کرد، و یوسف (برای دفاع از خود) قصد (طرد) او کرد، امـّا برهـان خدای خود را دید (و از دفاع دســـت کشـــید و فرار را بر قرار ترجیح داد). ما این چنین کردیم (و در حفظ وی در همـه مراحـل کوشـــیـدیم) تا بلا و زنا را از او دور ســـازیم. چرا که او از بندگان پاکیزه و گزیده ما بود. (از پی هم) به ســـوی در (دویدند و) بر یکدیگر پیشـــی جســـتند، (یوســـف می‌خواســـت زودتر از در خارج شود و زلیخا می‌خواست از خروج

او جلوگیری کند. در این حال و احوال،) پیراهن یوسف را از پشت بدرید، دم در به آقای زن برخوردند، (زن خطاب به شوهر خود) گفت: سزای کسی که به همسرت قصد انجام کار زشتی کند، جز این نیست که یا زندانی گردد یا شکنجه دردناکی ببیند. یوسف گفت: او مرا با نیرنگ و زاری به خود می‌خواند (و می‌خواست مرا گول بزند! جدال و دفاع به اوج خود رسید. در این وقت) حاضری از (حاضران) اهل (خانه آن) زن گفت: اگر پیراهن یوسف از جلو پاره شده باشد، زن راست می‌گوید و یوسف از زمره دروغگویان خواهد بود. و اگر پیراهن یوسف از پشت پاره شده باشد، زن دروغ می‌گوید و یوسف از زمره راستگویان خواهد بود. هنگامی که (عزیز مصر) دید پیراهن یوسف از پشت پاره شده است، گفت: این کار از نیرنگ شما زنان سرچشمه می‌گیرد. واقعاً نیرنگ شما بزرگ است.

آیات فوق مشخص می‌سازد که دلربایی زنان برای مردان، دامی بسیار خطرناک است که می بایست مردان در این زمینه بسیار احتیاط کنند چون خیلی به ندرت می‌توان در این زمینه دوام آورد و افراد زیادی بوده‌اند که قربانی این دام گشته‌اند و ایمان آنها تضعیف و به مرور زمان به کلی نابود شده است که در برنامه‌های ماهواره‌ای به قویترین و علمیترین شیوه‌ها از این غریزه استفاده می‌شود. (برای توضیحات بیشتر در این زمینه به کتاب مشکلات جنسی جوانان نوشته‌ی مولف مراجعه شود.)

* * *

اصل بیست و سوم: بدبینی نسبت به نقشه‌های اهل کتاب ازجمله یهودیان و مسیحیان منحرف

از دیگر نصایح قرآنی این است که بر اساس فهم صحیح قرآنی، باید نسبت به کار و نقشه‌های یهودیان و مسیحیان علیه اسلام و مسلمانان، بدبین باشیم و بر دشمنی آنان نسبت به مسلمانان تردیدی در خود راه ندهیم. البته این گفته به معنای انکار علوم تجربی و دستاوردهای مفید جهان غرب نیست. بلکه همچنانکه گفته شد مسلمانان نسبت به کسب حق و علم و پیشرفت بر سایر اقوام بشری سزاوارتر هستند و برای به دست آوردن آن باید با بهترین شیوه‌ی ممکن اقدام کنند، اما فساد و گمراهی و آنچه را که باعث خروج مسلمانان از برنامه‌ی خداوند گردد نخواهند پذیرفت. چرا که قرآن به ما می‌آموزد که دشمنان ما، دین خدا و اسلام را مانع کار خود می‌دانند و نسبت به آن حسادت می‌ورزند و تمام نیرو و قوای خود را برای حذف دین اسلام از صفحه‌ی زندگی بشری به کار می‌گیرند.

به این ترتیب از منظر دینداری می‌بایست هر آنچه را که از طرف دشمنان دین -یعنی یهودیان، مسیحیان، مشرکین و سکولارها -در زندگی ما وارد می‌شود تحلیل کنیم؛ اگر برای دینداری ما نافع و سودمند بود، آن را بپذیریم و درغیراین صورت آن را از جمله همان نقشه‌هایی بدانیم که قرآن به ما تذکر می‌دهد که دشمنان مذکور هرگز از خصومت با اسلام و مسلمانان کوتاه نمی‌آیند و نقشه‌ای جز از بین بردن برنامه‌های اسلام را در سر ندارند و مشخص است که دسته‌ای از برنامه‌ها و شبکه‌های ماهواره‌ای برای زندگی ایمانی و

پیشـرفت علمی و سـرگرمی مفید و مناسـب می‌باشند، اما جدای از این برنامه‌ها، برنامه‌هایی که کاملاً ضررمند هستند یا مضرات آنها بر منافعشان غلبه دارند، سراسر و جملگی شامل نقشه‌های استعماری و تلافی جویانه‌ی دشـمنان است و باید با بدبینی و منفی‌نگری متوجه این دسـیسه‌ها بود و هرگز نباید به عنوان دوست و دلسوز به جهان غرب نگریسـته شـود، البته این گفته به معنای نفی دسـتاوردهای مثبت بشـری در جهان غرب نیسـت و نباید این دو مسئله را با هم اشـتباه گرفت که ما با دیده احترام به این قبیل دستاوردها می‌نگریم و از آنها استفاده‌ی صحیح نیزخواهیم نمود.

در این ارتباط خداوند متعال در آیات ۵۱ و ۸۲ سـوره‌ی مائده می‌فرماید:

﴿ * يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تَتَّخِذُواْ ٱلۡيَهُودَ وَٱلنَّصَٰرَىٰٓ أَوۡلِيَآءَۘ بَعۡضُهُمۡ أَوۡلِيَآءُ بَعۡضٖۚ وَمَن يَتَوَلَّهُم مِّنكُمۡ فَإِنَّهُۥ مِنۡهُمۡۗ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يَهۡدِي ٱلۡقَوۡمَ ٱلظَّٰلِمِينَ ۝٥١ ﴾

ای مؤمنان! یهودیان و مسـیحیان را به دوسـتی نگیرید (و به طریق اوّلی آنان را به سـرپرستی نپذیرید). ایشان برخی دوست برخی دیگرند (و در دشمنی با شما یکسان و برابرند). هرکس از شـما با ایشـان دوسـتی ورزد (و آنان را به سـرپرسـتی بپذیرد) بیگمان او از زمره ایشـان بشمار است. و شکّ نیست که خداوند افراد ستمگر را (به سوی ایمان) هدایت نمی‌کند.

﴿ * لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ ٱلنَّاسِ عَدَٰوَةٗ لِّلَّذِينَ ءَامَنُواْ

ٱلۡيَهُودَ وَٱلَّذِينَ أَشۡرَكُواْۖ وَلَتَجِدَنَّ أَقۡرَبَهُم مَّوَدَّةً لِّلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱلَّذِينَ قَالُوٓاْ إِنَّا نَصَٰرَىٰۚ ذَٰلِكَ بِأَنَّ مِنۡهُمۡ قِسِّيسِينَ وَرُهۡبَانًا وَأَنَّهُمۡ لَا يَسۡتَكۡبِرُونَ ﴿۸۲﴾

(ای پیغمبرا) خواهی دید که دشـــمن‌ترین مردم برای مؤمنان، یهودیان و مشــرکانند، و خواهی دید که مهربان‌ترین مردم برای مؤمنان، کسـانیند که خود را مسیحی می‌نامند، این بدان خاطر اسـت که در میان مسیحیان، کشیشان و راهبانی هستند که (به سبب آشنائی با دین خود و خوف از خدا، از شنیدن حق سر باز نمی‌زنند و در برابر آن) تکبّر نمی‌ورزند.

همچنین در آیه‌ی ۱۲۰ سوره‌ی بقره می‌فرماید:

﴿وَلَن تَرۡضَىٰ عَنكَ ٱلۡيَهُودُ وَلَا ٱلنَّصَٰرَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمۡۗ قُلۡ إِنَّ هُدَى ٱللَّهِ هُوَ ٱلۡهُدَىٰۗ وَلَئِنِ ٱتَّبَعۡتَ أَهۡوَآءَهُم بَعۡدَ ٱلَّذِي جَآءَكَ مِنَ ٱلۡعِلۡمِ مَا لَكَ مِنَ ٱللَّهِ مِن وَلِيّٖ وَلَا نَصِيرٍ ﴿۱۲۰﴾

یهودیان و مسیحیان هرگز از تو خوشنود نخواهند شد، مگر این که از آئین (تحریف شـده و خواسـتهای نادرست) ایشان پیروی کنی. بگو: تنها هدایت الهی هدایت اسـت. و اگر از خواسـتها و آرزوهای ایشان پیروی کنی، بعد از آن که علم و آگاهی یافته‌ای (و بـا دریـافـت وحی الهی، یقین و اطمینان به تو دسـت داده است)، هیچ سرپرست و یاوری از جانب خدا برای تو نخواهد بود (و خدا تو را کمک و یاری نخواهد کرد).

ماهواره هم یکی از نقشــه‌های غرب برای رســیدن به اهداف

پلیدشان است و ما باید به نسبت آن آگاه باشیم. چون آنها هرگز نسبت به ما سودای دوستی در سر ندارند و به خاطر دوست داشتن و علاقه به ما چنین شبکه‌های نامشروعی را به صورت رایگان دراختیار ما نمی‌گذارند؛ بلکه آنها در جست‌وجوی رسیدن به آمال و آرزوهای خود،که همانا رویگردانی کامل ما از دین و سوق دادن به‌طرف اعتقادها و باورهای خود هستند.



اصل بیست و چهارم: حس کنجکاوی، عامل سوق دهنده انسان به برنامه‌های نامناسب ماهواره ای

حس کنجکاوی در درون همه‌ی انسان‌ها موجود است و انسان همواره برای پرده برداشتن و آگاهی از مبهمات و چیزهای ناشناخته در تلاش است. این حس به مرور بر استفاده کنندگان از ماهواره فشار می‌آورد تا به جست‌وجو در شبکه‌ها و برنامه‌های ماهواره‌ای بپردازند و ببینند آیا برنامه‌های ماهواره‌ای آنگونه که مردم می‌گویند واقعاً مفیدند یا مضرّ؟! و یا چه تعدادی از آنها مفید هستند و چه تعدادی مضرّ؟!

این عمل، سرانجام به تدریج و در نتیجه‌ی این جستجوگری بر انسان چنان تأثیری می‌گذارد که به آسانی او را به ورود در تمام شبکه‌ها ترغیب نماید.

برای انسان ناآزموده یک مرتبه جستجوگری کافی است تا چند

بار دیگر نیز در این برنامه‌ها وارد شود و سرانجام همچون برسیسای عـابـد، روح و روانش از یکی از این برنـامه‌ها متأثر گردد و پناه بر خدا در نهایت به سوی آن میل کند و به تدریج حیا و شرمی که قبلاً در او وجود داشـــته ازبین برود. در نتیجه از آنجا که انســـان چنین موجود کنجکاو و جســت‌وجوگری است باید از این خطر بزرگ به شدت پرهیز کند.

همچنین افراد بسـیاری به این مسئله اقرار و اعتراف کرده‌اند که محال اسـت انسـان در خانه‌ی خویش، ماهواره داشـته باشـد و به جستجوی شبکه‌های موجود در آن نپردازد و کافی است که این کار چند بار ادامه یابد تا انســـان به تدریج وارد برنامه‌های مســتهجن و زشــت گردد که در نتیجه‌ی آن به مرور آنچه که خدا از آن خشــنود نیســـت، در انســـان رشـــد می‌کند و این نکته‌ای حایز اهمیت برای شـناخت نفس است و نباید این پیش زمینه‌ی خطرناک را به آسانی وارد زندگی خود کرده و به جست‌وجوگری در این زمینه بپردازیم، که البته متأسـفانه بسـیاری از افرادی که قربانی برنامه‌های نامشروع ماهواره‌ای شـده‌اند از این خصـلت انسـانی -که کنجکاوی است- ضربه خورده‌اند و ممکن است ما هم از آن دسته افراد باشیم.

آشـکار اسـت که آسـیب از لحظه‌ای شـروع می‌شـود که انسان ماهواره را دراختیار داشـــته باشـــد و حس کنجکاوی همچنان بر او فشـار بیاورد که به کاوش در تمام شـبکه‌ها و برنامه‌های ماهواره‌ای بپردازد و همین مقدار کافی اســـت که انســـان به تدریج بر پایه‌ی طبیعت نفسانی خود از برنامه‌ای لذّت ببرد و آن را ادامه دهد، که به

تدریج قباحت و زشتی آن گناه در نزد او از بین می‌رود.

خداوند در این رابطه در آیات ۱۶۸ و ۱۶۹ سوره‌ی بقره می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ ﴿١٦٨﴾ إِنَّمَا يَأْمُرُكُمْ بِالسُّوءِ وَالْفَحْشَاءِ وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿١٦٩﴾﴾

ای مردم! از آنچه در زمین است و حلال و پاکیزه است (و خدا آن را تحریم نکرده و نفس انسان گوارا و خوشایندش می‌داند) بخورید، و پا به پای اهریمن راه نیفتید (و به دنبال شیطان روان نشوید). بی‌گمان او دشمن آشکار شما است. او تنها شما را به سوی زشتکاری و گناهکاری فرمان می‌دهد (و بدیها را در نظرتان می‌آراید و شما را وا می‌دارد بر) این که آنچه را نمی‌دانید به خدا نسبت دهید (و با پیروی از اوهام و خرافات نادانسته به دنبال معبودهای باطل روان شوید و حلال را حرام، و حرام را حلال بشمار آورید).

متأسفانه این مسئله یکی دیگر از بیماریهای شایع عصر حاضر است که اغلب افرادی که بر اثر کنجکاوی دچار این انحراف شده‌اند برای توجیه انحراف خود به دنبال دلایل بی‌اساس و روایات ضعیف و آیاتی هستند که معانی دیگری در بطن آنها وجود دارد؛ به این امید که زیر سایه‌ی این توجیهات نادرست مورد بازخواست وجدان خود و جامعه قرار نگیرند.

* * *

اصل بیست و پنجم: از بین رفتن زشتی و قباحت گناه براثرتداوم برآن

در اثر مداومت و استفاده‌ی نامشروع از ماهواره، به مرور زمان قباحت و زشتی گناه ازبین می‌رود و حیای انسان که یگانه وسیله‌ی انجام کار نیک و دور شدن از گناه است به شدت آسیب می‌پذیرد و سرانجام ازبین می‌رود. در مقایسه‌ی میان مردمان گذشته و عصر حاضر، درمی‌یابیم که امروزه قضیه‌ی بی‌شرمی به عنوان فرهنگ و کلاس به مردم معرفی می‌گردد و اگر کسی در ارتباط با معاصی به ویژه در مورد مسائل جنسی و ماهواره، شرم و حیا داشته باشد، مورد هجوم قرار می‌گیرد و حتی ممکن است از طرف برخی مسلمانان ناآگاه سرزنش شود.

در حقیقت شرم و حیا از خداوند، تنها وسیله‌ای است که می‌تواند سعادت دنیا و آخرت ما را تأمین کند. پس اگر پناه بر خدا از ماهواره به شیوه‌ی نامشروع و ناپسند استفاده کنیم ونتوانیم تنها از برنامه‌های کاملاً مفید و سالم آن بهره‌مند گردیم؛ اگرچه در آغاز نیز مقدار اندکی از حیا داشته‌باشیم؛ همان مقدار کم هم به تدریج ازبین می‌رود و قطعاً روزی فرا خواهد رسید که ما به انسان بی‌حیا و بی‌شرمی تبدیل می‌گردیم و این امر، نمایان است که دیگر کسی نمی‌تواند چنین انسان بی‌حیایی را که هیچ ارزشی برای او مهم نیست هدایت و راهنمایی کند و این یکی از خطرهای بزرگ استفاده‌ی مداوم و بدون تحلیل از ماهواره است که افسوس، بسیاری از مسلمانان امروز به آن مشغول شده‌اند؛ به گونه‌ای که خود، آن را

درک نمی‌کنند، اما به طور قطع روزی فرامی‌رسد که آن مقدار حیا و نجابتی را که قبلاً داشته‌اند در خود احساس نمی‌کنند و دیگر کسی نمی‌تواند آنها را به مسیر اصلی خویش بازگرداند. چون دیگر چیزی برای آنها باقی نمانده که از آن پرهیز کنند و برای کسی که در آب غرق شده است تفاوتی ندارد که چه مقدار آب بالای سر او قرار گرفته باشد و برای آن فرد هم آنچه را باید از دست بدهد از دست داده و دیگر از آنچه نباید انجام دهد، خودداری نمی‌کند، در نتیجه منبع و سرچشمه‌ی همه‌ی مفاسد می‌شود.

در این میان ماهواره یکی از آن دسته وسایل فوق‌العاده نیرومند برای از بین بردن شرم و حیای انسان‌ها است، به گونه‌ای که به طور مستقیم می‌توانیم تبعات استفاده از آن را در جامعه مشاهده کنیم.

اکنون به خاطر استفاده ی غیرصحیح و غیراصولی از این وسیله‌ی خطرناک، اعمال و رفتار اغلب افراد جامعه از آن متأثر شده و جامعه‌ای آلوده در حال شکل‌گیری است، که اگر این مسیر ادامه یابد سرانجام به انهدام اجتماع می‌انجامد. خداوند در این‌باره در آیه‌ی ۲۳ سوره‌ی جاثیه می‌فرماید:

﴿أَفَرَءَيْتَ مَنِ ٱتَّخَذَ إِلَٰهَهُۥ هَوَىٰهُ وَأَضَلَّهُ ٱللَّهُ عَلَىٰ عِلْمٍ وَخَتَمَ عَلَىٰ سَمْعِهِۦ وَقَلْبِهِۦ وَجَعَلَ عَلَىٰ بَصَرِهِۦ غِشَٰوَةً فَمَن يَهْدِيهِ مِنۢ بَعْدِ ٱللَّهِ ۚ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ﴿٢٣﴾﴾

هیچ دیده‌ای کسی را که هوا و هوس خود را به خدائی خود گرفته است، و با وجود آگاهی (از حق و باطل، آرزوپرستی کرده

> است و) خدا او را گمراه ساخته است، و بر گوش و دل او مهر گذاشته است و بر چشمش پرده‌ای انداخته است؟! پس چه کسی جز خدا (و خدا هم از وی رویگردان است) می‌تواند او را راهنمائی کند؟ آیا پند نمی‌گیرید و بیدار نمی‌شوید؟

بدیهی است که هدایت و گمراهی خداوند بر پایه‌ی قاعده و قانون است و هر کس خواهان و مشتاق هدایت باشد خداوند او را به مسیر رشد و هدایت، رهنمون خواهد کرد و هر کس نسبت به هدایت میل و رغبتی نداشته باشد، بر اثر تکرار گناه، خداوند بر قلب و گوش و چشم او مهر می‌افکند؛ به گونه‌ای که دیگر پذیرای حق و حقیقت نمی‌گردد و کسی هم توانایی متوجه کردن او را بر مسیر اشتباه نخواهد داشت. پس ما باید در ارتباط با مسئله‌ی ماهواره که یکی از وسایل مهم در ایجاد این آفت است، با جدیّت و آگاهانه برخورد نماییم.

* * *

اصل بیست و ششم: محاسبه و بازخواست بسیار دقیق قیامت

یکی دیگر از توصیه‌های قرآنی که می‌توان آن را مهمترین نکته و لبّ مطلب دانست این است که ما باید محاسبه و بازخواست بسیار دقیق قیامت را هرگز از یاد نبریم و هرچه سریعتر از گناهان خود بازگردیم، که مرگ هر لحظه در کمین ما نشسته است و هیچ آگاهی به نسبت زمان وقوع آن نداریم، اگر چه ممکن است تصور کنیم تا بیمار و زمین‌گیر شدن، مرگ به سراغ ما نمی‌آید؛ اما به تعداد موجودات عالم، خداوند برای مرگ انسان‌ها وسیله و اسباب در اختیار دارد و هر کسی به وسیله‌ی چیزی و با روشی خاص از دنیا می‌رود و چه بسیار افرادی که بدون هیچ حادثه‌ای بدنشان به ناگاه از حرکت باز ایستاده است و پناه بر خدا به فرموده‌ی پیامبر (ص) رواج مرگ ناگهانی میان مردم، یکی از عذابهای خداوند است که به دلیل افزایش فساد، عدم پرداخت زکات، رواج زنا و... واقع می‌شود و انسان در این حالت دیگر فرصت اصلاح اعمال و رفتار خود را نمی‌یابد و فرصت بازگشت از گناهان را از دست می‌دهد.

بنابراین ما باید نسبت به مسئله‌ی مرگ و محاسبه اعمال در قیامت آگاه باشیم، زیرا هیچ یک از ما از ادامه‌ی یک ثانیه‌ی دیگر از عمر خود مطمئن نیستیم؛ اما با این حال بر استفاده‌ی نامشروع و ناپسند از ماهواره ادامه می‌دهیم و از این خواب غفلت بیدار نمی‌گردیم و در برابر توصیه‌های افراد ناصح و خیرخواه نیز به مقاومت و جبهه‌گیری می‌پردازیم و خواهان تداوم همان وضعیت نامطلوب هستیم.

پس ممکن اســت ما فرصــت تماشــای برنامه‌ی بعدی را نداشته باشیم؛ لذا باید خود را برای روز خطرناک آماده کنیم، چون خداوند علیم و حکیم، کوچکترین اعمال ما را نیز ضــبط و ثبت می‌کند و بر پایه‌ی آن ما را جزا و پاداش می‌دهد و محاســـبه‌ی قیامت بر پایه‌ی هوی و آرزو انجام نمی‌گیرد. پس با چنین وضــعیتی که امروزه برای مســـلمانان در ارتباط و اســـتفاده از ماهواره ایجاد شـــده و در طول شــبانه‌روز این اســتفاده ی نادرســت با بی‌پروایی کاملاً عادی گشته است، اگر اجل آنها فرا رسد به‌راستی در برابر مرگ وفرشتگان خدا چه جوابی خواهند داشت؟!

در نتیجه مشخص است که استفاده‌ی نادرست از ماهواره یکی از خطرهای بســـیار بزرگ برای انســـان اســـت؛ هر چند ممکن اســـت تاکنون خطرناک بودن آن بر ما آشکار نگشته باشد. زیرا ما مسلمانان هنوز بــه تحلیــل کارها و بزرگ دانســـتن گناهان چندان که لازم و بایســته اســت عادت نکرده‌ایم و بســیاری از ما با بی‌مبالاتی و بدون هیچ احساس مسئولیتی به انجام گناه می‌پردازیم.

این وضعیت به صورت کلی دامنگیر مسلمانان عصر حاضر شده اســت و ما باید به نسبت آن بسیار عاقلانه و هوشمندانه عمل کنیم. صـــحـابــه‌ی بزگوار و گرانقــدر پیامبر (ص) در دوران حیات خود خطاب به تابعین می‌گفتند که، کارهایی که اکنون شما به عنوان امور مبـاح انجـام می‌دهید، در زمان پیامبر (ص)، نزد ما از مهلکات بوده است.

ما نیز در مسیر دینداری خود باید به پیامبر اسلام (ص) و صحابه‌ی گرانقدر ایشان اقتدا کنیم. زیرا آنان نسبت به کوچکترین کارها نیز حساسیت و دقت نظر داشته‌اند و اگر کوچکترین گناه در زندگی آن بزرگواران اتفاق می‌افتاد به جبران آن اقدام و حتی مجازاتی را بر خود تحمیل می‌کردند و همچون مسلمانان این روزگار بدون توجه و بی‌تفاوت از کنار مسائل و قضایا نمی‌گذشتند. همچنانکه در سوره‌ی زلزال اشاره کردیم خداوند در آیات ۷ و ۸ این سوره می‌فرماید:

﴿فَمَن يَعۡمَلۡ مِثۡقَالَ ذَرَّةٍ خَيۡرٗا يَرَهُۥ ۝٧ وَمَن يَعۡمَلۡ مِثۡقَالَ ذَرَّةٖ شَرّٗا يَرَهُۥ ۝٨﴾

پس هرکس به اندازه ذرّه غباری کار نیکو کرده باشد، آن را خواهد دید (و پاداشش را خواهد گرفت). و هرکس به اندازه ذرّه غباری کار بد کرده باشد، آن را خواهد دید (و سزایش را خواهد چشید).

همچنین در آیه‌ی ٤٤ سوره‌ی انعام خداوند می‌فرماید:

﴿فَلَمَّا نَسُواْ مَا ذُكِّرُواْ بِهِۦ فَتَحۡنَا عَلَيۡهِمۡ أَبۡوَٰبَ كُلِّ شَيۡءٍ حَتَّىٰٓ إِذَا فَرِحُواْ بِمَآ أُوتُوٓاْ أَخَذۡنَٰهُم بَغۡتَةٗ فَإِذَا هُم مُّبۡلِسُونَ ۝٤٤﴾

هنگامی که آنان فراموش کردند آنچه را که بدان متذکّر و متّعظ شده بودند (و آزمون ناداری و بیماری کارگر نیفتاد، آزمون دیگری جهت بیداری ایشان به کار بردیم و) درهای همه چیز

(از نعمت‌ها) را به رویشـان گشـودیم تا آن گاه که (کاملاً در فراخی نعمت غوطه‌ور شـدند و) بدانچه بدیشان داده شد، شاد و مسرور گشتند (و باده ثروت و قدرت ایشان را گرفت و سرمست و مغرور شـدند و ناشکری کردند و) ما به ناگاه ایشان را بگرفتیم (و به عذاب خود مبتلا کردیم) و آنان مأیوس و متحیّر ماندند (و به سوی نجات راه نبردند).

و در آیه‌ی ۸ سوره‌ی جمعه هم می‌فرماید:

﴿قُلْ إِنَّ ٱلْمَوْتَ ٱلَّذِى تَفِرُّونَ مِنْهُ فَإِنَّهُۥ مُلَٰقِيكُمْ ثُمَّ تُرَدُّونَ إِلَىٰ عَٰلِمِ ٱلْغَيْبِ وَٱلشَّهَٰدَةِ فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ﴾

بگو: قطعاً مرگی که از آن می‌گریزید، سـرانجام با شـما رویاروی می‌گردد و شما را درمی‌یابد، بعد از آن به سوی کسی برگردانده می‌شـوید که از پنهان و آشـکار آگاه اسـت، و شـما را از آنچه کرده‌اید باخبر می‌گرداند.

و این یکی از سنتهای الهی است که خداوند تا زمانی به ما تذکّر و یادآوری می‌کند که مشعل ایمان ما همچنان روشن و فروزان باشد و مـا از وجـدان بیـدار و آگاهی برخوردار باشـیم؛ اما هنگامی که بازگشـت ما ناممکن گردید و با تذکار بیدار نگشتیم، در این حالت، همچون پزشکی که پس از قطع امید بهبودی بیمار سرطانی خود، او را به حال خود رها می‌کند، خداوند نیز ما را در تاریکی گمراهی و انحراف تنها می‌گذارد و در آن صـورت باید از خوشـبختی خود در دنیا و آخرت قطع امید کنیم.

از این رو در رابطه با ماهواره نیز، با مراجعه به زندگی عملی بسیاری از افراد؛ به‌ویژه کسانی که در اجرای برنامه‌های دینی چهره‌ای بارزتر داشته‌اند؛ ملاحظه می گردد که به علت عدم عادت به تحلیل و تفکیک امور، آنگونه که شایسته است محتاطانه و پرهیزکارانه از این وسیله استفاده ننموده و خود را برای این خطر بزرگ آماده نکرده‌اند، که مداومت بر این کار، باعث می‌گردد خداوند آنان را دچار سنت استدراج کند. یعنی به مرور زمان خداوند نعمت‌های خود را بر آنها فرو می‌ریزد و چنین تصور می‌گردد که این افزایش نعمت به خاطر لطف خدا در تأیید کارهای آنها است، اما در حقیقت این چنین نیست و سرانجام، مرگ یکباره آنها را فرا می‌گیرد.

خلاصه اینکه اگر خواهان سربلندی و سعادت جاودان در قیامت هستیم باید از محاسبه‌ی جدی و دقیق روز قیامت ترس و وحشت داشته باشیم و پیش از آنکه ما را محاسبه کنند، به محاسبه‌ی نفس خود بپردازیم تا بتوانیم از این مانع بزرگ رهایی یابیم و به سعادت سرمدی نایل گردیم.

* * *

اصل بیست و هفتم: خود را مخاطب قرآن قرار دادن

از دیگر نصایح و قاعده‌های اشاره شده در قرآن، این مطلب است که اگر در زندگی در ارتباط با کارهای خود مورد خطاب و سؤال دیگران قرار گرفتیم باید از عذرها و دلایلی کمک بگیریم که

مورد رضایت و پسند خداوند باشد که در این حالت دفاع ما از کار خود صحیح و قابل توجیه است و قطعاً در نتیجه‌ی چنین برخوردی به خیر و نیکی دست خواهیم یافت.

اما اگر در ارتباط با کارهای خود اهل گناه و نافرمانی خدا باشیم و بـه نحوی در پی توجیـه گناهان خود برای مردم و در عین حال، خود از دروغ بودن آن آگاه باشیم، در این حالت چنین رفتاری از ما پذیرفته نمی‌گردد. چون ما نسـبت به فریب انسان‌ها اقدام کرده‌ایم و این یکی از آن آفاتی است که در نتیجه‌ی مداومت بر گناه، انسان به آن عادت می‌کند و آن را پیشه و حرفه‌ی خود می‌سازد.

فرد گناهکار با این کار، دیگر عیب‌های خود را احساس نمی‌کند و برای اصـلاح کارهای خود تلاشـی انجام نمی‌دهد و بدین ترتیب سعادت دنیا و آخرتش مقدور نخواهد شد.

چنین فردی در حقیقت به جای آنکه دیگران را فریب دهد خود را فریب داده و خویشـــتن را از خوشـــبختی دنیا و آخرت محروم ساخته است.

دراین حـالت، ممکن اســـت بتوانیم دیگران را فریب دهیم؛ اما خداوند با آن همه علم و آگاهی که بر تمام رازها و اســرار ما دارد، فریـب نمی‌خورد و برای آنکه ما با این عمل، خود را فریب ندهیم، بهتر اسـت خود را با فرامین خداوند منطبق و هماهنگ سازیم و به این نکته توجه داشـته باشـیم که در مقابل ما کسـی قرارن دارد که بتوان با توجیهات خود او را فریب داد، بلکه باید صادقانه به افشا و

بازگوکردن عیبهای خود بپردازیم و در صورت لزوم، آن را نزد یک مربّی و معلّم دلسوز مطرح کنیم؛ اما این امر نباید باعث بازگو کردن عیب‌های خود نزد همه‌ی مردم شود. چون این نیز یکی از کلیدهای شیطان است و در صورتی اعتراف به گناه، مناسب و مورد پسند است که انسان برای اصلاح آن تلاش کند.

ضمناً بایستی بدانیم که حتی نمی توانیم خودمان را نیز بفریبیم و دروز قیامت تمام اعضایی که توسط آنها گناه نموده ایم علیه ما قرار می‌گیرند و خداوند آنها را به اعتراف وادار می نتماید. در این رابطه خداوند در آیه‌ی ۱۹ تا ۲۲ سوره‌ی فصلت می‌فرماید:

﴿وَيَوْمَ يُحْشَرُ أَعْدَاءُ اللَّهِ إِلَى النَّارِ فَهُمْ يُوزَعُونَ ﴿١٩﴾ حَتَّىٰ إِذَا مَا جَاءُوهَا شَهِدَ عَلَيْهِمْ سَمْعُهُمْ وَأَبْصَارُهُمْ وَجُلُودُهُم بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٢٠﴾ وَقَالُوا لِجُلُودِهِمْ لِمَ شَهِدتُّمْ عَلَيْنَا قَالُوا أَنطَقَنَا اللَّهُ الَّذِي أَنطَقَ كُلَّ شَيْءٍ وَهُوَ خَلَقَكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿٢١﴾ وَمَا كُنتُمْ تَسْتَتِرُونَ أَن يَشْهَدَ عَلَيْكُمْ سَمْعُكُمْ وَلَا أَبْصَارُكُمْ وَلَا جُلُودُكُمْ وَلَٰكِن ظَنَنتُمْ أَنَّ اللَّهَ لَا يَعْلَمُ كَثِيرًا مِّمَّا تَعْمَلُونَ ﴿٢٢﴾﴾

روزی دشمنان خدا (یعنی کفّار و مشرکان همه ملّتها) به سوی آتش دوزخ رانده و بر لبه آن گرد آورده می‌شوند (و دسته‌های پیشین را نگاه می‌دارند تا گروههای پسین را بدانان ملحق گردانند). هنگامی که در کنار دوزخ گرد آمدند، گوشها و چشمها

و پوســتهای ایشــان بر کارهائی که (در دنیا) می‌کرده‌اند، گواهی می‌دهند. آنان به پوستهای خود می‌گویند: چرا بر ضدّ ما شهادت دادید؟ پاسخ می‌دهند: خداوندی ما را به گفتار درآورده است که همه چیز را گویا نموده اســت، و همو در آغاز شــما را (از عدم) آفریـده اســت و (در پـایان زندگی و بعد از ممات، دوباره جامه حیـات بـه تنتـان کرده و برای حســاب و کتاب) به ســوی او برگردانده شــده‌اید. شــما اگر گناهانتان را پنهان می‌کردید نه از این جهت بود که از شـهادت گوشـها و چشمها و پوستهایتان بر ضــدّ خودتان بیم داشــته باشــید (چرا که اصــلاً باور نمی‌کردید روزی اینها به سـخن درآیند و بر ضدّ کسی گواهی دهند). بلکه گمـان می‌بردید خدا بســیاری از اعمالی را که (مخفیانه) انجام می‌دهید نمی‌داند.

همچنین خداوند در آیات ۱۰ و ۱۱ سوره‌ی ملک می‌فرماید:

﴿وَقَالُواْ لَوۡ كُنَّا نَسۡمَعُ أَوۡ نَعۡقِلُ مَا كُنَّا فِيٓ أَصۡحَٰبِ ٱلسَّعِيرِ ۝١٠ فَٱعۡتَرَفُواْ بِذَنۢبِهِمۡ فَسُحۡقٗا لِّأَصۡحَٰبِ ٱلسَّعِيرِ ۝١١﴾

و می‌گویند: اگر ما گوش شـنوا می‌داشــتیم، و یا عقل خود را به کار می‌گرفتیم، هرگز از زمره دوزخیان نمی‌گشـتیم. اینجا است کـه بـه گنـاه خود اعتراف می‌کنند. پس دوری (از رحمت خدا) بهره دوزخیان بادا!

پس روزی فرا می‌رسد که بر انسان آشکار می‌شود که دیگر عذر آوردن ســودی نمی‌بخشد. چون بر تمام کارهای او احاطه دارند، لذا کاری در این رابطه نمی توان صورت داد.

ما انســان‌ها بدین خاطر که آگاهی و علمی از اســرار همدیگر

نداریم ممکن است بتوانیم یکدیگر را فریب دهیم؛ اما در برابر خداوند جهانیان چنین کاری ممکن و معقول نیست.زیرا در روز قیامت همه‌ی امور نهانی و آشکار انسان بر او عرضه می‌گردد و دیگر نمی‌توان برای آن عذری آورد.

خداوند در این زمینه در آیات ۱۳ و ۱٤ سوره‌ی اسراء می‌فرماید:

﴿وَكُلَّ إِنسَٰنٍ أَلۡزَمۡنَٰهُ طَٰٓئِرَهُۥ فِي عُنُقِهِۦۖ وَنُخۡرِجُ لَهُۥ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ كِتَٰبٗا يَلۡقَىٰهُ مَنشُورًا ١٣ ٱقۡرَأۡ كِتَٰبَكَ كَفَىٰ بِنَفۡسِكَ ٱلۡيَوۡمَ عَلَيۡكَ حَسِيبٗا ١٤﴾

ما اعمال هرکسی را (همچون گردن‌بند) به گردنش آویخته‌ایم (و او را گروگان کردار و عهده‌دار رفتارش ساخته‌ایم) و در روز قیامت کتابی را (که کارنامه اعمال او است) برای وی بیرون می‌آوریم که گشوده به (دست) او می‌رسد. (در آن روز بدو گفته می‌شود:) کتاب (اعمال) خود را بخوان (و سعادت یا شقاوت خویش را بدان). کافی است که خودت امروز حسابگر خویشتن باشی. (چه مسائل روشن‌است و نیازی به شاهد و حسابرس دیگری نیست).

پس برای چنین روز سختی ما باید چه چیزی را حاضر کنیم؟!

از این رو باا چنین نگرشی به نسبت مسایل، خواهیم توانست خود را به عذرهای خداپسندانه مجهز کنیم و رضایت پروردگار را اساس کار خود قرار دهیم.

با این وجود افرادی که تاکنون نتوانسته‌اند در برخورد با ماهواره آنگونه که موردپسند و رضایت خداوند است رفتار کنند، شیوه‌ی

درســت تعامل آنها این اســت که از عذرتراشیهای فریبکارانه دست بکشــند و صــادقانه عیب‌های خود را نزد عالمان دین بیان کنند تا بوســیله‌ی آنان راه علاج و درمان در اختیارشــان قرار گیرد؛ زیرا ممکن اســت مرگ انسـان نزدیک باشد و این عذرهای مردم فریبانه سـودی نبخشـد، بلکه می‌بایســت به فکر اصلاح خود بود. در روز قیـامـت، این خـداوند اســت که ما را محاکمه می‌کند و جهنم در تصـرف و قدرت او اسـت؛ نه در اختیار مردم. و مردم نه تنها مالک سـرانجام ما نیستند؛ بلکه در این دنیا هم بر چیزی تسلط ندارند. در این صورت چرا باید کسی را بزرگ بدانیم و از کسی حساب ببریم که بر کارها و امور ما قدرتی ندارد؟! همچنانکه قبلاً بر اساس آیات قرآن ماجرای کعب بن مالک و دوستان او را بیان کردیم، ما هم باید برای توجیه کارهای خود از عذرهای صــادقانه و مورد رضــایت خداوند اسـتفاده کنیم. چون سرانجام همه‌ی ما در دست او است و هدف همه‌ی ما باید تنها کســب رضــایت و خشــنودی پروردگار جهانیان باشد.

در همین رابطه، خداوند در آیه‌ی ۱۸۸سوره‌ی اعراف می‌فرماید:

﴿قُل لَّآ أَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَلَا ضَرًّا إِلَّا مَا شَآءَ ٱللَّهُۚ وَلَوْ كُنتُ أَعْلَمُ ٱلْغَيْبَ لَٱسْتَكْثَرْتُ مِنَ ٱلْخَيْرِ وَمَا مَسَّنِيَ ٱلسُّوٓءُۚ إِنْ أَنَا۠ إِلَّا نَذِيرٌ وَبَشِيرٌ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ۝١٨٨﴾

بگو: من مالک سودی و زیانی برای خود نیستم، مگر آن مقداری که خدا بخواهد و (از راه لطف بر جلب نفع یا دفع شــرّ، مالک و

مقتدرم گرداند.) اگر غیب می‌دانستم، قطعاً منافع فراوانی نصیب خود می‌کردم (چرا که با اسباب آن آشنا بودم) و اصلاً شرّ و بلا به من نمی‌رسد (چرا که از موجبات آن آگاه بودم. حال که از اسباب خیرات و برکات و از موجبات آفات و مضرّات بی‌خبرم، چگونه از وقوع قیامت آگاه خواهم بود؟). من کسی جز بیم‌دهنده و مژده‌دهنده مؤمنان (به عذاب و ثواب یزدان) نمی‌باشم.



اصل بیست و هشتم: منع ورود به جدل‌های ناصواب

نکته‌ای دیگر که با بند پیشین در ارتباط می‌باشد این مطلب است، که بعضی مواقع ما برای دفاع از کارهای خود علاوه بر آوردن توجیهات بی‌اساس، پا را فراتر نهاده و وارد جدل و مناظره‌های ناصواب می‌شویم و اگرچه که به باطل بودن رای خود آگاهیم اما با این وجود بر همدیگر خشم می‌گیریم و می‌خواهیم با تمام توان و به شیوه ی باطل، از گناه و نافرمانی خود دفاع کنیم و به پیکر گناهان خویش لباس حق بپوشانیم.

ما به کرّات در زندگی خود، دچار این نوع مجادله گشته‌ایم و افراد بسیاری را هم دیده‌ایم که به خوبی به اشتباه خود آگاه بوده‌اند و حتی ممکن است بعداً اعتراف نیز کرده باشند که با رویه‌ی باطل در برابر حق موضع گرفته‌اند و نفس، آنان را به این کار وادار کرده‌است.

پیامبر اسلام (ص) در این رابطه می‌فرماید: «همان گونه که از دهان شیر فرار می‌کنید، آنگونه هم باید از جدل گریخت». و همچنین به ما سفارش شده است که بعد از خودداری از جدل‌های

ناصـــواب، باید به بحثهای دوســـتانه و منصـــفانه همراه با تحلیل و تحقیق روی بیاوریم تا با این کار کســـی در فکر بر زمین زدن طرف مقابل خود نباشـد و شخصیت او را خوار نکند تا در این میان آنچه که گمشده‌ی همه‌ی ما است؛ یعنی حقیقت؛ آشکار گردد.

همچنان که در آیات ۱۳ و ١٤ ســوره‌ی قیامت بیان شـد، انســان بــاوجودخطاکاری، اگر چه برای مردم عذر و توجیه می‌آورد. اما او بر اعمال خود، آگاه است.

پس ما باید نسـبت به این نکته هوشیار باشیم که وضعیت ما در آخرت نســـبـت به این دنیا تفاوت دارد. چون ما در آخرت توانایی بیان و عرضـــه‌ی عذرهای ناروای خود را نداریم چون مدارک مورد نیاز علیه ما به صـورت مسـتند آماده شـده است. بدین ترتیب لازم نیســت که ما با خشــم و تعصـب به دفاع از کارهای نادرســت خود بپردازیم.

در تعامل با مسـئله ماهواره هم اگر ما توانایی استفاده‌ی صادقانه و خداپسـندانه از این وسیله را نداریم، نباید در برابر افراد خیرخواه و نصــیحت‌گر به ناحق موضــع‌گیری کنیم و نسـبت به آنها خشـــم بگیریم؛ بلکــه بــایــد ســـخنــان آنان را به عنوان هدیه‌ای پذیرفت و سپاسگزار خداوند باشیم که در جامعه‌ی اسلامی افرادی وجود دارند که نســبت به کسب سعادت ما در دنیا و آخرت، اینگونه حریص و حساس هستند.

برای اینکه متوجه شویم که جدل‌های ما ناصواب بوده و خلاف

حق و حقیقت انجام گرفته، بهتر است در زمانهای خلوت به تفکر روی بیاوریم و نسبت به خود و خدای خود در کارهایی که انجام داده‌ایم و به مجادله با دیگران پرداخته‌ایم، صادقانه قضاوت کنیم و جانب حق را بگیریم.

همچنین انسان مؤمن باید همواره سپاسگزار امر به معروف و نهی از منکری باشد که از جانب برادران دینی خود نسبت به او انجام می‌گیرد. چون این افراد هدفی جز خیرخواهی برای او و دیگران ندارند و باید پندها و توصیه‌های چنین افرادی از صمیم قلب پذیرفته شود و آنها را در جهت اصلاح زندگی خویش عملی ساخت. اما متأسفانه این خصلت در این روزگار جز در عده‌ی محدودی صدق نمی‌کند و سایر مردم به جدل و دفاع از موضع ناصواب خود مشغول هستند و حتی در حالت تنهایی هم با وجود آگاهی بر درون خویش و مسیر اشتباه و آسیبزای خود، از آن رویگردان نمی‌شوند. همچنانکه قبلاً اشاره شد خداوند در آیات ۱٦ تا ۱۸ سوره‌ی زمر در این باره می‌فرماید:

﴿لَهُم مِّن فَوْقِهِمْ ظُلَلٌ مِّنَ ٱلنَّارِ وَمِن تَحْتِهِمْ ظُلَلٌ ۚ ذَٰلِكَ يُخَوِّفُ ٱللَّهُ بِهِۦ عِبَادَهُۥ ۚ يَٰعِبَادِ فَٱتَّقُونِ ﴿١٦﴾ وَٱلَّذِينَ ٱجْتَنَبُوا۟ ٱلطَّٰغُوتَ أَن يَعْبُدُوهَا وَأَنَابُوٓا۟ إِلَى ٱللَّهِ لَهُمُ ٱلْبُشْرَىٰ ۚ فَبَشِّرْ عِبَادِ ﴿١٧﴾ ٱلَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ ٱلْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُۥٓ ۚ أُو۟لَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ هَدَىٰهُمُ ٱللَّهُ ۖ وَأُو۟لَٰٓئِكَ هُمْ أُو۟لُوا۟ ٱلْأَلْبَٰبِ ﴿١٨﴾﴾

بالای سرشان سایبانهائی از آتش و در زیر پاهایشان سایبانهائی از آتش دارند (و بلکه از هر سـو آتش بر آنان خیمه زده اسـت و طبقات آتش ایشـان را فرا گرفته اسـت). این چیزی اسـت که خداوند بندگان خود را از آن می‌ترساند (و بر حذر می‌دارد). پس ای بنـدگـانم! خویشـتن را از (عذاب) من بپرهیزید (و با انجام طاعت و عبادت خود را از آتش دوزخ در امان دارید). کسانی که از عبـادت طـاغوت دوری می‌گزینند، و (با توبه و اسـتغفار) به سـوی خدا باز می‌گردند، ایشـان را بشـارت باد (به اجر و پاداش عظیم خداوندی). مژده بده به بندگانم. آن کسـانی که به همه سخنان گوش فرا می‌دهند و از نیکوترین و زیباترین آنها پیروی می‌کنند. آنان کسـانیند که خدا هدایتشـان بخشـیده اسـت، و ایشان واقعاً خردمندند.



اصل بیست و نهم: علاج واقعه را قبل از وقوع بایدکرد

دیگر قـاعـده‌ی قرآنی و نکتـه‌ای که انسـانهای عاقل و فرزانه همواره آن را یادآوری کرده‌اند این مطلب است که می‌بایست قبل از اتفاق هر حادثه و رویدادی به فکر علاج و درمان آن باشـیم. چون اگر بی‌تفاوت و بدون توجه از کنار آن بگذریم، شیطان به تدریج بر ما تسـلط می‌یابد و آنچه را که در طی سالیان دراز برای آن زحمت کشـیده و به دسـت آورده‌ایم به آسانی از چنگ ما بیرون می‌کشد و آنگاه در موضـع سرزنش و توبیخ قرار می‌گیریم و با حالت ناامیدی در اندیشه‌ی آنچه که از دست داده‌ایم، می‌نشینیم. از این رو پیش از آنکه وارد آن بهشتی شویم که از ته دل آن را دوست می‌داریم و قبل

از یافتن گمشده‌ی خویش که همانه دسیابی به سعادت و خوشبختی است؛ باید نسبت به اعمال و کردار خود آگاه و هوشیار باشیم. مثلاً در مسئله‌ی اعتیاد وقتی فردی را مشاهده می‌کنیم که به این بلای خانمان سوز مبتلا نگشته باید این فرد همواره به مراقبت و معالجه‌ی خود بپردازد تا از گزند و آسیب اعتیاد مصون بماند. چون زمانی که معتاد گشت، دیگر کار، بسیار سنگین و دشوار می‌شود و نیاز به رنج و مشقت بسیاری است تا به تدریج از اعتیادی که دارد فاصله بگیرد و از آن نجات یابد. زیرا همه انسانها نمی توانند پس از دچار شدن به مصیبت و آسیبی بزرگ؛ بدون پرداخت هزینه‌ای کلان به راحتی از آن فارغ گردند؛ اما هر فردی می‌تواند قبل از ورود در این میدان خطیر و سهمناک، به پیشگیری و مراقبت از خود بپردازد.

درقضیه‌ی تعامل با ماهواره هم باید اینگونه زیرکانه رفتار کرد و پیش از آنکه در اثر تعامل نادرست با این وسیله قبل از صدمه دیدن خود و خانواده و اخلاق دینی و عقیده و باورمان و قبل از نابودی امنیت و آسایش روحی و روانی و مادی در دنیا و آخرت و قبل از ناخشنودی خداوند از خود و درخطر انداختن سعادت دنیا و آخرتمان، باید به فکر علاج خود باشیم تا به توفیق خداوند و به خواست و مشیت او از این وسیله به بهترین شکل ممکن استفاده کنیم.

خداوند در آیه‌ی ۵۵ سوره‌ی قمر در این باره می‌فرماید:

﴿فِي مَقْعَدِ صِدْقٍ عِندَ مَلِيكٍ مُّقْتَدِرٍ ۝﴾

و از زیباترین و بهترین چیزی که از سوی پروردگارتان برای شما فرو فرستاده شده است (که قرآن است) پیروی کنید پیش از این که عذاب (دنیوی یا اخروی) ناگهان به سوی شما تاخت آرد، در حالی که شما بی‌خبر باشید.

قاعده فوق، ما را به این نتیجه می‌رساند که باید قبل از وقوع حادثه‌ای که از آن می‌ترسیم بر علاج و درمان آن اقدام عملی صورت گیرد و از هم اکنون عاقلانه به تدبیر امور خود بپردازیم و از سخنان افراد ظاهربین و کوته اندیش ترس و واهمه‌ای در خود راه ندهیم. چون با این کار نه تنها خدا را ناخشنود نمی‌سازیم؛ بلکه محصولات عبادی خود را نیز به تدریج از دست نمی‌دهیم و با دست خالی پا در عرصه‌ی خطیر و سرنوشت‌ساز محشر نمی‌گذاریم.

اصل سی‌ام: داشتن شهامت در بیان حقایق

از دیگر پیامهای قرآنی که ما باید آن را در زندگی خود به کار بگیریم این است که باید شهامت آشکار کردن حقایق را به دست آوریم.

ما باید برای دینداری و تبلیغ عقیده و باور خود، هزینه‌های جانی و مالی را متحمل شویم.

زمانی که ما حق را بیان می‌کنیم و به دفاع از آن می‌پردازیم این کار، قطعاً برای بسیاری از افراد سخت و ناخوشایند است. در نتیجه برای اینکه ترس را بر ما تحمیل کنند به جوّسازی علیه ما می‌پردازند

و به اندازه‌ای بر ما هجوم می‌آورند که ممکن است چنین تصور کنیم که شاید بر راه باطل باشیم؛ اماهرگز چنین نیست. بلکه پس از روشن شدن حقیقت بر انسان، لازم است که دیگر به اینکه مردم درباره‌ی ما چه می‌گویند، فکر نکنیم و حقایق روشنی را که در اختیار ما است با شهامت اعلام کنیم؛ اگرچه در ازای اعلام حق، مال، شخصیت، آبرو و جان ما نیز به مخاطره افتد؛ هر زمانی که خداوند آنها را درخواست کرد و زمان تقدیم آن به خداوند فرا رسید آن را تحویل صاحب اصلی اش بدهد. (به کتاب چرا معامله باخداوند نوشته‌ی مولف مراجعه شود)

در طول تاریخ، دشمنان دین برای تضعیف روحیه‌ی مسلمانان همواره از تهمت و مسائلی که به شخصیت انسان‌ها مربوط بوده استفاده کرده‌اند و بسیاری از مردم را با این کار از راه خود پشیمان ساخته‌اند. اما باید این حقیقت را دانست که حرکت در مسیر دینداری مستلزم پرداخت هزینه است و آشکار ساختن حق؛ به خاطر اینکه خوشبختی دنیا و آخرت را به دنبال دارد؛ کار آسانی نیست و باید برای آن مجاهدت و تلاش بزرگی انجام گیرد که خداوند برای این کار خواهان جان و مال مؤمنان است که باید در راه خدا صرف شود. اما متأسفانه گاهی از ترس سخنان مردم و از ترس اینکه مبادا آبروی ما به وسیله یاوه‌گویی‌های افرادی ناآگاه و گمراه ریخته شود، از بیان شیوه‌ی صحیح استفاده از ماهواره وحشت داریم و از اینکه شاید شخصیت ما با سخنی ناخوشایند آسیب ببیند و یا نیاز به صرف هزینه های مادی و مالی باشد و یا جان ما به

خطر بیافتد از زیر بار این مسئولیت بزرگ شانه خالی می کنیم.
بدین خاطر خداوند در آیه‌ی ۱۱۱و۱۱۲ سوره‌ی توبه می‌فرماید:

﴿ إِنَّ ٱللَّهَ ٱشْتَرَىٰ مِنَ ٱلْمُؤْمِنِينَ أَنفُسَهُمْ وَأَمْوَٰلَهُم بِأَنَّ لَهُمُ ٱلْجَنَّةَ ۚ يُقَـٰتِلُونَ فِى سَبِيلِ ٱللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ ۖ وَعْدًا عَلَيْهِ حَقًّا فِى ٱلتَّوْرَىٰةِ وَٱلْإِنجِيلِ وَٱلْقُرْءَانِ ۚ وَمَنْ أَوْفَىٰ بِعَهْدِهِۦ مِنَ ٱللَّهِ ۚ فَٱسْتَبْشِرُوا۟ بِبَيْعِكُمُ ٱلَّذِى بَايَعْتُم بِهِۦ ۚ وَذَٰلِكَ هُوَ ٱلْفَوْزُ ٱلْعَظِيمُ ﴿١١١﴾ ٱلتَّـٰٓئِبُونَ ٱلْعَـٰبِدُونَ ٱلْحَـٰمِدُونَ ٱلسَّـٰٓئِحُونَ ٱلرَّٰكِعُونَ ٱلسَّـٰجِدُونَ ٱلْـَٔامِرُونَ بِٱلْمَعْرُوفِ وَٱلنَّاهُونَ عَنِ ٱلْمُنكَرِ وَٱلْحَـٰفِظُونَ لِحُدُودِ ٱللَّهِ ۗ وَبَشِّرِ ٱلْمُؤْمِنِينَ ﴿١١٢﴾ ﴾

بیگمان خداوند (کالای) جان و مال مؤمنان را به (بهای) بهشت خریداری می‌کند. (آنان باید) در راه خدا بجنگند و بکشند و کشته شوند. این وعده‌ای است که خداوند آن را در (کتابهای آسمانی) تورات و انجیل و قرآن (به عنوان سند معتبری ثبت کرده است) و وعده راستین آن را داده است، و چه کسی از خدا به عهد خود وفاکننده‌تر است؟ پس به معامله‌ای که کرده‌اید شاد باشید، و این پیروزی بزرگ و رستگاری سترگی است. (از جمله اوصاف این مؤمنان و سائر مسلمانان این است که) آنان توبه‌کننده (از معاصی)، پرستنده (دادار)، سپاسگزار (پروردگار)، گردنده (در زمین و اندیشمند در آفاق و انفس)، نمازگزار،

دســـتوردهنـده به کار نیک، بازدارنده از کار بد، و حافظ قوانین خدا می‌باشـــند. (ای پیغمبرا) مژده بده به مؤمنان (به چیزهائی که خارج از توصیف و تعریف و به دور از فهم مردمان است).

خداوند از ما درخواســت مال و جان و آنچه را که متعلق به این دو می‌باشد، کرده است تابدین وسیله مؤمن بودن ما آشکار گردد. تا زمـانی کـه اینگونه رفتار نکنیم، هیچ فردی به وســیله‌ی ما هدایت نمی‌یـابـد و اگر هم هـدایت یابد، هدایت او موقتی اســت و دوام نمی‌آورد و در واقع این مســئله، نقطه ضــعفی برای مســلمانان این روزگار اسـت که از آن به شـدت رنج می‌برند و از سـخنان دیگران بسیار وحشت دارند و پیدا است که به نسبت درخواست خداوند از انسان، بهانه‌هایمتعددی را ذکر می کنند.

از این رو در ارتباط با ماهواره هم می‌بایســـت در تبلیغ و تبیین حق بســیار جدی باشــیم و از اینکه دیگران ما را متحجّر و ســنتی بدانند نهراسیم و در این راه آبروی خود را برای اسلام هزینه کنیم و اگر در مواقعی هم مـا را بـه انجـام کـارهـای ناپســـند متهم کردند واهمه‌ای نداشـته باشـیم. چون این کار یکی از روشها و شگردهای دشمنان برای سست کردن و باز داشتن ما از مسیر دینداری است و معلوم اســـت که ماهواره -که از تأثیرگذاری فوق‌العاده‌ای برخوردار اســت -از بزرگ‌ترین و معتبرترین روشهای استعماری برای نابودی جلوه‌های دینی در جامعه اســـت که می‌بایســـت ما در برابر چنین فشارهایی، دچار هزیمت و شکست روحی نشویم و با شهامت ابراز حق را از قرآن یـاد بگیریم. خـداوند در آیه‌ی ۳۹ســـوره‌ی احزاب

می‌فرماید:

﴿ الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ حَسِيبًا ﴿٣٩﴾ ﴾

(پیغمبران پیشین، یعنی آن) کسانی که (برنامه‌ها و) رسالتهای خدا را (به مردم) می‌رساندند، و از او می‌ترسیدند و از کسی جز خدا نمی‌ترسیدند، و همین بس که خدا حسابگر (زحمات و پاداش دهنده اعمال آنان) باشد.

* * *

اصل سی و یکم: تقدم شناخت وتحلیل در تعامل با نعمات، صنایع نوظهور و رسانه‌های گروهی

از دیگر قاعده‌های زیبای قرآنی توجه به این مطلب است که در برابر هر پدیده‌ی تازه و نوظهور ، می بایست ابتدا شناخت و تحلیل کافی را به دست آوریم و سپس بر اساس منافع و مضرات موجود در آن پدیده، تعاملی تحلیلی داشته باشیم. ما در این قبیل تعاملات نباید خود را به دست حوادث بسپاریم، بلکه باید حوادث را به شیوه‌ای خردمندانه مدیریت کنیم. همچنین ما باید در جهت خودشناسی، به بررسی وضعیت کنونی خویش بپردازیم؛ نه وضعیت آینده. همچنین به نسبت زمان حال نیز باید به شناسایی و درمان پدیده‌ی مورد نظر پرداخت.

متأسفانه همانگونه که پیشتر بیان شد، به‌ندرت به این مسئله

توجه داشته‌ایم که بر اساس منفعت و مضرّت، که خواسته ای نفسانی است، به تحلیل امور بپردازیم و تشخیص دهیم که سود حقیقی ما در چه چیزی نهفته است؟ و معمولاً با بی‌مبالاتی از کنار قضایا عبور کرده و در مدیریت عالمانه‌ی آن ناتوان مانده ایم.

به عنوان نمونه، زمانی که از چگونگی تعامل ما با ماهواره سوال می‌شود، فقط آن را به عنوان وسیله‌ای که همه‌ی مردم از آن استفاده می‌کنند، معرفی می‌کنیم و به این ترتیب بدون تفکیک و تبیین منافع و مضرات آن، با این وسیله تعامل می‌کنیم و عملاً آسیب‌های شدیدی را از این ناحیه متوجه خود و خانواده ی خویش می‌سازیم.

پس امید است که با توجه به وضعیت ایمانی فعلی و ضعف‌های موجود و اعتراف به آن، تا زمانی که آمادگی استفاده از این وسیله و توانایی مدیریت خداپسندانه آن را به دست می آوریم از استفاده از این وسیله‌ی خطرساز دوری جوییم. خداوند در این رابطه در آیه‌ی ۳٦ سوره‌ی اسراء می‌فرماید:

﴿وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِۦ عِلْمٌ ۚ إِنَّ ٱلسَّمْعَ وَٱلْبَصَرَ وَٱلْفُؤَادَ كُلُّ أُو۟لَٰٓئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْـُٔولًا ﴿٣٦﴾﴾

از چیزی دنباله‌روی مکن که از آن ناآگاهی. بی‌گمان (انسان در برابر کارهائی که) چشم و گوش و دل همه (و سایر اعضاء دیگر انجام می‌دهند) مورد پرس و جوی از آن قرار می‌گیرد.

از این رو بایسته است به شیوه‌ای قرآنی به تحلیل این قضیه پرداخته و خود، خانواده‌ی خویش و دیگران را از خطرات ماهواره

و نیز طریقه صحیح استفاده از آن آگاه سازیم.

اصل سی و دوم: قایل شدن به منافع و مضرات موجود در ماهواره

نکته‌ای دیگر که لازم به یادآوری است و در تبیین آن تاکنون مطالبی بیان گردیده، این است که ما معتقد به وجود منافع و فواید و نیز مفاسد و مضار، در استفاده از ماهواره هستیم و در نتیجه‌ی بندهای مذکور، تنها با مفاسد موجود در ماهواره مخالفت گردیده؛ و نه تمام برنامه‌های آن.

ما چه در زمان حال و چه در آینده عملاً مبلّغ استفاده‌ی منحصر به فرد و مفید از برنامه‌های سودمند و نافع ماهواره هستیم و مادام که به صورت خداپسندانه از آن استفاده کنیم و در مسیر دیگری قرار نگیریم و دچار گناه و معصیت نشویم؛ در برخورداری از ماهواره هراسی نداریم.

بدین ترتیب روشن می‌گردد که مسلمانان می‌توانند در استفاده از دستاوردهای علم و تکنولوژی قسمتهای مفید آن را انتخاب کنند و مضرّات آن را کنار بگذارند و عملاً روش تعامل صحیح با تکنولوژی را به جهانیان نشان دهند.

خداوند در آیات ۳۱ تا۳۳ سوره‌ی اعراف می‌فرماید:

﴿ * يَٰبَنِيٓ ءَادَمَ خُذُواْ زِينَتَكُمۡ عِندَ كُلِّ مَسۡجِدٖ وَكُلُواْ وَٱشۡرَبُواْ وَلَا تُسۡرِفُوٓاْۚ إِنَّهُۥ لَا يُحِبُّ ٱلۡمُسۡرِفِينَ ٣١ قُلۡ مَنۡ حَرَّمَ زِينَةَ ٱللَّهِ

ٱلَّتِيٓ أَخۡرَجَ لِعِبَادِهِۦ وَٱلطَّيِّبَٰتِ مِنَ ٱلرِّزۡقِۚ قُلۡ هِيَ لِلَّذِينَ ءَامَنُواْ فِي ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا خَالِصَةٗ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِۗ كَذَٰلِكَ نُفَصِّلُ ٱلۡأٓيَٰتِ لِقَوۡمٖ يَعۡلَمُونَ ﴿٣٢﴾ قُلۡ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّيَ ٱلۡفَوَٰحِشَ مَا ظَهَرَ مِنۡهَا وَمَا بَطَنَ وَٱلۡإِثۡمَ وَٱلۡبَغۡيَ بِغَيۡرِ ٱلۡحَقِّ وَأَن تُشۡرِكُواْ بِٱللَّهِ مَا لَمۡ يُنَزِّلۡ بِهِۦ سُلۡطَٰنٗا وَأَن تَقُولُواْ عَلَى ٱللَّهِ مَا لَا تَعۡلَمُونَ ﴿٣٣﴾﴾

ای آدمیزادگان! در هر نماز گاه و عبادتگاهی، خود را (با لباس مادی که عورت شما را بپوشاند، و با لباس معنوی که تقوا نام دارد) بیارائید، و بخورید و بنوشید ولی اسراف و زیاده‌روی مکنید که خداوند مسرفان و زیاده‌روی کنندگان را دوست نمی‌دارد. (ای محمّد! زشتی کارِ افتراء تحلیل و تحریم را بدیشان خاطرنشان ساز و به آنان) بگو: چه کسی زینتهای الهی را که برای بندگانش آفریده است و همچنین مواهب و روزیهای پاکیزه را تحریم کرده است؟ بگو: این (نعمت‌ها و موهبتهای حلال و) چیزهای پاکیزه، برای افراد باایمان در این جهان آفریده شده است (و دیگران نمی‌بایست از آن استفاده کنند. ولی در این دنیا بر این خوان یغما چه دشمن چه دوست، و این هم از رحمت واسعه خدا و لطف او است. امّا) در روز قیامت اینها همه در اختیار مؤمنان قرار می‌گیرد (و دیگران بـه کلّی از آن محروم می‌گردند). این چنین آیات (خود را درباره احکام حلال و حرام) برای کسانی توضیح و تشریح می‌کنیم که آگاهند و می‌فهمند. بگو: خداوند حرام کرده است کارهای نابهنجار (چون زنا) را، خواه آن چیزی که آشکارا انجام پذیرد و ظاهر گردد، و خواه آن چیزی که پوشیده انجام گیرد و پنهان ماند، و (هر نوع) بزهکاری

را و ستمگری (بر مردم) را که به هیچ وجه درست نیست، و این که چیزی را شریک خدا کنید بدون دلیل و برهانی که از سوی خدا مبنی بر حقّانیّت آن خبر در دست باشد، و این که به دروغ از زبان خدا چیزی را (درباره تحلیل و تحریم و غیره) بیان دارید که (صحّت و سقم آن را) نمی‌دانید.

خلاصه اینکه، در دین خدا تنها آنچه که برای انسان مضرّ و ناپاک است، حرام گردیده و جز آن، همه‌ی امکانات موجود در هستی برای ما حلال است و هیچ یک از نعمت‌ها بر انسان منع نشده است. در مسئله‌ی ماهواره نیز هر آنچه که در تقابل با قواعد قرآنی قرار نگیرد، حلال است و استفاده از آن مشروع و صحیح؛ اما برنامه‌های زیان‌آور برای انسان و ناسازگار با احکام الهی حرام می‌باشند.

همچنین در آیه‌ی ۱۵۷ سوره‌ی اعراف خداوند می‌فرماید:

﴿ٱلَّذِينَ يَتَّبِعُونَ ٱلرَّسُولَ ٱلنَّبِيَّ ٱلۡأُمِّيَّ ٱلَّذِي يَجِدُونَهُۥ مَكۡتُوبًا عِندَهُمۡ فِي ٱلتَّوۡرَىٰةِ وَٱلۡإِنجِيلِ يَأۡمُرُهُم بِٱلۡمَعۡرُوفِ وَيَنۡهَىٰهُمۡ عَنِ ٱلۡمُنكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ ٱلطَّيِّبَٰتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيۡهِمُ ٱلۡخَبَٰٓئِثَ وَيَضَعُ عَنۡهُمۡ إِصۡرَهُمۡ وَٱلۡأَغۡلَٰلَ ٱلَّتِي كَانَتۡ عَلَيۡهِمۡۚ فَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ بِهِۦ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَٱتَّبَعُواْ ٱلنُّورَ ٱلَّذِيٓ أُنزِلَ مَعَهُۥٓ أُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡمُفۡلِحُونَ ١٥٧﴾

(به ویژه رحمت خود را اختصاص می‌دهم به) کسانی که پیروی می‌کنند از فرستاده (خدا محمّد مصطفی) پیغمبر امّی که (خواندن و نوشتن نمی‌داند و وصف او را) در تورات و انجیل نگاشته می‌یابند. او آنان را به کار نیک دستور می‌دهد و از کار زشت بازمی‌دارد، و پاکیزه‌ها را برایشان حلال می‌نماید و ناپاکها را بر آنان حرام می‌سازد و فرو می‌اندازد بند و زنجیر (احکام طاقت‌فرسای همچون قطع مکان نجاست به منظور طهارت، و خودکشی به عنوان توبه) را از (دست و پا و گردن) ایشان به در می‌آورد (و از غُل استعمار و استثمارشان می‌رهاند). پس کسانی که به او ایمان بیاورند و از او حمایت کنند و وی را یاری دهند، و از نوری پیروی کنند که (قرآن نام است و همسان نور مایه هدایت مردمان است و) به همراه او نازل شده است، بیگمان آنان رستگارند.

خداوند در آیه فوق این نکته را به ما یادآور می شود که چیزهای پاکیزه، حلال هستند و در مقابل، خبایث و چیزهای ناپاک حرام است و محرمات چیزهایی هستند که باعث تلخ شدن زندگی بشر می‌شوند.

در رابطه با ماهواره هم، قسمتهایی از آن حرام شده‌اند که مضرّت را برای انسان به دنبال می‌آورند. بنابراین تنها از آنچه که مضرّت‌آور و تهدیدکننده‌ی خوشبختی دنیا و قیامت ما باشد، نهی شده‌ایم و آنچه که در تأمین خوشبختی انسان نقش داشته باشد، برای ما حلال و مشروع است و حق استفاده‌از آن به ما داده شده است؛ اما مشکل و ایراد کار در این است که ما تاکنون توانایی تفکیک و تشخیص این دو راه را از هم پیدا نکرده‌ایم و نتوانسته‌ایم به شیوه‌ای رفتار

کنیم که فقط از موارد مفید و ســـودمند آن بهره ببریم و از آنچه که مضرّ است دوری کنیم.

امیدواریم روزی فرا رسـد که ایمانهایمان را چنان افزایش دهیم که در اسـتفاده‌ی از ماهواره، هم خدا را راضـی کرده و هم نقشــه‌ی اسـتعمارگران را برای از بین بردن ایمان مسلمانان نقش بر آب کنیم و از آن همه سرمایه که در طول شبانه‌روز در این راه صرف می‌کنند، متضرر گردند.



اصـل سـی و سوم: شمولیت قواعد مذکور برای همه‌ی وسایل ارتباط جمعی

آخرین قاعده‌ی ما یادآوری این نکته اســـت که قواعد و بندهای قرآنی بیـان شـــده، تنها مختص به ماهواره نمی‌شـــود، بلکه از این قـاعـده‌ها در مورد هر چیزی به‌ویژه در مورد وســـایل صـــوتی و تصـویری همچون تلویزیون، سی‌دی، ویدئو، اینترنت، موبایل و هر آنچه که متعلق به این موارد هســتند، صــدق می‌کند؛ اما به نظر می رسـد در میان این موارد، تأثیرگذاری ماهواره از همه بیشـتر است و مردم به خاطر سهولت استفاده و تنوع برنامه‌ها و شبکه‌های ماهواره ای، با این وســیله بیشــتر ارتباط دارند، بدین خاطر محوریت کتاب حاضـر پیرامون ماهواره اســت و ان شاء الله بر پایه‌ی آیات و قواعد قرآنی که تاکنون بدان اشــاره شد، ایمانی در ما شکل گرفته باشد که بتوانیم خداپسـندانه از این وسـیله اسـتفاده کنیم و نصایح مذکور را

آویزه‌ی گوش خود کرده باشیم. خداوند در مورد شمولیت دین در زندگی انسان در آیات ۱٦٢و١٦٣سوره‌ی انعام می‌فرماید:

﴿قُلۡ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحۡيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ١٦٢ لَا شَرِيكَ لَهُۥۖ وَبِذَٰلِكَ أُمِرۡتُ وَأَنَا۠ أَوَّلُ ٱلۡمُسۡلِمِينَ ١٦٣﴾

بگو: نماز و عبادت و زیستن و مردن من از آن خدا است که پروردگار جهانیان است (و این است که تنها خدا را پرستش می‌کنم و کارهای این جهان خود را در مسیر رضایت او می‌اندازم و بر بذل مال و جان در راه یزدان می‌کوشم و در این راه می‌میرم، تا حیاتم ذخیره مماتم شود). خدا را هیچ شریکی نیست، و به همین دستور داده شده‌ام، و من اوّلین مسلمان (در میان امت خود، و مخلص‌ترین فرد در میان همه انسان‌ها برای خدا) هستم.

مزایای ماهواره

همانگونه که پیشتر بیان شد لازم است به شناسایی مزایا و مضرّات برنامه‌های ماهواره ای پرداخته شود، بدین منظور در اینجا هشت مزیت را برای ماهواره بر خواهیم شمرد، که اگر بتوانیم از این مزایا به درستی استفاده کنیم وتعامل خود را در زمینه استفاده از ماهواره به این موارد منحصر سازیم و خویش را از برنامه‌های مضرّ و معیوب آن محفوظ داریم، در آن صورت توانایی استفاده‌ی صحیح از این وسیله را پیدا کرده‌ایم و قادر خواهیم بود حق آن را به درستی ادا کنیم.

در ابتدا ازمزایای ماهواره سخن می‌گوییم که عبارتند از:

۱-ماهواره برای اطلاع‌رسانی و خبررسانی از اوضاع و احوال جهان، ازگستردگی و دقت بیشتری نسبت به سایر وسایل صوتی و تصویری که در میان مردم همه‌ی کشورها استفاده می‌گردد، برخوردار می‌باشد و بدین خاطر که برنامه‌های خود را در سراسر جهان ارائه می‌دهد؛ کنترل این برنامه‌ها سخت بوده و توان محدود کردن آن معمولاً میسر نیست. پس با این وجود اگر فردی بخواهد از اخبار دقیق همه‌ی جهان اطلاع پیدا کند؛ به شرطی که از نگاه به نامحرم متضرر نگردد و به صورت خداپسندانه از آن استفاده کند؛ می‌تواند از برنامه‌های متنوع خبری ماهواره استفاده کند و اطلاع

دقیقی از اوضاع جهان به دست آورد.

در اینجا لازم است تذکری بسیار جدی به استفاده کنندگان از اینگونه برنامه ها داده شود و آن اینکه ما در تعامل با ماهواره هم می‌توانیم ازخبرهای آن استفاده کنیم و هم اینکه ماهواره نیز می‌تواند محصولات ایمانی ما را از ما بگیرد و حذف نماید، لذا تنها زمانی می‌توانیم به صورت مشروع از آن استفاده کنیم که در این دادوستد دوجانبه ایمان و اخلاق خویش را از دست ندهیم، درغیر این صورت باید کسب اخبار را از منابع دیگر جستجو نمود و حق نداریم به بهانه‌ی کسب اخبار از چنین برنامه‌هایی استفاده کنیم. زیرا زیان عدم اطلاع از اخبار جهان در مقایسه با ضرر حذف دین و اخلاق قابل مقایسه نیست و شایسته نخواهد بود در این معامله‌ی پایاپای به خاطر اطلاع از اخبار جهان، خود را دچار بدبختی وخسران دو جهان نماییم. در حالی که می‌توان اخبار مورد نظر را از منابع دیگر - که در ادامه بدانهااشاره خواهیم کرد -کسب نمود.

۲-برنامه‌های مستند و علمی هم از آن دسته مزیتهایی هستند که فرد می تواند؛ به شرط آنکه خود را از موارد نامشروع موجود در این برنامه ها محفوظ نماید؛ به نحو احسن از آنها بهره‌مند گردد و از این طریق رشد یابد.

این گونه برنامه ها، به شرط پالایش، چراغ روشنی برای مسلمانان هستند تا بدین وسیله از دانستنیهای علوم تجربی به صورت آبدیت و به روز شده آگاهی پیدا کنند و هرچه بهتر

درراستای عمران و آبادانی زمین - که از وظایف اصلی بندگی مسلمانان است- بکوشند. چون روزگاری مسلمانان در این حوزه پرچمدار جهانیان بوده‌اند و به خواست خدا اگر دوباره به سوی عزت و عظمت پیشین خویش بازگردند و بخواهند دیگر بار بر تمام منابع و معادن جهان احاطه یابند؛ می بایست در زمینه‌ی علوم تجربی هم پیشرفت چشمگیری داشته باشند. البته به شرطی که خود را از مضرات ماهواره در این زمینه حفظ کنند و همچنین به زبانهایی که برنامه‌های مستند علمی با آن بیان می‌گردند، آگاهی کافی داشته باشند.

۳-از دیگر برنامه‌های مفید ماهواره ای، برنامه‌های تربیتی دینی است که شبکه‌هایی در این زمینه عهده دار این امرخطیر هستند. همچنین شبکه‌هایی هم به تازگی در حال راه اندازی هستند که در جهت تقویت جنبه‌ی تربیتی مسلمانان فعالیت می‌کنند و در زمینه‌هایی همچون فهم قرآن، مسائل مربوط به تربیت دینی، دفع شبهات، مناظرات و بخشهای مفید دیگر، خدمت رسانی می‌کنند.

٤-برنامه‌های مربوط به سرگرمی و تفریح هم از مزایای دیگر ماهواره است چون انسان بعد از فراغت از امور جدی زندگی، نیازمند آرامش و استراحت است که به شرط خودداری از نگاه به نامحرم و مصون ماندن از سرگرمی‌های ناپسند و نامشروع، می تواند از برنامه‌های مربوط به سرگرمی موجود در ماهواره بهره ببرد.

۵-از دیگر مزایای برنامه‌های ماهواره ای، برنامه‌های کارتون

برای کودکان اسـت و پیدا است که از میان این نوع برنامه‌ها، برخی از آنها غیرمفید و مضـرّ هسـتند و توصیه می‌گردد که از برنامه‌هایی که هم جنبه‌ی سـرگرمی و هم جنبه‌ی آموزشی دارند، استفاده شود. متأسـفانه در این زمینه نیز برنامه‌هایی هسـتند که به ترویج مسـائل جنسی و ناپسند میان کودکان مبادرت می‌ورزند که هدف آن، از بین بردن حیا و شرم در میان کودکان مسلمانان می باشد.

٦-دیدن فیلم‌های مفید و مشروع هم از دیگر مزیت‌های ماهواره است که برخی از شبکه‌های مفید، آنها را پخش می‌کنند و مشخص اسـت که فیلم نیز یکی از برنامه‌ها و ابزار کار فرهنگی اسـت و مطالبی که از طریق یک فیلم منتقل می‌گردد ممکن اسـت با صـدها کتاب قابل انتقال نباشد. لذا ما باید در استفاده از این نوع برنامه‌های ماهواره‌ای، هم با زبان آن فیلم‌ها آشـنایی داشـته باشـیم و هم اینکه خود را از مضرّات موجود در آن فیلمها محفوظ داریم و در تماشای آنها به صورت گزینشی برخورد نماییم.

۷-برنامه‌های هنری مشـروع هم می‌تواند از طریق ماهواره مورد اسـتفاده قرار گیرد، برنامه‌هایی همچون آموزش مسـائل مربوط به موسـیقی، آموزش سرود و آوازخوانی، خوانندگی افراد با سرودها و آوازهای نیکو و به دور از کلمات زشـت و مستهجن و موارد هنری دیگر، می تواند تا اندازه‌ای از خسـتگی و فشار ناشی از فعالیت‌های روزانه‌ی افراد بکاهد و آرامشـی نسبی را برای افراد جامعه به وجود آورد. خلاصه اینکه هر آنچه که در آن هنر و هنرپروری است؛ مادام که مشـروع باشد و در تضاد با احکام خداوند نباشد؛ می‌توان از آن

بهره برد و حتی بـه فراگیری آن‌هـا اقـدام نمود و در زندگی به کار بسـت. البته همچنانکه گفته شـد هنر نیز ابزاری اسـت که در دست بشـرقرار دارد و چنانکه افراد بشـر به دو بخش نیکوکار و بدکار تقسـیم می‌شـوند، هنر نیز می‌تواند سـالم و یا مبتذل باشـد. بنابراین منظور ما از هنرپروری، پرداختن به هنرهای سـالم ومتناسـب با کرامت انسانی است؛ نه هنرهای ویرانگر هوس انگیز.

۸-آخرین بخش از برنـامـه‌هـای مفیـد مـاهواره‌ای، برنـامه‌های ورزشـی متنوع است که البته شامل آن دسته ورزشهایی نمی‌شود که در آنها خشونت ترویج می‌گردد؛ یا زینتهای پنهان زنان نمایش داده می‌شـود، بلکه منظور ورزش‌هایی اسـت که مردم از آنها تأثیر مثبت می‌گیرند.

موارد مذکور که به اختصار به آن اشاره شد بعضـی از مزایـای مـاهواره بودند که ما به آن آگاهی داشـتیم و ممکن اسـت موارد و برنامه‌های مفید دیگری هم موجود باشـند که ما به خوبی از آنها باخبر نباشـیم، بنابراین اگر ما از این دسته برنامه‌های مفید و بی‌ضرر استفاده کردیم، کسـی نمی‌تواند ما را از آنها منع کند؛ چون چنین برخوردی با ماهواره مبارک و اطمینان بخش اسـت و شـریعت خداوند هم ما را از این نوع تعـامل باز نمی‌دارد، بنابراین ما هم نباید خود را از شـریعت خداوند بالاتر و داناتر بدانیم. بنابراین آنچه که در این راسـتا بر ما منع شـده است گناه پروری و ویرانگری در زمینه‌ی دین و اخلاق است و ما تنها با این نوع استفاده از ماهواره مخالف هستیم و تعامل وقضاوت در این زمینه را به خود عزیزان می‌سپاریم.

معایب ماهواره

آنچه که در اینجا از اهمیت بیشتری برخورادر است،جلوگیری از معایب ماهواره است. چون اینگونه معایب به اندازه‌ای خطرناک و تأثیرگذار هستند که با وجود استفاده از مزایای ماهواره، نمی‌توان در مقابل آنها ایستادگی کرد و به تدریج مزایا واثرات مثبت موجود در آن را از بین می‌برند.

ما در برنامه‌های ماهواره‌ای شش عیب بزرگ را شناسایی کرده‌ایم که به اختصار به آنها می‌پردازیم:

۱ـ عیب اول در برنامه‌های ماهواره‌ای این است که به علت تنوع و جذّابیت آنها مشغولیت‌هایی را در زندگی ایجاد می‌کنند و وقت بسیاری را از افراد به خود اختصاص می‌دهند و به گونه‌ای انسان‌ها را به سوی خود جذب می‌کنند که باید زمان بسیاری را برای آن هزینه کرد. همانگونه که گفته شد برای انسان مسلمان چنین فرصتهایی وجود ندارد که تمام یا قسمت اعظم زندگی خود را به مشغولیت و سرگرمی سپری کند، چون زندگی عرصه‌ای جدی است و ما برای سرگرمی و وقت‌کشی آفریده نشده‌ایم و این یکی از آن معایب بزرگ ماهواره است.

این وسیله به اندازه‌ای در زندگی افراد مشغولیت ایجاد می‌کند که فرصت کسب و کار و دید و بازدید را از افراد سلب می کند و

در ملاقـات‌ها و مجالس، ســـخن گفتن و مشـــورت کردن کاهش می‌یـابد. متأســـفانه افراد زیادی در این مســـیر حرکت می‌کنند، که درواقع آنان وقت خود را نمی‌کشند؛ چون این وقت است که آنها را بـه کام خویش می‌کشـــد و زمان، قطره قطره‌ی عمر آنها را با خود می‌برد. از این رو ما باید هوشـیار باشیم که در هر لحظه کاری مفید انجام دهیم. چون اگر در منازل خود ماهواره داشته باشیم و شیوه‌ی صحیح استفاده از آن را فرا نگرفته باشیم، در آن صورت تمام اوقات ما برای مشاهده برنامه‌های ماهواره‌ای کفایت نخواهد کرد.

۲–از دیگر معـایـب ماهواره وجود برنامه‌هایی مانند مســـابقات مشـــت‌زنی، کشـتی کج، فیلم‌های وحشـتناک و... است که به ترویج بی‌رحمی، خشـونت و وحشـت در زندگی انسان‌ها می‌پردازند. آثار مخرب اینگونـه برنـامـه‌هـا بـه تدریج در زندگی افرادی که در این زمینه‌ها فعالیت می‌کنند بروز یافته و زندگی انســـان را از مهربانی و عطوفت به وحشـی‌گری و قسـاوت مبدل می‌سازد. همچنین در اثر مشـاهده‌ی فیلم‌های ترسـناک، روح و روان انسـان‌ها لطمه و آسیب می‌بیند و بیماریهای روانی در جامعه افزایش می‌یابد.

۳–از جمله برنامه‌های بســیار خطرناک و گســترده‌ی ماهواره‌ای، برنامه‌های مربوط به مســائل جنســی اســت، که در ســه بخش و به شیوه‌ای بسیار متنوع بر اکثر برنامه‌های ماهواره‌ای غلبه یافته است.

بخش اول مربوط بـه همجنس بازی مردان، بخش دوم همجنس بازی زنان و بخش ســوم روابط نامشــروع مردان و زنان با همدیگر است.

بدین ترتیب استفاده‌ی افراط گرایانه و بدون حد و حصر از غریزه‌ی جنسی به شیوه‌ای نامشروع در این برنامه‌ها تبلیغ و ترویج می‌گردد که این بزرگترین جنبه از مضرأت ماهواره است که بیشتر انسان‌ها از این جهت آسیب دیده‌اند و ما هم باید آمادگی مواجهه با چنین خطری را داشته باشیم و خود و خانواده‌ی خویش را از این وضعیت ناروا ایمن سازیم.

لازم به ذکر است که محوریت بحث ما در زمینه‌ی خطرات مربوط به ماهواره، بیشتر بر مسئله‌ی غریزه‌ی جنسی استوار است؛ چون بیشتر مسلمانان از این جهت دچار انحراف شده اند.

٤-از دیگر ضررهای ماهواره این است که تأثیرپذیری از فرهنگ غیر اسلامی خصوصاً تمدن غربی با تمام خوبیها و بدیهایش را به مرور زمان در افراد ایجاد می‌کند. چون امروزه غیر مسلمانان قدرت رسانه‌ای را در جهان در اختیار دارند و از کارشناسان زبده و مجرب در این زمینه بهره می‌برند. این دسته از کارشناسان ضمن آنکه از روان انسان‌ها باخبرند و آگاه به علوم روانشناسی، جامعه شناسی و سایر علوم مرتبط با آنها می‌باشند، از تأثیرپذیری روان انسان‌ها از محیط پیرامون نیز به خوبی مطلع هستند. در نتیجه برنامه‌ها و تبلیغات خود را با مهارت خاصی تولید می‌کنند، تا این برنامه‌های غیر الهی را به عنوان حق به مسلمانان بنمایانند و آنان را از برنامه‌های خدایی دور کنند و به تدریج و به شیوه‌ای نامحسوس اهداف خود را بر روح و روان انسان‌ها القا کنند و به تخریب ایمان مردم بپردازند. اینکه اکنون مسلمانان در اثر استفاده‌ی نامشروع و ناروا از این وسیله، از فرهنگ بیگانه متأثر گشته‌اند و دچار شکست

و اضمحلال روحی شده‌اند و می‌پندارند که کشورهای اروپایی و غربی نسبت به اسلام و مسلمانان از نوعی برتری برخوردار هستند که دست‌یابی بدان برای مسلمانان به هیچ وجه امکان پذیر نمی‌باشد؛ در نتیجه‌ی اعمال همین اهداف است

۵-از دیگر مضرات برنامه‌های ماهواره‌ای، محوریت بخشیدن به حیات دنیا به عنوان هدف و فراموشی حیات اخروی است.

منظور از زندگی دنیوی این است که به شیوه‌ای غیرخدایی و به فرمان هوی و آرزو و به عبارتی دیگر به شیوه‌ی گناه و معصیت، از امکانات و نعمت‌های جهان آفرینش استفاده گردد، که البته این کار برای انسان مضرّ است و به جای اینکه موجبات رشد و کمال وی را فراهم آورد، سبب عقب‌ماندگی و بیچارگی انسان در دو جهان می‌شود. چون این کار به فرمان متخصص صورت نگرفته است.

در این راستا با تامل در برنامه‌های ماهواره‌ای متوجه می‌شویم که این برنامه ها تمام اهداف خود را در این مقوله‌ی ویرانگر منحصر می‌سازند که چگونه انسان‌ها در دنیا آنگونه که خود دوست می‌دارند، از زندگی لذت ببرند؛ خواه این کار به صلاح حقیقی انسان باشد و خواه نباشد.

همانگونه که در اولین اصل از قواعد قرآنی بیان گردید، ما مسلمانان برای ادای وظیفه‌ی امتحان الهی آفریده شده‌ایم و تنها وظیفه‌ی ما در این جهان پاسگویی به سوالات متنوع خداوند است، تا در نتیجه‌ی پاسخ درست به امتحان الهی، از نعمت‌های مادی و معنوی و هر آنچه که برای صلاح ما لازم است، برخوردار گردیم.

البتــه این نوع از لذّت از لذّتی که بی‌باوران و مدعیان دروغین آن را تبلیغ می‌کنند دلپذیرتر و لذت‌بخش‌تر است. طعم و حلاوت اینگونه از لذات را قطعاً مســلمانان حقیقی چشــیده‌اند و نه تنها این مســئله ادعا نیست، بلکه عین واقعیت است.

بنابراین تمام برنامه‌های ماهواره بر این اساس ترتیب داده شده‌اند که حیات دنیا را به عنوان هدف به انســـان‌ها معرفی کنند و ما را از ایمان به اینکه زندگی دنیا محل امتحان و آزمایش اســـت، منصــرف ســازند. درک این حقیقت به خوبی نمایان می سازد که خشــکاندن ریشــه‌ی درخت تنومند اســلام هدف اصلی و نهایی آنها است؛ که البته در برابر این وضــعیت، هر فرد مســـلمانی باید معنای زندگی و فلســفه‌ی حیات را کاملا دریابد تا بدین وســیله تعامل مناســبی با زندگی داشــته باشــد و دچار ترفندهای ماهرانه‌ای نشــود که از راه برنامه های ماهواره ای تبلیغ می‌گردد.

٦)از دیگر مضرات ماهواره ایجاد شک و شبهه دراعتقادات دینی اســت. آنچه که به وضــوح بر اکثریت برنامه‌های ماهواره ای ســایه افکنده است شبهه افکنی در اعتقادات دینی مسلمانان است. اینگونه برنامه‌ها بسیاری ازا افراد از اقشار مختلف جامعه به ویژه روشنفکران مســلمان را دچار تزلزل و بازگشـــت و ارتداد از دین نموده اســـت. برای تبیین اهمیت موضــوع همین کافی است که قشرتحصیلکرده و ســازنده‌ی جامعه را از فعالیت مثبت باز داشــته اند وســعادت دنیا و آخرت مســلمانان را از لحاظ مادی ومعنوی دچار مخاطره‌ی جدی نموده‌اند.

از این رو برآگاهان ودلسوزان جامعه لازم است برای دفع این هجوم فرهنگی هرچه سریعتر وارد عرصه‌ی مبارزه با بانیان آن شوند و از دو طریق به شبهات آنها پاسخ گویند:

۱–از طریق تالیف کتاب و مقالات علمی و برگزاری جلسات پرسش وپاسخ؛

۲–ازطریق ایجاد سایتها و پایگاههای اینترنتی و امکانات دنیای مجازی از جانب دینداران ثروتمند و دعوت از اساتید بزرگ دینی و علمی جهان برای پاسخگویی به شبهات موجود.

اهداف سازندگان برنامه‌های ماهواره‌ای

اکنون نوبت به بیان مطالبی پیرامون اهداف و انگیزه‌های سازندگان برنامه‌های ماهواره‌ای فرا می رسد.

به بیان دیگر در پی تبیین اهداف کسانی هستیم که برای اولین بار ماهواره را ساخته و به آسمان پرتاب نمودند و از آن طریق، برنامه‌های صوتی و تصویری بعضی از کشورهای جهان را به مناطق دیگر مخابره می‌کردند:

۱-اوّلین هدفی که در ابتدا به وسیله‌ی ماهواره دنبال می‌گردید، اهداف نظامی بود. دو ابر قدرت بزرگ آن زمان یعنی آمریکا و شوروی ازطریق ماهواره، اخبار نظامی یکدیگر را به دست می‌آوردند و مدار گردش ماهواره‌ها را برای اطلاع و آگاهی از امور همدیگر، تنظیم می‌کردند.

۲- بعدها از ماهواره برای هواشناسی نیز استفاده گردید، که از این طریق توانستند به پیش بینی وضعیت جوّی کشورها بپردازند.

۳-اما در ادامه کارشناسان غربی تشخیص دادند که ماهواره می‌تواند به عنوان یکی از وسایل و ابزارهای بسیار مهم وتاثیرگذار از جهت فرهنگی به کار گرفته شود، در نتیجه به تقویت این جنبه از

کاربردهای ماهواره پرداختند و اگرچه از اهداف دیگر خود یعنی اهداف نظامی و هواشناسی غافل نگشتند، اما در حقیقت توجه خود را بیشتر به حوزه اهداف فرهنگی و تبلیغی همچون تثبیت و نشر افکار مکاتب بشری، تقویت توجه به حیات دنیوی و تضعیف اسلام و مسلمانان اختصاص دادند و این ابزار با برد بسیار وسیع را از لحاظ تحت پوشش قرار دادن ممالک جهان به خدمت گرفتند و بدین ترتیب توانستند آن را برممالک جهان خصوصاً مسلمانان مسلط کنند. به نحوی که اکنون مسلمانان به شدت از تسلط آن رنج می‌برند و همانگونه که قبلاً به آن اشاره شد در نتیجه‌ی استفاده‌ی نادرست از ماهواره دچار ضعف روحی کشنده‌ای شده اند، که امید است در برخورد با ماهواره، به عنوان یکی از ابزارهای بسیار قوی فرهنگی -تبلیغی دشمنان دین، نظر کنندو خطرات بزرگ آن را متوجه گردند تا بتوانند ماهرانه از فواید آن بهرمند شده و از مضرّات آن دوری جویند.

نکته‌ی حائز اهمیت در جهت استفاده از برنامه‌های ماهواره‌ای این است که اگر ما خواهان نگاه خداپسندانه به ماهواره و عدم تأثیرپذیری از برنامه‌های مضرّ آن هستیم باید اصلاح وتربیت خود را از نگاه کردن به برنامه‌های تلویزیونی کشور خود شروع کنیم. چون با وجود اینکه برنامه‌های تلویزیونی کشور ما از نجیب‌ترین برنامه‌های تلویزیونی در میان تمام کشورهای دنیا است؛ اما با این وصف نباید کسی خود را در نگاه به نامحرمان موجود در برنامه‌های تلویزیونی مجاز بداند و به بهانه‌ی تماشای برنامه‌های تلویزیونی، در

نگاه به نامحرم حریص ودقیق گردد و آنگونه که خداوند ناراضی است به آن بنگرد. چون خداوند در آیه‌ی ۳۰و ۳۱سوره‌ی نور می‌فرماید:

﴿قُل لِّلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَٰلِكَ أَزْكَىٰ لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ ﴿٣٠﴾ وَقُل لِّلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ آبَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي أَخَوَاتِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوِ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولِي الْإِرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَىٰ عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِن زِينَتِهِنَّ وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَ الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿٣١﴾﴾

(ای پیغمبر!) بـه مردان مؤمن بگو: (آنـان موظّفند که از نگاه به عورت و محلّ زینت نامحرمان) چشـمان خود را فرو گیرند، و عورتهای خویشـتن را (با پوشـاندن و دوری از پیوند نامشـروع) مصـون دارند. این برای ایشـان زیبنده‌تر و محترمانه‌تر اسـت. بی‌گمان خداوند از آنچه انجام می‌دهند آگاه اسـت (و سـزا و جزای رفتارشـان را می‌دهد). و به زنان مؤمنه بگو: چشمان خود

را (از نـامحرمان) فرو گیرند (و چشـــم‌چرانی نکنند) و عورتهای خویشتن را (با پوشاندن و دوری از رابطه نامشروع) مصون دارند و زینت خویش را (همچون ســـر، ســـینه، بازو، ســـاق، گردن، خلخـال، گردن‌بنـد، بازوبند) نمایان نســـازند، مگر آن مقدار (از جمـال خلقت، همچون چهره و پنجه دســـتها) و آن چیزها (از زینت‌آلات، همچون لباس و انگشـــتری و ســرمه و خضـاب) که (طبیعهً) پیدا می‌گردد، و چارقد و روســریهای خود را بر یقه‌ها و گریبانهایشـــان آویزان کنند (تا گردن و ســـینه و اندامهائی که احتمالاً از لابلای چاک پیراهن نمایان می‌شـــود، در معرض دید مردم قرار نگیرد) و زینت (اندام یا ابزار) خود را نمودار نســـازند مگر برای شـوهرانشان، پدرانشان، پدران شوهرانشان، پسرانشان، پسـران شـوهرانشـان، برادرانشـان، پسـران برادرانشـان، پسران خواهرانشان، زنان (همکیش) خودشان، کنیزانشان، دنباله روانی که نیاز جنســـی در آنان نیســـت (از قبیل: افراد مخنث، ابلهان، پیران فرتوت، اشـخاص فلج)، و کودکانی که هنوز بر عورت زنان آگـاهی پیـدا نکرده‌انـد (و چیزی از امور جنســـی نمی‌دانند)، و پـاهـای خود را (به هنگام راه رفتن به زمین) نزنند تا زینتی که پنهانش می‌دارند (جلب توجّه کند و صدای خلخال پاهایشان به گوش مردم برسـد و) دانسـته شود. ای مؤمنان! همگی به سوی خدا برگردید (و از مخالفتهائی که در برابر فرمان خدا داشـته‌اید توبـه کنیـد) تـا رســـتگار شـــوید. دراین جا خداوند می‌فرماید نبـایـدافراد نـامحرم بـه یکدیگرنگاه کنند به نحوی که اگرحتی مصلحت این کار را هم ندانیم باید آن را اجرا کنیم. چون خیر و نیکی تنها در اجرای بی‌چون و چرای فرامین متخصصانه‌ی الهی اســـت. ممکن اســـت برخی از افراد چنین تصـــور کنند که در اســـتفـاده‌ی از تلویزیون اگر بـه افراد نـامحرم ننگرنـد، این کار

> بی‌معنی و غیرممکن گردد چون به خاطر حضـور و فعالیت زنان و مردان در برنامه‌های تلویزیونی، مردان به نسـبت زنان نامحرم و زنـان هم نسـبت به مردان نامحرم هسـتند، در نتیجه باید تلویزیون به طور کلی از زندگی بشـر برداشـته شـود. اما چنین تصـوری نادرسـت اسـت و به طریقی می‌توان از تمام برنامه‌های تلویزیونی اسـتفاده کردکه هم ازاستفاده از آن منع نشویم و هم خداوند رانیزازخودناراضـی ننماییم. و آن این که خداوند چشـم انسان را به شیوه‌ای ساخته که در ضمن تمرکز بر روی نقطه‌ای، می‌تواند بر اطراف آن نقطه نیز تا شـعاع زیادی آگاهی و تسـلط داشته باشد. لذا اگر بر روی صفحه‌ی تلویزیون ما نامحرمی ظاهر گردد و در برنامه‌ای ایفای نقش کند، ما می‌توانیم به آن نامحرم ننگریم و به سـایر قسـمتهای صـفحه‌ی تلویزیون خیره شویم و درعین حال هم بر برنامه‌ی مورد نظراشـراف داشـته باشیم. این کـار ممکن اسـت در اوایل دشـوار بنماید اما اگر خواهان این امرهسـتیم که خداوند را از خود راضی سازیم و به خاطر نگاه به نـامحرم مرتکـب گناه نگردیم، باید به تدریج این نوع نگاه کردن بـه تلویزیون را نسـبت به افراد نامحرم، در خودنهادینه نموده وبدان عادت کنیم.

پیدا اسـت که این راهکار قرآنی بسیار غریب است؛ اما انجام آن ناممکن نیسـت و اگر خواهان آن باشیم می‌توانیم ازعهده آن برآییم؛ اگر چه ممکن است نتوانیم در آغاز کار آن را به خوبی اجرا کنیم اما اگر برآن تدوام داشـته باشـیم، خداوند وعده داده است ما را در این مسیر توفیق دهد.

* * *

انواع برنامه‌های ماهواره ای از جهت حلال یا حرام بودن

در ادامه‌ی این فصل، انواع برنامه‌های ماهواره‌ای از جهت حلال یا حرام بودن آنها به اختصار مورد بحث قرار می‌گیرد.

بـه طور کلی می‌توان برنـامـه‌هـای ماهواره‌ای را در چهار بخش تقسیم نمود، که هر کدام حکم خاصی را دارد:

۱- بخش اول برنـامـه‌های ماهواره‌ای، آن دســـته از برنامه‌هایی هستند که صددرصد و به طور کامل مفید بوده و برنامه‌ی نامشروعی در آن موجود نیسـت. نظیر آن دسته برنامه‌هایی که توسط مسلمانان بر روی ماهواره قرار می‌گیرند و مســلمانان نیز مجاز به اســتفاده از این برنامه‌ها هســتند و این نوع از استفاده حلال و مبارک می‌باشد و هیچ مناقشـــه و اختلافی در تعامل با آن وجود ندارد؛ چون کســـی اجـازه‌ی حرام کردنِ حلال را نـدارد و اگر کســـی نتوانـد با دلیلی قـانع‌کننده حرام بودنِ چیزی را ثابت کند، مرتکب افتراء بر خداوند گشـته و باید به اصـلاح خود اقدام کند. از این رو این بخش، همان بخش مفید و مورد بحث ما اســت که باید از آن اســتفاده‌ی کافی و وافی را ببریم و قطعـاً اینگونه اســتفاده کاملاً حلال و موردپســـند خداوند است.

۲-بخش دوم از برنامه‌های ماهواره‌ای آن دســـته از برنامه هایی هســتند که صددرصد مضرّ و فاسدکننده‌اند که حجم بسیاری از این برنامه‌ها را برنامه‌های بی‌شـرمانه‌ی جنسی و برنامه‌های گمراه کننده در زمینه‌ی باورهای دینی فرا گرفته‌اند که در حقیقت بر ضـد اسلام و مســلمانان ســاخته می‌شوند، اینگونه برنامه‌ها حرام و گمراه کننده

بوده و استفاده‌ی از آن زیان‌آور و بر باد دهنده‌ی ایمان افراد است، بدین خاطر از تماشای آنها منع شده‌ایم.

۳)بخش سوم برنامه‌هایی هستند که قسمت عمده‌ی آنها مضرّ و در کنار آنها جنبه های مفید اندکی نیز موجود است. در نتیجه، بر اساس قاعده‌ی حرام کردن قمار و شراب که در آیه‌ی ۲۱۹ سوره‌ی بقره به آن اشاره کردیم و به خاطر غلبه‌ی مضرّت بر منفعت، اینگونه برنامه‌ها نیز حرام‌اند و باید خود را از آن دور نگه داریم. نکته‌ی بسیار درد آور در اینگونه برنامه ها این است که غالباً برنامه‌های ماهواره‌ای به نحوی درهم تنیده شده‌اند که نمی توان به صورت دقیق آنها را تفکیک نمود وزمان و جایگاه آنها را به دقت مشخص نمود. بلکه به صورت بسیار موذیانه‌ای آنها را کنار هم چیده‌اند تا نتوان از فواید آن بدون دادن تلفات استفاده نمود و از مضرات آن نتوان فرار نمود.

لذاتعامل با اینگونه برنامه ها تخصص وتعهد بالایی می‌طلبد، که در نهایت برای مصونیت از برنامه‌های منفی آن چاره‌ای جز گذشتن از برنامه‌های کم فایده‌ی آن وجود ندارد.

اغلب اینگونه برنامه‌ها، مسائل جنسی انسان‌ها را به شیوه‌ی نامشروع تقویت می‌کنند و اگرچه در کنار این مضرّات، مقدار اندکی از منفعت را در اختیار افراد قرار می‌دهند، اما این اندک فایده نباید ما را وادار به تأثیرپذیری از آن مضرّات فراوان سازد و بدیهی است که اگر چنین فسادی وارد درون انسان گردید فواید اندکش را از بین می‌برد.

٤)بخش چهارم، آن دسته از برنامه‌هایی هستند که غالباً مفیدند اما مضرّت اندکی هم در آنها موجود است. اینگونه برنامه‌ها به شرط نگاه‌داشتن چشم از نگاه به نامحرم و راهکارهای ارائه شده برای این مسئله، مجاز است و مشکلی در استفاده از آن وجود ندارد، گرچه شرط احتیاط این است که می توان چنین برنامه‌های مفیدی را به صورت صددرصد از جاهای دیگر نیز کسب و از آنها استفاده نمود، لذا مجبور به بهره برداریهای اینچنین از ماهواره نیز نیستیم.

بدین ترتیب ما می‌توانیم از برنامه‌های کاملاً مفید و آن دسته از برنامه هایی که قسمت بیشتر آن مفید و اندکی از آن مضرّ است استفاده کنیم و از برنامه‌های کاملاً مضرّ و برنامه‌هایی که بیشترین قسمت آن مضرّ و اندکی از آن مفید است باید دوری گزینیم و این حکمی معتدل، شفاف و میانه روانه در ارتباط با برنامه‌های ماهواره‌ای است، که امیدواریم مسلمانان با این محک، صادقانه به محاسبه‌ی اعمال خود در برخورد با ماهواره بپردازند و در ارتباط با هر برنامه‌ای بتوانند به درستی تشخیص دهند حکم آن، مشمول کدام قاعده می‌گردد، از این رو باید حکم هر کدام از این احکام را ازهم تفکیک نمود.

همچنین اگر در تشخیص تعامل با احکام مورد نظر از توانایی کافی برخوردار نبودیم، می‌بایست از صاحب‌نظران مسلمان؛ و افرادی که از آگاهی و تقوا بهره‌مند هستند؛ یاری جوییم تا امور مشتبه بر ما روشن گردند.

انگیزه‌های صالحان برای تهیه‌ی ماهواره

بعد از بیان مطالب گذشته، نوبت بیان مطالبی پیرامون انگیزه‌ها و اهدافی است که باعث خرید ماهواره در خانواده‌ها می‌گردد.

مردم بـه‌ویژه آن دســـته از افرادی که خواهان محفوظ ماندن از گزند و آسیب‌های ماهواره هستند، حداقل به خاطر چهار دلیل عمده به سوی این وسیله متمایل‌اند که عبارتند از:

۱-کسب اخبار وسیعتر و دقیقتر؛ که بدیهی است هر انسانی باید از اوضـاع محیط پیرامون خود آگاهی داشـته باشد و طبیعتاً ماهواره نیز از حیث اطلاع رسـانی، فراملّتی و فرا قومی است و از این حیث از آزادی بیشـــتری نســـبت به اخبار محلی - که تنها در یک منطقه پخش می‌گردد - برخوردار می باشـــد، از این رو بســـیاری از افراد برای تهیه و خرید ماهواره اقدام می‌کنند.

۲-تفریح و برنامه‌های ســـرگرم کننده؛ دلیل دیگری برای تهیه‌ی مـاهواره از ســـوی برخی افراد اســـت. به نظر این افراد برنامه‌های تلویزیونی در پرکردن اوقـات فراغت آنان چندان موفق عمل نکرده، لذا به وســیله‌ی ماهواره می‌خواهند به شیوه‌ای متنوّع و گسترده‌تر از اوقـات فراغـت خود برخوردار گردنـد و بـه گمان خود لحظاتی را فارغ از اندیشــه مســائل روزمره زندگی ســپری کنند و حداقل به

آرامشـی نسـبی دسـت یابند، که بدین جهت به برنامه‌های تفریحی ماهواره روی می‌آورند.

۳-برنـامـه‌هـای علمی و مسـتند؛ اینگونه برنامه‌ها نیز انگیزه‌ی دیگری برای روی‌آوردن بـه ماهواره اسـت، که بسـیاری از افراد علاقـه‌مند به مباحث علمی، قصـد دارند ازطریق ماهواره شـاهد برنامه‌های متنوع و مستند علمی شبکه‌های گوناگون جهان باشند. در نتیجه برای تهیه‌ی ماهواره رغبت پیدا می‌کنند.

٤-سـرگرم کردن کودکان و وجود برنامه‌های کارتونی؛ انگیزه‌ی دیگر برخی ازافراد برای خریـد مـاهواره اسـت. در نتیجـه وجود سـرگرمی‌های بسـیار و نیز برنامه‌های کارتونی وسـیع، مردم را به تهیـه‌ی این وسـیله‌ی ترغیب می‌کند که این امر می‌تواند از جهتی مفید و از جهتی دیگر مضرّ واقع گردد.

مردم ما باید با توجه به موارد گفته شده با مراقبت کامل، خود را از شـرّ و آسـیبی که در اکثر برنامه‌های ماهواره‌ای نهفته اسـت ایمن دارند و اگر با وضعیت ایمانی موجود و فعلی نمی‌توانند خود را در برابر تأثیرات ماهواره کنترل کرده و به شیوه ای مناسب از برنامه‌های آن اسـتفاده کنند، باید از تهیه‌ی آن خودداری، و انگیزه‌های موجود برای خریـد ماهواره را در وسـایل دیگری جسـت‌وجو نمایند و راه‌های مشـروع برای کسـب این انگیزه‌ها را می‌توان به وسـیله‌ی رادیو، تلویزیون، سی‌دی، کتاب، مجلات و محصولات مفید اینترنتی و... به دست آورد.

با بهره گیری از موارد بدیل و جایگزین برای ماهواره؛ نه تنها از بهره مندی از مزایای ماهواره بی نصیب نمی‌مانیم، بلکه از همه‌ی آن مضراتی نیز که در بیشتر برنامه‌های ماهواره‌ای وجود دارد محفوظ و مصون خواهیم ماند.

از این رو پیشنهاد ما در اینجا این است که تا زمان کسب توانایی استفاده‌ی خداپسندانه از ماهواره، از جایگزین‌های فوق استفاده شود، تا به خواست خدا، روزی چنان توفیق ایمانی به ما داده شود که بتوانیم با قوت و به شیوه‌ای کامل از برنامه‌های مفید و سالم بهره‌مند گردیم و خود و خانواده‌ی خویش را از برنامه‌های مضرّ آن ایمن داریم.

توجیهات نادرست برای تهیه‌ی ماهواره

حال با وجود راهکارهای تبیین شـده و روشنی بخش ارایه شده این سـوال مطرح می‌گردد که با توجه به وضعیت کنونی شبکه‌های ماهواره‌ای و عدم توانایی مردم در تفکیک برنامه‌های مفید و مضـر آن و نیز وجود جایگزین‌های متعدد برای دستیابی به انگیزه‌هایی که در تهیه‌ی ماهواره وجود دارد؛ مردم بر اساس چه توجیهاتی اقدام به خرید و تهیه‌ی ماهواره می‌کنند؟

در پاسخ این مسئله، ما حاصل تفکرات و تحقیقات خود را در ۹ توجیه یافته‌ایم که مردم غالباً با وجود وضـعیت ایمانی فعلی خود و نیز همراهی برنامه‌های مفید و مضرّ ماهواره با همدیگر، آنها را برای موجـه نشـــان دادن کارهای خود ذکر کرده و بدین خاطر اکنون در اغلب منازل از این وسیله استفاده می‌کنند.

توجیه اوّل

توجیه اول آنها این است که شبکه‌های مضرّ ماهواره را حذف و فقط از شـــبکه‌های مفید آن اســـتفاده می‌کنیم. یعنی زمانی که از این افراد، علت استفاده از ماهواره را می‌پرسند، سریعاً پاسخ می‌دهند که ما از برنامه‌های مضـرّ آن استفاده نمی‌کنیم، بلکه خواهان برنامه‌های

مفید آن هستیم. ما در این رابطه جواب خود را به اختصار در سه مورد بیان می‌کنیم:

۱- اغلب کسانی که اقدام به تهیه‌ی ماهواره کرده‌اند و وعده‌ی حذف برنامه‌های مضرّ و استفاده از برنامه‌های مفید را داده‌اند، در مقام عمل و در عالم واقع اینگونه رفتار نکرده‌اند و اگر در اوایل تا حدودی از برنامه‌های مضرّ آن وحشت داشته‌اند به تدریج استفاده از اینگونه برنامه‌ها برای آنان عادی گشته و در واقع برنامه‌های مفید و مضرّ در ماهواره‌ی آنها به صورت همسان وهمزمان موجود است. در نتیجه ادعای آنها در این‌باره صادق نیست و تا حدی که در منازل مسلمانان دقت گردیده واقعاً این وعده با قاطعیت، عملی نشده و برنامه‌های مضرّ هم در کنار برنامه‌های مفید مورد استفاده قرار گرفته و اینگونه اشخاص ادعایی واهی را مطرح نموده‌اند.

۲-زمانی که اقدام به حذف برنامه‌های مضر می‌گردد، این کار معمولاً به وسیله‌ی رمز یا علامت‌هایی که می‌توانند شبکه‌های ماهواره‌ای را قفل کنند، صورت می‌گیرد که متأسفانه برای این نوع برنامه‌ها و رمزها، قفل شکن‌هایی بسیار مدرن ساخته شده که توانایی گشودن شبکه‌های قفل شده‌را دارند و همچون ضد موشک که در برابر موشکها ساخته شده‌اند و در عصر حاضر هم ضد ضد موشکهایی در برابر ضد موشکها ساخته شده‌اند؛ در اینجا هم بدین صورت است. یعنی اکنون در محیط ما، نرم‌افزارهایی ساخته شده‌اند که روش گشودن رمزها را به ما نشان می‌دهند و اینکه چگونه بتوانیم قفلی از قفل‌های ماهواره‌ای را بشکنیم و دوباره برنامه‌های

قفل شده‌ی گذشته را آزاد سازیم، مشخص شده‌اند و حتی بسیاری از افراد به عنوان متخصص در این زمینه فعالیت می‌کنند. در نتیجه این کار جای اعتماد و اطمینان نیست؛ چون در خانواده‌ها افرادی از جمله نوجوانان و جوانان حضور دارند که گشودن رمزها را یاد می‌گیرند و نیز سرپرستان خانواده‌ها هم به خاطر تکراری بودن برنامه‌های ماهواره‌ای به این کار رغبت یافته و مخفیانه برای گشودن قفلها، اقدام می‌کنند.

۳-در اوایل برخی از افراد صادقانه متعهد می‌گردند که از شبکه‌های مضرّ استفاده نکنند و آنها را قفل کنند اما تضمینی برای این کار وجود ندارد. چون در اثر عادت و به مرور زمان و بر پایه‌ی پیروی گام بگام و تدریجی از نقشه‌های نفس و شیطان، اقدام به گشودن این شبکه‌ها می‌کنند و سرانجام روزی فرا می‌رسد که حیا و شرم گذشته‌ی آنان از بین رفته و دیگر آن احتیاط و پرهیزی را که در اوایل داشتند همراه خود نمی‌بینند؛ بدین خاطر همه‌ی برنامه‌های ماهواره‌ای را مورد استفاده قرار می‌دهند. این قضیه اعتراف افراد بسیاری بوده که در نتیجه‌ی استفاده از برنامه‌های کم‌ضرر، به تدریج شبکه‌ها و برنامه‌هایی برایشان گشوده می‌شود که انسان را به سوی برنامه‌های خطرناک متمایل می‌سازد. لذا این کار به هیچ وجه جای اعتماد نیست.

توجیه دوم:

برخی از افراد معتقدند که سی‌دی (CD) هم همان کارکرد موجود

در ماهواره را دارا اســت؛ پس با این وجود چرا هیچ منعی از وجود ســـی‌دی (CD) در منـازل بـه عمـل نمی‌آیـد، ولی برای مـاهواره محدودیت بیشتری را در نظر گرفته‌اند. ما در این زمینه به دو جواب کوتاه بسنده کرده‌ایم:

۱- در واقع برنامه‌های سـی‌دی (CD) از جهت انتخاب، سهولت بیشتری دارند و ما می‌توانیم آنها را در محیط بیرون انتخاب کنیم. از ســوی دیگر همه‌ی برنامه‌های مضــرّ هم در اختیار ما نیســتند و یا جرأت و توانایی تهیه‌ی آنها را نداریم، به‌ویژه زمانی که فرد مسلمانی به مغازه‌ی ســی‌دی فروشــی مراجعه کند از درخواســت برنامه‌های مســتهجن و زشــت خجالت می‌کشـد اما در منازل و در اسـتفاده از ماهواره ما از چنین توانایی و جرأتی برخوردار هستیم که بدون هیچ شـــرم و خجالتی، آن دســـته از برنامه‌ها را انتخاب کنیم. در نتیجه برنـامـه‌هـای ســـی‌دی (CD) محدود و قابل کنترل هســـتند. یعنی ســـی‌دی‌هایی که اکنون با انواع برنامه‌ها وجود دارند درمقایســـه با شـبکه‌های مداوم ماهواره‌ای، بسـیار کم و غیرقابل مقایسه هستند و کنترل آنها به مراتب آسـانتر می‌باشد و به سهولت نمی‌توان به دنبال یک برنامه‌ی نامشــروع ســی‌دی گشــت. چون این کار باعث کنترل انســـان از جـانــب افراد جامعه می‌گردد و این کنترل، به مراتب از ماهواره بیشـــتر اســـت و آنگونه که ماهواره افراد را به ســـوی خود می‌کشـاند، سـی‌دی جذابیت لازم برای جذب انسـان‌ها را به سوی ندارد. چون ماهواره جذابیّت فوق العاده قوی و سریعی دارد و انسان عملاً در مقابل صدها شبکه‌ی ماهواره‌ای قرار می‌گیرد که انتخاب در

میان این همه شبکه کار دشواری است و نیز کنترل انسان در مقابل این همه برنامه با وجود کششهای نفسانی موجود در انسان، کاری بسیار سخت است.

۲- اگر به فرض سی‌دی (CD) هم می‌تواند همچون ماهواره مضرّ باشد پس با این حال چرا باید ماهواره را هم به سی‌دی موجود درمنزل اضافه کرد و از آن استفاده کرد؟! به عبارت دیگر اگر ما به فرض قبلاً از سی‌دی استفاده‌ی نامشروع نموده ایم، چرا باید اکنون وسیله‌ای بدتر از سی‌دی -که ماهواره است -برای تقویت و تأیید برنامه‌های سی‌دی، به آن بیفزاییم و ماهواره را به عنوان وسیله‌ای نیرومند در کنار سی‌دی قرار دهیم؟! پس سوال ما خطاب به افرادی که از چنین توجیهی کمک می‌گیرند این است که اگر به فرض و به ناچار از سی‌دی متأثر می‌گردند و توانایی استفاده‌ی مفید از آن را ندارند پس چرا باید وسیله‌ای نامناسبتر و خطرناکتر همچون ماهواره را در کنار آن قرار داد که با این کار؛ زمینه‌ی حرکت به سوی گناه بیشتر می‌گردد و انسان هم در مقابل آن ضعیفتر می‌شود؟!

پیشنهاد ما برای چنین افرادی این است که استفاده‌ی خود را در حد سی‌دی آن هم به صورت صحیح، متوقف کنند و از ماهواره استفاده نکنند، که با این کار ضرر کمتری را متوجه خود می‌سازند تا درنهایت بتوانند به کمک خداوند طریق استفاده از سی دی را نیز اصلاح نمایند.

توجیه سوم:

از دیگر توجیهات مردم برای تهیه‌ی ماهواره این است کهمی گویند چون هر آنچه در برنامه‌های ماهواره‌ای موجود است و انسان را متأثر و به سوی گناه می‌کشاند، در محیط بیرون و بازارها نیز با آن مواجه هستیم؛ پس دیگر چه فرقی می‌کند که این صحنه‌ها را در منزل و یا در بیرون مشاهده کنیم؟! که در سه بخش و به اختصار جواب این توجیه داده می‌شود:

۱- حضور یافتن در بازارها و خیابانها به دلیل تهیه‌ی مایحتاج ضروری مردم، الزامی است و زندگی بدون حضور در اینگونه اماکن ممکن نخواهد بود؛ اما بدون حضور ماهواره، انسان باز قادر به ادامه زندگی است و ماهواره جزء ضروریات زندگی انسان به شمار نمی رود، در نتیجه این دو با هم قابل مقایسه نیستند.

۲- اگرچه بازارها و اماکن عمومی غالباً وضعیت نامناسب و بدی دارند و افراد به‌ویژه زنان به شیوه‌ای نامشروع در آنها رفت و آمد می‌کنند؛ اما از آنجا که ما در تغییر چنین وضعیت ناروایی از توان کافی برخوردار نیستیم و نمی‌توانیم ضروریات خود را از جایی جز این اماکن تأمین کنیم، پس ناچار به ورود در بازارها و خیابانها هستیم. اما باید از اضافه کردن تاثیرات برنامه‌های مخرّبی همچون ماهواره به اثرات سوء اینگونه بازارها و خیابانهای نامشروع جلوگیری کنیم. تا ما فقط ترس و وحشت ایمانی ازحضور در اماکن عمومی را داشته باشیم و ترس استفاده‌ی نامشروع از ماهواره را

بدان نیفزاییم و در برابرآن دو مستاصل نگردیم.

به امید آنکه هر چه سریعتر از این وادی پرخطر و ضرر نیز به سلامت عبور کرده و از آن آسیب نبینیم و خطر بزرگتری را به منازل خود وارد نکنیم.

۳) پس از آنکه به این نتیجه رسیدیم که از یک سو وضعیت نامناسب و نامطلوبی در خیابان‌ها حکمفرما است و زنان و مردان آنگونه که خداوند خشنود است، در آن حضور نمی‌یابند و از میزان تقوا و پرهیزکاری در سطح جامعه کاسته شده و از سوی دیگر ماهواره هم از ویژگیهای مشابهی برخوردار است، وظیفه‌ی ما این است که در برابر هر دو آفت به صورت متقیانه و خداپسندانه رفتار کنیم و اجازه‌ی آسیب‌رسانی را به آنها ندهیم؛ چون شیطان از این دو زمینه‌ی خطرناک برای ضایع کردن ایمان ما استفاده می‌کند.

بنابراین با کاستن از زمینه های فساد، طبیعتاً دستیابی به تقوا آسانتر می گردد. به بیان دیگر اگر فقط ترس و خطر اماکن عمومی و خیابانها متوجه ما می بود و تهدید ناشی از ماهواره را به آن نمی‌افزودیم، کار ما به مراتب راحتتر بود؛ اما با قراردادن این دو آفت ویرانگردر کنار هم، رسیدن به تقوای الهی بسیار دشوار می‌شود و انسان به سهولت از این دو کانال آسیب می‌بیند.

توجیه چهارم:

توجیه دیگر افراد این است که فرزندان ما در هر حال همراه با دوستان خود برنامه‌های ماهواره‌ای را در منازل یکدیگر مشاهده

می‌کنند، پس چه بهتر که برای تهیه‌ی ماهواره در منزل خود اقدام نماییم تا بهتر بتوانیم فرزندان خود را کنترل کنیم.

پاسخ این توجیه را هم در سه قسمت اینگونه بیان می‌کنیم:

۱- اولاً ما وظیفه داریم در نهایت امکان فرزندان خود را از رفت‌وآمد و معاشرت با خانواده‌ها و منازلی باز داریم که از برنامه‌های مضرّ ماهواره‌ای استفاده می‌کنند و یا خانواده‌هایی را که با آنان رفت‌وآمد دارند مطلع سازیم که فرزندان خود و ما را آگاه نمایند و به آنها گوشزد نمایند که از برنامه‌های زیان‌آور ماهواره‌ای استفاده نکنند. از سوی دیگر ما باید از مکان‌ها و محل رفت‌وآمد فرزندان خویش باخبر باشیم و با همکاری چنین خانواده‌هایی کنترل فرزندان خود را شدیدتر و پایدارتر کنیم که این امر از وظایف اولیه‌ی والدین است.

با وجود چنین همکاری اجتماعی میان خانواده‌ها، ضرر کمتری متوجه آنها خواهد شد. به‌ویژه اگر فرزندان آنان تربیت صحیح دینی برخوردار باشند، از دنبال کردن چنین زمینه‌هایی دوری می‌جویند.

۲-اگر به فرض در کنترل فرزندان خویش آنگونه که خود می‌خواهیم ناتوان باشیم، نباید بلایی بزرگتر همچون ماهواره را در اختیار آنها قرار دهیم. یعنی اگر از رفت‌وآمد فرزندان خود با خانواده‌ها و منازلی که بدون احتیاط از ماهواره استفاده می‌کنند، احساس خطر می‌کنیم نباید خود عملاً چنین وسیله‌ای را در منزل در اختیار آنان قرار دهیم. چون این وسیله هر چه از ما و خانواده مان دورتر باشد، کنترل آن آسانتر خواهد بود. اما زمانی که در

دسترس قرار گرفت، کنترل آن بسیار دشوار می‌گردد و انسان به راحتی دچار آلودگی می‌شود.

پس با این حال، اگر از ناتوانی در کنترل فرزندان خود بیمناک هستیم و خطر تأثیرپذیری از برنامه‌های زیان‌آور ماهواره‌ای در منازل دیگران برای آنان موجود می‌باشد، در هر شرایطی این زمینه در جای خود ماندگار است. یعنی فرزندان با همدیگر رفت‌وآمد خود را ادامه خواهند داد و ما نباید زمینه‌ای خطرناکتر را به آن وضعیت ناروا بیفزاییم. به گونه‌ای که هم در منزل دوستانش از آن وسیله استفاده کنند و هم خود، آن را در دسترس داشته باشند، که این در واقع کمک به انجام معصیت و ایجاد زمینه‌ای خطرناکتر است که ما باید نسبت به آن کاملا هوشیار باشیم.

۳-همچنانکه پیشتر گفته شد، زمینه‌ها ی گناه و معصیت بسیار خطرناک هستند و تربیت و تزکیه در اسلام به معنی آماده کردن زمینه‌های رشد و تعالی انسان است، که در مقابل، هم شیطان و هم نفس آدمی زمینه‌های عقب‌ماندگی انسان را فراهم می‌کنند، با این وجود انسان تنها در این زمینه‌ها است که می‌تواند رشد کند یا به سوی فساد گام بردارد.

پرواضح است که برنامه‌های ماهواره‌ای که اکنون کنترل آنها دشوار شده، در واقع از زمینه‌های بزرگ فساد در حوزه های مختلف به شمار می روند که با چنین وضعیتی به هیچ‌وجه عاقلانه و منطقی نخواهد بود که چنین زمینه‌های بزرگی از فساد را وارد منازل خود کنیم و آن را به زمینه‌های دیگری همچون رفت‌وآمد و

معاشـرت به منازل یکدیگر، جشـن‌ها و مراسـمهای عروسـی، وارد شــدن به بازارها و مکانهای پر تردد و... بیافزاییم، که متأســفانه معصیت و گناه در غالب این موارد جاری است، چون هنوز خود و فرزندانمان تحت فشار اینگونه زمینه‌های ناروای بیرون از منزل قرار داریم. پس نبـاید موارد مذکور را به زمینه‌های دیگر اضــافه کنیم. زیراتنها افراد محدودی هســتند که بتوانند در برابر چنین زمینه‌هایی مقاومت کنند.

توجیه پنجم:

از توجیهات دیگری که در این روزگار برای تهیه‌ی ماهواره بیان می‌گردد، این اســت کـه می گوینـد: همـه‌ی مردم از این وســیله برخوردار شده‌اند، در نتیجه ما نیز باید از این وسیله استفاده کنیم و از قافله باز نمانیم. اما چنین توجیهی نادرســت اســت، چون این انسان‌ها هستند که محیط را می‌سازند و هر محیطی هم، قابل اصلاح و فســاد است و به وسیله‌ی ما انسان‌ها است که محیطی نامناسب و یا فاسد شکل می‌گیرد و زمانی که مشاهده می‌گردد که همه‌ی مردم نسـبت به تهیه‌ی ماهواره تمایل دارند و به شـیوه‌ای نادرسـت از آن اسـتفاده می‌کنند، پس ما مدعیان اسلام و مسلمانی چگونه به خود اجازه می‌دهیم همچون مردم عادی در این سـیل ویرانگر مشــارکت داشـته باشیم و باکاروان عاصیان همراه و همقدم شویم؟! ب لکه ما باید اصــلاحگر رفتار مردم باشـیم و نگذاریم آنها به سـمت فساد و گمراهی حرکـت کنند و این توجیه نباید دســـت‌آویزی برای مردم شود که از این بهانه کمک بگیرند.

گذشته از این قاعده‌ی کلی، ما برای این توجیه فوق سه پاسخ را در نظر گرفته‌ایم:

۱- ما قرار نیست در بی‌تقوایی و ناپرهیزگاری همراه و همرنگ مردم شویم؛ بلکه باید به اصلاح آن وضعیت بپردازیم و اگر مشاهده می‌کنیم که اکثریت مردم به سوی فساد میل می‌کنند، این مسئله نباید ما را وادار به دنباله‌روی از آنها کرده و به صورت کورکورانه از آنها تقلید کنیم. بلکه باید در هیچ شرایطی تحلیل و سنجش بر پایه‌ی قوانین قرآن و سنت را از یاد نبریم.

در تعامل باقرآن این نکته را متوجه شده‌ایم که بر اساس فرهنگ قرآنی، اکثریت مردم به خاطر دوستی با هوی و آرزوهای نفسانی و نیز معیار شدن لذت، بر طریق هدایت نیستند و طبیعتاً با وجود چنین قاعده ای به سوی وسیله‌ای که برایشان خوشایند بوده و تأمین کننده‌ی لذّتهای نامشروع آنها است، روی می‌آورند و در پی تدارک و تهیه‌ی آن برمی‌آیند.

پس زمانی که ما نسبت به این نکته آگاه وحساس شدیم نه تنها چنین فسادی را همراهی نخواهیم کرد، بلکه باید برای اصلاح آن تلاش کنیم. چون اگر ما در چنین مسیر نادرستی قرار بگیریم دیگر نمی‌توانیم ادّعای خیرخواهی و اصلاح مردم را داشته باشیم و بسیار زشت و ناپسند است که ما نیز همچون مردم، گرفتار این معضل و آفت شویم بلکه باید عملاً امورنامشروع را همراهی نکنیم - چون تنها در این حالت است که سخنان و توصیه‌های ما پذیرفته می‌گردد

– و در جهت متوجه ساختن مردم تلاش کنیم. زیرا این ضرر و خطری بزرگ است که باید مردم نسبت به آن آگاه باشند تا به تدریج از حجم زیان آن کاسته شود و روزی فرا رسد که از این وسیله استفاده‌ی بهینه و سالمی را داشته باشند.

۲–همچنانکه پیش‌تر به آن اشاره شد، نباید به هیچ‌وجه دچار جوّسازی‌های مضرّ بشویم وهرگز اجازه ندهیم ناخواسته وارد محیطی شویم که بی‌باوران قصد دارند برای ما فراهم کنند و بر ما تأثیر منفی بگذارند.

از این رو با فراهم شدن هرگونه شرایط و جوّی، ما بدون تحلیل با آن همراه نخواهیم شد و قرار بر این نیست که مورد خطاب عبارت «خواهی نشوی رسوا، همرنگ جماعت شو» قرار بگیریم. چون این بینشی غیردینی است و الزاماً همیشه نباید همرنگ جماعت بود. بلکه زمانی جماعت را همراهی می‌کنیم که مردم بر راه هدایت و اصلاح باشند و اگر مردم بر مسیر هدایت نباشند، نه تنها خود را ازهمراهی با آنها برحذر میداریم؛ بلکه در جهت بازگرداندن آنها بر راه صواب و حقیقت تلاش می‌کنیم.

۳–در صورت مضرّ دانستن برنامه‌های ماهواره‌ای و عدم کنترل بر آنها – با توجه به وضعیت ایمانی فعلی – باید عملاً زندگی بدون ماهواره را به مردم آموزش داد، چون با چنین رفتاری، برخلاف نظر بسیاری از افراد که معتقدند ماهواره امروزه دیگر بر جامعه تسلط پیدا کرده و زندگی بدون ماهواره برای انسان‌ها ممکن نیست؛

قابلیت انجام این کار اثبات می‌گردد و این نکته‌ی بسیار مهمی برای اقناع و باورمند کردن مردم است که تا زمانی که مردم از آمادگی کافی برای استفاده‌ی درست و بهینه از برنامه‌های ماهواره‌ای برخوردار می‌شوند، باید چنین موضعی را به نسبت ماهواره اتخاذ نمود. تا از این طریق مردم بتوانند از اسوه‌ها و پیشروان دینی نیرو بگیرند. بنابراین اکنون که برنامه‌های ماهواره‌ای برای ما مضرّ و غیرقابل کنترل هستند باید همچون مسلمانی برجسته، ضمن آنکه زندگی خود را بدون ماهواره سپری می‌کند و نسبت به مسائل روز هم آگاه و باخبر بوده و از راههای مشروع و مورد قبول آنها را کسب می‌کند، ما نیز چنین عمل کنیم تا به دیگران اثبات گردد که، نه تنها ما از قافله‌ی تمدّن و پیشرفت عقب نمانده‌ایم و لوازم پیشرفت را هم کسب کرده‌ایم، بلکه با دورشدن از برنامه‌های مضرّ ماهواره‌ای، خود را از آفات و آسیبهای آن مبرّا داشته‌ایم.

توجیه ششم:

توجیه دیگر افراد در تهیه‌ی ماهواره، ترس ازمتهم شدن به تحجّر و ضدیّت با علم و پیشرفت از سوی دیگران است. این افراد معتقدند که در این روزگار که مرزهای تکنولوژی گسترش یافته و مسائل بسیاری را با خود وارد زندگی انسان‌ها کرده، بر ما لازم است که از تکنولوژی معاصر – که ماهواره یکی از لوازمات تکنولوژی جدید است – استفاده کنیم و بی‌بهره ماندن از آن نماد و نشانگر مخالفت با تکنولوژی و علم و ملزومات آن است.

آنها با ذکر چنین دلیلی می‌خواهند کار نادرست خود را؛ که عدم استفاده‌ی صحیح از ماهواره است؛ توجیه کنند، که در سه بند جواب چنین توجیهی داده می‌شود:

۱- علم همانند تمام وسایل دیگر از آنجا که در اختیار و کنترل انسان است؛ هم مزایایی داردو هم معایبی. با این حال زمانی که ما متوجه شدیم که چیزی، هم دارای عیب و هم دارای مزیت است؛ اگر چه به عنوان چیز مطلوبی در میان مردم پذیرفته شده باشد؛ چشم بسته و بدون تحلیل و انتخاب نمی‌توانیم آن را قبول کنیم، بلکه ما موظف هستیم که با تحقیق و اثبات، مزایای علم را برگزینیم و درعین حال معایبی را که در برنامه‌های علمی موجود است شناسایی کرده و خود را از آن محفوظ داریم. این همان کاری است که مسلمانان باید نسبت به علم انجام دهند.

متأسفانه امروزه مسلمانان دچار نوعی جوّسازی شده‌اند و عملاً به خاطر اعمال نادرست پانصد ساله‌ی کلیسا با دانشمندان، اکنون علم حالتی مقدس و بت مانند را به خود گرفته و مردم در مقابل آن زانو زده و تسلیم آن گشته‌اند و از معایب آن هیچ تصوری ندارند. در حالی که با وارد شدن هر پدیده‌ی علمی در زندگی انسان، باید مزایا و معایب آن سنجیده شود، به گونه‌ای که معایب آن را کنار نهاد و از مزایای آن استفاده کرد.

۲- ما نسبت به کسب علم و فواید آن (به تمام مصادیق مثبت

آن) بـه شـــدت احتیـاج داریم ، در حـالی کـه بخش عمـده‌ای از عقـب‌افتادگی مســـلمانان امروزی، عدم اســـتفاده از مزایای علم و تکنولوژی اســـت. کـه باید به فکر جبران این نقص بود و آن را در زمره‌ی عبادت خود بدانیم؛ اما متأسفانه عملاً ما اینگونه نشان داده‌ایم که طالب کســـب علم نیســـتیم. چون برای به دســـت آوردن آن، هیچگونـه زحمت و مطالعه و تحقیقی را انجام نمی‌دهیم و به جای اینکـه بـه دنبـال تحقیقـات علمی و مجاهده در این زمینه برویم، از طریق تهیه‌ی ماهواره، میکوشـیم طرفداری خود از علم و تکنولوژی را به دیگران نشان دهیم و به گمان باطل، اینپگونه نقص و کمبود را در خود جبران کنیم، که این در واقع به سـرابی برای فردی تشنه در بیابان می ماند، که هرگز به آب تبدیل نمی‌شود.

پس مسـلمانان باید نسـبت به این موضـوع آگاه باشند؛ زیرا آنها چندان طالب علم و تکنولوژی نیسـتند و از ضعف تحقیق و مطالعه و مدارج علمی رنج می‌برند که این باعث احساس کمبود و شکست روحی آنان در برابر اهل علم شده است.

۳-ترقی و پیشـرفت حقیقی بر اساس برنامه‌ی خداوند، با گناه و معصـیت ناسـازگار است و پیشرفت حقیقی تنها با پاکی، ممکن می گردد، یعنی فقط با اسـتفاده و بهره جویی صـحیح از مزایای علم و تکنولوژی می‌توان پیشـرفت کرد و به سـوی رشـد و کمال حرکت نمود؛ نه با همراهی مفاسد علم و تکنولوژی، که ماهواره هم یکی از وسایل تولیدی تکنولوژی است.

توجیه هفتم:

توجیه دیگر این است که گفته می شود چرا نباید از ماهواره استفاده کرد؛ در حالی که اصلاح و فساد در اختیار خود انسان است؟! یعنی می‌توان در ضمن داشتن ماهواره، مصلح بود و برعکس می‌توان ماهواره هم نداشت و مفسد بود.

برای این توجیه، بیشتر از توجیهات دیگر تأمل صورت گرفته و هشت جواب برای آن انتخاب شده است، چون اگرچه این توجیه از جهتی درست است و اصلاح و فساد در اصل در اختیار خود فرد است اما این امر کلمه‌ی حقی است که اراده‌ی باطلی برآن بنا شده است، که امیدواریم با پاسخهای ارایه شده بتوانیم تشخیص دهیم که در زیر سایه‌ی این توجیه حق، چه باطلی پنهان گشته است.

۱- درست است که اصلاح و فساد در اختیار خود شخص است، اما به‌شرطی که زمینه‌های فساد و ضرر برای انسان فراهم نگردد و در دسترس وی قرار نگیرد. چون در صورت مهیا بودن زمینه‌ی فساد، کمتر کسی می‌تواند در مقابل خواهش‌های نفسانی خود ایستادگی کرده و خود را از مضرّات آن محفوظ دارد. همچنانکه قبلاً توضیح داده شد ماهواره هم به عنوان یکی از آن زمینه‌های فساد، ما را به سوی تباهی می‌کشاند و لازم است که مسلمانان این تحذیر و هشدار حضرت عمر (رض) را در چنین مواقعی به‌یادآورند که فرمودند: « می‌توانم شبی تا صبح نگهبانی از کوهی از طلا را برعهده بگیریم بدون آنکه دچار هیچگونه وسوسه‌ای بشوم؛ اما

نمی‌توانم بدون وسوسه با پیرزنی هشتاد ساله در یک اتاق قراربگیرم ». البته واضح است که ایمان حضرت عمر (رض) از جایی نشأت گرفته که هرگز دچار چنین خطایی نمی‌شود، اما این صحابی بزرگ، خطرناک بودن زمینه‌ها را متوجه شده و ما را به خاطر دور شدن از اعمالی که اصحاب پیامبر(ص) انجام می‌دادند (همچون تزکیه، شب زنده‌داری، مراقبه نفس و...) هشدار می‌دهد و ازطریق انجام آنها کسب توانایی لازم برای انجام چنین کار دشواری را به ماگوشزد می‌کند. با توجه به اینکه امروزه نقش تزکیه، روزه‌ی سنت، خواندن نماز شب، رفت‌وآمد به مساجد، همنشینی با صالحان، زیارت قبور، تلاوت قرآن و مطالعات و تحقیقات دینی از سوی مسلمانان بسیار کمرنگ شده، توانایی مقابله بامعاصی نیز بشدت کاهش یافته است. لذا بر ما لازم است که به خود بیاییم و هوشیارانه عمل کنیم و نباید تصور کنیم که با وجود چنین توشه و آذوقه‌ی اندک می‌توان تحمل سفری پرمخاطره را داشته باشیم.

از این رو هیچگاه نباید با وجود چنین وضعیتی به خود اعتماد کنیم وگمان کنیم که توانایی ایستادگی در برابر نفس خود را داریم، که در واقع و به صورت عملی هم این مطلب بر ما آشکار شده که از چنین توانی برخوردار نیستیم.

۲-هرگز نباید از تأثیر زمینه‌های خودساخته غافل باشیم. همچنانکه بیان شد زمینه‌ها دو نوع بودند: یکی زمینه‌های خودساخته و دیگری غیر خودساخته، که محیط بیرون است.

در رابطه با زمینه‌های غیر خودساخته این گفته صحیح است که جامعه و محیط در کنترل ما نیست و ما نمی توانیم چنانکه خود می‌خواهیم آن را اصلاح کنیم؛ اما نباید خود، زمینه‌ای را فراهم کنیم که در حوزه‌ی اختیارات ما قرار دارد و بلایی بزرگ را با دست خود وارد خانواده‌ی خود سازیم و همچون مثالی که در این رابطه می‌گویند، نباید گوشت را در اختیار گربه گذاشت ! در مثال مناقشه‌ای نداریم، چون ما در جهت غرایز با حیوانات مشابهت داریم ؛ اما تفاوت در این است که ما می‌توانیم به شیوه‌ای خداپسندانه از غرایز استفاده کنیم که اگر اینگونه رفتار نکنیم، به فرموده‌ی قرآن از حیوانات هم پستتر می‌شویم. خداوند در آیه‌ی ۱۷۹سوره‌ی اعراف می‌فرماید:

﴿وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِّنَ الْجِنِّ وَالْإِنسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَّا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَّا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لَّا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَٰئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَٰئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ ﴿١٧٩﴾﴾

ما بسیاری از جنّیان و آدمیان را آفریده و (در جهان) پراکنده کرده‌ایم که سرانجام آنان دوزخ و اقامت در آن است. (این بدان خاطر است که) آنان دلهائی دارند که بدانها (آیات رهنمون به کمالات را) نمی‌فهمند، و چشمهائی دارند که بدانها (نشانه‌های خداشناسی و یکتاپرستی را) نمی‌بینند، و گوشهائی دارند که بدانها (مواعظ و اندرزهای زندگی‌ساز را) نمی‌شنوند. اینان (چون از این اعضاء چنان که باید سود نمی‌جویند و منافع و مضارّ خود را از هم تشخیص نمی‌دهند) همسان چهارپایانند و بلکه

سـرگشـته‌ترند (چرا که چهارپایان از سـنن فطرت پا فراتر نمی‌گذارند، ولی اینان راه افراط و تفریط می‌پویند). اینان واقعاً بی‌خبر (از صلاح دنیاو آخرت خود) هستند.

پس با این حال وقتی که عطش و علاقه‌ی شدید غریزه‌ی جنسی در وجود ما طوفان به پا می‌کند، چگونه می‌توان به خود اطمینان داد که بدون آسیب‌پذیری و صدمه دیدن، چنین زمینه‌ای را وارد منازل خود کنیم و با توجه به وضـعیت ایمانی موجود و کمبودهای ناشی از تزکیه و نیز بی‌تفاوتی در ارتباط با گناهان و معاصـی، بعید به‌نظر می‌رسد که بتوانیم در این زمینه موفق شویم.

۳-اغلب افرادی که در این مورد چنین پاسـخی را می‌دهند (که اصلاح و فساد در دست خود انسان است) بر این راه ثبات نداشته‌اند و به تدریج قربانی برنامه‌های مضـرّ ماهواره شده‌اند و در این زمینه افراد بسیاری بوده‌اند که در دام شیطان گرفتار آمده و اکنون از مسیر ایمان یا به طور کامل خارج شده‌اند و یا در حال خروج تدریجی و رهـا کردن آن مقدار اندک از ایمان خود هسـتند. پس با اینکه این مسائل را از نزدیک مشاهده می‌کنیم و اعتراف افراد زیادی را هم در این زمینه شـنیده‌ایم دیگر نیازی به خودفریبی و توجیه کار خویش نیست.

٤-برخی از بزرگان دینی که برای مدتی از ماهواره استفاده کرده و یا با خانواده‌هایی که این وسیله را داشته‌اند معاشرت و رفت‌وآمد کرده‌انـد، بر این نکتـه اقرار نموده‌انـد کـه افرادی که مدعی توانایی مقاومت در برابر چنین زمینه‌ی خطرناکی هسـتند و ضـمن ادعای

متأثر نشــدن، خود را در باقی‌ماندن در مســیر مســتقیم خدایی توانا می‌دانند، صادق نیستند. چون همین افراد خود به این مسئله معترف هســتند که زمانی که در آن موقعیت قرار گرفته‌اند توانایی کنترل آن را نداشته و از آن آسیب دیده‌اند. بدین خاطر بعضی از آنها از ترس اینکه نتوانســـته‌اند در برابر ماهواره مقاومت کنند، مجبور به حذف ماهواره از منازل خود شــده و اســتفاده از آن را کنار گذاشته‌اند و به نیز اعتراف کرده‌اند که ضــمن متأثر شدن از برنامه‌های ماهواره‌ای و ســـســـتی در عبادات، در روابط خانوادگی خویش نیز دچار مشــکل شده‌اند؛ به گونه‌ای که در برخی خانواده‌ها طلاق صورت گرفته و یا پناه بر خدا روابط نامشروعی در میان اعضای آنها انجام گرفته است، که این عوامل باعث ازهم پاشــیده شـــدن نظام خانواده در نتیجه‌ی استفاده‌ی نامشروع از برنامه‌های ماهواره‌ای شده است.

از این رو هر کس صــادقانه خواهان آگاهی از وضــعیت دیگران در ارتبـاط با ماهواره اســـت؛ باید به منازل چنین افرادی رفته و از افرادی که صــداقت و شهامت دارند پرس‌وجو نماید تا بر او آشکار گردد که چنین ســخنانی که بیان شــد اتهام و ادعا نیست، بلکه عین حقیقت اســت؛ چون با وضعیت ایمانی موجود تا اندازه‌ی محدودی قادر به ایســـتادگی و خویشـــتنداری هســـتیم،در نتیجه باید آماده‌ی رویارویی با چنین زمینه‌هایی بود.

۵-آنگونــه کــه نســـبــت به انســـان‌ها آگاهی داریم و از عالمان برجســـته‌ی دینی و غیردینی شــنیده‌ایم، انســان‌ها در مقابل غریزه‌ی نیرومند جنســی بسیار آسیب‌پذیر هستند و کمتر غریزه‌ای در وجود

انسـان موجود اسـت که تا این اندازه بر انسـان تسـلط و کشـش و جاذبه داشـته باشـد؛ از این رو به همان اندازه که این غریزه نیرومند است باید برای مصون ماندن ازآسیب‌های آن نیز کارها و فعالیت‌های بزرگ و گسترده‌تری انجام دهیم تا از گزند آن محفوظ بمانیم.

وجود ماهواره در منازل، منبع تحریک غرایز است و چنان تأثیری بر انسان می‌گذارد که به طور کلی در برابر این غریزه عاجز بماند و بـه مرور زمان این غریزه را به عنوان اله و فرمانروای خود برگزیند. و اگر ماهواره همچون روزگار ما به صـورت همگانی مورد استفاده قرار بگیرد، انسـان‌های بسـیار برجسـته هم از آسیب‌های آن مصون نخواهند ماند. در نتیجه همچنان که بیان شد برای محفوظ ماندن از چنین آسـیبهایی باید برنامه‌های مضـرّ آن را حذف کرد و اعضـای خانواده‌ها و سرپرستان آنها در استفاده‌ی صحیح از آن صادقانه رفتار کنند.

٦-پاسخ بعدی این است که هرگز نباید این نکته را فراموش کرد که تغییرات مثبت یا منفی در انسان به صورت دفعی وسریع صورت نمی گیرد، بلکه به صورت تدریجی روی می‌دهد، که عدم درک این مسئله بیشتر اوقات ما را فریب می‌دهد.

همچنانکه می‌دانیم خداوند متعال نظام هستی را بر پایه‌ی تدریج بنا نهاده اسـت و تغییرات به صـورت تدریجی در انسـان به وجود می‌آید. به عبارت دیگر حرکت انسـان به سـوی فسـاد یا اصـلاح همواره به مرور زمان و تدریجی صـورت گرفته و انسـان در اوایل

کار آن را احســـاس نمی‌کند؛ بلکه اندک اندک متوجه آنها می‌گردد. پس بـا این وجود افرادی کـه مـدّعی اســـتفـاده از مـاهواره بـدون تأثیرپذیری از آن هســـتند، در حقیقت این نکته را فراموش کرده‌اند که تغییرات، تدریجی و به مرور زمان صـورت می گیرد و میپندارند کـه مـاهواره زمانی بر آنها تأثیر می‌گذارد که بلافاصـــله بعد از یک مرتبه استفاده از آن، در محیط بیرون و منازل به ناموس مردم هجوم ببرند ! اما چنین تصـوّری اشـتباه اسـت بلکه تغییرات و تأثیرات به مرور زمـان و بعد از اســـتفاده‌های مکرّر از آن شـــکل می‌گیرد، به گونه‌ای که از آن پس از عبادات لذت برده نمی‌شـــود و به تدریج به سوی آن تمایل پیدا نمی‌گردد، نسبت به مجالس دینی رغبتی حاصل نمی‌شـــود، رفـت‌وآمـد به مســـاجد ترک می‌گردد و افراد الگو، از موقعیت خود محروم می‌گردند؛ به گونه‌ای که سخنانشان از آن پس تأثیری بر دیگران نمی‌گذارد، به نسبت تعهدات خانوادگی، مسئولیت خود را فراموش می‌کنند. همان گونه که متأسفانه افرادی بعد از تهیه و اســتفاده از ماهواره، همسران پاک و وفادار خود را طلاق می‌دهند و زندگی خانوادگی خویش را نابود می‌ســازند و به‌عبارتی همسری ماهواره‌ای بر می گزینند، که نمونه‌هایی از افراد سرشناس و مشهور به لحاظ دینی بوده‌اند که پس از چندین ســـال اســـتفاده از ماهواره، درصـــدد طلاق همسران خود برآمده‌اند و همسران فداکاری را که با تمـایـل و علاقـه‌ی خود انتخـاب کرده بودند، به دلیل اســـتفاده‌ی نادرســـت از ماهواره، طلاق داده و همســـران دیگری را برای ازدواج برگزیده‌اند.

اگر بـه موقعیـت کنونی خود بنگریم چنین تصـــور می‌کنیم کـه ماهواره بر ما تأثیری نگذاشـته است؛ در حالی که اگر زمینه برای ما فراهم گردد بـه وضـــعیـت ایمانی خود پی می‌بریم و آنگاه متوجه می‌شویم که توانایی و مقاومت در برابر چنین حالتی را نداریم، بلکه تغییرات به مرور زمان در ما صـــورت گرفته اســـت و با این وجود غرق گناه شـــده‌ایم و درصـــورت عدم توبه، بازگشـــتی هم برای ما وجود نخواهد داشـــت، در نتیجه دچار ســـنت اســـتدراج خداوند می‌گردیم و یکباره خداوند دنیا و قیامت را از ما می‌گیرد و شقاوت و خســران متوجه ما می‌شود. خداوند در این مورد در آیات ٤٤و٤٥ سوره‌ی قلم می‌فرماید:

﴿فَذَرۡنِي وَمَن يُكَذِّبُ بِهَٰذَا ٱلۡحَدِيثِۖ سَنَسۡتَدۡرِجُهُم مِّنۡ حَيۡثُ لَا يَعۡلَمُونَ ٤٤ وَأُمۡلِي لَهُمۡۚ إِنَّ كَيۡدِي مَتِينٌ ٤٥﴾

مرا واگـذار بـا آنـان کـه این کلام (آســـمـانی قرآن) را تکذیب می‌کنند. (من خود می‌دانم که با ایشان چه کار می‌کنم). ما آنان را انـدک بـه گونـه‌ای کـه در نیابند و از راهی که متوجّه نشـوند به سوی عذاب خواهیم کشاند. و به آنان فرصت می‌دهم (و در عذابشان شتاب نخواهم کرد). نقشه و چاره‌جوئی من دقیق و استوار است (و کسی از آن رهائی ندارد).

۷- برای آگـاهی از تغییرات به وجودآمده در خود، پرســـش از نزدیکان را به عنوان میزان انتخاب کنیم؛ یعنی از دوستان خود سوال کنیم که آیا روحیات دینی ما افزایش یافته، کم شـــده یا به طور کلی اثری از آن باقی نمانده است؟!

به جرأت می‌توان گفت در برخورد با اکثر افرادی که از ماهواره استفاده می‌کنند و با بررسی زندگی خانوادگی آنان، تغییرات و تأثیراتی منفی ملاحظه می‌گردد که دیگر آن شخص بسیار متعهد گذشته باقی نمانده‌اند، سخنان آنها تأثیر سابق را ندارد، در رفتارشان جذابیتی باقی نمانده است و در معاشرت با آنها لذّتی معنوی احساس نمی‌شود. همچنین اگر این مسئله با خود این افراد مطرح گردد، به آن اعتراف می‌کنند؛ اما اعتراف به تنهایی کافی نیست. چون این یکی از نقشه‌های شیطان است و باید به طور موقت و برای مدت زمانی از این وسیله که باعث تباهی زندگی آنها شده است دست بکشند و تا زمان کسب آمادگی لازم، از این وسیله استفاده نکنند تا بدین خاطر وضعیت ایمانی آنان به سمت رکود و تباهی نرود. این خسارت به وسیله‌ی هیچ چیزی جز توبه جبران نمی‌گردد و همانگونه که در اوایل به سوره‌ی عصر اشاره کردیم، اگر ایمان و عمل صالح را پیشه‌ی خود نسازیم؛زیانمند خواهیم شد.

ماهواره با توجه به وضعیت ایمانی موجود و برنامه‌های متنوع آن، آسیب‌های فراوانی را بر مردم تحمیل می‌کند که گرچه ظاهرا خداوند اکنون نسبت به اعمال ما عکس‌العمل خاصی نشان نمی دهد؛ اما پس از مرگ معلوم می‌شود که چه مصیبتی بر ما وارد شده است.

۸- دین اسلام در زمینه‌ی مسائل جنسی و زناء به ما امر می کند که از مقدماتشان خود را حفظ کنیم.

منظور از مقدمات آن اموری است که انسان را به زناء تحریک و نزدیک می‌کنند، که نگاه کردن و خلوت با نامحرم، عرضه و نمایش زیباییهای زنان، نشـان دادن اعمال زشت جنسی و... از این جمله‌اند که ماهواره قویترین زمینه برای فراهم کردن زناء اسـت و به شخص می آموزد که چنین زمینه‌ی هولناکی برای او امری عادی تصور شود ! و این تهدید بزرگی اسـت که باید نسبت به آن هوشیار بود. چون بر پایه‌ی فرموده‌ی پیامبر خدا (ص) تمام اعضـای انسـان در زناء سـهمی را شـامل می‌گردند. بنابراین درصـورت تعامل نادرسـت با نامحرمان، چشـم، گوش، پوسـت، لب، دسـت و هر یک از اعضای انسان هر کدام زناکار هستند و تنها شامل عضو اصلی تناسلی انسان نمی‌گردد و برای اینکه چنین گناه بزرگی انجام بگیرد همه‌ی اعضای انسـان به نحوی زمینه‌سـازی می‌کنند. در قضـیه ماهواره هم تمام زمینـه‌های یک زنای واقعی موجود می‌باشـد؛ به گونه‌ای که زنا در زندگی تبدیل به یک برنامه و روش برای افراد زیادی شده و روز به روز تعداد افراد پاک و صـالح کمتر می‌گردد و وضـعیت افراد به گونه‌ای گشـته اسـت که اغلب مردم بدین روش نامشـروع دچار شـده‌اند، یا در حال وارد شدن در این عرصه‌ی سهمناک هستند، که با به وجود آمدن چنین وضـعیتی، جامعه به سـوی فسـاد حرکت خواهد کرد و خوشبختی دنیا و آخرت نیز از انسان‌ها سلب می‌شود.

توجیه هشتم:

توجیه دیگری که افراد برای تهیه‌ی ماهواره از آن بهره می‌جویند این است که اگر استفاده از ماهواره آسیب‌زا می‌باشد، پس چرا عالمان دینی؛ همان کسانی که نقش الگو را برای مردم عادی دارا هستند؛ از این وسیله استفاده می‌کنند؟!

متأسفانه این مسئله یکی از خطرات بسیار بزرگ است که رجال و شخصیت‌های دینی متوجه اهمیت این نکته نباشند که کردار آنان تا چه اندازه در اصلاح یا فساد جامعه نقش دارد و در حقیقت چنین افرادی باید در آخرت پاسخگوی بخشی از اعمال و رفتار مردم باشند. این افراد باید مراقب باشند که فریب این آیه را نخورند که خداوند در آیه‌ی ۱۸سوره‌ی فاطر می‌فرماید:

﴿وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ ۚ وَإِن تَدْعُ مُثْقَلَةٌ إِلَىٰ حِمْلِهَا لَا يُحْمَلْ مِنْهُ شَيْءٌ وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ ۗ إِنَّمَا تُنذِرُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ ۚ وَمَن تَزَكَّىٰ فَإِنَّمَا يَتَزَكَّىٰ لِنَفْسِهِ ۚ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ ﴿١٨﴾﴾

هیچ گناهکاری بار گناه دیگری را به دوش نمی‌کشد، و اگر انسان سنگین‌باری کسی را برای حمل گناهانش به فریاد خواند، (او چنین کمکی را نمی‌تواند بکند و) چیزی از بار گناهانشان برداشته نمی‌شود، هر چند از نزدیکان و بستگان باشد. (ای پیغمبر! از عناد قوم خود ناراحت مباش) تو کسانی را (با این قرآن) می‌ترسانی که نهانی از پروردگارشان می‌هراسند و نماز را چنان که باید می‌خوانند. هر کس پاکی پیشه کند (و خویشتن را از کثافات معاصی پاکیزه دارد) پاکی او برای خودش است و

(خود از آن سود می‌برد. به هر حال) بازگشت (همگان، اعم از کافران و مؤمنان) به سوی خدا است (و سرانجام به حساب عاصی و مطیع خواهد رسید).

زیرا این قاعده مشمول اینگونه افراد نمی شود، بلکه چنین افرادی به خاطر اینکه نقش اساسی در تربیت و اصلاح جامعه دارند، اگر رفتار نامناسبی از آنان بروز یابد، گناه افرادی که تحت تأثیر رفتارآنان قرار می‌گیرند نیز بر عهده‌ی آنان قرارمی گیرد. چون مردم به پیروی از ایشان، آن عمل را انجام داده‌اند. برعکس، اگر چنین افرادی رفتار صالح و نیکی را از خود بروز دهند، در اعمال خیر دیگران هم شریک می‌گردند.

قاعده‌ی قرآنی فوق بیشتر شامل افراد عادی می‌شود که از همدیگر متأثر نمی‌گردند و نقش الگو بودن را برای یکدیگر ندارند، در حالی که بزرگان و افراد الگو، ضمن حمل بار گناه خود، بار کسانی را هم که از آنها پیروی کرده‌اند، حمل می‌کنند.

بنابراین افرادی که به عنوان عالم دینی موجب عادی شدن تهیه‌ی ماهواره برای مردم شده‌اند و اکنون در منازل آنها هم مورد استفاده قرار می‌گیرد، که آنها نیز نتوانسته اند به صورت خداپسندانه از این وسیله استفاده کنند و با این کار باعث هجوم سیل‌آسای مردم به سوی این وسیله شده‌اند و عملاً در آن همه فسادی که در اثر ماهواره متوجه روح و روان و جسم مردم می‌گردد، شریک هستند و در آخرت هم باید پاسخگو باشند.

این تذکّر و هشداری به بزرگان و رجال دینی است که نسبت به اعمال و رفتار خود آگاه و هوشیار باشند و خود را فریب ندهند،

چون ممکن است که یک عمل آنها، باطل‌کننده‌ی اعمال صالح گذشته‌شان شود و خسارت بسیار بزرگی متوجه آنان گردد.

در این رابطه شش پاسخ برای این توجیه در نظر گرفته شده که به اختصار بیان می‌گردد:

۱-تمام توصیه‌ها، تحذیرات و هشدارهایی که در زمینه‌ی خطرات ماهواره بیان گردید، شامل افراد بزرگ و عالمان دینی هم می‌شود. چون ممکن است چنین افرادی توانایی کنترل خود و خانواده‌ی خویش را در برابر چنین وسیله‌ای نداشته باشند و مردم را نیز وادار به این کار کنند، در نتیجه احتمال آسیب و خطر، برای این دسته از افراد بیشتر است و همانگونه که بیان گردید مخاطب اصلی ما، بزرگان و عالمان دینی هستند و مردم عادی پس از آنان مورد خطاب قرار می‌گیرند.

۲-در کار مضرّ و نامشروع نباید از هیچگونه فردی تبعیت کرد. در این زمینه حدیثی موجود است که می‌فرماید: «لا طاعَةَ لِمَخلوقٍ فی مَعصِیَةِ الخالق» «اطاعت کردن از هیچ فردی - اگرچه دارای موقعیتی جهانی باشد و تمام مردم او را به عنوان انسانی صالح بپذیرند - در صورت انجام کاری خلاف موازین شرع - در آن کار جایز نیست. » زیرا ما در این حالت معیاری دینی در اختیار داریم و فقط در امور نیک مجاز به پیروی از دیگران هستیم.

۳-برخی افراد با بیان این توجیه، می‌خواهند خود را در آخرت نجات دهند. اما نمی‌توان به این عذر امیدوار بود. چون در قرآن، میزان محاسبه‌ی خدایی در آخرت، آگاهی و معرفت افراد است و

اگر بر ما مشخص گردید که در نتیجه‌ی استفاده از ماهواره، عواقب خطرناکی در انتظار ما است؛ دیگر نمی‌توان این توجیه را برای تهیه‌ی ماهواره بیان کرد که چون فلان عالم دینی هم از ماهواره استفاده می‌کند، پس من نیز مجاز به انجام این کار هستم !

اگر برخی افراد ناآگاه از محاسبه‌ی قیامت نجات یابند، عالمان و بزرگان دینی درصورت تعامل نامشروع با ماهواره نه تنها نجات پیدا نمی‌کنند؛ بلکه بدبختی و شقاوت در دنیا و قیامت را متوجه خود می‌سازند.

پس برای آگاه ساختن مردم از خطرات بزرگ ماهواره، باید عالمان و بزرگان دین نسبت به رفتار و کردار خود دقت نمایند و تا زمانی که توانایی استفاده‌ی درست و صحیح از این وسیله را پیدا نکرده‌اند، در تهیه و تبلیغ آن اقدام نکنند تا بدین خاطر مردم به تدریج متوجه این خطرات شوند و تا زمانی که آمادگی لازم برای استفاده از چنین وسیله‌ای را پیدا نکرده‌اند؛از آن صرف‌نظر نمایند و در تدارک استفاده از آن برنیایند.

٤- افرادی که مردم آنها را به عنوان الگو و سرمشق می‌شناسند، با توجه به رفتار ظاهریشان می‌توان نتیجه گرفت که نمی‌توانند از ماهواره به خوبی استفاده کنند، همچنین در زمان دعوتگری و سخنرانیهای خود نمی توانند مضرّات برنامه‌های ماهواره‌ای را برای مردم بیان دارند؛ چون فعلاً خود از ماهواره و برنامه‌های آن استفاده می‌کنند. به این علت تمام بحث‌ها و سخنانی که از سوی آنان

خطاب به مردم صورت می‌گیرد، بی‌تأثیر می‌ماند؛ چون تبلیغ و دعوتگری، تنها سلاح این افراد است و اگر به خاطر استفاده‌ی نادرست از ماهواره این سلاح از آنان گرفته شود، برای آنان چیز دیگری باقی نمی‌ماند و مردم هم توان اصلاح خود را از دست می‌دهند.

۵- بزرگان دینی در اثر استفاده‌ی نادرست از ماهواره، وجاهت و تأثیرگذاری پیشتر خود را بر روی افراد از دست می‌دهند؛ بلکه حتی باید افرادی در جهت اصلاح آنها تلاش کنند. به قول شاعر:

هرچه بگندد نمکش می‌زنند وای به روزی که بگندد نمک

بیان ما تمام آن افرادی را که از ماهواره استفاده می‌کنند شامل نمی‌شود و نمی‌توان همه را به استفاده‌ی نادرست از ماهواره متهم کرد. اما افرادی که روش خداپسندانه را در ارتباط با ماهواره در پیش گرفته‌اند به قدری اندک و محدود هستند که در برابر جمعیت عادی مسلمانان چشمگیر نیستند و اگر چه اکنون افرادی وجود دارند که همراه با خانواده‌های خود به صورت متقیانه و متعهدانه از این وسیله استفاده می‌کنند و خود را از برنامه‌های مضرّ آن مصون می‌دارند؛ اما غالب افراد این گونه نیستند و اکثر افرادی که در میان مردم به بزرگی مشهورند، بدون مبالات از کنار برنامه‌های آفت‌زا و نامشروع ماهواره عبور می‌کنند و تا زمانی که به آنها هشدار داده نشود چنین برنامه‌هایی را در مسیر زندگی خود کنار نمی‌گذارند. زیرا چنین استفاده‌های نادرستی برای آنان عادی گشته است و اگرچه با زبان، خلاف آن را ادعا می‌کنند؛ اما زمانی که وضعیت

موجود آنان نشانگر تعامل نادرست با ماهواره است، بر ما آشکار می‌گردد که چنین افرادی مدت زمان مدیدی است که بدون احتیاط از کنار این موضوع عبور می‌کنند. لذا به تدریج از بزرگی و شأن این افراد کاسته می‌شود. اینان زمانی بزرگ و الگو بوده‌اند که تقوا داشته‌اند. چون با کرامت‌ترین انسان‌ها نزد خداوند، با تقواترین آنها است. خداوند در این رابطه در آیه‌ی ۱۳سوره‌ی حجرات می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ ﴿١٣﴾﴾

ای مردمان! ما شما را از مرد و زنی (به نام آدم و حواء) آفریده‌ایم، و شما را تیره تیره و قبیله قبیله نموده‌ایم تا همدیگر را بشناسید (و هر کسی با تفاوت و ویژگی خاص درونی و بیرونی از دیگری مشخص شود، و در پیکره جامعه انسانی نقشی جداگانه داشته باشد). بی‌گمان گرامی‌ترین شما در نزد خدا متقی‌ترین شما است. خداوند مسلّماً آگاه و باخبر (از پندار و کردار و گفتار شما، و از حال همه‌کس و همه چیز) است.

در نتیجه‌ی استفاده‌ی مداوم و نادرست از ماهواره، روح انسان سقوط می کند و دیگر آن انسان بزرگ پیشتر باقی نمی‌ماند و جدای از اینکه توانایی اصلاح دیگران را از دست می‌دهد؛ خود نیز نیازمند فردی می‌شود که وی را اصلاح کند !

٦- در روایتی پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: اگر جامعه‌ای فاسد شود علمای دین و زنان آن را فاسد کرده‌اند و اگر جامعه‌ای هم اصلاح گردد، علما و زنان آن جامعه، آن را اصلاح کرده‌اند.

در روایتی دیگر می‌فرماید: اصلاح یا فساد جامعه‌ای با اصلاح یا فساد امرا و علما و زنان ارتباط دارد.

پس با این وجود باید بزرگترین گامهای اصلاحی از بزرگان شروع شود. چون آنان به دلیل الگو و سرمشق بودن برای مردم می‌توانند امت فاسد را اصلاح کنند. از این رو می‌بایست قبل از هر چیز این گونه افراد اصلاح گردند تا پایه‌های جامعه استحکام بیشتری داشته باشد.

توجیه نهم:

آخرین عذری که افراد جامعه برای تهیه‌ی ماهواره بیان می‌کنند این است که هزینه‌ی تهیه‌ی ماهواره ازتهیه‌ی دستگاه سی‌دی (CD) و لوح‌های فشرده کمتر است، که ما پس از تحقیق و پرسش از افرادی که هر دو وسیله- ماهواره و سی‌دی (CD) - را دارند، متوجه شده‌ایم که هزینه‌ی تهیه‌ی دستگاه سی دی و لوحهای فشرده‌ی آن بسیار کمتر از خرید ماهواره و متعلقات و تعمیرات آن است و همانگونه که قبلاً بیان شد با وضعیت ایمانی موجود، استفاده از وسایل جایگزینی همچون سی‌دی (CD) نیاز به ماهواره را برای ما تأمین می‌کند.

شیوه‌ی استفاده‌ی کشورهای غربی از ماهواره

بعد از بیان این مطالب، لازم است اشاره‌ای هم به نحوه‌ی استفاده‌ی اروپاییان و نیز مردم کشور چین از ماهواره داشته باشیم. از دوستانی که به کشورهای اروپایی و جنوب شرق آسیا مسافرت کرده‌اند درباره‌ی نحوه استفاده از ماهواره در این سرزمینها سوال شده که نکات قابل توجهی در این زمینه بیان گردیده است. از جمله اینکه در کشور وسیع و پرجمعیت چین از سی شبکه‌ی ماهواره‌ای که کل برنامه‌های این کشور را شامل می‌شود، تنها از ۳۶ برنامه‌ی آن در این سرزمین استفاده می‌شود و سایر شبکه‌ها به وسیله‌ی ماهواره‌های فضایی فیلتر شده و به هیچ وجه در کشور چین دریافت و پخش نمی‌گردند و جالب اینکه به گفته‌ی این افراد از ۳۶ شبکه‌ی مجاز و قابل استفاده در چین، ۳۵ شبکه‌ی آن، برنامه‌های تلویزیونی خود کشور چین است و تنها شبکه‌ی خارجی آن از شهر تجاری دبی گرفته شده و آن هم مربوط به بازارهای جهانی و معاملات اقتصادی است.

پس قابل توجه است که کشوری بی‌باور به معتقدات دینی، چگونه از خطر فساد اخلاقی مردم خود وحشت دارد و به خاطر اینکه عقب‌ماندگی‌های گذشته‌ی خود را دوباره تکرار نکند، اکنون

با کنترل شـــدید در این زمینه، در حال به دســـت گرفتن بازارهای اقتصـادی جهان اســت و در تمام زمینه‌ها در حال رشـد و پیشرفت اســت و تلاش می‌کند ازطریق ریشـــه‌کن کردن فســاد اخلاقی راه پیشرفت را فراختر و هموارتر سازد.

بنـابراین با وجود چنین تعامل و برخوردی با ماهواره ازســوی کشــور چین، بر مســلمانان به طریق اولی لازم اســت که بیشــتر از کشورهای بی‌باور، خطر این نوع بی‌اخلاقی و انحراف را درک کنند و اگر خواهان پیشــرفت و قدرت اقتصــادی هســتند باید از فســاد اخلاقی و هر وسیله‌ای که این فساد را به دنبال دارد پرهیز کنند.

همچنین دربـاره نحوه اســتفـاده‌ی اروپـاییان از ماهواره، چنان مرســوم اســـت کـه برنـامـه‌های ماهواره‌ای باید همچون اینترنت خریداری گردند و برای استفاده از هر برنامه‌ای باید ابتدا هزینه‌ی آن پرداخت شــود و همچون کشــورهای اســلامی عمل نمی‌کنند که به صــورت رایگان چندین هزار شبکه را در اختیار داشته باشند. از این رو به نظر می‌رسد که ما از دیدی تیزبین و دقیق محروم هستیم، زیرا آن همه هزینه‌ای که صـــرف تهیه‌ی برنامه‌های ماهواره‌ای می‌شـــود نبـایـد بـه صـــورت رایگـان در اختیار ما قرار بگیرد، بلکه اینگونه برنـامـه‌های فســـادانگیز از طرف دشـــمنان دین همچون یهودیان، مسیحیان، مشرکان و سکولارها تهیه می‌گردد و با این کار می‌خواهند ما را به طور کلی از مسـیر اصـلی خود سـرگردان و آشـفته سازند. بنابراین ما باید در مقابل چنین برخوردهایی به صـورت هوشمندانه دوست را از دشمن بازشناسیم و به نصایح قرآنی چنگ بزنیم.

خداوند، ما را در یکی از اندرزهایش در آیه‌ی ٦٠ سوره‌ی انفال راهنمایی نموده و می‌فرماید:

﴿وَأَعِدُّوا۟ لَهُم مَّا ٱسْتَطَعْتُم مِّن قُوَّةٍ وَمِن رِّبَاطِ ٱلْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِۦ عَدُوَّ ٱللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَءَاخَرِينَ مِن دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ ٱللَّهُ يَعْلَمُهُمْ ۚ وَمَا تُنفِقُوا۟ مِن شَىْءٍ فِى سَبِيلِ ٱللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنتُمْ لَا تُظْلَمُونَ ۝٦٠﴾

برای (مبارزه با) آنان تا آنجا که می‌توانید نیروی (مادی و معنوی) و (از جمله) اسبهای ورزیده آماده سازید، تا بدان (آمادگی و ساز و برگ جنگی) دشمنِ خدا و دشمن خویش را بترسانید، و کسان دیگری جز آنان را نیز به هراس اندازید که ایشان را نمی‌شناسید و خدا آنان را می‌شناسد. هر آنچه را در راه خدا (از جمله تجهیزات جنگی و تقویت بنیه دفاعی و نظامی اسلامی) صرف کنید، پاداش آن به تمام و کمال به شما داده می‌شود و هیچ گونه ستمی نمی‌بینید.

آنچه در این آیه مورد نظر است فرمانی است که ازسوی خداوند به مسلمانان ابلاغ می‌گردد مبنی بر اینکه هر آنچه در زمینه‌ی نیرو و توان از تمام جهات مادی ومعنوی لازم است برای خود آماده کنید تا دشمنان از شما حساب ببرند. پس وسیله‌ای همچون ماهواره که وارد زندگی مسلمانان شده –و قطعاً سازندگان آن هم از غیرمسلمانان هستند –است غیر از اهداف مفید، اهداف پلید و زشتی را هم در محور کار خود دارند که می‌خواهند با تبلیغ فرهنگ و برنامه‌های خویش، مسلمانان را از مسیر خود منحرف سازند. در

نتیجه با جرات می‌توان آن را جنگی فرهنگی دانست که باید خود را در برابر آن بــه خوبی آمـاده کنیم و آمـادگی و نیروی لازم رابرای مقابله با آن به دست آوریم.

راهکارهای برخورد با ماهواره

در این بخش هشت راهکار مختصر برای برخورد با ماهواره در نظر گرفته شده که ممکن است افرادی که تاکنون چندان در مورد جوانب مختلف ماهواره تفکروتحقیق نکرده‌اند، از این طریق، خطر را در منازل خود احساس کنند و به فکر یافتن راه رهایی از این معضل و آسیب برآیند.

عمل کردن به برخی از این راهکارها دشواراست و نیاز به تلاش و همت فراوان دارد و برخی از آنها هم برای هر فردی عملی و قابل اجرا است و تا اندازه‌ای می‌توان از آسیب‌ها و زیان‌های موجود کاست.

۱–اولین راهکار این است که زمان پخش برنامه‌های مفید و قابل استفاده‌ی ماهواره را به خاطر سپرد و یادداشت کرد تا با این کار مجبور نگردیم که در کنار ماهواره منتظر شروع برنامه‌ی مورد نظرخود بمانیم و برنامه‌های دیگر را هم به ناچار مشاهده کنیم؛ بلکه ما باید تنها در زمان شروع برنامه‌ی مفید وارد ماهواره شویم و از آن استفاده کنیم.

۲–راهکار دیگر این است که مردم به وسیله‌ی نمایندگان خود از دولت متبوع خویش بخواهند فناوری ساخت ماهواره را تهیه و به

کار گیرند، اگرچه در این راستا هزینه‌ی گزافی را هم متحمل گردند، اما با این کار برنامه‌های مضرّ ماهواره‌ای فیلتر می‌گردد تا بدین خاطر توان استفاده و دسترسی به این نوع برنامه‌ها برای افراد میّسر نگردد. همانگونه که در کشور چین این کار عملی شده است.

پس باید نمایندگان مردم این کار را همچون پروژه‌ای در دستور کار خود قرار دهند و دولت هم از تمام استعدادهای موجود در کشور استفاده کند تا ابزار و وسایل مورد نیاز این کار مبارک فراهم گردد. چون این کار برای کشورهای اسلامی جزو ضروریات و نیازهای اولیه از جهت فرهنگی برای تزکیه، تربیت و حفظ ایمان مسلمانان به شمار میرود.

۳- راهکار دیگر این است که سرپرستان خانواده‌ها با اعضای خانواده‌ی خود مشاوره، گفتگو و روشنگری نمایند و همدیگر را در جهت حذف برنامه‌های مضرّ از ماهواره‌ی خود حمایت و پشتیبانی کنند.

٤-از تجارب قبلی استفاده کنندگان از ماهواره کمک گرفته شود و خودخواهانه و بدون اطلاع دقیق و تحقیق و پرسش از افراد صادق و منصف، برای تهیه‌ی این وسیله اقدامی صورت نگیرد.

٥-از جایگزین‌ها و بدیل‌های برنامه‌های ماهواره‌ای نظیر سی‌دی (CD)، اینترنت، رادیو، روزنامه، مجلات و... - تا زمان کسب آمادگی استفاده از ماهواره - کمک بگیریم، تا بدین وسیله هم از مسائل روز آگاه شویم و هم اینکه از کاروان تمدن بشری عقب نمانیم.

۶-راهکار دیگر این اســت که به مردم فرصــت داده شــود که به تدریج از مضــرّات ماهواره فاصله بگیرند. چون ممکن است یکباره توانایی کنارگذاشــتن آن را نداشــته باشــند. پس باید به آرامی وبه تــدریج مصـــالح مورد نیــاز در میان مردم مطرح گردد تا خطر این مســئله به مرور زمان احســاس شود و در مردم عزم قاطعی را برای حذف آن ایجاد نماید.

۷-در صــورت امکان وجود تلویزیون اضــافی در منازل، ماهواره در اتاقی مخصــوص و دور از دســترس اعضای خانواده قرار بگیرد، به گونه‌ای که تنها با مدیریت ســرپرست خانواده و در اوقات معینی به صورت جمعی از برنامه‌های مفید آن استفاده گردد.

۸-مهمترین و آخرین راهکــار که راهکاری همیشــگی اســـت، تقویت مداوم ایمان دینی اســـت که باید یک لحظه هم از آن غافل نباشیم و تنها ازآنچه که ایمان ما را تقویت می‌کند، تبعیت کنیم و هر آنچه را که تضعیف کننده‌ی ایمان است، رها کنیم.

راه‌حل نهایی در تعامل با ماهواره

در نهایت راه‌حل نهایی برای مسلمانان در ارتباط با ماهواره، این است که هر زمانی سرپرستان و اعضای خانواده‌ها توانایی اجرای اصول استفاده‌ی صحیح از ماهواره را به دست آوردند و صادقانه به چنین استفاده‌ای اطمینان حاصل کردند، در این صورت چنین استفاده‌ای مبارک است؛ اما اگر اینگونه نبود و فرد یا اعضای خانواده توانایی اجرای صحیح استفاده از ماهواره را نداشتند، باید تا زمانی که آمادگی لازم را کسب نکرده‌اند از تهیه‌ی آن خودداری ورزند و یا درصورت وجود ماهواره در خانه، استفاده‌ی از آن متوقف گردد. البته این امر، راه‌حلی خداپسندانه است که برای تأیید آن آیاتی از قرآن پیشتر نیز بیان گردید و در پایان هم برای برکت بیشتر به آیاتی دیگر، اشاره می‌کنیم: خداوند در آیات ۳۰تا۳۳سوره‌ی فصلت می‌فرماید:

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ قَالُواْ رَبُّنَا ٱللَّهُ ثُمَّ ٱسْتَقَٰمُواْ تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ ٱلْمَلَٰٓئِكَةُ أَلَّا تَخَافُواْ وَلَا تَحْزَنُواْ وَأَبْشِرُواْ بِٱلْجَنَّةِ ٱلَّتِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ ۝٣٠ نَحْنُ أَوْلِيَآؤُكُمْ فِي ٱلْحَيَوٰةِ ٱلدُّنْيَا وَفِي ٱلْأٓخِرَةِ وَلَكُمْ فِيهَا مَا تَشْتَهِيٓ أَنفُسُكُمْ وَلَكُمْ فِيهَا مَا

تَدَّعُونَ ﴿٣١﴾ نُزُلًا مِنْ غَفُورٍ رَحِيمٍ ﴿٣٢﴾ وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَعَمِلَ صَالِحًا وَقَالَ إِنَّنِي مِنَ الْمُسْلِمِينَ ﴿٣٣﴾﴾

کسانی که می‌گویند: پروردگار ما تنها خدا است، و سپس (بر این گفته خود که اقرار به وحدانیّت است‌می‌ایستند، و آن را با انجام قوانین شریعت عملاً نشان می‌دهند، و بر این راستای خداپرستی تا زنده‌اند) پابرجا و ماندگار می‌مانند (در هنگام آخرین لحظات زندگی) فرشتگان به پیش ایشان می‌آیند (و بدانان مژده می‌دهند) که نترسید و غمگین نباشید و شما را بشارت باد به بهشتی که (توسّط پیغمبران) به شما (مؤمنان) وعده داده می‌شد. (و فرشتگان بدیشان خبر می‌دهند که) ما یاران و یاوران شما در زندگی دنیا و در آخرت هستیم، و در آخرت برای شما هرچه آرزو کنید هست، و هرچه بخواهید برایتان فراهم است. اینها به عنوان پذیرائی از سوی خداوند آمرزگار و مهربان است. گفتار چه کسی بهتر از گفتار کسی است که مردمان را به سوی خدا می‌خواند و کارهای شایسته می‌کند و اعلام می‌دارد که من از زمره مسلمانان (و منقادان اوامر یزدان) هستم؟

ضمناًدر آیات ۴۰تا۴۷سوره‌ی مدثرمی فرماید:

﴿فِي جَنَّاتٍ يَتَسَاءَلُونَ ﴿٤٠﴾ عَنِ الْمُجْرِمِينَ ﴿٤١﴾ مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرَ ﴿٤٢﴾ قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ ﴿٤٣﴾ وَلَمْ نَكُ نُطْعِمُ الْمِسْكِينَ ﴿٤٤﴾ وَكُنَّا نَخُوضُ مَعَ الْخَائِضِينَ ﴿٤٥﴾ وَكُنَّا نُكَذِّبُ بِيَوْمِ الدِّينِ ﴿٤٦﴾ حَتَّى أَتَانَا الْيَقِينُ ﴿٤٧﴾﴾

آنان در باغهای بهشت بسر می‌برند، و (از دوزخیان) می‌پرسند. از بزهکاران و گناهکاران (می‌پرسند). چه چیزهائی شما را به دوزخ کشانده است و بدان انداخته است؟ می‌گویند: (در جهان) از زمره نمازگزاران نبوده‌ایم. و به مستمند خوراک نمی‌داده‌ایم. و ما پیوسته با باطلگرایان (هم‌نشین و هم‌صدا می‌شده‌ایم و به باطل و یاوه و عیبجوئی) فرو می‌رفته‌ایم. و روز سزا و جزای (قیامت) را دروغ می‌دانسته‌ایم. تا مرگ به سراغمان آمد.

همچنین در آیه‌ی ۲۹سوره‌ی انسان می‌فرماید:

﴿إِنَّ هَٰذِهِۦ تَذۡكِرَةٞۖ فَمَن شَآءَ ٱتَّخَذَ إِلَىٰ رَبِّهِۦ سَبِيلٗا ٢٩﴾

این (آیه‌ها) اندرز و یادآوری (برای جهانیان) است، و هرکس که بخواهد (می‌تواند با استفاده از آن) راهی به سوی پروردگارش برگزیند، (راهی که او را به آمرزش و بهشت خدا می‌رساند).

خوانندگان گرامی! بیشتر مطالبی که بیان گردید برای اکثریت ما یادآوری و تذکر بود و ممکن است برای عده ای دیگر مطالب تازه‌ای باشد؛ اما آنچه که مسلّم است، یادآوری برای مؤمنان همواره سومند بوده و هست. همچنانکه خداوند در آیه‌ی ۵۵سوره‌ی ذاریات می‌فرماید:

﴿وَذَكِّرۡ فَإِنَّ ٱلذِّكۡرَىٰ تَنفَعُ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ٥٥﴾

پند و اندرز بده، چرا که پند و اندرز به مؤمنان سود می‌رساند (و کاری می‌کند که خدا را فراموش نکنند، و پیوسته بر ایمان و یقینشان بیفزایند).

از این رو ما نیز به یادآوری این مطالب مبادرت ورزیدیم تا هر کس که خود را دوست دارد، فرامین الهی را اجرا کند تا بدین وسیله

در هر دو جهان رستگار شود و هر کس نسبت به آن بی‌تفاوت است باید منتظر سرانجام ناگواری برای خود باشد، که قطعاً زیان این کار در ابتدا متوجه خود او می‌گردد و در نهایت افراد جامعه را دچار می‌کند. به قول شیخ سعدی:

مراد ما نصیحت بود و گفتیم حوالت با خدا کردیم و رفتیم

درخاتمه از خداوند منان خواهانیم که بر این اثر ناچیز خلعت اخلاص بپوشاند و آن را منشا اثر نماید. ان شاءالله. وکلام خود رابادعاهایی از قرآن ختم می‌کنیم تا خداوند ما را همچون گذشته مورد عنایت خاص خویش قرار دهد.

﴿وَمِنْهُم مَّن يَقُولُ رَبَّنَآ ءَاتِنَا فِى ٱلدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِى ٱلْـَٔاخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ ٱلنَّارِ ۝٢٠١﴾[1]

و برخی از آنان می‌گویند: پروردگارا! در دنیا به ما نیکی رسان و در آخرت نیز به ما نیکی عطاء فرما (و سرای آجل و عاجل ما را خوش و خرّم گردان) و ما را از عذاب آتش (دوزخ محفوظ) نگاهدار.

﴿ٱلَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَآ إِنَّنَآ ءَامَنَّا فَٱغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَقِنَا عَذَابَ ٱلنَّارِ ۝١٦﴾[2]

و همان کسانی که (ایمان، دل آنان را لبریز می‌سازد و فریاد برمی‌آورند و) می‌گویند: پرودگارا! ما ایمان آورده‌ایم، پس گناهان

[1]. بقره ۲۰۱

[2]. آل عمران-۱۶

ما را ببخش و ما را از عذاب آتش (دوزخ) به دور دار.

﴿رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِن لَّدُنكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنتَ الْوَهَّابُ ۝٨﴾[1]

(چنین فرزانگـان خردمنـدی می‌گوینـد:) پروردگارا! دلهای ما را (از راه حق) منحرف مگردان بعد از آن که ما را (حلاوت هدایت چشـانده و به سـوی حقیقت) رهنمود نموده‌ای، و از جانب خود رحمتی به ما عطاء کن. بیگمان بخشایشگر توئی تو.

﴿لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا ۚ لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ ۗ رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِن نَّسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا ۚ رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إِصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِنَا ۚ رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ ۖ وَاعْفُ عَنَّا وَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا ۚ أَنتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ ۝٢٨٦﴾[2]

خـداونـد به هیچ کس جز به اندازه توانائیش تکلیف نمی‌کند (و هیچ‌گـاه بـالاتر از میزان قـدرت شـخص از او وظائف و تکالیف نمی‌خواهـد. انســان) هر کـار (نیکی که) انجام دهد برای خود انجـام داده و هر کار (بدی که) بکند به زیان خود کرده اسـت. پروردگـارا! اگر مـا فراموش کردیم یا به خطا رفتیم، ما را (بدان) مگیر (و مورد مؤاخـذه و پرس و جو قرار مـده)، پروردگـارا! بـار

---

[1]. آل عمران -۸

[2]. بقره -۲۸۶

سنگین (تکالیف دشوار) را بر (دوش) ما مگذار آن چنان که (به خاطر گناه و طغیان) بر (دوش) کسانی که پیش از ما بودند گذاشتی. پروردگارا! آنچه را که یارای آن را نداریم بر ما بار مکن (و ما را به بلاها و محنتها گرفتار مساز) و از ما درگذر و (قلم عفو بر گناهانمان کش) و ما را ببخشای و به ما رحم فرمای. تو یاور و سرور مائی، پس ما را بر جمعیّت کافران پیروز گردان.

﴿فَقَالُواْ عَلَى ٱللَّهِ تَوَكَّلْنَا رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِّلْقَوْمِ ٱلظَّٰلِمِينَ ﴿٨٥﴾﴾[1]

پس مؤمنان گفتند: بر خدا توکّل می‌کنیم و بس. پروردگارا! ما را (وسیله) آزمون مردمان ستمکار و (اماج) بلا و آزار کافران (بدکردار) مساز.

﴿وَٱلَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَٰجِنَا وَذُرِّيَّٰتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَٱجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا ﴿٧٤﴾﴾[2]

و کسانیند که می‌گویند: پروردگارا! همسران و فرزندانی به ما عطاء فرما (که به سبب انجام طاعات و عبادات و دیگر کارهای پسندیده، مایه سرور ما و) باعث روشنی چشمانمان گردند، و ما را پیشوای پرهیزگاران گردان (به گونه‌ای که در صالحات و حسنات به ما اقتداء و از ما پیروی نمایند).

﴿وَلَمَّا بَرَزُواْ لِجَالُوتَ وَجُنُودِهِۦ قَالُواْ رَبَّنَآ أَفْرِغْ

---

[1]. یونس -۸۵
[2]. فرقان -۷۴

عَلَيْنَا صَبْرًا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ ﴿٢٥٠﴾﴾[1]

و هنگامی که در برابر جالوت و سپاهیان او قرار گرفتند (و لشکریان فراوان و ساز و برگ مجهز جنگی ایشان را دیدند، به آفریدگار خویش پناه بردند و) گفتند: پروردگارا! (بر دلهایمان آب) صبر و شکیبائی بریز و گامهایمان را ثابت و استوار بدار و ما را بر جمعیّت کافران پیروز گردان.

﴿وَمَا تَنقِمُ مِنَّا إِلَّا أَنْ آمَنَّا بِآيَاتِ رَبِّنَا لَمَّا جَاءَتْنَا رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَتَوَفَّنَا مُسْلِمِينَ ﴿١٢٦﴾﴾[2]

ایراد تو بر ما و آزار رساندن تو به ما جز به خاطر این نیست که ما به آیات روشن و معجزات متقن پروردگارمان - وقتی که به ما رسیده است‌ایمان آورده ایم (و فرمان خدای خود را لبّیک گفته‌ایم). پروردگارا ! صبر عظیم به ما مرحمت فرما و ما را مسلمان بمیران.

وآخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین

[1]. بقره -۲۵۰

[2]. اعراف -۱۲۶

فهرست منابع و مآخذ

مفردات قرآن؛ الدکتورمحمدحسن الحمصی

بندگی خدا؛ استادناصرسبحانی

حدود خسارت جهان وانحطاط مسلمین؛ ابوالحسن ندوی

مسئله‌ی حجاب؛ مرتضی مطهری

حجاب؛ ابوالاعلی مودودی

عبادت دراسلام؛ دکتریوسف قرضاوی

جامعه شناسی تاریخی زن؛ محمد قطب

سیمای صابران در قرآن؛ دکتریوسف قرضاوی

انسان درجستجوی خوشبختی؛محمد حامدی

آسیب شناسی مفاهیم دینی؛ محمد حامدی

چرامعامله باخداوند؛ محمد حامدی

مشکلات جنسی جوانان؛ محمد حامدی

روابط دختران وپسران؛ محمد حامدی

استماع برنامه‌های تلویزیونی

ماهـــواره

در ترازوی عقل و دین

ترکیب نور، رنگ، و تصویر ذاتاً امری ناپسند و ناخرسند کننده نیست. اما گاهی که این مثلث با «پیام» خاصی همراه شود، از مثلث برمودا نیز خطرناک‌تر می‌گردد!

مسئله‌ی خطر نیز نه از آن رو است که وحشتی ایجاد شود که به آن نزدیک نشویم؛ زیرا فرار از مواجهه با خطر تنها یکی از راه‌ها مقابله با آن است. در حالی که دو راه اصلی دیگر نیز باقی است: یا باید از اساس آن را حذف کرد یا با «آگاهی» و «بصیرت» با آن مواجه شد.

در این کتاب راه سوم پیشنهاد می‌شود تا ضمن برخورداری از برکات و حسنات ابزار مهمی به نام ماهواره، از بدی‌ها، آفات و آسیب‌های آن بر کنار و برحذر بود.

ناشر


ISBN 600684071-5
9786006840710



انتشارات آراس
Aras Publication